

با جمعه کوششانی که در سالهای اخیر برای تحقیق و جمع آثار گرانمای ادبیات هزار ساله فارسی انجام گرفته و صد ها کتاب در ساله پراورش از دانشمندان و نویسندگان شاعران این سرزمین انتشار یافته است هنوز کار ناکرده بسیار است. درباره نکات و دقائق زبان فارسی هزاران نکته هست که باید با روش علمی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد و هزاران کتاب خطی در کتابخانه های داخل و خارج کشور موجود است که هنوز منتشر نشده و در دسترس دانش پژوهان قرار نگرفته است. بسیاری از متون و کیفیت ادبیات ایران نیز اگرچه مکرر صورت طبع یافته باید با دقت بیشتری تصحیح و متنوع شود.

یکی از وظایف بنیاد فرهنگ ایران که به فرمان مبارک علیحضرت هاین شاهنشاه آریا مهر برای خدمت به زبان و ادبیات فارسی تأسیس یافته تحقیق و جمع و کوشش در این زمینه است. در سلسله «زبان و ادبیات فارسی» تا آنجا که میسر باشد متون ادبی منتشر نشده کهن با دقتی که در خور است طبع می شود و حاصل مطالعه و تحقیق درباره نکات و مسائل مربوط به زبان و ادبیات ایران به صورت کتابها و رسائل انتشار می یابد و از قلمنای منتشر شده نیز در مواردی که ضرورت داشته باشد متون انتقادی دقیق فراهم می شود تا بتوان در انواع تحقیقات ادبی و زبان شناسی از آنها به عنوان مأخذ و اسناد مورد اعتماد استفاده کرد.

دیرعل و در حال بنیاد فرهنگ ایران
مکر پرویز خانلری

بخشی از تفسیری کهن

بایادداشتی از
استاد محبتی مینوی

با مقدمه و تصحیح
محمد روشن



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

از این کتاب

۱۲۰۰ نسخه در تابستان ۱۳۵۱ در چاپخانه داورپناه

چاپ شد

یہ نام ویادگیلان و غریزان

فهرست مندرجات

ده — ۵۵ یازده — ۴۹ چهل و یک — چهل و هشت	یادداشتی از استاد مجتبی مینوی مقدمهٔ مصحح عکس هشت برگ از نسخه بخشی از تفسیری کهن بخشی از ترجمه‌ای کهن از آیه‌های قرآنی فهرست لغات و ترکیبات فارسی متن » لغات و ترکیبات عربی به فارسی متن » لغات و ترکیبات فارسی بخش دوم » لغات و ترکیبات عربی به فارسی بخش دوم » نامهای کسان و فرق و قبایل » نامهای جایها » نامهای کتابها صواب‌نامه
۱ — ۱۲۸ ۱۲۹ — ۱۶۶ ۱۶۷ — ۱۹۵ ۱۹۶ — ۲۰۲ ۲۰۳ — ۲۱۶ ۲۱۷ — ۲۲۴ ۲۲۵ — ۲۳۰ ۲۳۱ — ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۵	

یادداشتی از استاد مینوی

در کتبخانه خسرو پاشا از جمله نسخه‌های وقف بر مزار ابویوب انصاری در استانبول کتاب شماره ۵ نسخه‌ایست از تفسیر قرآن که فقط شصت ورق از آن بجا مانده است. همه این اوراق مربوط است به تفسیر سوره بقره، ولی بعضی ورقها از میان افتاده است. از اول که بنده دیدمش گمان بردم نسخه‌ای متعلق به قبل از چهارصد هجری است. آیات قرآنی بشیوه خط ایرانی مستخرج از معقلی کتابت شده است و عبارات فارسی نیز بهمان شیوه منتهی قدری ساده‌تر و مدورتر. از کاغذ و مرکب و شیوه خط تردیدی نمی‌توان داشت که بهر حال دیرتر از چهارصد کتابت نشده.

بدین دلایل که عرض شد عکس نسخه را گرفتم و میل داشتم که آن را بصورت عکسی به انضمام نشری از متن به حروف چاپ کنم. کثرت کارهای مختلف من مانع از این

اقدام گردید و اکنون دوست عزیزم آقای محمد روشن آن نیت مرا به احسن وجوه جامه عمل پوشانیده اند (کاش چاپ عکسی آن را هم بدست می دادند).

قطع اصل نسخه ۲۱ X ۳۰ سانتیمتر است و مسطره هر صفحه عاده هفده سطر است. حرکات اصلی بسبک قدیم به قرمزی و سبزی بوده است که هنوز هم هست، منتهی زبر وزیر و پیش و شده و سکون بسبک جدید را هم بر آن (شاید بعدها) علاوه کرده اند.

از ابتدا بنظر بنده چنین آمد که سبک انشای این تفسیر بآن تفسیر قرآن مجید (نسخه کیمبریج) که مرحوم^۱ براون معرفی کرده بود شباهتی دارد، ولی هنوز نتوانسته ام این دو را با هم چنانکه باید بسنجم. مع هذا هنوز به این عقیده معتقدم که بهر صورت انشاء آن قبل از چهار صد هجری شده است. افسوس که موازین و معاییری برای تشخیص سبکها در دست جوانها افتاده است که آنها را ملاک قطعی حل و فصل این قبیل امور قرار می دهند و زحمت تحقیق و تتبع را بر خود هموار نمی کنند. امیدواریم روزی بیاید که جوانان حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

حوصله کار جدی داشته باشند.

به نام خدا

نیازی نیست از پایگاه بلند تفسیرها و ترجمه‌هایی که از قرآن کریم به جای مانده است، سخنی به میان آورم. پیداست نوشته‌هایی از این دست، تا چه پایه به رسا گردانیدن زبان فارسی مدد رسانیده است.

مثنی که اینک در پیش روی خواننده گرامی است، هشت‌میل بردو پاره از این گونه نوشته‌هاست که یاد کردم. پاره نخستین بخشی است از تفسیری ناتمام بر سوره بقره - از آیه ۷۸ تا آیه ۲۷۴* - و پاره دوم نیز ترجمه‌ای است از همان آیه‌ها از آن سوره.

راست آن است که در نسخه اصلی، که بر گهائی اندک از آن به جای مانده، وضع بدین سان نبوده است. چنان که در نمونه عکسهای نسخه دیده می‌شود، نخست آیه قرآن آمده است و سپس ترجمه و

* شمار آیه‌های تفسیر شده، ۱۹۶ نیست، زیرا از این میانه ۶ آیه کامل و قسمتهائی از ۶ آیه دیگر، و ترجمه و تفسیر آن افتاده است. شماره آن آیه‌ها را که افتاده است یاد می‌کنم:

قسمتی از آیه ۲۳۲ و تمام آیه ۲۳۳ و قسمتی از آیه ۲۳۴؛ و قسمتی از آیه ۲۵۷ و تمام آیه ۲۵۸ و قسمتی از آیه ۲۵۹؛ و قسمتی از آیه ۲۶۷ و تمام آیه ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱.

تفسیر آن؛ اما در زیر آیه‌ها به خطی تازه‌تر و نزدیک‌تر به زمان ما ترجمه‌ای باز نویس شده است. این دو ترجمه همانند یکدیگر نیست. خط و شیوه کتابت آن نیز همزمان نیست. پیداست که سالها - چه بسا يك دوسده - بعد، کسی آیه‌ها را بدان گونه که خود خواسته ترجمه کرده است، و یا از ترجمه‌ای کهن، به احتمال بسیارتر جمله تفسیر طبری، نقل نموده است. از این روی درهم آمیختن این دو بخش را، که بی گمان همزمان نیست، روا ندانستم.

در باب اصل نسخه، اسناد مجتبی مینوی، آنچه گفتنی بود، بیان فرمودند* . چیزی بر آن نمی‌توان افزود.

آشنایی من با این نسخه و دسترسی به عکس آن، به عنایات لطف آمیز و بیدریغ استاد علامه، که همه گاه از آن برخوداری داشته‌ام، بوده است.

چون به آماده ساختن متن پرداختم، به‌تدریج متوجه آن را با تفسیرهایی کهن چون: ترجمه تفسیر طبری، تفسیر قرآن پاک، ترجمه و قصه‌های قرآن و قرآن مترجم شماره ۴ بسنجم. حاصل این سنجشها را در زیر می‌آورم.

فهرستهائی نیز از لغات و ترکیبات فارسی و برابرهای تازی و فارسی متن و زیر نویس - که در این چاپ بخش دوم نام یافته است - تدوین کردم که در پایان کتاب آمده است.

در راه شناختن دوسه تن، که نام آنان چندبار در متن کتاب آمده است و گمان می‌رفت که به شناخت تحقیقی زمان نگارش اثر مدد

* - نیز. رك: فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

رساند، از کوشش و جستجو در کتابهای رجال و طبقات مفسران باز نایستادم ولی دریغاً به نتایجی که امید داشتم، نرسیدم.

نام این سه تن: ابوسهل انصاری، خواجه با منصور، و ابوجعفر است. در باب يك دوتن از اینان حدسهایی می توان زد و به مثل خواجه با منصور را همان محمد بن محمد بن محمود، ابومنصور الماتریدی متوفی به سال ۳۳۳ دانست*. من به این حدسها دل نبستم ولی دور نمی بینم که دانشمندان درین باب، با تحقیقاتی که خواهند کرد، به نتایجی دلپذیر برسند. در آن صورت، بی گمان سپاسگزار آنان خواهم بود.

ضروری بود که در بارهٔ اختصاصات کتابتی متن و نکات دستوری آن نیز، یادداشتهایی فراهم شود. اینک مختصری از این گونه یادداشتها را عرضه می دارم.

اختصاصات کتابتی:

* قاعدهٔ نوشتن دال و ذال را رعایت می کند؛ و در زیر دو حرف دال و ر برای پرهیز از اشتباه نقطه می گذارد.

* پ و چ را به یک نقطه می نویسد و کلمات آنکه، آنچه، چنانکه... را آنک، آنچ و چنانک...

* که را گاه جدا به صورت دیرینهٔ کی و گاه به صورت امروزین که؛ و در بیشتر اوقات پیوسته به کلمهٔ بعد می نویسد: کهی (= که همی)، کفران (= که فران)، کنبه (= که تبه)، کفردلهای ما (= که فر دلهای ما)، کمتر ترا محمدی (= که مر ترا که محمدی)، کنام او (= که نام

* — به اعلام الزرکلی. الجزء السابع. ص ۲۴۲، و مرجعی که وی یاد

کرده است؛ و ریحانة الادب. مدرس تبریزی. چاپ دوم. ج ۵. ص ۱۴۲ نگاه کنید.

او)، کما را (= که ما را)، گرفتنی نکنیده (= که زفتنی نکنید)، کست کاری کرده باشید (= که کست کاری کرده باشید)، کیک (= که یک) ...

* گاه حرف اضافه به و حرف عطف نفی نه به کلمه بعد می پیوندند و گاه جدا نوشته می شود: بیگانگی (= به یگانگی)، نفاذ دارنده ای (= نه فاز دارنده ای) ...

* دو کلمه چون و تو به صورت: چن و ته دیده می شود.

* «ان» جمع عموماً به صورت «آن» است.

* گاه از آوردن ه بیان حرکت پرهیز می کنند: ماد(ه)خر، ماد(ه)مراو

* در کلماتی که به (هائ) بیان حرکت پایان می یابد، ی ضمیر و تنکیر و نسبت را به صورت ی می نویسد: خواسته یی (= خواسته ای)، آموزنده یی (= آموزنده ای)

* در کلمات مختوم به (ا) نیز به هنگام پیوستن یاء تنکیر و ضمیر و مصدری و نسبت، به نوشتن یک (ياء) اختصار می شود:

کسهای (= کسایی)، علامتهای (علامتهایی)، ترسای (= ترسایی)، شکیمیای (= شکیمایی)

* عموماً همزه «است» را در پیوند به کلمات مختوم به (هائ) بیان حرکت و حتی ماضی نقلی حذف می کنند: کعبست، اندرست، یاد گردست، فازداشتست.

* در اضافه کلمات مختوم به (هائ) بیان حرکت، علامت اضافه به صورت «ی» است:

خانه ی کعبه، قبله ی ما، پذیرنده ی آن

نکات دستوری :

* تبدیل ب به ف درین متن - بخش نخستین - چندان است که گویوی صورتی جز آن نمی شناخته :

فاز خرید / ۵ ، فیداد / ۶ ، فازگشت / ۶ ، فردلها / ۸ ، فی فرمان / ۱۱ ، فاز
پسین / ۱۱ ، فیداد گران / ۱۲ ، ۴۸ ، فی عیبی / ۱۶ ، فسرفاز داشت / ۱۷ ، فی
گمانان / ۲۶ ، فی تقصیر / ۲۸ ، فروفر / ۳۳ ، فی آمیز / ۳۵ ، فیگانگان / ۴۰
فیزار / ۴۸ ، ۷۶ ، فی خردان / ۵۰ ، فی راهبان / ۵۰ ، فام / ۱۰۶ ، فرین گردون
فر بستند / ۱۰۹ ... و پاره ای تبدیل های دیگر :

نشتن ندانند / ۳ ، دوئخ / ۷ ، ۷۵ ، اسپس (= از پس ؟) / ۲۰ ، ۸۱ ،
واجماعتی / ۲۰ ، بام گرفتن / ۱۰۶

* تخفیف و ادغام نیز درین متن دیده می شود :

نوکام / ۲۵ ، ۷۹ : هیچیز / ۲۲ ، ۹۰ ، سخت / ۶ ، ۶۵ ، بمران / ۱۲
ماموز / ۱۶

* همه جا همی آمده ولی گاه مقدم بر فعل و گاه مؤخر از آن،
و گاه میان آن و فعل فاصله می افتد :

همی نبیستند / ۳ ، همی بلفنجند / ۴ ، همی آموختند / ۱۶ ...
به سرمقر آیند همی / ۳ ، ازسرایها بیرون کنید همی / ۶ ، خواهند همی
/ ۷۲ ، آزمایش کرد خواهد همی / ۱۱۰ ، همی کار نبندید / ۶ ، همی به بدی
فرماید / ۴۹ ، همی امام خلق خواهم کرد / ۲۹ ، همی پنهان کنند / ۴۵

* صفت با موصوف گاه مطابقه می کنند :

بنداداران شیر خور دغان / ۳ ، یتیمان فی پدران / ۴ ، بندگمان روزه داران
/ ۵۹ ، زنان دست فازد اشنگان / ۹۰ ، پیغامبران گندشنگان / ۱۱۲

* گاه به جای حرف ربط «و»، «او» دیده می شود :

چون بیاید به سوی ایشان آن پیغامبر که شناخته بودندش به نعت او صفت او منکر شدند او را / ۸، آن جماعتی بودند که رفتند ابراهیم او فرزندان او / ۳۶، سبک نکنند روزی وساعتی از ایشان لعنت او عذاب / ۳۶/

* حرف نفی گاه از فعل جدا نوشته شده :

نه این دعا کنند / ۱۲، نه فاذ دارند / ۲۸، نه فاذ دارند باشد مرایشان

را / ۷

* به کلمات عربی «ی» مصدری می افزاید:

حریصی / ۱۲، قادری / ۱۹، مؤمنی / ۳۰، امامی / ۸۸

* آوردن صفت تفصیلی مرکب :

گردن برده تر / ۳۳، منفعت ناک تر / ۱۹، نیکوتر نام نهنده تر / ۳۵،

خصوصیت گتر / ۸۵، دوست دارنده تر / ۴۷، حقومند تر / ۹۶، علامت کننده تر

۳۵/

* بر سر فعل نفی و نهی بای زینت یا تاکید می آورد :

بترسد / ۸۲ ...

* به کاربردن ضمایر متصل به جای ضمایر منفصل :

چون حریبی بیوفتادی شان... / ۸، بگویند که یارب مان بمران / ۱۲،

بیاموزند همی جادوان از جادوی که زبان داردشان اندر ان جهان و سود

نداردشان اندرین جهان / ۱۷، مهلت ده مان / ۱۸، بشنوید کتاب خدای را و آنچه

بفرمایدگان پیغامبر خدای / ۱۸، زاد اسپری شده باشدشان / ۸۳، نگیردگان

خدای... / ۹۴، جز که تان خدای بدان سوگندانی گیرد و عقوبت کند که عقد دل

فران بسته باشید / ۹۴، پند همی دهد تان بدو / ۹۹، درازی عمر نرھاند مغ را و

جهود را از دوزخ اگرشان بزیانند هزار سال / ۱۳...

* آوردن «را» پس از «از بهر»، «به سبب» :

از بهر چه علت را جهودان حریص تر آمدند فرزندان ازمغان / ۱۳ ، به
سبب آن را کان موضع بتان بودی / ۴۴ ، اندر کشتی هاهمی روند اندر دریاها
فر روی آب از بهر سود آد میان را / ۴۷ ، فریضه کردند فر شما کارزار فاشمنان از
بهر دین خدای را / ۸۳ ...

* به کار بردن پسوند او مند :

خرد و مند ان / ۷۰، ۴۷ ، حق و مند تر / ۹۶ ، حق و مند / ۱۰۸ .

* وجه مصدری گاه مرخم و گاه کامل دیده می شود :

فریاد رسید نتواند / ۲۷ ، که شد نتوانید / ۶۷ ، فایدی شدن / ۱۲۴

* در به کار بردن افعال شیوه ای کهنه دارد :

اگر شما مومن بودیدی گوساله نپرستیدی / ۱۱ ، پیش از خویشتن
فرستاد ستند / ۱۲ ، پیغامبر چنان گمان بردی کان حقستی / ۱۱۷ ، نخواهندی
کافران از جهودان ... که فرو فرستندی فر شما / ۱۸ ، شما که جهودانید حاضر بودید
نزد یعقوب بدان وقتی کاو را مرگ آمد تا بدانستیدی که به دین جهودی
وصیت کرد / ۳۳ ، جدا نکنیم میان هیچ کس از پیغامبران که به بهری بگرویمی
و به بهری نگرویمی / ۳۳ ، ای جبریل خواستی که خدای عزوجل مرا فاز قبله
کعبه فاز گرداندی / ۳۸ ، پیغامبر ... سوی آسمان همی نگرستی و دعا همی کردی
او مید آن را که وحی آیدی / ۳۸ ، منکر و نکیر گویند مرو را ، مدانیا ،
همچنین بوده بودی اندر سرای دنیا / ۴۵ ، زمان ندهند مرا ایشان را که بیاسایندی
یا فاز این جهان آیندی و توبه کنند / ۴۶ ، نخواهند که بشوند حق را ... یا
بیمند حق را یا خرد را کار بندندی / ۵۱ ، هر که او قربان نیابد یا بهای قربان که
بکندی ... / ۶۹ ، مایه ندارند که بازرگانی کنند و بروندی اندر زمین / ۱۲۶

* ضمایر مشترك را به تکرار و تاکید به کار می برد :

سنجش متن تفسیر - بخش یکم - و زیر نویس آن - بخش دوم - با ترجمه تفسیر طبری *

آیه ۷۸:

وز جمله‌ی جهودان نادانان اند نبشتن ندانند مگر ... حق و باطل، و ایشان نیستند... مگر به گمان .

متن. ص ۳

وزیشانند امیانند که نه دانند کتاب مگر کامها (ن.ل: سو گندها و باطلها) که ایشان مگر می گمان کنند.

طبری. ص ۸۵

و از ایشان نانو پسند گانند ندانند کتاب مگر سو گندها و باطلها و نیستند ایشان مگر به گمانان .

زیر نویس. ص ۱۳۱

آیه ۷۹:

وای فرآن کسهای... که همی نیبند توریت رابه دستهاشان پس... گویند این از خدای آمدست، تا بدان بدل گیرند سود زبان

* ترجمه تفسیر طبری. بتصحیح و اهتمام حبیب یغمائی.

انتشارات دانشگاه تهران، ۷ مجلد

اندکی ... وای فرایشان (متن: فریشتگان) فر آنچه بنیستند همی به
دستهایشان ... وای فرایشان بدانچه همی بلفنجند.

متن. ص ۳

وای آن کسها را که نیستند کتاب را به دستهای ایشان، باز
گویند: اینست از نزدیک خدای، تا بخرند ازان به بهای اندک.
وای ایشانرا [از] آنچه نبشت دستهای ایشان، وای ایشانرا بدانچه
کسب کنند.

طبری، ص ۸۵

وای باد آن کسانی را که همی نویسند کتاب را به دستهایشان
پس گویند این از نزدیک خدای است تا بخرند بدان بهای اندک.
وایل باد ایشان را از آنچه بنوشت دستهای ایشان، وویل باد ایشان
را از آنچه سازند کسب.

زیر نویس، ص ۱۳۱

آیه ۸۳:

چوما پیمان گرفتیم فرزندان یعقوب... که نپرستید و بندگی
نکنید مگر (متن: مر) بار خدای را ... و به جای مادران و پدران
نیکوی کنید،... و یتیمان فی پدران را وفی مادران... و نیز درویشان
را ... جهانیان را نیکو گوید.

متن. ص ۴

که گرفتیم پیمان فرزندان یعقوب که: مه پرستید مگر خدای
را، و به مادر و پدر نیکوی کنید [ن. ل: کردن]، و به خداوندان
خویشی و یتیمان و درویشان، و بگوئید مردمان را نیکوی...

طبری، ص ۸۵

و چون بگرفتیم عهد فرزندان یعقوب که نپرستید مگر خدای
را، و به مادر و پدر نیکویی کردن، و با خداوند خویشی و با یتیمان و
با درویشان، و گوئید با مردمان نیکو...

زیر نویس، ص ۱۳۱

آیه ۸۴ :

چون فر شما حجت گرفتیم که خون یکدیگر مریزید ، و
يك مر دیگر را از شهرهاتان بیرون مکنید، پس شما مقرر آمدید...

متن. ص ۵

که گرفتیم پیمان شما : مه ریزید خونهای شما ، و مه بیرون
کنید تنهای شما را از سرایهای شما ، پس اقرار کردید و شما باید
حاضران .

طبری. ص ۸۶

و چون بگرفتیم پیمان شما که نه ریزید خون یکدیگر و نه
بیرون کنید یکدیگر را از سرایهای شما پس مقرر شدید، و شما بودید
حاضران .

زیر نویس. ص ۱۳۲

آیه ۹۹ :

و ما فرو فرستادیم زی ته ... آیتهای پیدا کرده ... و جاحد
نشوند ... مگر شکنندگان عهد .

متن. ص ۱۴

که بفرستادیم سوی تو آیتهای پیدا، و نه کافر شوند بدان مگر
تباہ کاران .

طبری. ص ۹۴

و به درستی که فرو فرستادیم سوی تو حجتهای پیدا، و نشود
کافر بدان مگر فاسقان.

زیر نویس. ص ۱۳۴

آیه ۱۰۱ :

و چو پیامد سوی ایشان پیغامبری ... از نزد خدای ... استوار
دارنده مران ... را که نزد ایشان بود ... بهری از ایشان سپس پشت
افگندند کتاب خدای را ... چنانکه ایشان نشناسندی .

متن. ص ۱۵

و چون آمدشان پیغامبری از نزد يك خدای ، راست دارنده

آنرا که با ایشان است، بینداخت گروهی از آن کسها که بدادندشان کتاب، کتاب خدای از پس پشت ایشان، چنانکه ایشان نه دانند. طبری. ص ۹۵

و چون بیامدشان پیغامبر از نزد خدای راست دارنده بدانچه به ایشان است، بینداخت گروهی از آن کسان [که] بدادندشان نامه، نامه خدای را از پس پشتشان، چنانکه ایشان ندانند. زیر نویس. ص ۱۳۴

آیه ۱۳۱:

آن کسها که مرا ایشان را ما علم توریت دادیم ... همی خوانند به سزای خواندن او، ایشانند که بگروند به توریت ... و هر که مرو را راست گوی ندارد ... ایشانند زیان کاران.

متن. ص ۲۷

آنکسها که بدادیم شان کتاب می خوانند آنرا سزای خواندن [ن] آن. ایشانند که بگروند بدان، و هر که کافر شود بدان ایشانند زیان کاران.

طبری. ص ۱۰۱

آن کسانی که فرستادیم ایشان را نامه، همی خوانند او را سزای خواندن آن. ایشانند که می گروند بدان، و هر که نگسرود بدان، ایشان باشند که ایشان از زیان کارانند.

زیر نویس. ص ۱۳۸

آیه ۲۰۸:

یا آن کسها که بگرویدید ... کار کنید به شرایع مسلمانی همه، و متابیع فرمان دیو مباحثید ... که دیو مر شما را دشمن است پیدای.

متن. ص ۷۷

ای آنکسها که بگرویدید اندر شوید اندر مسلمانی همه، و مه پسر وی کنید پیهای دیورا، که اوست شما را دشمن هویدا.

طبری. ص ۱۳۳

ای آنانکه ایمان آورده‌اید، در آید در آشتی همه، و مکنید
پس روی گامهای دیورا، که او [است] شما را دشمن هویدا.
زیر نویس. ص ۱۵۳

آیه ۲۱۵ :

ترا همی پرسند... چه مقدار صدقه دهند؟... بگوی مرایشان
را آن ... نفقه‌ای که بکنید فرمادر و پدر کنید و فرخویشان نزدیک
تر، پس فرقی پدران و درویشان... و فرغریان از مسافران - که زاد اسپری
شده باشندشان - و هر هزینه‌ای که بکنید... خدای... بدان... داناست.

متن . ص ۸۳

می پرسند ترا چه هزینه کنند؟ بگو: آنچه هزینه کنید از نیکی
مادر و پدر راست و خویشانرا و یتیمانرا و درویشانرا و راه گزریان
را، و آنچه کنید از نیکی که خدای بدان داناست.

طبری. ص ۱۳۴

می پرسند ترا که چه نفقه می کنند؟ بگو: آنچه هزینه کردید
از نیکی، مادر و پدر [راست] و خویشاوندان و بی پدران را و
درویشان را و ره گزریان را ، و آنچه می کنید از نیکی به درستی
خدای به آن داناست.

زیر نویس. ص ۱۵۴

آیه ۲۴۳ :

عجب ناید ترا... از آن کسها کایشان برون آمدند از مسکن
هاشان ، و ایشان هزاران بودند... از بیم مرگ گریخته بودند .
خدای شان بمیرانید، پس ... شان زنده کرد ، خدای ... خداوند
منت است فرندگان خویش... و جز بیشتر از خلق شکر نکنند .

متن . ص ۱۰۵

نه یتیمی سوی آن کسها که بیرون شدند از سرای هاشان و
ایشان [بودند] هزاران ، از بیم مرگ ، گفت ایشانرا خدای :
بمیرید، پس زنده کردشان که خدای خداوند فضل است بر مردمان،
ولکن بیشتر مردمان نه شکر کنند.

طبری. ص ۱۴۶

آیا نه دیدی آنان را که بیرون شدند ازسراهاشان ، وایشان هزاران بودند، پرهیز ازمرگ، پس گفت ایشان را خدای: بمیرید. پس زنده کردشان ، به درستی که خدای ، خداوند فضل است بر مردمان، ولیکن بیشترمردمان شکر نمی کنند.

زیر نویس. ص ۱۶۰

آیه ۲۵۱ :

بشکستندشان به فضل وخواست خدای ، وبکشت داود ... جالوت ... را، وخدای... داود را پادشایی داد... و پیاموخت مرو را ازان علمی که خدای خواست ... و گرفتارداشت خدای نیستی مر بهری را ... به بهری... خراب کسردندی ... جز که خدای ... خداوند منت است و سپاس فرمؤمنان.

هتن. ص ۱۱۱

هزیمت کردندایشان را به فرمان خدای وبکشت داودجالوت را، و بداد اورا خدای پادشاهی وحکمة، واندر آموخت اورا آنچه خواست . و اگر نه باز داشت خدای استی مردمان را برخی از ایشان به برخی تباه شدی زمین ، ولیکن خدای خداوند فضل است برجهانیان.

طبری. ص ۱۴۹

بشکستند ایشان را به دستوری خدای، وبکشت داودپیغامبر جالوت را، و بداد اورا خدای پادشاهی و نبوت، و در آموخت او را از آنچه خواست. و اگر نه باز داشتن خدای بودی مردمان را ، برخی ایشان به برخی ، تباه شدی زمین. ولیکن خدای، خداوند فضل است برجهانیان .

زیر نویس. ص ۱۶۲

سنجش متن تفسیر - بخش یکم - و زیر نویس

- بخش دوم - آن

با

تفسیر قرآن پاك ، قرآن خطی مترجم شماره ۴
و ترجمه وقصه‌های قرآن

آیه ۷۹ :

وای فرآن کسهائی ... که همی نبیسنند توریت را به دست
هاشان ... پس ... گویند این از خدای آمدست ، تا بدان بدل
گیرند سود زیان اندکی ... وای فرایشان [متن: فریشنگان] فر
آنچه بنیسنند همی به دستهاشان ، وای فر ایشان بدانچه همی
بلفنجنند .

متن. ص ۳

وای بادآن کسانى را که همی نویسنند کتاب را به دست
هاشان ، پس گویند این از نزدیک خدای است ، تا بخردن بدان

* - تفسیر قرآن پاك ، به اهتمام علی رواقی .

- متن پارسى از قرن چهارم هجری معرفی قرآن خطی

مترجم شماره ۴ ، ازدکتر رجائی .

- ترجمه و قصه های قرآن ، مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق

نیشابوری . به سعی و اهتمام دکتریحیی مهدوی - دکترمهدی بیانی

بهای اندك . ویل باد ایشان را از آنچه بنوشت دستهای ایشان ، و
ویل باد ایشان را از آنچه سازند کسب .

زیر نویس. ص ۱۳۱

وای بریشان ... که به خودی کتابها نبشتند ... پس ...
گفتند که این از نزد خدای ... آمده است ... تا بدان سبب خود
را چیزی ... حاصل کنند ... وای ویل بریشان ... وای بریشان بدین
کسبها که می کنند.

تفسیر قرآن پاک. ص ۲۵

وای آن کسها را که نیبند نامه را به دستهای خویش پس
گویند این از خدای است تا بخرند به وی بهای اندك وای مر
ایشان را از آنچه نبشت دستهای ایشان و وای مرایشان را از آنچه
کسب کنند.

قرآن مترجم شماره ۴، ص ۸۵

وای وسخترین عذاب آنها را که می نویسند نبشته به دست
های خویش، پس می گویند این از نزدك خدای است، تا بخرند
بدان بهای اندك . وای بریشان از آنچه نبشته بود دستهای ایشان
پس وای بریشان از آنچه می کنند.

ترجمه وقصه های قرآن. ص ۱۴

آیه ۸۳ :

چو ما پیمان گرفتیم فرزندان یعقوب... که نپرستید ...
مگر (متن: مر) بار خدای را... و به جای مادران و پدران نیکوی
کنید... و خویشها را پیوندید، و یتیمان و فی پدران و فی مادران
نیکو دارید... و نیز درویشان را...

متن. ص ۴

و چون بگرفتیم عهد فرزندان یعقوب که نپرستید مگر خدای
را، و به مادر و پدر نیکویی کردند، و با خداوند خویشی و با
یتیمان و با درویشان ...

زیر نویس. ص ۱۳۱

ما پیمان بستیم ... فرزندان یعقوب را ... تا نپرستند جز

مريك خداى را... و بفروموديم تا به جاي مادران و پدران نيكوى...
كنند... و به راستاى خویش و پيوندان نيكويها كنند... و به جاي
درویشان و بیچارگان...

تفسیر قرآن پاک. ص ۲۸

و چون گرفتیم پیمان پسران یعقوب که نپرستید مگر خدای را
و با مادر و پدر نیکوی کردن، و با خویشاوندان و بی پسران و
درویشان...

قرآن مترجم شماره ۴ ص ۱۵۲

و چون برگرفتیم ماعهد استوار بر فرزندان یعقوب که نپرستید
مگر خدای را، و به جاي مادر و پدر نیکوی کردنی، و به جاي خویشان
و بی پدران و درویشان...

ترجمه و قصه های قرآن. ص ۱۴

آیه ۸۴ :

چون فر شما حجت گرفتیم که خون يك ديگر مریزید، و
يك مردیگر را... از شهرها تان بیرون مکنید، پس شما مقرر آمدید...

متن. ص ۵

و چون بگرفتیم پیمان شما که نه ریزید خون یکدیگر، و نه
بیرون کنید یکدیگر را از سرای های شما، پس مقرر شدید...

زیر نویس. ص ۱۳۲

گفتیم شما را [و عهد بستیم] که مریزید خون اهل دین خویش
و مريك دیگر را از خانها و شهرها بیرون مکنید، شما خستون
شدید...

تفسیر قرآن پاک. ص ۳۰

و چون بگرفتیم پیمان شما که مریزید خونهای شما و بیرون
مکنید تنهای خویش را از سرایهای خویش بازخستو شدید...

قرآن مترجم شماره ۴۵. ص ۸۶

آنگاه که فراستدیم پیمان شما که به ریزید خونهای يك
دیگر و بیرون نکنید يك دیگر را از خانه های شما، پس خستو
آمدید...

ترجمه و قصه های قرآن. ص ۱۴

آیه ۸۷:

موسی را توریت دادیم ما، و سپس مرگ موسی، پیغامبران پیوسته کردیم ... و مرعیسی را، پسر مریم را، کرامت کردیم به عجایبها و نشانیهها ... یاری دادیم مرعیسی را به جبریل پاك ... و هر باری که پیغامبری ... به شما آورد چیزی و حکمی که مراد شما اندران نبود، گروهی را دروغ زن کردید ... و گروهی را بکشید. متن. ص ۷

و به درستی که بدادیم موسی را کتاب، و بیاوردیم از پس او پیغامبران، و بدادیم عیسی پسر مریم [را] حجتها، و نیرومند کردیم او را به جبرایل پاك، ای هران وقت که بیايد به شما پیغامبری بدانچه ندارد دوست تنهای شما، بزرگی جستید شما، گروهی را به دروغ گرفتید، و گروهی را بکشید.

زیر نویس. ص ۱۳۲

به راستی و درستی که دادیم ما موسی را نامه ای ... از پس مرگ موسی يك از پس دیگر پیغامبران فرستیدیم ... بدادیم مرعیسی را پسر مریم را ... نشانیهایی ... یاری دادیم ما مرعیسی را به جبریل پاکیزه ... هر باری که به شما آید ... رسولی بدانچه که ... بر مراد شما نباشد، بزرگ منشی کردید، ... يك گروه را دروغ زن کردید، و گروهی را بکشید.

تفسیر قرآن پاك. ص ۳۳

و درست بدادیم موسی را کتاب یعنی توریت و بر اثر وی فرستادیم از پس وی پیغامبران و بدادیم عیسی را پسر مریم را حجتها، و نیرومند کردیمش به جبریل پاکیزه تا هرگاه که بیامد به شما پیغامبری بدانچه آرزو نکند تنهای شما بزرگ منشی کردید و گروهی را به دروغ زن دارید، و گروهی را بکشید.

قرآن مترجم شماره ۴۵. ص ۸۶

و بدرستی که ما بدادیم موسی را نبشته و فراداشتیم از پی اوزسولان را، و بدادیم عیسی پسر مریم را هویدائیها و نیرومند کردیم بجان پاك، یا هرگاه که به شما آمد رسولی بدانچه خوش

نیامد شما را بزرگ منشی کردید ؟ گروهی را بدروغ می‌داشتید،
و گروهی را می‌کشتید.

ترجمه و قصه‌های قرآن. ص ۱۵

آیه ۹۹ :

وما فرو فرستادیم زی‌ته ... آیت‌های پیدا کرده ... و جاحد
نشوند مرین آیتها ... را... مگر شکنندگان عهد.

متن. ص ۱۴

و به درستی که فرو فرستادیم سوی توحجت‌های پیدا، و نشود
کافر بدان مگر فاسقان.

زیر نویس. ص ۱۳۴

به راستی که ما به سوی تو فرو فرستاده‌ایم آیت‌های ... پیدا
کرده... منکر نشوند مگر فاسقان بی‌فرمانان.

تفسیر قرآن پاک. ص ۴۸

وما فرو فرستادیم سوی تونشانیه‌ای پیدا، و کافر نگردند بدان
مگر بی‌فرمانان .

قرآن مترجم شماره ۴۵. ص ۱۴۵

بدرستی که فرو فرستادیم بتو نشانها پیدا و هویدا، و ی
ستود نشود بدان مگر بدمردان و بیرون شوندگان از فرمان او.

ترجمه و قصه‌های قرآن ص ۱۷

آیه ۱۴۱ :

آن جماعتی بودند که رفتند... مرایشان را نواب آنچه
ایشان کردند، و مرشما را مکافات آنچه شما کنید. و شما را از کار
ایشان نپرسند.

متن. ص ۳۶

این است گروهی که به درستی بگذشت، او راست آنچه
کسب کرد، و شما راست آنچه کسب کردید، و نی پرسند شما را
از آنچه بودند عمل کردند.

زیر نویس. ص ۱۴۱

قومی بودند که رفتند و گذشتند، مرایشان راست پاداش هر

چه کردند ... و مر شما راست نیز پاداش هر چه کنید ... نگیرند به
کردهای ایشان .

تفسیر قرآن پاک. ص ۱۳۹

آن گروهی بودند که گذشتند ایشان را است آنچه کردند و
شما را است آنچه کردید و نپرسند از آنچه ایشان همی کردند.

قرآن مترجم شماره ۴۵. ص ۱۲۳

آن گروهی اند که گذشته، ایشان راست آنچه کردند و شما
راست آنچه کنید ، و شما را نپرسند از آنچه ایشان می کردند.

ترجمه وقصه‌های قرآن. ص ۲۴

جدول مقایسه واژه‌های چهار تفسیر

قرآن مترجم شماره ۴	پاک	طبری	زیر نویس	متن
-	ما بگرویدیم به خدای	بگرویدیم به خدای	-	آمینا بالله : گرویدیم ما به خدای
جستن	-	جستن	جستن	ابتغا : جستار
ره گذریان	-	راه گذریان	ره گذریان	ابن السبیل : مسافران، غریبان
بزه	بزه‌مندی	بزه	بزه، گناه	اثم : بزه، خطا، جور
دستوری	خواست	فرمان	دستوری	اذن : فرمان، خواست، دستوری
-	ناسازواری (کردند)	اختلاف (کردند)	خلاف کردند	اختلفوا : دو گروهی کردند
زمی	زمین	زمین	زمین	ارض : زمی
(اسلمتم) گردن نهادید	خالص گردان	مخلص باش	(اسلم) گردن نه	اسلمت : گردن دادم
-	دو خیان	خداوندان آتش	یاران دوزخ	اصحاب الجحیم : اهل دوزخ
-	دردناک	دردناک	دردناک	الیم : دردناک
نابینندگان	کم‌دانان	امیان (که ندانند کتاب)، نابینندگان	نادانان	امیون : نابینندگان
-	-	بادسخت	باد	اعصار : بادسوزان
باد گرم به نیرو	-	گروه	گروه	امة : جماعت
(امم) گروهان	-	خداوندان خردها	خداوندان عقل	اولی الالباب : خردمندان
خداوند خردها	-	ایمان	گرویدگان	ایمان : گروهش
گرویش	-	سختی	درویشی و بیماری	باسا : درویشها

جدول مقایسه واژه های چهار تفسیر

قرآن مترجم شماره ۴۴	پاک	طبری	زیر نویس	متن
—	بد جایگاهها	بدست آن جایگاه	بد جای باز شدن	بش المصیر : بد جای فاز گشتا
—	مدیخ ، نوسازنده	آفریدگار، نو کار	—	بدیع السموات : نو کننده...
سپس	ینا	ینا	—	بصیر : دانا
—	از پس	پس از	از پس	بعد : اسپس
—	به راستی	به راستی	بلا راستی، به سزا	بالحق : به راستی
بهر	بهر	برخی ، پاره ای	—	بشیر : مژده دهنده
—	مژدگان دهنده	مژده دهنده	برخی ، بهره	بعض : بهری
سبك گر دانیدن	—	سبکی	سبکی	تخفیف : آسانی
دست باز داشتن	—	دست باز داشتن	بگذارشتن	ترك : دست فاز داشتن
—	پذیر از ما	پذیر از ما	پذیر (از ما)	تقبل معنا : پذیر از ما
خوبشتن داری و نهنگی	—	پاکیزگی ، خوبشتن داری و نهنگی	خوبشتن داری	تعفف : نهنگی
بها	راه یابید	راه یابید	براه باشید	تهدیوا : ره یابید
—	پذیرنده تو به	تو به دهنده	—	التراب : تجاوز کننده
بها	میوه ها	میوه ها	میوه ها	الثمار : میوه ها ، برها
—	سزا	بها	بها	ثمن : بها
باداشن	—	باداش	باداش	جوا : باداش ، باداشن

جدول مقایسه واژه های چهار تفسیر

قرآن مترجم شماره ۴۴	پاك	طبری	زیر نویس	متن
بوستان	بهشت	بهشت	بوستان	جنة : بوستان
كشت	كشت	كشت	كشت	حرث : كشتزار
-	زیان دگان، شگرو فان	زیان کلران	-	الخاسرون : زیان کاران
آگاه	-	دانا	آگاه	خبیر : -
رسوایی	رسوایی	خواری	خواری	خزى : خواری و رسوایی
-	ترس	بیم، بیم جاودانگی	-	خوف : بیم
سرای بازپسین	بهشت جاودان	سرای آن جهان	سرای بازپسین	دارالآخرة : سرای فازپسین
بازداشت	-	بازداشت	بازداشتن	دفع : بازداشت
سرای ها	خانه ها	سرای ها	سرای ها	دیار : سرای ها
-	فرزندان من	فرزندان من	فرزندان من	ذریعتی : فرزندان من
خویشاوندان	خویش و پیوندان	خداوندان خویشی	خویشاوندان نزدك	ذی القربی : خداوند خویشی
فراخی	-	فراخی	فراخ دستی	سعة : توانگری
آرامش	-	آرامش	آرامش	سکینه : -
-	شنونده	شنوا	شنوا	السمیع : شنوای
غنودن	-	غنودن	آسایش، خواب	سنة : غنودن
-	سوی	سوی	-	شطر : سوی
گوايان	-	گواهان	گواهان	شهادا : -

جدول مقایسه و اژدهای چهار تفسیر

[illegible]

جدول مقایسه واژه‌های چهار تفسیر

قرآن مترجم شماره ۴	پاک	طبری	زیر نویس	متن
سناده	—	پاینده ، ایستاده به کار	پاینده	القیوم : —
اندوختن	الفنجیدن، کسب کردن	کسب کردن	کسب کردن	کسب : الفنجیدن، گرد آوردن
پباش	پباش	پباش	پباش	کن : پباش
بر نرسند	—	نه اندر پابند، نه نبردند	نه رسند	لا یحیطون : ندانند
خواسته	—	خواسته	خواسته	السال : خواسته
بر خور داری	—	بر خور داری	بر خور داری	متاع : —
—	یو به گاه	جایگاه	—	منابه : جایگاه
یکتا گردانید گان	یک روی	مخلصان	پرستندگان	مخلصین : فی آمیز
پیغامبران	—	پیغامبران	پیغامبران	المرسلین : —
مزگت	—	مسجد ، مزگت	مزگت	مسجد : مزگت، مزگد
—	آن سو که آفتاب بر آید	مشرق	—	المشرق : جایگاه آفتاب فر آمدن
—	آن سو که آفتاب فرو شود	مغرب	—	المغرب : (جایگاه) آفتاب فرو شدن
آمزش	—	آمزش	آمزش	المغفرة : آمزش
دین	کیش	کیش، (شریعت، دین)	دین	ملة : هر راهی که بسپزند، طریقی
—	گرویدگان	آن که بگروید	—	من آمن : آن کسها که بگروند
پیمان	پیمان	پیمان	پیمان	میثاق : عهد، پیمان
—	گمان (مندان)	گمان مندان	گمان مندان	ممتنین : —

جدول مقایسهٔ واژه‌های چهار تفسیر

فرآیند مترجم شماره ۴م	پاک	طبری	زیر نویس	متن
بیم کننده – ترسایان – استوارترین اندرز وای هدهده (راه نمودن) هزمو (بشکستند) یومنون (بگروند) روز بازپسین –	زیلفین (کننده) باری ده ترسایان فراخ گیرنده – – وای راه نمای – – – – آن کس بی گمان باشد	بیم کننده باری ده ترسایان فراخ کار استوار اندرز کردن وای راه ، راه راست هزیمت کردند ایشان را بگروند روز رستخیز روز راستخیز بی گمانند	– باری کننده ترسایان فراخ عطا محکم اندرز وای راه نمای بشکستند ایشان را می گروند روز قیامت روز رستخیز –	نذیر : ترساننده نصیر : باری ده نصاری : ترسایان واسع فراخ کننده وثقی : استوار وصیت : اندرز ویل : وای هدی: راه نمای هزمو هم : بشکستندشان یومین : بگروند یوم الآخر : روز بازپسین یوم القیامة: روز راستخیز، آن جهان یوقنون : بی گمانان

چند نکته :

* در باب «تجیت مغان» که در صفحه ۱۲ متن آمده است * و منشاء افسانه‌ای «هزار سال بزی» ، ابوریحان در «الآثار الباقیه» چنین می‌نویسد :

« همه ایرانیان بر این قول همدل و همدستانند که بیوراسپ هزار سال زندگی کرد، و اگرچه برخی می‌گویند بیشتر از هزار سال زندگی نمود ، و این هزار سال مدت پادشاهی و غلبه او بود، و گفته‌اند اینکه ایرانیان بیکدیگر اینطور دعا می‌کنند که «هزار سال بزی» از آن روز رسم شده، زیرا چون دیدند که ضحاک توانست هزار سال عمر کند و این کار در حد امکان است ، هزار سال زندگی را تجویز نمودند.»

ترجمه الآثار الباقیه . به قلم اکبر داناسرشت. ص ۱۴۵



* بودمین (ص ۲۵ س ۱۰) :

این واژه و به قیاس آن «رستمی» ، «رستمین» و «خندمین» در متون فارسی دیده شده است :

اسدی در «گرشاسب‌نامه» می‌گوید:

* — توجه من به این نکته بر اثر اشاره علامه فقید محمد قزوینی بوده است . رك : یادداشتهای قزوینی . به کوشش ایرج افشار. ج ۷. ص ۲۹۷

زهر جانور پاك وز رستمی^۵ همه هر چه پیدا شود بر زمی

گرشاسب نامه. به اهتمام حبیب یغمائی. ص ۱۳۹

و نیز در جای دیگر:

ولیکن چو افتاده شد در زمی نخستین بسود پایه رستمی

نگون باشد آنجا به خاک اندرون که در رستمین^{۵۵} میردسرنگون

(ایضاً. ص ۱۴۲)

مولانا جلال الدین محمد مولوی در دیوان کبیر می گوید:

راح نما روح مرا تا که روح خندد و گوید سخن خندمین

کلیات شمس یا دیوان کبیر. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. ج ۴

ص ۲۹۷، ب ۲۲۳۴۲ و ج ۷. ص ۲۷۷^{۵۵۵}

مولانا در مثنوی هم «خندمین» را آورده است:

گفت لاغی خندمینی آن دغا که فتاد از قهقهه او بر قفا . . .

گفت لاغی خندمین ترزان دوبار کرد او این ترك را کلی شکار

مثنوی معنوی. بسعی و اهتمام و تصحیح رینولدالدین نیکلسن. ص ۳۷.

بیت ۱۶۹۹ و ۱۷۰۲. (به نقل از فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی. گرد آورده

دکتر گوهرین. ج ۴)



در متن ما، آییه های ۲۱۹ و ۲۲۰ به هم پیوسته است. در «ترجمه

وقصه های قرآن» نیز چنین بوده است و مصححان گرامی آن در حاشیه

اشاره کرده اند که: «در همه قرآنها و متداول اینجا آییه ای ختم می

می شود و آییه بعد آغاز می گردد.»

رك: ترجمه و قصه های قرآن. مبتنی بر تفسیر ابو بکر عتیق نیشابوری.

بسعی و اهتمام یحیی مهدوی- مهدی بیانی. نیمه اول.

* مصحح در حاشیه آورده است: متن: رستمی «تصحیح قیاسی»

** مصحح در متن چایی: «که هر رستمی» آورده و در حاشیه «در رستمین»

*** - برگرفته از یادداشت های دوست دانشمند آقای علی رواقی.

در «ترجمه تفسیر طبری» چاپ آقای حبیب یغمائی ترجمه آیه‌های ۲۱۹ و ۲۲۰ از هم جداست، و دانسته نیست که در اصل چنین بوده است یا مصحح خود آن دو را از هم جدا کرده است. در «کشف الاسرار و عدة الابرار» نیز می‌نماید که این دو آیه پیوسته بوده است.

کشف الاسرار و عدة الابرار . بسی و اهتمام علی اصغر حکمت . ج ۱ .

ص ۵۸۳



در باره «سکینه» - ص ۱۰۸ - جفری مقاله‌ای اساسی در «ژورنال آزباتیک ۱۸۲۹ . ۱۷۷ . P.P.» نوشته است که من بدان دسترسی نیافته‌ام



☆ ص ۱۶ س ۱۸ در عبارت :

« و گفتند نیز بلبتیم مرآدمیان را آن را که این پیام‌زدا، نه کام‌زنده‌ای کافر مشو به خدای»

«بلبتیم» از مبهمات متن بود.

استاد محمد پروین گنابادی حدس می‌زنند که اصل کلمه «بلبتیم» [= بلیت ایم] است به معنی «آزمایش و امتحان» و مرادف «فتنه» در آیه «نحن فتنه فلا تکفر» .

در تفسیر قرآن پاک چنین آمده است :

« ما بدین مبتلایم ... »

ص ۶۱ س ۶

در تفسیر ابوالفتوح رازی ، ترجمه آیه چنین است :

« میگویند که ما آزمایشیم ، کافر مشو ... » ج ۱ . ص ۱۶۷

و در تفسیر آن نیز آمده است :

« و اعلام نکردند تا نگفتند که ما فتنه‌ایم یعنی امتحان و آزمایش نگر تا کافر نشوی.»

ایضاً . ص ۱۷۰

در کشف الاسرار و عدة الابرار ، در ترجمه آیه چنین می‌آید :
« ما فتنه خلقیم و آزمودن ایشان ، بخدای عزوجل کافر مشو...»

ج ۱ . ص ۲۹۸

شواهد یاد شده از این تفسیرها مؤید حدس استاد است .



شایسته است مراتب سپاسگزاری عمیق خود را از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر ناتل خانلری دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران که همه گاه از عنایتهای مهرآمیزشان برخوردار داشتم، و از استاد علامه مجتبی مینوی ، که با وجود تمایل به چاپ این اثر، نشر آن را به بنده وا گذاشتند، و گذشته از آن از راهنماییهای مشفقانه دریغ نوزیدند ، عرضه بدارم .

از استاد بزرگوار و ارسته‌ام محمد پروین گنابادی و سرور دانشمند دکتر علی فاضل که با راهنماییها و تشویقات خود همواره دلگرم داشتند امتنان فراوان دارم.

ناسپاسی خواهد بود از سهم شایسته‌ای که همسرم در حصول این دفتر داشته است یاد نکنم .

محمد روشن

امرداد - ۱۳۵۱

مذکر گفتند آنرا بخیرست و هر چه بداد از شیر خوب کار ساخت
آنرا به معامه علیہ السلام و بداد آنرا بشکر از حق گوشت و دانه بسیار از ایشان

ایستاد ارشد و استاد هیئت مدیره

لا اله الا الله محمد رسول الله

مکر الخ بر اسیان جود لہ دامن سنان اری و ما مالک و

وَأَنبَأَ نَبِيَّكُمْ أَنَّهُ كَانَ كَأَنَّكَ كَتَلْتَهُمْ فَخَفَىٰ مَا يُخْفَىٰ عَلَيْكَ

فَهَذَا لَكُمْ كَيْفَ الْخَبْرَ مَا نَدْرِكُهُمْ وَأَيُّ عَوَاقِبِ

کے گنہگار ان کے لئے اور جو ان کے گنہگار ہیں ان کے لئے

وہم نہمان کے یہ وصف بغاوت پر ازوی بکرد آئند

مؤیدات الشریعہ و اصلاح

کتابخانه ملی ایران - تهران

از کهنای سنان **هو للهه هه** **کیت** **اد دهم** وای فرشتگان

وَأَخْبَرْتُكَ أَنَّ هَذَا كَلَامُ الْإِسْلَامِ

فراستان نواح بهر بلعیده است بفرمان کبریا و تعالی علیه السلام

ک فرزند و نسو در چها سال نرسد آنکه میسر شود از او

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

آرحل روز کشته بود ملک از مسلمین و آنرا روز آورده بودند بعد از آن
حاجوان و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
و دیو و کینه بود در مسلمین و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
ناب کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر

نامها و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
نامها و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
نامها و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر

آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر

و آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
و آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
و آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر

و آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
و آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
و آنجا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر

کما مثلا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
کما مثلا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر
کما مثلا و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر و پسر کبیر

و انكورد سنان اندر معانی حیوانهای روان را در باطنی نهی و بدستوری نامهان
وما استغواذند ادر فرشتان با سنان با نامی نای و خوانی بر ما با حادی را ابر
فرستگان را ما بر کوا و اراج هم کوی که این قصد از این باطنی بر روی
از سواد و سواد که استیل موسی من قبل ما که میکان از هم خواهد کار
بغا و بر شما ان کله کند که بود بر می علی و بعد از منی دینار خدای و منی خدای
عرو حل و منی علی

و منی علی
خمودی یا فرستگان و گامری را او موسی که در سواد و سواد
کیم که با سواد و منی علی را که در سواد و سواد
کیم که با سواد و منی علی را که در سواد و سواد

و منی علی
افکنی ایدر من سنان تا فرود میونی استس کید و منی علی
عند امیر منی علی را که در سواد و سواد

و منی علی
از سنان تا کید آمد منی علی را که در سواد و سواد
و منی علی را که در سواد و سواد

و منی علی
فول خدای سارک و منی علی را که در سواد و سواد

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

لقد انبأ أن نمرود قد مات في هذا اليوم

الاساقفة ايمانهم اذ انزلوا وسموا صوم براس كنائسهم يوم يوقسون

سیدالشیخ نوروز بخشای مرد خلافت بودی مودرا کلام و شراب و جماع ناماز حسن

کند و در این بین از عجز و کمبودی که در این امر وجود دارد آگاه گردید و در این باره با مسئولان مربوطه گفتگو و هماهنگی صورت گرفت.

کتابخانه کتب خطی و نسخ خطی در کتابخانه ملی و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

بما هو في نصيحتي مروا بما أوصي به يومئذ

اندر حره ایسان و کت کشیدم پنهان کنی تا نه از مردم زجر خواست که اطلاع نمی فرمیدند

اوصحار اوجد مرا خواب برده بود و طعام و شراب در من خوار گشته بود و عجز را نیز

هو ضاد فارسی این کلمه و سبهای هر مقرر اندیش منسب معاصر علیه السلام بدانچه رفتند

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر کرامت علی بن ابی طالب علیه السلام

کجودید بر ستمارای و مو مبارک و دامن مبارک و

از خواب و سپس از خواب **هذه الجبال** **التي** **كفروا** **بما** **كان** **عليها** **من** **الاسماء**

وَمَا كُنَّا لَكُمْ بِشَيْءٍ مُّشِيرِينَ

سید عیسیٰ و یاران! علم اللہ تمکم

وَأَمَّا أَنْتَ يَا خَدَّاءَ، بِكَيْفِ بَعْدِ تَهْلُوتِ سَتَمُ كُنْدِ بَدَاكَ

بسم الله الرحمن الرحيم

و در نقشه‌های ارتفاعی

تو کہ باد سہارا لے لکھو جسے دیکھا تھا قاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این را بعد و کل خیاره آگیزه باشد و مسواک کشد و ماهی حج
آر بود گاندر را مزاج زنا کند و دستانم دهید و معصیت نکند و قافار آن
هر ستر نشیند و هر یک کشد گاندر مزاج کرده بدی بنامه اندرون مزاج ای نا
همان که فسدی حد ای نومان را بر سر خود شوخ بکشد خالقه بر آید

فصل در معالجه زخم و جراحت

و کبر شمارا بواه حج اندرون و باز داز حج بیماری باد سفر
با علی کشد بتواند فرشته آغ آسان اندازد بان با اشتر یا کاه و با

فصل در معالجه زخم و جراحت

و شفا گاندر جو میساز حایان بویها
مستوی و زخم بر دیوار ما میساز و با اشتر یا کاه و با
رشد فوان میساز که با شید سر میساز و آن همکاره کر

فصل در معالجه زخم و جراحت

و شفا گاندر جو میساز حایان بویها
مستوی و زخم بر دیوار ما میساز و با اشتر یا کاه و با
رشد فوان میساز که با شید سر میساز و آن همکاره کر

فصل در معالجه زخم و جراحت

و شفا گاندر جو میساز حایان بویها
مستوی و زخم بر دیوار ما میساز و با اشتر یا کاه و با
رشد فوان میساز که با شید سر میساز و آن همکاره کر

و شفا گاندر جو میساز حایان بویها
مستوی و زخم بر دیوار ما میساز و با اشتر یا کاه و با
رشد فوان میساز که با شید سر میساز و آن همکاره کر

وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَمَّا اللَّهُ مَا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا
وَمَا تَعْلَمُ أَمْرًا

داده اند از آنکه در هر کس که از این کسبهای که نشان قرار
مانده اند اندر هر یک که در این کار کاران نزد بیجا مرقا ل شود که نشان
دادی با فافا و عرو که در میان ایشان به چهار صد و نود و

کنیدی و نرویدی اندر هر یک که در این کار کاران
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار
از کسبهای که در این کار کاران از کسبهای که نشان قرار

-۱-

بخشی از تفسیری کهن

... مقاتل گفت : بداند آنچه به سر مقرر آیند همی پیش
 بدادران شیر خورندگان شان از نعت پیغامبر علیه السلام ، و بداند آنچه
 به آشکار که همی گویند مرایشان را مهتران ایشان از ملامت پیدا کردن
 نعت پیغامبر علیه السلام .

آیه ۷۸ وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٌّ . وَ جملہ ی
 ۵ جهودان نادانان اند ، نبشتن ندانند ، مگر آنچه مرایشان خبر دهند
 دانا آن شان از حق و یا باطل . وَ إِن هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ . و ایشان نیستند
 اندر نعت پیغامبر مگر به گمان .

آیه ۷۹ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بَايِعْتُمْهُمْ . وای فر آن کسهایی
 ۱۰ از مهتران جهودان که همی نبیسنند توریت را به دستهایشان ، و همی
 پنهان کنند صفت پیغامبر را از وی بگردانند . ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ
 عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ كَمَنَّا قَلِيلًا . پس آن صفت گردانیده را گویند
 این از خدای آمدست ، تا بدان بدل گیرند سود زیان اندکی ازین
 جهان از کهتران شان . فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ . وای

فرایشان^۱ فر آنچه بنیسند همی به دستهاشان. وَ وِذْلَ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ.
وای فرایشان بدانچه همی بلفنجنند به سبب پنهان کردن نعت پیغامبر
علیه السلام.

از پیغامبر علیه السلام خبر آمد که ویل وادیی است اندر دوزخ ،
فرو شود کافر بدو نگوسار چهل سال پیش از آنکه برسد به پایان او. ۵
وَقَالُوا لَنْ كَمَسْنَا النَّارُ إِلَّا آيَاتًا مَعْدُودَةً . و گفتند جهودان :
که ما را [۱] ۲
مطیعان اهل بهشت باشند جاودان .

و إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ . و یاد کنید شما که جهودانید
چو ما پیمان گرفتیم فر فرزندان یعقوب جدان شما اندر توریت . ۱۰
تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ . که نپرستید و بندگی نکنید مگر^۳ با خدای را عزوجل .
و دَبَّالُوا الْيَتِيمَ إِحْسَانًا . و به جای مادران و پدران نیکوی کنید ، مرایشان
را بنوازید و فرایشان مهربان باشید و حق ایشان بشناسید. وَ ذِي الْقُرْبَى
وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ . و حق ایشان بشناسید و خویشها را بییوندید
و یتیمان فی پدران را و فی مادران نیکو دارید و گویند نیز ۱۵
درویشان را نیکو دارید. وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا .

ضحاك گفت و عطا : اندرین آیت همه نیکان و بدان اندر آمدند،

۱- در متن : فریشتگان ۲- بر کی افتاده است و پاره ای از ترجمه
آیه ۸۰ و آیه های ۸۱ و ۸۲ نیامده است : . . . قل اتخذتم عند الله عهداً فلن
يخلف الله عهدك ام تقولون على الله مالا تعلمون (۸۰) بلی من کسب سیئه و
احاطت به خطیئته فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون (۸۱) والذين آمنوا و
عملوا الصالحات اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون (۸۲) ... ۳- متن : مر

و علی بن الحسین گفت زین العابدین: کاین آیت جهود و ترسا اندر آید
 ومغ، پس بلاك (؟) مسلمان، ای همه جهانیان را نیکو گوید. و سلمان
 الفارسی گفت: ای سلام کنید فر نزدیک و دور. و حسن بصری گفت:
 امر معروف فر مایید وز منکر فاز دارید، و همه خوی نیکوی که خدای
 بپسندد کار بندید. و کلبی و مقاتل گفتند: شما که مهتران جهودانید،
 ۵ صفت پیغامبر به راستی مر کهتران را بیان کنید و پنهان مکنید. وَ آفِیْمُوا
 الصَّلَاةَ. و نمازهای فریضه را به شرایطهای او بگزارید. وَ آتُوا
 الزَّكَاةَ. و زکات خواسته‌ها تان به درویشان دهید. ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا
 قَلِيلًا مِّنْكُمْ. پس شما که جهودانید ازین عهدهایی که خدای گرفته
 بود فر شما، روی بگردانیدید، و پیغامبر را و قرآن را منکر شدید،
 ۱۰ مگر اندکی از شما که فران عهد [۲] پای داشتید؛ عبدالله بن سلام
 و یاران او. وَ أَنتُمْ مُعْرِضُونَ. و شما جاحدید مرین میثاق را که یاد
 کردیم مر شما را.

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ. و یساده کنید چون
 ۱۵ فر شما حجت گرفتیم که خون یک دیگر مریزید. وَ لَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ
 مِنْ دِيَارِكُمْ. و یک مر دیگر را به عصبیت از شهرها تان بیرون مکنید،
 و اگر از شما اسیر اوفند، آن اسیر را فاز خرید و فدی دهید.

ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ. پس شما مقر آمدید کاین عهد فر شما
 گرفتند؛ و شما همی دانید کاین عهد فر شما پیشینیان شما گرفتست خدای
 عزوجل. ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ. پس شما که جماعت بنی قریظه
 ۲۰

و نضیر اید مر بدادران خویش را همی بکشید. وَ قُخِرْ جُونُ فَرِیقًا مِنْكُمْ
 مِنْ دِیَارِهِمْ . و یک طایفه از شما مرطایفه‌ای را از سرایها بیرون کنید
 همی . قَظَاهَرُونَ عَلَیْهِمْ بِالْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ . یاری دهید همی بهری را
 فر بهری به بزه و فیداد. وَ إِنْ یَأْتِیْكُمْ أَسَارَى فُتَادُوهُمْ . و اگر سوی شما
 آیند اسیران انسدر بند ، مرایشان را فدی دهید و فاز خرید . از همه
 حکمهای من این یکی را همی کار نه بندید . پس فا این همه مرایشان
 را از خان مان همی بیرون کنید . وَ هُوَ مَحْرَمٌ عَلَیْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ . و برون
 کردن ایشان از خانمان حرام است فر شما . آفَتَوْا مِنْهُمْ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ
 تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ . و همسی کار بندید مر بهری را از آنچه عهد گرفتست
 خدای فر شما ، و آن فدا دادن است و آزاد کردن از اسیری . [۳] و همی
 حلال دارید مر بهری را از آنچه فر شما حرام است از کشتن یک دیگر و
 بیرون کردن از خان مان . فَمَا جَزَاءُ مَنْ یَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزًی فِی
 الْحَیْوةِ الدُّنْیَا . نیست عقوبت آن کسها کاز شما همی چنین کنند مگر
 رسوایی اندرین جهان .

۱۵ ابن عباس گفت : رسوایی ایشان آن بود که بنی قریظه^۱ را
 بکشت پیغامبر علیه السلام ، و بنی نضیر^۲ را برون کرد از مدینه شان . و
 گفتند که خزی ایشان اندرین جهان سرگزید بود که فر نهاد پیغامبر
 علیه السلام فرایشان . وَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ یُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ . و روز
 راستخیز فاز گشت ایشان فاز آتش باشد سختتر از عذاب این جهان
 وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ . پس بترسانیدشان و گفت : و پوشیده
 ۲۰

نیست فرخدای عز وجل چیزی از زشت کاریهاتان .

آیه ۸۶ اُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ . اَن كَسٰهٰیۤ اَزَیۡنْ
 جهودان که بگزیدند زندگانی این جهان فربهشت اندران جهان . فَلَا
 یُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ یُنصَرُونَ . آسان نکنند فرایشان از عذاب
 دوڑخ ساعتی ، و نه فاز دارنده باشد مرایشان را کسی از عذاب ۵
 خدای آسمان .

آیه ۸۷ وَلَقَدْ اَتَيْنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ . موسٰی را توریت دادیم ما . وَقَفَّیْنَا
 مِنْۢ بَعْدِهٖ بِاِلْرُسُلِ . و سپس مرگ موسی پیغامبران پیوسته کردیم سوی
 اسرایلیان ، داود و سلیمان و ایوب و جز ازیشان . وَاَتَيْنَا عِیْسٰی ابْنَ
 مَرْیَمَ الْبَنِیَّاتِ . و مر عیسی را ، پسر مریم را ، کرامت [۴] کردیم به ۱۰
 عجایبها و نشانیها ، از مرده زنده کردن و مرابینا آن را بینا کردن ،
 و مر پیس را بهتر کردن . وَاَیَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ .

ابن عباس گفت: یاری دادیم مر عیسی را به جبریل پاك ؛ و مجاهد
 گفت : روح جبریل بود ، و قدس نام خدای است . یاری جبریل مرو را
 آن بود که جهودان خواستند کاو را بکشند ؛ جبریل مرو را از راه ۱۵
 روزن خانه ، که عیسی را اندرو کرده بودند ، به آسمان برد . خدای
 مانیدگی عیسی فران یار ایشان افگند ، تا او را بکشتند و پنداشتند که
 عیسی را کشتند . اَفَعَلِمْنَا جَآءَکُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰی اَنْفُسُکُمْ اَسْتَکْبِرُوْکُمْ
 فَفَرَقْنَا کَذِبَتُمْ وَ فَرِیْقًا تَقْتُلُوْنَ . و هر باری که پیغامبری از پیغامبران
 من خدای عز وجل به شما آورد چیزی و حکمی که مراد شما اندران ۲۰
 نبود ، گروهی را دروغ زن کردید ، عیسی را و محمد را ؛ و گروهی

را بکشتید ، یحیی را و زکریا را .

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ . وچو پیغامبر علیه السلام فرخواند فرایشان آیه ۸۸

این آیتها ، خامش شدند و دانستند کاین وحی خدای است ، بهانه کردند و گفتند که : فردلهای ما پوشش است ، وفهمهای ما کند است ، ما همی

اندر نیابیم مر گفتارهای ترا . جَلَّ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ . خدای عزوجل رد ۵
کرد فرایشان وگفت : نه چنان است کایشان گویند ، بل که خدای مر
ایشان را بر اندست و هدی را ازیشان فاز داشتست ، مکافات آن که منکر
شدند ایشان مر نبوت پیغامبر را علیه السلام . فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ . مومنان
ازیشان اندکی باشند . وگفتند نیز به اندکی از نعت پیغامبر علیه السلام
مقر آیند و بیشتر را منکر شوند ، تا فر نادانان شان پوشیده کنند . وگفتند ۱۰
نیز نه به اندکی گروند و نه به بسیار از نعت پیغامبر علیه السلام .

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ [۵] مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ . و چون آیه ۸۹

بیامد به ایشان کتابی از نزد خدای عزوجل فر پیغامبر علیه السلام موافق
فرقان فا آن کتاب که نزد ایشان است از توریت ، به توحید و بعضی از

شرایع . وَكَادُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا . و ایشان بودند ۱۵
پیش آمدن پیغامبر وقرآن ، کفر جویندگان فر کافران مکه به بیرون آمدن
پیغامبر علیه السلام ، چون حربی بیوفتادی شان دعا کردند وگفتندی :

یارب ما را ظفر ده فرایشان به حرمت این پیغامبر که بخواهی فرستادن
اندرین آخر الزمان ، که نام او بود محمد علیه السلام . فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا

عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ . چون بیامد به سوی ایشان آن پیغامبر که شناخته ۲۰
بودندش به نعت او صفت او منکر شدند او را . فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى

الْكَافِرِينَ. عذاب عقوبت خدای فران کسها از جهودان که منکر شدند پیغامبر را علیه السلام.

آیه ۹۰

بِئْسَ مَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ. بد اختیار که مرتنهای خویش را کردند آن که منکر شدند مرنبی را که فرو فرستادیم و محمد را علیه السلام. بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ. حسد آن را که خدای فرو فرستاد از نبوت و قرآن فران که او خواست از بندگان خویش، و آن محمد بود علیه السلام. فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ. مستوجب شدند مرخشی را از خشمهای خدای عزوجل به حسد کردن پیغامبر علیه السلام، سپس ازان که مستوجب بودند مرخشی را از خدای به منکر شدن مر عیسی را. وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ. [ع] و مر کافران را از جهودان انسدر آن جهان عذاب دوڑخ که خوار باشند اندرو.

آیه ۹۱

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ. چو مر جهودان را گفتند استوار دارید مر قرآن را که خدای فرو فرستاد فر محمد علیه السلام. قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا. گفتند ما استوار داریم مر توریت را که فرو آمده بود فر پدران مان بس. وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ. و خدای گفت عزوجل: ایشان کافر همی شوند مر انجیل را و قرآن را که پس از توریت آمد. وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ. و قرآن راست است و موافق است مران کتاب را که نزد ایشان است. قُلْ فَلِمَ قَتَلْتُمُونِ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ. بگویی مر جهودان را ای محمد، چرا کشتید پیغامبران را پیش از محمد علیه السلام. إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اگر شما مصدق اید مران

۲۰

کتابی را که فرود آمد فر شما به حقیقت. اندرین آیت دلیل است که هر که بپسندد معصیت را از کسی، چنان باشد کان معصیت او کرده باشد، از یراک خدای عزوجل مر جهودان مدینه را کشندگان پیغامبران خواند؛ و پیغامبران را جدان ایشان کشته بودند^۱. ولکن چون ایشان مران را حق دیدند، چنان بود کایشان کشتند.

۵

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِآلْبَيِّنَاتٍ . این آیت، واللہ اعلم، جواب آیه ۹۲

آن است که جهودان پیغامبر را گفتند، علیه السلام، نشانی بیار و برهانی مر نبوت خویش را، چنانکه موسی آورده بود. خدای گفت عزوجل: وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِآلْبَيِّنَاتٍ . موسی آورده بود سوی پدران تان

نشانیها و برهانهای نبوت، چو عصا و چو دست، و جز آن . ۱۰

ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ . پس جدان تان، از پس ازان که غایب شد موسی [۷] از ایشان، پرستیدند گوساله را بدل آنکه خدای را پرستیدند همی. وَ اتَّخَذْتُمْ ظَالِمُونَ . شما ستمگاران تنهای خود بودید بدان که گوساله پرستیدید، ای خدای تان. اگر محمد علیه السلام این نشانی که بخواهید همی بیارد، مخالف شوید مرو را، چنانکه مخالف شدند جدان تان مر موسی را علیه السلام.

۱۵

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ . و یاد کنید چو فر شما یعنی فر جدان تان پیمان آیه ۹۳

گرفتیم . وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ^۲ . و کوهی را از کوههای فلسطین از بن بکندید و زبر سرها تان فاز داشتیم اندر هوا به وقت موسی

۱- در متن از «پیغامبران را...» مکرر آمده است . ۲- در متن :

«و رفعننا فوقکم الطور» مکرر آمده است .

عليه السلام . خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ . و بگفتیم مر جدان تان را بگیرید آنچه اندر توریت است بنیرو، و بدو کار کنید و فرو دایم باشید . وَاَسْمَعُوا . و فرمان بسر دار باشید ما را . قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا . جواب کردند جدان تان مر موسی را علیه السلام . سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا .

- ۵ مفسران اختلاف کردند اندر معنی این آیت . بهری گفتند : شنودیم گفتار ترا ای موسی و عاصی شدیم فرمان ترا . و مقاتل گفت : شنودیم گفتار ترا ای موسی که ما را بترسانیدی بدو از کوه، و فی فرمان شدیم گفتار ترا . ما نپذیریم مر آن را که بیاوردی زی ما . و خواجه بوسهل انماری گفت : مطیعیم گفتار ترا اکنون، و فی فرمان بودیم مر ترا از پیشتر ؛ و اگر سبب کوه نبود ، ما مطیع نبودیم ترا . و أَشْرَبُوا ۱۰ فَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَفْعَلُونَ . و اندر خورده شد اندر دلهاشان دوستی گوساله پرستیدن . قُلْ بَشِّرْهُمْ بِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَفْعَلُونَ . اگر دوستی گوساله پرستیدن اندر دلهاشان برابر دوستی آفریدگار تان است بد گروشا که بنده را به کفر فرماید [۸] ای اگر شما مومن بودیدی ، گوساله نپرستیدیدی .

۱۵

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الدِّينَ فَإِنَّ الدِّينَ لِلَّهِ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ . این آیت جواب آن آیت است که جهودان گفتند : ما دوستان خدای ایم، و ما پیغامبر زادگانیم ، و بهشت خالص ما را باشد فی مومنان . خدای گفت عزوجل : بگوی یا محمد مر ایشان را اگر شما را بود آن سرای فازپسین ، ای بهشت جاودانه فی مومنان . فَتَمَتَّعُوا أَلَمَوتَ إِنْ كُنْتُمْ ۲۰

آیه ۹۴

صَادِقِينَ . مرگ را آرزو کنید تا به دوست و سرای دوست برسید ،
و بگویید که : یارب مان بمران ، اگر شما اندرین دعوی که بکردید
راست گوید .

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ آيْدِيهِمْ . پس خدای عز وجل ۹۵

پیغامبر را گفت: و هرگز ایشان مرگ آرزو نکنند، و نه این دعا کنند که
یارب مان بمران؛ از بیم آن گناہانی که پیش از خویشتن فرستادستند
بدان جهان، دانند که عقوبت کند خدای شان بدان . پیغامبر علیه السلام
بخواندشان و بگفت: بگویید یارب مان بمران . نیارستند گفتن، و
عفو خواستند از پیغامبر علیه السلام . وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْظَالِمِينَ . خدای
دانا است به فیدادگران از جهودان و به عقوبت ایشان . ۱۰

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا . و ۹۶

هر آینه ته که محمدی، حریص تر مردمان یابی مر جهودان را فر
زندگانی این جهان، و نیز حریص تر از مغان، به قول کلبی .

و مقاتل گفت: و حریص تر از کافران مکه اند جهودان . پس یاد

کر [د] 'حریصی مغان که بی جایگاه است، تا بدانند مردمان حریصی ۱۵
 جهودان فر زندگانی این جهان بیش از آن مغان است . [۹] گفت :
يُودُ أَحَدَهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ . آرزو کند یکی از مغان کش زندگانی
دهند اندرین جهان هزار سال .

مفسران گفتند: این تحیت مغان بودی اندر میان ایشان: هزار

سال بزی و هزار سال نوروز بخور او مهرگان، تا ناژ سبز و زاغ ۲۰

سیاه و فلک اندر گشتن ، و شب به بیرون شدن و روز به اندر آمدن ،
تنّت درست باد و دلت شاد باد .

وَمَا هُوَ يَمُزَّ حَزِيحَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ . و درازی عمر نرھاند
مغ را و جهود را از دوڑخ ، اگرشان بزیانند هزار سال . وَاللَّهُ بَصِيرٌ
بِمَا يَعْمَلُونَ . و خدای عز وجل داناست به کفر مغان و جهودان و به
۵ مکافات ایشان .

پس اگر کسی سؤال کند و گوید : از بهر چه علت را جهودان
حریص تر آمدند فرزندگان از مغان ؟ گوییم - مر او را از ایراک مغان
فرزندگان این جهان حریصی کنند از بهر کامی که بیابند اندرین
جهان . و ایشان خود منکر باشند مرعقاب را و ثواب را اندران جهان و
۱۰ جهودان مقرر باشند به ثواب و عقاب آن جهان . و پنهان کردند نعت
پیغامبر را علیه السلام از توریت ، و بدو نگرویدند از بهر دوستی
ریاست را . دانستند چو بمرند ، عذاب باشدشان اندران جهان ، از بیم
عذاب را دوست داشتند زندگانی این جهان ، ایشان حریص تر آمدند
از مغان فرزندگان این جهان .

۱۵

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ . قتاده گفت : سبب نزول این آیت آن

آیه ۹۷

بود که جهودان پیرسیده بودند عمر را رضی الله عنه ، کدام فریشته آید
سوی محمد علیه السلام که وحی آورد ؟ عمر گفت : جبریل وحی آورد .
جهودان گفتند عمر را : آن دشمن ماست از فریشتگان او همی قحط و
بلا آورد فر ما . اگر بدل او میکایل بودی که وحی آوردی به محمد [۱۰]
۲۰ علیه السلام ، ما به محمد بگرویدیمی ؛ که میکایل وحی آوردی سوی

موسی علیه السلام. او فریشته‌ی رحمت است. عمر خشم گرفت فر ایشان و گفت: یا دشمنان خدای، شما جبریل را و میکایل را بشناسید و محمد را منکر شوید؟ فرخواست از بن ایشان، و سوی پیغامبر آمد علیه السلام. این آیت بیاورد جبریل فسر پیغامبر علیهما السلام. قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ. بگوی مر جهودان را، هران کسهایی کایشان دشمن داران اند ۵ جبریل را علیه السلام. فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ. که جبریل آورد قرآن از خدای آسمان، و بخواند فرته، تا یاد گرفتگی اندر دل به رغم جهودان. بِإِذْنِ اللَّهِ. به فرمان خدای عز وجل آورد. مَصَدَّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ. موافق مران کتابهایی را که فرود آمده بود فر موسی و عیسی پیش از قرآن. وَ هُدًى وَ بَشْرٰى لِّذٰلِقَوْمٍ مِّنْ بَيْنِ ۱۰ قُرْآن و مژده دهند مر مومنان را به وعده‌ی خدای عز وجل.

آیه ۹۸ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ مِيكَائِيلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ. و هران کسی که دشمنانند مر خدای را عز وجل و فریشتگان او را و پیغامبران او را و جبریل را و میکایل را، خدای دشمن دار ایشان است. و کافران اندرین آیت جهودان اند که کافر ۱۵ شدند به نعت پیغامبر علیه السلام.

آیه ۹۹ وَلَقَدْ أَتَوْا لَنَا بِآيَاتٍ بَيِّنَاتٍ. و ما فرو فرستادیم زی ته که محمدی آیتهای پیدا کرده اندرو امرها و نهیها و وعدهها و وعیدها. وَمَا تَكْفُرُ بِهِمْ إِلَّا الْفَاسِقُونَ. و جاحد نشوند مرین آیتهای قرآن را کاین آیتها نه از خدای آمدست [۱۱] مگر رشکندگان عهد از جهودان. ۲۰

آیه ۱۰۰

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ . و هر باری که پیمان گرفتند جهودان ، پیمانی چنانکه موسی گرفت فرایشان به بیان کردن نعت پیغامبر علیه السلام ، و هر که اندر یابد از ایشان پیغامبر را به آخر زمان ، بگروند بدو علیه السلام و بیان کنند نعت او بران کسهایی را که بپرسندشان از نعت او . پس چو خدای عزوجل پیغامبر را بفرستاد نه ۵ از نژاد ایشان بل از نژاد اسمعیل علیه السلام ، حسد کردند مرو را و نگرویدند بدو . بیشتر از ایشان تبه کردند مران عهد را . بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . بیشتر از ایشان نگرویدند به محمد و قرآن ، کعب بن الاشرف و مالک بن الضیف و حی بن اخطب و جدانشان .

آیه ۱۰۱

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ . و چو بیامد سوی ایشان پیغامبری ، ۱۰ ای محمد علیه السلام ، از نزد خدای عزوجل . مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ . استوار دارنده مران کتابی را که نزد ایشان بود از توریت . تَبَدَّلَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ . بهری از ایشان سپس پشت افکندند کتاب خدای را عز و جل از توریت ، ای بدو کار نکردند و نعت پیغامبر را ازو پنهان کردند . كَذَّبَهُمْ لِأَيُّعِلَمُونَ . چنانکه ۱۵ ایشان نشناسندی نعت ترا و صفت ترا اندر توریت .

آیه ۱۰۲

وَأَجَبُوا مَا قَتَلُوا الشَّيَاطِينَ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمَانَ . و فرمان برداری کردند مران را که بخوانده بودند و بنبشته بودند دیوان ، و پنهان کرده بودند از جادویها و نیرنجها اندر خانه خزینة سلیمان علیه السلام ، و زیر تخت سلیمان اندر [۱۲] آن چهل روز که بشده بود ملک از سلیمان . ۲۰ پس آن را برون آورده بودند به فرمان ایشان جادوان ، و دعوی کرده

بودند که سلیمان مملکت خویش را اندرین جادوی داشتی و دروغ گفته بودند فرسلیمان پیغامبر علیه السلام .

خدای عزوجل پاکی سلیمان وفی عیبی او یاد کرد بدین جایگاه اندرقر آن مرپیغامبر را علیه السلام، تافر خواند فرجه و دان ، تا بیان گشت مرایشان را راستی نبوت پیغامبر علیه السلام . گفت : وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَعِنَ الشَّيَاطِينُ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرُ . و پنهان نکرد آن جادویها سلیمان جز که دیوان فرمودند . به پنهان کردن آن جادویها زیر کرسی سلیمان ، و گفتند نیز . و کافر نشد پیغامبر خدای سلیمان علیه السلام به جادوی کار بستن فر مسلمانان ، جز که دیوان بودند کافران که همی

آموزختند و آموزند مر جادوان را جادوی . وَمَا اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَائِكِینِ ۱۰ دِجَابِیلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ . و همی آموزند نیز آن دیوان مر جادوان را به آنچه مبتلا کردند مران دوفرشته را از کار بستن بندها و نیرنجها ، و ایشان فاز داشته اند به ناحیت بابل به کوهی از کوهها به نزدیک کوفه ، اندر عذاب خدای عزوجل ؛ نام یکی است هاروت و دیگر ماروت .

وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰی یَقُولَا اِنَّمَا فَخِئْنَةٌ فَاِلَّا تَكْفُرُ . و هر که از ۱۵ جادوان زی ایشان شود که خواهد که بیاموزد از ایشان ، ایشان صفت نکنند مر کسی را تا نخست پند ندهند شان و نگویندشان که ما مبتلاییم به کار بستن این بندها و نیرنجها ، و گفتند نیز بلبتیم مر آدمیان را آن را که این بیاموزد از ما ، ته کاموزنده ای کافر مشو به خدای ، و ماموز این از ما ، و کارمبند این را فر کسی از خلق خدای عزوجل ، ۲۰ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُوْنَ بِهِ [۱۳] بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ . بگیرند

ازیشان به کار بستن ایشان آنچه جدا فکند بدو میان مرد و زن از دشمنادگی، فر فاز داشت مرد از زن. وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ. و جادوان و بهری گفتند دیوان، بدان جادوی که بیاموزند و کار بندند، زیان نکنند کس را جز به علم سابق خدای. و بهری گفتند: جز به قضا و مشیت خدای. عزوجل. وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ. ۵ و بیاموزند همی جادوان از جادوی که زیان دارد شان اندران جهان، و سود نداردشان اندرین جهان جز آنکه تقدیر کرده باشد خدای شان عزوجل. وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ. و دانند دیوان و جادوان که هر که اختیار کند جادوی را فرایمان، نصیب نباشد او را اندر بهشت جادوان. وَلَيَبْئَسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ. و بد اختیار ۱۰ کایشان کردند مر تنهای خویش را. لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآتَقَوْا لَمَثُوبَةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. اگر خرد بودی شان، و گفتند: اگر کار بستندی علم را ایشان.

آیه ۱۰۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَاتَقُولُوا رَاعِنَا. کلبی گوید و مقاتل: سبب ۱۵ آمدن این آیت آن بود که مؤمنان پیغامبر را گفتندی: راعنا یا رسول الله، گوش دار سخن ما را یا پیغامبر خدای. جهودان چو بشنیدند ایسن از مؤمنان، يك فادیرگر گفتند: پیش ازین ما دشنام دادیمی محمد را به پنهان، اکنون دشنام دهیم او را برابر او. و راعنا به لغت ایشان دشنام بودی. سوی پیغامبر آمدندی علیه السلام و گفتندی: راعنا یا محمد، ۲۰ تا پیغامبر چنان گمان بردی کان حقستی. تا یاری از یاران، نام اوسعد بن

آیه ۱۰۴

معاذ الانصاری بود ، بدانستی به لغت ایشان ، [۱۴] گفت : یا دشمنان
 خدای ، هر که از شما پیغامبر را این سخن بگوید ، گردنش بزنم . ایشان
 گفتند مر سعد را ، اینک شما مؤمنان همی گوید این سخن مر محمد
 را علیه السلام ، اگر ما بگوییم چه زبان دارد ؟ خدای عزوجل این آیت
 بفرستاد و مر مؤمنان را نهی کرد و گفت : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا .** یا
 ۵ **گرویدگان از موحدان ، لا تَقُولُوا رَاعِنَا .** و مگوید مر محمد را علیه السلام
راعنا ، تا بهانه نیابند جهودان به گفتن این سخنان . **وَقُولُوا انظُرْنَا .**
 و بگوید بدل آنکه گفتیدی **راعنا ،** **انظُرْنَا .** ای مهلت ده مان ، و گوش
 دار مر سخنان ما را . **وَأَسْمَعُوا .** ضحاک گفت : بشنوید کتاب
 خدای را و آنچه بفرمایدتان پیغامبر خدای ، فرمان بردار باشید .
 ۱۰ **وَلْيَتَاَفَرِّقَنَّ عَذَابُ آلِيمٍ .** و کافران را از جهودان اندران جهان عذاب
 دردناک است .

آیه ۱۰۵ **مَا يَوْدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ .** نخواهندی کافران از
 جهودان . **وَلَا الْمُشْرِكِينَ .** و نه از مشرکان مکه کسی . **أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْكُمْ**
مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ . که فرو فرستندی فر شما خبری از خدای شما ، از
 ۱۵ نبوت و ز اسلام . **وَاللَّهُ يَخْتَلِفُ دِرْحَمَتِهِ مِنْ يَشَاءُ .**

کلبی و مقاتل گویند : خدای عزوجل بگزیند مر دین مسلمانی
 را از بندگان خویش آن را کاو خواهد . و عبدالله بن ابی نجیح گوید :
 و بگزیند خدای مر پیغامبری خویش را مران را که خواهد ، محمد را
 علیه السلام . و ابن جریج گفت : بگزیند مر قرآن را مران را که اهل باشد .
 ۲۰

وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ . و خدای عزوجل ، خداوند منّی بزرگ است؛
منّت نهاد فر محمد و فر امت او .

مَا دَنَسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا . هر آیتی

آیه ۱۰۶

که منسوخ کنیم ما [۱۵] مرو را یا دست فاز داریم آیتی را ناسخ که

منسوخ نکنیم ، آیتی بفرستیم بدل آن آیتی که منسوخ کرده باشیم ۵

به از آن ، ای منفعت ناک تراز آن و آسان تر ، یابه آسانی همچنان ناسخ

آن آیتی باشد که بدو کار کنند ، و منسوخ آن آیتی باشد که بدو کار

نشاید کردن ، یا اگر نکنی روا باشد . اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

خطاب این آیت گویند مر پیغامبر راست علیه السلام ، او مراد از ان مران

کسهایی را که به شك بودند اندر منسوخات قرآن . گفت : ای آن کس ۱۰

به شکی ، ندانی که خدای فر همه چیزی که خواست و بخواهد از

ناسخ و منسوخ قرآن تواناست .

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ . اهل تفسیر گفتند : و

آیه ۱۰۷

ندانی که خدای تبارک و تعالی ، مر او راست خزاین آسمانها

وزمیها ؟

۱۵

کلبی گفت : خزاین آسمان روزی است و باران ، و خزاین زمی

نبات است ؛ و زجاج گفت : و ندانی که مر خدای راست عزوجل تمامی

قادری فر همه چیزی که خواست و خواهد . و خدای داند صلاح اهل

آسمان و زمین بدانچه بفرمود بندگان را بدو از کار کردن به ناسخ

و ایمان آوردن به منسوخ . وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ . ۲۰

و نیست مر شما را بجز از خدای کسی که قیام کند مر کارهای شما را

به دین و دنیا ، و نه مانعی که مر شما را فاز دارد از بلاها .

آیه ۱۰۸

أَمْ قُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ . ابْن

عباس گفت : رئیسی بود از رؤیسان^۱ مکه ، نامش عبدالله بن ابی امیه
المخزومی بود . سوی پیغامبر آمد علیه السلام و جماعتی از قریش ،

و مرورا گفت : یا محمد ، به خدای که نگرورم که ته رسول اویی تا اندر ۵

مکه چشمه های آب روان نکنی ، یا ترا بوستانی نباشد از خرماستان [۱۶]

و انگورستان اندر میان آن جویهای روان ، یا نردبانی بنهی و فرشوی

به آسمان . و ما استوار نداریم فرشدن ته به آسمان ، تا نامه ای ناری و

نخوانی فر ما ، تا خدای را او فریشتگان را ناری گوا فر آنچه همی

گویی که این حق است . این آیت بیامد : أَمْ قُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ ۱۰

كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ . شما که مکیان اید همی خواهید کاز پیغامبر

شما آن طلب کنید که قوم موسی طلب کردند از موسی ، دیدار خدای

و سخن گفتار خدای عزوجل . وَ مَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ . و هر آن

کسی کاو اختیار کند جهودی را فر مسلمانی و کافری را فر مومنی .

فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ . گم کرد راه صواب و دین مسلمانی را . ۱۵

آیه ۱۰۹

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ . آرزو کردند و خواستند بسیاری از

جهودان مدینه . لَوْ يَرَوْهُ دَرَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِمْ كُفَّارًا . که مر شما را

به شك افگنندی اندر دین شما ، تا مرتد شوید اسپس گروش . حَسَدًا

مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ . حسد کنندگان مر شما را

و بد خواهان از خودی خویش فی آنکه بفرموده بودندشان به حسد ۲۰

اسپس از آن که پیدا آمد مرایشان را راست راه مسلمانی، و نعت محمد علیه السلام اندر توریت. فَأَعْقُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ. شما که مومنان اید آذا منماید مر جهودان را، و دست فاز دارید ازیشان تسا حکم کند خدای میان ایشان به حکم خویش حکم کرد اندر بنی قریظه به کشتن و اندر بنی نضیر^۱ از خان مان بیرون کردن. پس آیت شمشیر ۵ مرین را منسوخ گردانید قول خدای تبارک و تعالی: قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ. تا به پایان آیت. إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و خدای تبارک و تعالی فر هرچه خواست [۱۷] و خواهد تواناست.

آیه ۱۱۰ وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ. و نماز را بگزارید به ۱۰ تمامی شما که مومنانید، و زکوة بدهید. وَ مَا قَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ قَدْ جِئُوا عِنْدَ اللَّهِ. و هرچه پیش فرستید مرتنهاتان را از نیکی از صدقه ای یا طاعتی، ثوابش بیاید زی خدای تبارک و تعالی. إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. که خدای به کردار هاتان داناست.

آیه ۱۱۱ وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى. ابن عباس ۱۵ گفت: جهودان گفتند ترسا آن فر هیچیزی نیستند از دین خدای، ای فر دین باطل اند، و به بهشت نشود مگر آن کسی کاو جهود بود؛ و منکر شدند مرانجیل را و عیسی را. و ترسا آن گفتند: دین جهودی باطل است، و به بهشت نشود مگر آنکه او ترسا بود؛ و منکر شدند توریت را و موسی را. قُلْ لَكَ أَمَّا فِئْتُهُمْ. کلبی گفت: آن آرزوهایی بود ۲۰

کارزو کردند و مریشان را ازان نصیب نی . فرا گفت : آن باطلهایی بود کایشان گفتند . قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ . بگوی مریشان را حجتھاتان بیارید از توریت وز انجیل بدان آرزو که کردید . اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . اگر شما راست گوید بدانچه گفتید .

- آیه ۱۱۲ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ . مقاتل گفت : نه چنان است ۵
که شما گفتید، که جهودان او ترسا آن اید، به بهشت شود جز شما آن کسی کاو خالص کند دین خویش مرخدای را ، و به محمد بگردد او نیکوکار باشد . فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ . مر او را ثواب ایمان او ، طاعت او بود نزد آفریدگار او . وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . و فر ایشان بیم نی و نه اندوه خورند ایشان [۱۸] . ۱۰

- آیه ۱۱۳ وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ . جهودان گفتند که : ۱۱۳
ترسا آن فر باطل اند، و دین نیست مگردین جهودی . وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ . و ترسا آن گفتند : جهودان فر باطل اند، و دین نیست مگر دین ترسایی . وَ هُمْ يَتَدُلُّونَ الْاِعْتَابَ . و ایشان هر دو گروه توریت و انجیل همی خوانند ، و بدو کار نکنند . كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ بِمِثْلِ قَوْلِهِمْ . همچو جهودان و ترسا آن ، گفتند کافران عرب که : جهودی و ترسایی و مسلمانی هیچ چیز نیست . فَاَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِیْمَا كَانُوْا فِیْهِ يَخْتَلِفُوْنَ . خدای گفت عزوجل : من خدای داور باشم و حاکم میان جهودان و ترسا آن و مشرکان عرب روز راستخیز ، بدان دو گروهی کایشان کردند اندر دین خدای ۲۰
عز وجل .

و زجاج گفت رحمه الله : معنی این آیت آن بود که بنماید مر ایشان را اندر قیامت که کی به بهشت شود و که به دوزخ شود معاینه .

- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا . ابن عباس گفت : پادشایی از روم ، اورا ططوس بن اسبسیانوس ۵ گفتندی ، بیت المقدس را ویران کرد ، و مردارها اندرو بیفگند ، و مبارزان شان را بکشت ، و زنان او فرزندانشان را اسیر کرد ، و همیشه خراب بود تا مسلمانان آبادان کردند به گاه عمر .

- حسن البصری و قتاده گفتند : به شأن بخت نصر آمدست و یاران او . ترسا آن مربخت نصر را فر ویران کردن بیت المقدس یاری داده ۱۰ بودند . خدای گفت عزوجل : کیست ستمگارتر و گردن برده تر و به خدای کافرتر از ان کسها [۱۹] که فاز داشتند مومنان را از یاد کردن خدای به یگانگی اندر مزکت بیت المقدس ، و جهد کردند ویران کردن او . اُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ . آن کسها کاین صفت ایشان است از ترسا آن نبود مر ایشان را که اندر مزکت ۱۵ بیت المقدس شوند سپس نبوت محمد علیه السلام مگر به پنهان از بیم کشتن ، پس مکافات ایشان یاد کرد اندرین جهان و آن جهان فر فعل بد شان . گفت : لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ . مرایشان را اندرین جهان خواری و رسوائی .

- کلبی گفت : خواری شان اندر این جهان آن بود که گشاده شود ۲۰ اندر مسلمانانی سه شارسستان بزرگ از شارسستانهای ایشان ، قسطنطنیه و

رومیه و عموریه، و بکشند مبارزان ایشان را . وَلَهُمْ فِي الْأَخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ . و مرایشان را [است] اندران جهان عذاب بزرگتر از عذاب این جهان ، آتش جاودانه .

آیه ۱۱۵

- وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَدِيمٌ . کلبی و مقاتل گفتند: مردانی از یاران پیغامبر علیه السلام به سفر بودند ، بدان وقت که نماز سوی بیت المقدس کردند . و روزی ابرناک بود و میخ گرفته بود ؛ و وقت نماز فراز آمد . تحری کردند قبله را . بهر [ی] سوی مشرق نماز کردند ، و بهری سوی مغرب . چو آفتاب پیدا آمد ، بدانستند که نماز نه سوی قبله کردند . به مدینه آمدند و پیغامبر را بیاگاهانیدند . این آیت فرود آمد . وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ . گفت مرخدای راست جایگاه آفتاب فر آمدن و آفتاب فرو شدن . از شرق تا غرب همه خدای راست ، از هر سوی که روی گردانید اندر نماز ، خدای آنجاست .

- مجاهد گفت وَضَحَاك : آن قبله خدای است ، ای آن نماز شما رواست ، سپس ازان که تحری کرده باشید . إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَدِيمٌ . [۲۰] ۱۵ خدای عزوجل فراخ کرد فر مومنان اندر کار قبله ، و تنگ نگرفت فر ایشان . و داناست به نیت های دلهاشان .

آیه ۱۱۶

- وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ . مقاتل گفت : به شأن ترسا آن نجران آمد ، به مدینه آمده بودند و گفتند : عیسی پسر خداست ، لعنهم الله . خدای عزوجل حکایت کرد اندر قرآن دروغهای ایشان ، و رد کرد فر ایشان ، و خود را بستود و گفت : پاکی مرخدای راست از

آنچه گفتند ایسن ناسزا گویان . بَلَّ لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . نه چنان است کایشان گفتند ، بل که مرخدای راست اهل آسمانها و زمیها از فریشتگان و ز اهل زمی ، عیسی و همه آدمیان . كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ . همه مقرند مرخدای را به خدایی .

- ۵ بوصالح ابن عباس گفت : این آیت خاص است مراهل طاعت را از مومنان . و ضحاک گفت : این آیت عام است . کس است که مرخدای را طاعت دارد به کام ، و کس است که طاعت دارد به نوکام .
- بَدَّعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا . نوکنندهی آسمانها و زمیهاست . وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا . وچو خواهد خدای عزوجل بودن چیزی و آفریدن مخلوقی ، فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . مران چیز بودمین را ۱۰ کاندر علم او بود که بخواهد بودن ، گوید : بباش . بباشد ، چنانکه او خواهد .

آیه ۱۱۷

- وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَنْزِيلُنَا آيَةً . و گفتند آن کسها که نشناختند مرخدای را به بانگی از کافران مکه چرا خدای فاما سخن نگوید ، ای چرا ما را نگوید که محمد صلی الله علیه ۱۵ پیغامبر من است ، بدو بگروید . یا چرا نشانی [۲۱] نیاری تا که بدانیمی که ته پیغامبر خدایی ، چنان نشانی کاورده بود موسی . كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ . همچنین گفتند کافران گذشتهگان مرپیغامبران شان را ، چنان کاین کافران همی خواهند از تو که محمدی علیه السلام . ۲۰ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ . ماننده گشت دلهای این کافران بدان کافران گذشتهگان .

آیه ۱۱۸

قَدْ جِئْنَا الْاِیَّاتِ لِقَوْمٍ یُؤْفِقُونَ . پیدا کردیم نشانیهای نبوت ته که محمدی اندر قرآن مر فی گمانان را از مومنان .

اِذَا ارْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِیْرًا وَ نَذِیْرًا . ما بفرستادیم ترا یا محمد آیه ۱۱۹

علیه السلام به توحید مژده دهنده مر مومنان را به بهشت ، و ترساننده مر کافران را از دوزخ . وَلَا تَسْأَلُ عَنْ اَصْحَابِ الْجَحِیْمِ . و نگه دار آنچه ۵
ترا بفرمودیم بدو ، او خلق را بدو خوان که ترا خدای بگیرد به گناه آن کسهایی که متابع نباشند مر ترا .

وَلَنْ تَرْضٰی عَنْكَ الْیَهُودُ وَلَا النَّصَارٰی . و خوشنود نباشند از ته آیه ۱۲۰

جهودان و ترسا آن . حَتّٰی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ . تا کار نبندی به شریعت ایشان را و نماز نکنی ته قبله ایشان . قُلْ اِنْ هَدٰی اللّٰهُ هُوَ الْهَدٰی . و بگوی مر ۱۰
ایشان را که دین خدای دین مسلمانی است ، و قبلهی خدای کعبه است .
وَلَنْ اَتَّبِعْتَ اَهْوَاَءَهُمْ بَعْدَ الَّذِیْ جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ . و اگر ته که محمدی
فرمان بردار ایشان باشی و به قبلهی ایشان نماز کنی سپس ازان
کاگاهانیدیم [۲۲] ترا که دین دین مسلمانی است ، و قبله کعبه است .
مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَلٰیٍّ وَلَا فَصِیْرٍ . نبود مر ترا جز از خدای عزوجل یاری ۱۵
دهی ، کت به رحمت خدای نزدیک کند ، و نه فاز دارندهای کت از
عذاب خدای برهاند .

مفسران گویند: خطاب این مر پیغامبر راست علیه السلام ، و مراد
ازو مر جملهی مومنان راست .

الَّذِیْنَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُوْهُ حَقَّ قِلَآوَتِهِ . پس بستودا آیه ۱۲۱

مرومنان اهل توریت را ، عبدالله بن سلام را او یاران او را ، و گفت :
 آن کسها که مر ایشان را ما علم توریت دادیم ، مرتوریت را همی
 خوانند به سزای خواندن او ، ای بدو بگروند و حلال او را حلال
 دارند و حرامش را حرام دارند ، و نعت پیغامبر را علیه السلام ازو
 بیان کنند . **أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ** . ایشانند که بگروند به توریت .
 و بهری گویند : ایشانند که بگروند به محمد علیه السلام ، و مرو را
 مصدق دارند . **وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ** . و هر که مرو را
 راست گوی ندارد از جهودان و جز از ایشان ، ایشانند زیان کاران
 بدین جهان و بدان جهان .

۱۰. **يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي آدَعَمْتُ عَلَيْكُمْ** . یا فرزندان
 یعقوب ، از جهودان مدینه یاد کنید . کردارهای مرا که به جای شما
 کردم . **وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ** . و نیز شما را فر همه اهل آن
 زمانه ، کاندرو بود موسی ، فزونی دادم به کرامتهایی .

- وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا** . بترسید از عذاب
 آن روزی که هیچ کس مر هیچ کس را فریاد [۲۳] رسید نتواند از
 عذاب خدای عزوجل . **وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ** . وز هیچ نبی اندر آن روز
 فدی نپذیرند . **وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ** . و شفاعت شفیع منفعت نکند مران
 تن را جز به دستوری خدای عزوجل . **وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ** . و نه فاز دارند
 مرایشان را عذاب خدای عزوجل .

۲۰. **وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ** . و آزمایش کرد خدای
 عزوجل مر ابراهیم را به سخنانی ، ای بفرمودش خدای به فرمانهایی .

فَأَقْصَيْتَنِي . ابراهیم تمام کرد مران سخنان را ، ای کار کرد فران فرمانها
فی تقصیر .

مفسران را اختلاف است اندر تفسیر این آیت . ابن عباس گفت :
خدایش بفرمود به ده خصلت ، پنج ازوی به سر اندرون ، و پنج به تن
اندرون . یکی از آنچه به سر اندرون است ، موی استردن ، و دیگر
سبالت پیراستن ، و سدیگر مسواک کردن ، و چهارم به وقت مسح
مضمضه کردن ، و پنجم آب به بینی فر کشیدن . و اما از آنچه به تن
اندرست ، موی زیر کش پاک کردن ، و موی زهار استردن ، و ختنه
کردن ، و به آب طهور کردن ، و ناخن چدن .

۱۰ و حسن بصری گفت : و مبتلا کرد خدای عزوجل به بلویهایی
ابراهیم را ، صبر کرد فر آن بلویها . یکی از آن ، آن بود که به آتش
افگندش نمرود ، و دیگر ختنه کرد خود را از پس هشتاد سالگی ، و مبتلا
کردش خدای عزوجل به ذبح فرزند ، راضی بود مرقضای خدای را .
و مقاتل گفت : بفرمودش خدای عزوجل به کردن دعاهایی که

۱۵ یاد کردست خدای عزوجل اندر قرآن . ابراهیم نخواند مرخدای را
بدان دعاها ، چنانکه گفت : رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ^۱ . رَبَّنَا
تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^۲ . رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي
بُيُوتًا غَيْرَ ذِي زَرْعٍ [۲۴] عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ^۳ . رَبَّنَا وَقَبَّلْ دُعَاءِ^۴ . رَبَّنَا
اغْفِرْ لِي وَلِإِلَٰهِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ^۵ . قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

۲- آیه ۱۲۷ سوره بقره

۴- آیه ۴۰ سوره بقره

۱- آیه ۱۲۹ سوره بقره

۳- آیه ۳۷ سوره بقره

۵- آیه ۴۱ سوره بقره

لِلنَّاسِ إِمَامًا. چو فرمان بردار یافتش خدای عزوجل ، وحی کرد بدو که من ترا همی امام خلق خواهم کرد ، تا مومنان همه به تو اقتدی کنند و سخنهای ترا کار بندند . قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي . ابراهیم از سلامت دلوز شفقت کاو را بود فرخلق ، گفت: یارب ، وز فرزندان من نیز ایشان را امامان گردان مر خلق را . قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي ۵ الظَّالِمِينَ . گفت : یا ابراهیم از فرزندان ته جهودان باشند ، و من مرجهودان را امامان خلق نگردانم . کرامت من مر فیدادگران را اندر نیابد .

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاٰمَنًا . و ما بیافریدیم مرین ۱۲۵ آیه
 ۱۰ خانه‌ی کعبه را جایگاه فازگشت بندگان بدوی هرسالی به حج ، و جایگاه ایمنی گردانیدیمش ، که هر که از برون مکه جنایتی بکند که فروقصاص واجب شود، اندر مکه شود، آن حکم فروورانند تا از وی بیرون نیاید ، حرمت آن خانه را . وَاقْبَحُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى . و بگیریید شما که امتان محمداید جایگاه نماز از مقام ابراهیم ، ازان جایگاهی که اثر قدم ابراهیم است اندران سنگ . وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ۱۵ وَاسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ . و پیمان کردیم فا ابرهیم خلیل و فا اسمعیل ذبیح از پس از آنکه بنا کردند خانه را که پاک دارید خانه‌ی مرا ، و دست فاز دارید کاندرو بتان نهند یاد کرد او از بهر طواف کنندگان را به گرد او ، و مقیمان را اندرو ، و مر رکوع کنندگان را ، او سجود کنندگان را [۲۵] از ۲۰ نماز کنندگان .

آیه ۱۲۶

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا. و دعا کرد ابراهیم
 علیه السلام از پس از آنکه بنا کرده بود خانه را، بارخدایا ، مرین خانه
 را جایگاه ایمنی بندگان کن . وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ
 بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . و روزی ده مر آن کسها را که مقیم باشند به مکّه از
 میوه ها و ز برها مران کسهای را که بگروند به ته خدای و به روز
 استخیز . قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا . وحی کرد بدو خدای که
 روزی دهم نیز مران کسهای را که کافر شوند به من خدای ، خلقی
 بیافرینم و روزی فاز گیرم^۱ ازیشان ، هر که کافر شود روزی دهمش
 اندکی ازین جهان . ثُمَّ أَصْطَرَّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بَيْتِ الْمَصِيرِ . پس
 برسانمش به آتش دوزخ ناچار . و بد جای فازگشتا که کافر را بود
 دوزخ .

آیه ۱۲۷

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ . و یاد کن چو ابراهیم
 همی فرآورد بن یاد خانه ی کعبه را . وَ إِسْمَاعِيلُ . و یاری همی داد مر
 او را فرزند وی اسمعیل . رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .
 ابراهیم چو بنای خانه را تمام کرد ، دعا کرد که : بار خدایا ، بپذیر
 این از ما که ته شنوایی مر دعای بندگان را و دانایی به مراد دلهای
 ایشان و روا کردن حاجتهای ایشان .

آیه ۱۲۸

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ . بارخدایا ، ما را هر دو مخلص
 دار مر ترا ، و فرمان بردار دار مرا مر ترا . وَ عِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً
 لَّكَ . و ز فرزندان ما نیز [۲۶] جماعتی^۲ فرمان بردار دار مر ترا .

وَأَرَدْنَا مَنَاسِكَنَا . و بیاموز مر ما را جایگاههای عبادتهای حج . وَتَبَّ عَلَيْنَا إِذْكَ أَذَّتْ التَّوَابُ الرُّحِيمُ . و تجاوز کن از زلتها و خطاهای ما ، که نه پذیرندهی توبه‌ی بندگان و بخشاینده .

آیه ۱۲۹ رَجْنَا وَاجْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ . ای بار خدای ما ، بفرست اندر میان مکیان پیغامبری از ایشان . يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ . تا بخواند ۵
فر ایشان سخنان ته . وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ . و بیاموزد مر ایشان را نبی ، و حلال و حرام آنچه یاد کنی اندر نبی .

و بهری گفتند : حکمت سنتهای پیغامبر بود علیه‌السلام که پیاموخت یاران را . وَ يَزْكِيهِمْ . و تا پاک گرداند مر ایشان را به توحید از کافری ، و گفتند : تا پاک گرداند مر ایشان را به سدن زکات ۱۰
از ایشان . و بهری گفتند تا تزکیت کند مر ایشان را روز قیامت چن گواهی دهند مر پیغامبران را . إِذْكَ أَذَّتْ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . که ته خدای قادری فر آنچه خواهی ، و قوی اندر پادشایی و حکیمی ، حکم کردی کاین پیغامبر بفرستی .

آیه ۱۳۰ وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ . و که گردد از ۱۵
طریق ابراهیم علیه‌السلام مگر آن کسی کاو خویشتن سفیه کند ؟

و کلبی گفت و مقاتل : ای کافر نشود به دین ابراهیم و شریعت او مگر آن کسی کاو تن خویش را زیان کند . و زجاج گفت : نگرود از ملت ابراهیم مگر آن کسی که خویشتن خویش را نشانسد ؛ که هر کسی که خویشتن خویش را بشناسد^۱ خدای را بشناسد . و ملت‌نامی است ۲۰

مر هر راهی را که بسپرند [۲۷] و اثر او پیدا بود . پس ثنا کرد فر
 ابراهیم علیه السلام و گفت : وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا . ما مرو را
 بگزیدیم اندرین جهان ، ای به دوستی گرفتیمش . وَ اِنَّهُ فِي الْاٰخِرَةِ
 لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ . و ابراهیم اندران جهان از رستگاران باشد از عذاب ،
 وز ظفر یافتگان باشد به بهشت . و گویند ابراهیم فسا پدران نیکان ۵
 باشد از پیغامبران اندر بهشت . زجاج گفت : صالح آن کس
 باشد که فریضه‌های خدای را بگزارد ، و امانتهای مسلمانان^۱ فازدهد .
 اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْلِمْ . بگزیدش خدای آن وقتی که گفتش اَسْلِمْ .
 ابن عباس گفت : خویشتن خالص مرا کن . و فرا گفت : دایم باش فر
 آنچه هستی فرو . قَالَ اَسَلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ . ابراهیم گفت : کردن ۱۰
 دادم مر آفریدگار خلایق را .

آیه ۱۳۱

و وَصَّيْنا اِبْرٰهِيْمَ بِنَبِيْهِ . اندرز کرد به کلمت اخلاص و به
 ملت اسلام ابراهیم فرزندان را ، اسمعیل واسحق را . وَ يَعْقُوْبُ . او
 نیز یعقوب وصیت کرد به کلمت اخلاص مر دوازده پسر خود را به گاه
 مرگ . يَا بَنِيَّ اِنَّ اللهَ اصْطَفٰ لَكُمْ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْنُ اِلَّا وَاَقْتُمُ مَّسْلِمُوْنَ .
 گفت : یا فرزندان بگزید خدای مر شما را از همه دینها ، دین مسلمانی .
 مرگ مبادا مر شما را مگر مر مسلمانی .

آیه ۱۳۲

اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ اِذْ حَضَرَ يَعْقُوْبَ الْمَوْتُ . این جواب جهودان
 است . ایشان گفتند مر پیغامبر را : یا محمد ، یعقوب آن روز که
 بمرد ، فرزندان را به دین جهودی وصیت کرد . خدای گفت عزوجل ۲۰

آیه ۱۳۳

و شما که جهودان اید، حاضر بودید نزد یعقوب بدان وقتی کاو را مرگ آمد، تا بدانستیدی که به دین جهودی وصیت کرد، ای شما حاضر نبودید [۲۸] آن وقت، پس چرا فرو فربه باطل همی گواهی دهید؟ پس بگفت که یعقوب مر فرزندان را به چه وصیت کرد. ۵
 إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي . چو فرزندان را گفت : فرزندان من، مر چه چیز را پرستید از پس مرگ من؟ آزمایش کردشان، تا چه جواب کنند او را . قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا . گفتند : پرستیم ای پدر مر خدای ترا و خدای پدران ترا، ابراهیم خلیل را و اسمعیل صادق را و اسحق ذبیح . وَكَفَنُوهُ مُسْلِمُونَ . و ما مر خدای را ۱۰
 خاضعیم و ذلیل، و بشناسیم به یکبی.

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ . ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب جماعتی بودند که رفتند . لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ . مر ایشان را پاداش آن طاعتها که کردند، او مر شما را که جهودانید عقوبت آن معصیتها که کردید و کنید، و مر ایشان را ثواب آن توحید ۱۵
 کاوردند، و مر شما را که جهودانید عقوبت آن گنه که نعت پیغامبر را منکر شدید و گواهی پنهان کردید . وَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ . و شما را که جهودان اید نه پرسند اندران جهان ازان کاری کایشان کردند، شما را از کارهاتان پرسند و فردوغتان که گفتید عقوبت کنند .

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا . و گفتند جهودان :

آیه ۱۳۵

جهودان باشید تا ره یابید . و ترسا آن گفتند : ترسا آن باشید ، تا فر دین راست باشید . قُلْ جَلَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا . بگوی مر جهودان را و ترسا آن را ، ما فر ملت ابراهیم مخلص باشیم . وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ . [۲۹] و ابراهیم از مشرکان نبود ، وز جهودان و ترسا آن نبود .

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ . بگویید شما که مومنان اید مر جهودان

آیه ۱۳۶

و ترسا آن را که گرویدیم ما به یگانگی خدای . وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ . و گرویدیم بدان کتابی که فرود آمد فر پیغامبر ما از نبی ، و گرویدیم بدان کتابی که بفرستاد سوی ابراهیم از صحف ، که بدو کار کردی اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان یعقوب . وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى . و گرویدیم بدان توریتی که بدادند مر موسی ، و بدان انجیل که بدادند مر عیسی را . وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ . و گرویدیم به همه کتابهایی که بیامده بود از خدای سوی پیغامبران . ۱۰ لَأَنْفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ . جدا نکنیم میان هیچ کس از پیغامبران ، که به بهری بگرویم و به بهری نگرویم ، ای به همه بگرویم . وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ . و ما مر خدای را عزوجل فرمان برداریم .

۱۵

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدُوا . اگر جهودان و

آیه ۱۳۷

ترسا آن بگروند چنان که شما گرویدید ، ره یافتند چنان که شما یافتید . وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ . و اگر نگروند بدانید

۲۰

کایشان مخالفند مر شما را و دشمن دار . فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . خدای کفایت کند مر ترا بدی ایشان و فر دارد از ته مؤنت ایشان . و خدای شنواست مر دعای ترا ، و داناست به عقوبت ایشان . [۳۰]

- آیه ۱۳۸ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً . نگه دارید ای مومنان مر دین خدای را عزوجل ، به قول ابن عباس .
و قتاده گفت : جهودان فرزندان را نام کردند ای نام جهودی ، و فر ایشان نهادندی علامت جهودان . و ترسا آن نام نهادندی فرزندان را نام ترسایی و علامت ترسا آن . خدای گفت عزوجل : نگه دارید شما که مومنان اید مر این نام را که شما را نهادم ، چنانکه گفت : ۱۰ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ ، وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً . و کیست نیکوتر نام نهنده تر و علامت کننده تر از خدای عزوجل ؟ وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ . بگوئید شما که مومنان اید ، که ما مرخدای را به یگانگی شناسیم ، و مرو را بندگی کنیم .

- آیه ۱۳۹ قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ . و بگوی مر جهودان ۱۵ را و ترسا آن را ، و همی خصومت کنید فا ما اندر دین خدای عزوجل ، و مخالف شوید همی ما را ؛ و الله خدای ماست و خدای شما . وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ . و ما را دین ما ، دین مسلمانی ، و شما را دین شما ، دین جهودی و ترسایی ؛ به قول کلبی و مقاتل . وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ . و ما مر خدای را ایم بندگان فی آمیز ، ای جز ۲۰

مر او را نپرستیم .

آیه ۱۴۰ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ

كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى . وهمی گویند که ابراهیم و فرزندان او اسمعیل و اسحاق و نسل او ، او یعقوب و نژاد یعقوب ، جهود بودند یا ترسا .

۵ قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلِمُ أَمِ اللَّهُ . و بگوی مر ایشان را که شما داناترید به دین ابراهیم و فرزندان او یا خدای عز و جل ؟ و خدای خبر داد مرا که ابراهیم [۳۱] نه جهود بسود و نه ترسا . وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ . و کیست ستم گار [تر] فر خویشتن و دروغ زن تر از آن کسی که پنهان کرد گواهی را که نزد او بود اندر توریت و انجیل از خدای عز و جل ؟ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ . و خدای غافل نیست ۱۰ و فرو پوشیده نیست از آنچه شما کنید همی . ای مکافات آن برساند به شما که جهودان اید و ترسا آن اید .

فَإِنَّكَ أَمْتٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ . آن جماعتی بودند که

آیه ۱۴۱

رفتند ابراهیم او فرزندان او . وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ . مر ایشان را ثواب

۱۵ آنچه ایشان کردند ، و مر شما را مکافات آنچه شما کنید . وَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ . و شما را از کار ایشان نپرسند ، و ز کار شما پرسند .

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا

آیه ۱۴۲

عَلَيْهَا .

۲۰ حسن البصری گفت و مقاتل : پیغامبر علیه السلام به قبله بیت

المقدس نماز کرد هفده ماه، دشوار آمد فر مشرکان مکه، چون قبله

سوی کعبه گشت ، کافران مکه گفتند : محمد آرزومند گشت به شهر خویش ، همچنان که فاز قبله‌ی ما فاز آمد ، فاز دین ما فاز آید . این آیت بیامد به شأن ایشان .

و سعید بن جبیر گوید و مجاهد : این سفیهان اندرین آیت

- مہتران جهودان اند ، کعب الاشرف و یاران او . چون پیغامبر علیہ السلام از بیت مقدس روی به کعبه کرد ، گفتند : مَا وَ لَيْسَهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمْ اَتْتَبِیْ كَانُوا عَلَیْهَا . چی گردانید مر ایشان را از ان قبله‌ای که تا اکنون سوی او نماز کردند . قُلْ لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ . ۵

کلبی گفت : بگوی مر خدای راست عزوجل قبله بیت المقدس

- و مغرب ، قبله‌ی کعبه مر خدای راست . [۳۲] يَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ . ره نماید به قبله‌ی راست و به دین راست مران کسها را که او خواهد . ۱۰

وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلٰى النَّاسِ .

آیه ۱۴۳

همچنان که ره نمودیم مر شما را که مومنان اید به راه راست ، هم چنان مر شما را جماعتی کردیم گزیده ، تا گواهی دهید مر پیغامبران را روز راستخیز به گزارد پیغامبری . وَ يَكُوْنَ الرَّسُوْلُ عَلَیْكُمْ شَهِیْدًا . و پیغامبر صلی الله بباشد مر شما را مزکی که تزکیت کند پیش خدای عزوجل ؛ این قول ابن عباس است .

و قتاده گفت : تا پیغامبر گواهی دهد که گزارد رسالت به امت ؛

- و مجاهد گفت : لِتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلٰى النَّاسِ . تا گواهی دهید مر محمد را فر جهودان و ترساآن و مغان به گزارد پیغامبری . وَمَا ۲۰

جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا اِلٰلٰهِنَا الَّذِي نَعْلَمُ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُوْلَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ
عَلٰى عَقْبَيْهِ . و ما نفرمودیم مر ترا به نماز کردن سوی بیت المقدس
وفاز فرمان ندادیم به نماز کردن سوی کعبه مگر از بهر آن را تا
بدانیم و بینیم که که باشد فرمان بردار مر ترا از جملهی آن کسها
که مرتد شوند ، فاز کردند فاز کافری . و اِنْ كُنْتَ لَتَكْبِرَةَ اِلَّا عَلٰى
الَّذِيْنَ هَدٰى اللّٰهُ . و گردانیدن قبله سوی کعبه دشوار بود فر جهودان و
فر منافقان مگر فران کسها که توفیق دادشان خدای از مخلصان مر
متابعت پیغامبر را علیه السلام . و مَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ اِيْمَانَكُمْ . خدای
عزوجل ضایع نکند گشوش شما را [۳۳] که مومنان اید ؛ ای باطل
نکند مر نمازها تان را که کرده بودید سوی بیت المقدس به فرمان
پیغامبر علیه السلام . اِنَّ اللّٰهَ بِمَا لِنَاسٍ لَّرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ . که خدای به مومنان
مهربانست و بخشاینده .

قَدْ دَرٰى قَلْبُكَ وَجْهَكَ فِى السَّمَاءِ .

آیه ۱۴۴

سبب نزول این آیت آن بود که پیغامبر علیه السلام سوی بیت
المقدس نماز کرد به قبله‌ی جهودان ، امید آن را که جهودان بگروند
۱۵ بدو ؛ از ایراک جهودان نعت پیغامبر علیه السلام چنان یافته بودند کاو
به دو قبله نماز کند. چو جهودان بدو نگر ویدند ، دشمن گرفت قبله‌ی
ایشان را. جبریل را گفت : ای جبریل، خواستمی که خدای عزوجل
مرا فاز قبله‌ی کعبه فاز گرداندی. جبریل گفت : بخواه از خدای
عزوجل تا حاجت روا کند . پیغامبر علیه السلام سوی آسمان همی
۲۰ نگرستی و دعا همی کردی او مید آن را که وحی آیدی . این آیت

بیامد: قَدْ دَرَى قَلْبُكَ^۱ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ^۲. گفت: ما دیدیم یا محمد داریم نگرستن ته سوی آسمان. فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَتَكَ قَرَضِيهَا. مر ترا سوی قبله‌ای گردانیم که مراد ته بدوست، و خشنودی ته اندروست. قَوْلُ وَجْهِكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. روی را سوی مز کد مکه کن اندر نماز.

- ۵ براء ابن عازب گفت: یار[ان] پیغامبر علیه‌السلام قبله را سوی کعبه گردانیدند و ما دو رکعت نماز کرده بودیم سوی بیت‌المقدس، و ما اندر رکوع بودیم، روی سوی کعبه گردانیدیم و هم قرآن نماز بنا کردیم. پس مومنان را گفت: وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ. و به هر مکان که باشید روی را اندر نماز سوی کعبه [۳۴] کنید. وَإِنَّ الَّذِينَ أُوذُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ. و آن کسها کایشان را از علم توریت نصیب دادند از مهتران جهودان، بدانند کاین قبله سوی کعبه حق است از خدای‌شان. پس وعیدهاشان کرد و گفت: وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ. و خدای عز و جل فرامشت کار نیست و غافل نیست از کارهای جهودان، ای از پنهان کردن ایشان صفت پیغامبر را، و قبله‌ی کعبه را از توریت.
- ۱۵

وَلَكِنَّ آتَيْتِ الَّذِينَ أُوذُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ. و اگر بیاری سوی آن کسها که دانا آن اهل کتابند، کعب بن‌الاشرف و جز او، همه نشانها که طلب کردند از ته، چنان که موسی آورده بود سوی قوم خویش، ایشان نماز نکنند به قبله‌ی ته. وَ مَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ. و ته نیز نماز نکنی به قبله‌ی بیت‌المقدس. وَ مَا بَعْضُهُمْ

۲۰

آیه ۱۴۵

يَتَابِعِ قِبْلَتَهُ بَعْضٌ . و بهری از جهودان و ترسا آن نماز نکنند به قبله‌ی يك ديگر . وَ لَئِنْ اَتَّبَعْتَ اَهْوَاءَ هُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ . و اگر ته که محمدی اسپس آن که ترا سوی قبله‌ی کعبه گردانیدیم نیز به قبله‌ی جهودان نماز کنی به مراد ایشان از پس ازان که آگاهانیدیم مر ترا که قبله ، خانه‌ی کعبه است . اِنَّكَ اِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ . ته ۵
نون آن هنگام از فیداد گران باشی فر خویشتن .

آیة ۱۴۶ اَلَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاهُمْ . آن کسها که مر ایشان را علم توریت [۳۵] و انجیل دادیم از مهتران جهودان و ترسا آن ، بشناسند مر محمد را علیه‌السلام به نعت و صفت او ، چو ببینندش اندر میان فیگانگان ، چنانکه بشناسند مر فرزندان را ۱۰
چو ببینندشان اندر میان کسودکان فیگانگان . وَ اِنْ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ . و بهری از جهودان همی پنهان کنند صفت پیغامبر را و قبله‌ی کعبه را از توریت . وَ هُمْ يَعْلَمُونَ . و ایشان همی دانند که محمد پیغامبر خدای است ، و کعبه قبله‌ی خدای است عزوجل .

آیة ۱۴۷ اَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ . اینچه یاد کردیم مر ۱۵
ترا راست است از خدای ته ، به شك میباش اندر کار قبله .

زجاج گفت رحمه‌الله : این خطاب مر پیغامبر راست و امتان او ، همه اندرین خطاب فا او یکی اند ، والله اعلم .

آیة ۱۴۸ وَ لِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيَّهَا . و مر هر اهل شریعتی را و اهل ۲۰
دینی را قبله‌ای است کایشان روی بدان قبله کنند به نماز . فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ . پیش دستی کنید شما که مومنان اید به گزارد پنج نماز ؛ و

گفتند پیش دست باشید شما که مومنان اید فر همه امتان به کردن نیکیها .

زجاج گفت : پیش دستی کنید به پذیرفت این طاعتها از خدای عزوجل . *اَيُّنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً* . که به هر مکانی که بمرید فرا نگیرندتان جمله خدای عزوجل . *إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* . ۵
که خدای عز و جل فر همه چیزی که خواست و خواهد [۳۶] از فر انگیختن روز قیامت و شمار کردن و پاداش دادن تواناست .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . و ز هر مکانی که بیرون آیی یا باشی روی را سوی کعبه گردان به نماز .
وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ . و امر قبله راست است و داد است از خدای ۱۰
ته . *وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ* . و خدای غافل نیست از آنچه جهودان همی کنند .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . و ز هر مکانی که بیرون آیی رویت را سوی کعبه گردان به نماز . وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ . و هر کجا باشید شما که مومنانید رویهاتان را سوی کعبه گردانید به نماز . *لِيُثَابِتَكُمْ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ* . تا جهودان را فر شما حجت نباشد و ۱۵
فا شما خصومت نکنند که مومنان اید ، چون به دو قبله نماز کرده باشید مگر فیداد گران ازیشان بی حجت فا شما خصومت کنند . فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي . ازیشان مترسید که رویها را از بیت المقدس به ۲۰
کعبه گردانیدید به نماز کایشان شما را چیز کرد نتوانند ؛ و ز من

آیه ۱۴۹

آیه ۱۵۰

ترسید که اگر امر من دست‌فاز دارید عقوبت مرا مستوجب شوید. وَلَاقِمَ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ. و ره نمودم تان به قبله‌ی ابراهیم تا تمام کنم کردار خویش فر شما. [۳۷] وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. و تا ره یافتگان باشید به قبله‌ی راست.

- ۵ کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ. مرا یاد کنید و فرامشت مکنید چنان که من شما را یاد کردم به رحمت، و بفرستادم اندر میان شما پیغامبری از نژاد شما که فاز یابید. يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا. تا بخواند فر شما فر کتاب ما، و بیان کند مر شما را امر و نهی ما. وَ ذُرِّيَّتِكُمْ. کلبی گفت: تا به صلاح آرد مر شما را به ستن زکات از شما؛ و مقاتل گفت: تا پاکیزه کند مر شما را به مسلمانی از پلیدی کفر. ۱۰ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ. و بیاموزد مر شما را قرآن و مواعظ قرآن و حلال و حرام قرآن، به قول کلبی؛ و حسن بصری گفت: تا بیاموزد مر شما را قرآن و سنتهای خویش علیه‌السلام. وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا قَعَلَمُونَ. و تا بیاموزد مر شما را شرایع دین شما و هر چیزی که اندرو صلاح شماست. ۱۵

- فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ. مقاتل گفت: مرا یاد دارید! به طاعت من تا من یاد دارم تان به خیرها. و سعید بن جبیر گفت: مرا یاد دارید به طاعت داشت من تا من یاد کنم شما را به آموزش من. و ابن عباس گفت: مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و یاد کرد من مر شما را بزرگ‌تر از یاد کرد شما مر مرا. وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ. سپاس‌دار ۲۰

باشید مر کردارهای مرا و نوسپاس مشوید اندر من خدای عزوجل .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ . يَا ۱۵۳ آیه

گرویدگان به یگانگی [۳۸] خدای عزوجل و به نبوت محمد علیه

السلام ، یاری خواهید فر گزارد فریضه‌های خدای ، و به یافت ثواب

خدای ، و به کفارت گناهان شما به شکیبایی کردن فر مصیبتها ، و به ۵

نماز کردن . إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ . که خدای یاری ده شکیبایی

کنندگانست .

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ . ابن عباس گفت : ۱۵۴ آیه

یاران پیغامبر علیه‌السلام مران کسها را که کشته شده بودند به حرب

بدر واحد مردگان خواندندی و گفتندی : بمرد فلان و بمرد فلان . ۱۰

این آیت بفرستاد خدای و گفت : مگویید مران کسها را که شهادت

یافتند اندر طاعت خدای ، کایشان مردگانند . بَلْ أَحْيَاءُ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ . نه کایشان زندگانند اندر بهشت جز شما که مومنان اید

بدانید حقیقت زندگانی ایشان از پس جدا شدن جانهایشان از تنهایشان .

وَلَنَبْذُلَنَّكُمْ بَشَرًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ ۱۵۵ آیه

وَالْأَنْفُسِ وَالْثَّمَرَاتِ . و آزمایش کنیم تان ای مومنان به بهری از

بیم دشمنان ، و به قحط و ستن خواسته‌ها تان و به بیماریاتان و به

ستدن برها و میوه‌هاتان از شما . وَ بَشَرٍ الصَّادِقِينَ . و مژده ده مران

کسها را که شکیبایی کنند فر مصیبتها ، پس صفت ایشان بکرد و

گفت :

۲۰

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ . آن کسهای که برسد به ایشان

۱۵۶ آیه

ازین محنتها که یاد کردیم محنتی . [۳۹] قَالُوا إِذَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . خرسند باشید به قضای من خدای ، و بگویید که ما مر خدای راییم به زندگانی ، و فاز گشت ما فاز خدای باشد اندر ان جهان ، اگر خرسند باشیم به قضای خدای ، مستوجب شویم مر ثواب او را اندر ان جهان . پس ثواب شان یاد کرد و گفت :

۵

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ . ایشان آن کسهانند که مر ایشان راست از خدای ایشان آمرزش و بخشایش ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَعْتَدُونَ . و ایشان آن کسهانند که توفیق یافتستند به گفتار : إِذَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . آیه ۱۵۷

۱۰ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ . سعی کردن میان کوه صفا او کوه مروه فر در مزکت مکه از سنتهای حج است و از علامتهای خدای است که بفرمودست مر خلق را بدو . فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوَاعْتَمَرَ . و هر که به خانهای کعبه حج کند یا عمره کند . فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا . فر ان کس بزه ای نیست که سعی کند میان کوه صفا و مروه . آیه ۱۵۸

۱۵

و این جواب آن است که به جاهلیت اندر بتی را فر کوه صفا نهادندی نام آن بت اساف بودی ؛ و بتی را فر کوه مروه نهادندی نام آن بت نایله بودی ؛ و چون بدین بت یا آن بت برسیدندی ، مرو را سجود کردند . چو مسلمانی آمد بهری از یاران گفتند که ما را بزه بود دویدن میان صفا و مروه به وقت حج کردن ، به سبب آن را . کان موضع بتان بودی [۴۰] این آیت بیامد : فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ

۲۰

أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ قَطَّوعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. و هر که او از خودی خویش نیکی کند، ای گرد خانه طواف کند بیرون ایام حج و عمره، خدای پذیرنده‌ی آنست و داناست به نیت‌های بندگان.

- آیه ۱۵۹ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ. این آیت ۵
به شأن مهتران جهودان آمدست. گفت آن کسها که همی پنهان کنند
مران را که ما فرو فرستادیم اندر توریت از صفت پیغامبر، و آیت
رجم و تحویل قبله سوی کعبه وز حلال و از حرام. مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ
لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ. سپس از آن که ما پدید کرده بودیم اندر توریت.
۱۰ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ. ایشان آن کسها اند که لعنت
خدای فر ایشان است و لعنت مومنان.

- ابن عباس گفت: هیچ دو مسلمانی نباشد که يك مردیگر را
لعنت کنند که نه آن لعنت فاز جهودان گردد. و مجاهد گفت آن لعنت
کنندگان که یاد کرد خدای اندر قرآن، همه فریشتگان اند و
همه جانوران جز آدمیان و پریان، و ابن عباس گفت: از طریق ۱۵
دیگر که کافر را چو به گور کنند بپرسندش که خدای ته کیست و
دین ته چیست؟ گوید، ندانم. منکر و نکیر گویند مرو را: مدانیا،
همچنین بوده بودی اندر سرای دنیا. پس يك زخمش بزندانِ بسان
عمودی که دارند. بخروشد، خروش او را [۴۱] هیچ جانوری نشنود
که نه لعنتش کند جز آدمیان و پریان. ۲۰

آیه ۱۶۰ إِلَّا الَّذِينَ هَابُوا وَاصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا. مگر آن کسهایی کازیشان

توبه کنند از جهودان و بیان کنند نعت پیغامبر را علیه السلام لعنت

ازان فر خیزد. فَأُوْلَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ. ایشان آن کسهاند که من

تجاوز کنم ازیشان گناهان شان. وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. و من تجاوز

کننده ام از تایبان، و بخشاینده ام مران کسها را که فر توبه بمیرند. ۵

آیه ۱۶۱ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ. آن کسها کایشان منکر

شدند نعت پیغامبر را علیه السلام و هم فران کافری بمردند. أُولَئِكَ

عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ. ایشان آن کسهاند که

فر ایشان باشد لعنت خدای عز وجل و لعنت فریشتگان و مومنان؛ و

لعنت خدای راندن بود مر بنده را، و نوید کردن از رحمت. ۱۰

آیه ۱۶۲ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ. جاودانه اندر لعنت

باشند و عذاب، سبک نکنند روزی و ساعتی ازیشان لعنت او عذاب.

وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ. و زمان ندهند مر ایشان را که بیاسایندی یا فاز این

جهان آیندی و توبه کنند.

آیه ۱۶۳ وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. آفریدگار ۱۵

شما یکی است، جز او خدای دیگر نیست، بخشاینده و مهربان است [۴۲].

آیه ۱۶۴ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.

چو این بیامد: وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ. کافران گفتند مر پیغامبر را

علیه السلام: حجتی و بیانی بیار فران کافریدگار یکی است. فرود آمد

این آیت: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. ۲۰

گفت: اندر آفرینش آسمانها اندر هوا و زمیها فر روی آب و

اندر آمد شد روز و شب. وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ
النَّاسَ. و آن دو کشتی‌ها همی روند اندر دریاها فر روی آب از بهر
سود آدمیان را. وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ. و اندر باران که بفرستد خدای
از آسمان، و زنده کند بدو زمین خشک را به گیاهها^۱ او کشتمنها. ۵
وَقَصْرٍ فِي الرِّجَالِ. و اندر فاز گردانیدن باها اندر هوا فر راست او
چپ و پیش و سپس. وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ. و اندر
ابرها سخره کرده اندر هوا میان آسمان و زمین مر سبب باران را.
لَا يَأْتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. اندرین همه نشانیهاست فر یگانگی خدای
عزوجل مر خردومندان را.

۱۰

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ.

آیه ۱۶۵

[۴۳]

زبیدی گفت: از مردمان کسه‌اند که فرود خدای عز و جل
مخلوقانی را همتا گیرند فا خدای، فرمان ایشان کنند به معصیت
خدای. و مفسران دیگر گفتند: از کافران کسه‌اند که بجز از خدای
انبازان گیرند فا خدای از بتان. و عیسی و عزیر را دوست دارند
ایشان، چنانکه مومنان دوست دارند خدای را. و گفتند به دوستی
برابر دارند مر بتان را فا خدای عزوجل. وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا
لِلَّهِ. و مومنان دوست دارند تراند مر خدای را از کافران مر بتان را،
زیرا که مومنان مر خدای را به حال فراخی و تنگی بخوانند و بپرستند

۲۰

- دوست دارند، و کافران مرتبان را به حال فراخی پرستند. و چو اندر کشتی نشینند و موج دریا بخیزد، آن هنگام بتان را دست فاز دارند و به اخلاص مر خدای را خوانند، چنانکه خدای گفت عز وجل: **فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ** ۱. او نیز کافران مرتبان را تا نبینند نپرستند، و ۵ مومنان مر خدای را عز وجل نا دیده پرستند. مومنان مر خدای را دوست تر دارند. **وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ**. و اگر به تی خوانی، خطاب این پیغامبر را بود؛ معنیش چنان بود، و اگر ته که محمدی علیه السلام به قیامت اندر ببینی مر فیداد گران را از کافران، چو معاینه شود مر ۱۰ ایشان را عذاب خدای آسمان ببینی به چه جایگاه بود فاز گشت ایشان از دوزخ جاودان؛ و چو به بی خوانی، چنان بود، و اگر بدانندی فیدادگران [۴۴] از کافران چو معاینه شودشان عذاب اندران جهان، که قوت به جملگی مر خدای راست و عذاب خدای سخت است مر کافران را، بگرویدندی اندرین جهان به جملگی. ۱۵
- آیه ۱۶۶ **إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ**. چو فیزار شوند بتان از کافران اندران جهان و مهتران از کهتران که فرمان ایشان کرده بودند به معصیت خدای اندرین جهان، و ببینند مهتران و کهتران به جملگی عذاب خدای اندران جهان. **وَقَقَّطَعَتْ بِهِمُ السَّبَابُ**. اهل لغت گویند برینه گردد میان ایشان آن هنگام ۲۰

پیوستگیهایی که بوده باشد میان ایشان اندر این جهان ؛ و مقاتل بن حیان گوید ، و ابو جعفر الرازی : جدا افکنند میان ایشان منازلشان اندر دوزخ ؛ و ابن عباس گفت : بریده گشت آن هنگام دوستیهایشان و پیمانهایشان .

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا ۝ ۵

آیه ۱۶۷

مِنَّا . چنین گویند : آن هنگام اسپس روان شان و کهتران شان چو معاینه شود عذابشان اگر ما را به نیز فاز گشتن بود فاز دنیا ، فیزار شویم ازیشان ، همچنان کایشان فیزار گشتند امروز از ما . كَذَلِكَ يُرِيدُ اللَّهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ . چنین نماید خدای عز و جل عقوبت کفرهایشان عذاب اندران جهان ، و دریغها و پشیمانیها بماند فر دلهاشان . وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ . و نباشند ایشان بیرون آیندگان هرگز از دوزخ جاودان .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا . یا مکیان ،

آیه ۱۶۸

بخورید از آنچه خدای بیافرید اندر زمین ، [۴۵] از کشت مندها و از چهارپایان ، از آنچه مباح کرد خدای شما را خوردن او حلال و خوش مر شما را . وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ . متابعت مباحید مر دیو را به معصیت خدای عز و جل به حرام داشتن بحیره و سائبه و وصیله و حام . إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ . که دیو مر شما را دشمن است پیدای .

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ . سدی گفت : دیو مر شما را

آیه ۱۶۹

بفرماید به معصیت و زنا ؛ و گفتند : دیو مر شما را همی به بدی فرماید و زشتیها ، ای به حلال داشتن آنچه خدای حرام کردست ، و حرام

داشتن آنچه خدای حلال کردست. وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. و بفرماید مر شما را به دروغ گفتن فر خدای عز و جل که خدای این چیزها را حلال کردست و آن حرام کردست فی دانشی که مر شما راست اندران .

آیه ۱۷۰

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اقْبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ . چون گفتند مر ایشان را ۵ مومنان که فرمان بردار کتاب خدای باشید ؛ و آن کنید که خدای فرماید عز و جل اندر قرآن ؛ او حلال دارید حلال خدای را ؛ و حرام دارید حرام خدای را . قَالُوا بَلْ تَتَّبِعُ مَا الْفَرِيقَانَا عَلَيْهِ آجَاءْنَا . گفتند: نی که ما فرمان بردار مران را باشیم که پدران را فران یافتیم از حلال داشتن بحیره و سایه و بت پرستی . أَوْ لَوْ كَانَ آجَاءَّهُمْ لَا يَعْصُونَ شَيْئًا ۱۰ وَ لَا يَهْتَدُونَ . و نه پدران شان فی خردان بودند و فی راهان ، واجب نکند فرمان برداری کردن مر فی راهان را و فی خردان را و گم بودگان را . [۴۶]

آیه ۱۷۱

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْإِنْبِیِّ دَنَعِقُ دِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً . و مانند کافران مکه فا پیغامبر علیه السلام چو دعوت کردشان ۱۵ به ایمان و بخواند نبی فر ایشان ، گوش نکردند ایشان و خرد کار نبستند ؛ چن مانند شبان بود فا گوسپندان ، بانگک فر زند فر ایشان که نشنوند ایشان مراد شبان ، مگر خواندن ایشان و بانگک فر زدن شان ؛ ای اگر شان پند دهدشان : ای گوسپندان ، ازان گیا مخورید کان زهر گیاست ، ایشان ندانند ازان مراد شبان ؛ همچنین اندر نیافتند کافران نصیحت پیغامبر علیه السلام . صُمُّكُمْ عَمَىٰ فَمَهُمْ لَا يَعْصُونَ . کرانند و گنگانند و نابینایانند ۲۰ و فی خردانند ؛ ای نخواهند که بشنوند حق را و مقرر آیند به حق ، یا ببینند

حق را یا خرد را کار بندندی .

آیه ۱۷۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ . یا آن

کسهایی که بگرویدید به یگانگی خدای ، بخورید حلال شما را
از آن خوشیها، و حلالهایی که روزی کردیم مر شما را از کشت مندا
و چهار پایان. وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ . او سپاس داری کنی خدای را فر نعمتها،
و مطیع باشید مر او را به امرها و نهیها . إِنْ كُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ . اگر
شما او را پرستید همی .

آیه ۱۷۳ إِذَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ . و حرام کرد

فر شما مردار و خون روان [۴۷] و گوشت خوک . وَمَا أَهْلُ بِهِ لِغَيْرِ
الله . و آنچه نام برده باشند فرو جز نام خدای و بسمل کرده باشند
به نام بتان . فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ . هر که فیچاره شود به وقت
گرسنگی به خوردن چیزی ازین جز اینها . غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ . او باغی
و عادی نباشد .

زجاج گفت : باغی آن بود که بیش از آن که گرسنگی را
بنشانند ، بخورد ؛ یا بدان مقدار نخورد کش قوت باشد ؛ و حسن و
سدی گفتند : فی آنکه اندر خوردن مردار ستمگار باشند یا به سیری
بخورند ، و فی آنکه عادی باشند مردار خورند ، و ایشان را بسدو
حاجت نباشد . و قتیبی گفت : فی آنکه فر مسلمانان به شمشیر برون
آمده باشند ، یا فا سلطان عادل خارجی گشته باشند . فَلَا إِحْمَ عَلَيْهِ .
فرو بزه نی به خوردن مردار به وقت اضطرار به مقدار . إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ . که خدای عزوجل آمرزگارست بندگان را و بخشایندهی ایشان که رخصت دهد همی مر ایشان را به خوردن مردار به حال اضطرار .

آیه ۱۷۴

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ . آن کسهایی که پنهان

- ۵ کردند مران که خدای فرو فرستاد اندر توریت از صفت پیغامبر علیه السلام . وَ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا . و بگزینند همی به پنهان کردن صفت پیغامبر علیه السلام سود زیان اندکی . أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ . ایشان آن کسها اند که نخورند همی [۴۸] مگر آتش ، ای آنچه همی بخورند اندرین جهان ، آتش گردد اندر شکمها شان اندران جهان . وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . و خدای فا ایشان ۱۰ سخن نگوید به رحمت اندران جهان . وَلَا يُزَكِّيهِمْ . و عفو نکند شان و نهد از ایشان گناهانشان . وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . و مر ایشان را [است] عذاب درد ناک اندران جهان .

آیه ۱۷۵

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ .

- ۱۵ ایشان آن کسها اند که بدل گرفتند کافری را فر ایمان و عذاب را فر آمرزش . فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ .

آیه ۱۷۶

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ . آن عذاب مر ایشان را

- ۲ اندران جهان بدان که فرو فرستاد خدای کتابها را از بهر بیان کردن حق را ، و ایشان کافر شدند بدو . وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ . و آن

کسها کایشان دو گروهی کردند از جهودان و ترسا آن اندر توریت و انجیل . لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ . اندر خلافتند و دشمن داری دور از راه راست .

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ . [۴۹] و ۱۷۷۴T

آن آن بود که جهودان گفتند : طاعت نماز است سوی بیت المقدس ؛ ۵
و ترسا آن گفتند : نه که طاعت نمازست سوی آفتاب فر آمدن ؛ این
آیت بیامد ، گفت : پرهیزگاری نه اندر نمازست سوی بیت المقدس و
سوی مشرق .

و مقاتل گفت : تقوی و طاعت نه همه آنست که نماز کنند و

جز ازو نکنند . وَلَئِنْ الْبِرُّ مِنْ أَمَنْ بِلَهِ . وَلَكِنْ تَقْوَى وَطَاعَتِ مَرَّان ۱۰
کسها راست که بگروند به خدای . وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . و به روز فاز پسین .
وَالْمَلَأْتَهُ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ . و بگروند به فریشتگان و به همه
کتابها او به پیغامبران . وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى
وَالْيَتَامَى . و بدهند خواسته فادوست داشت ایشان مرو را مر خویشان
را و فی پدران را . وَالْمَسْكِينِ وَآجَنَ السَّبِيلِ . و مر درویشان را و مر ۱۵
غریبان را . وَالسَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ . و مر خواهندگان را و مر
مکاتبان را . وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ . و نماز را بگزارند و
زکوة را بدهند . وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا . و تمام کنند مر
پیمانها را که گرفته باشند فادای عزوجل . وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ
وَالضَّرَاءِ . و شکیا باشند فر درویشها و بیمارها . وَ حِينَ الْبَأْسِ . و ۲۰
شکیبایی کنند به وقت کارزار فادشمنان خدای عزوجل . [۵۰]

أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا . ایشان آن کسها اند اهل این صفت کاند
ایمان خویش مصدق بودند نه منافق بودند . وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ .
و ایشانند فرمان برداران و پرهیزگاران .

ت ۱۷۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى . یا
گرویدگان ، فریضه کرد خدای فر شما قصاص فر آن کسی که بکشد از
شما کسی را بـه عمدا . أَلْحَرُ بِأَلْحَرٍّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى
بِالْأُنْثَى . آزاد بدل آزاد ، و بنده بدل بنده ، و زن بدل زن .

- ابن عباس گفت : این آیت به سبب دو بنگاه آمدست از
بنگاههای^۱ عرب . يك گروه را فر يك گروه فضل بود ، ازین گروه که
کهنتر بودند ، بکشتی مرزنی را از آنها که مهتران بودند ؛ ایشان
مردی را بدل آن قصاص کردند ؛ و اگر بنده ای را کشته بودند ،
آزادی را بدل او قصاص کردند . چو مسلمانی پذیرفتند و مسلمان
شدند ، آن قصه را به پیغامبر فر داشتند و خواستند که هم فران حکم
بروند . این آیت بیامد ، پس گفت : فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ . و
هران کسی از کشندگان که فرو یله کردند اولیای کشته چیزی از حق
بدادارش ، ای عفو کردند او را از قصاص ، و به دیت صلح
کردند یا کمتر از دیت . فَاتَّبَاعَ بِأَلْمَعْرُوفِ . واجب بود فر اولیای
کشته که طلب کنند مردیت را به علم به سه ساله ، هر سالی سیکی سه
هزار درم و سیصد درم و سی و سه درم و دو دانگ . وَ آدَاءُ إِلَيْهِ
بِإِحْسَانٍ . و فران کازو طلب کنند دیت گزاردن آنچه واجب نبود فرو

۲۰

به میراث خواران کشته به نیکوی فی تقاضا . ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ
وَرَحْمَةٌ . [۵۱] آنچه یاد کرد خدای از قصاص و از صلح کردن به
دیت و عفو کردن آسانی بود از خدای فر شما ، و بخشایشی که
ببخشودتان بدو .

و کلبی گوید : فر اهل توریت قصاص بود و دیت نبود ، و
فر اهل انجیل عفو بود و قصاص نبود و دیت بود ، و مر این امت را
مباح کرد خدای عزوجل ، خواهند قصاص کنند و خواهند صلح کنند
به دیت یا به کمتر از دیت و خواهند عفو کنند . فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ
فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ . و هر که ستم کند وز حد بگذرد از خویشان کشته
فر کشنده مرو را بکشد سپس از آنکه مرو را عفو کرده باشد و به
دیت بسندیده باشد ، مرو را [است] عذاب دردناک اندران جهان .

و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ . و مر شما را که مومنان اید اندر
قصاص که بفرمودم تان زندگانی است ، و آن آن بود که کشنده از
کشتن فاز ایستد ، از بیم آن را کاو را قصاص کنند اندران بقاء او
بود و بقاء جز او . يَا أُولِي الْأَلْبَابِ . یا خردمندان از آدمیان . لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ . تا بهره‌یزید از ریختن خون از بیم قصاص .

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنِ اقْرَأَ خَيْرًا . فریضه
کرد خدای فر شما ، چو نزدیک آید یکی را از شما مرگ اگر مال
دست فاز دارد . الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ . وصیت کردن مر
مادر را و پدر را و خویشان . يَا مَعْرُوفٍ . به مقدار فی اسراف .
حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ . واجب است وصیت فر مومنان که وصیت کنند

آیه ۱۷۹

آیه ۱۸۰

چنانکه بفرمودشان خدای عزوجل . [۵۲]

مفسران گفتند : وصیت مادر و پدر منسوخ شد بابت میراث .
پیغامبر گفت علیه السلام : وصیت روا نیست مر میراث خواره را . و
همه مفسران گفتند که خیر اندرین آیت خواستست .

۵ قتاده گفت : اگر هزار درم دست فاز دارد ، وصیت کند . و
ابن عباس گفت : هر که شست دینار دست فاز ندارد ، وصیت نبود
فرو واجب .

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ . و هر آن کسی از وصیان که
بگرداند اندرز مرده را سپس از آنکه شنوده باشد از وی . فَإِذَا مَاتَ إِيَّاهُ
۱۰ عَلَى الَّذِينَ بَدَّلُوهُ . بزه آن فر آن کسها کش بگردانند . إِنَّ اللَّهَ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ . خدای شنواست مر اندرز مرده را ، و داناست به عدل
و جور مرده .

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصِيٍّ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا . و هر آن کسی کاز وصیان
بداند که وصیت کننده میل کردست اندر وصیت یا جور کردست .
۱۵ کلبی گفت و مقاتل : جنف جور بود و اثم خطا بود . و مجاهد
گفت و سدی : جنف خطا بود و اثم عمد بود . فَأَصْلَحَ دَيْنَهُمْ . میان
میراث خواران از پس مرگ او صلح کند ، و آن را که از سبک
زیادت کردست فاز سبک فاز آرد . فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ . و فر وصی بزه
نی اندر آنچه کند . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . ابن عباس گفت و سعید بن
۲۰ جبیر : آمرزگارست مر وصی را بدانکه صلح کرد میان^۱ میراث خواران ،

و مهربانست فرو که رخصت داد مرو را بدان .

آیه ۱۸۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ . يَا آن کسهایی که بگرویدید به خدای ، فریضه کرد فر شما خدای [۵۳] روزهی ماه رمضان . کَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ . چنانکه فریضه کرده بود فر اهل انجیل ، قوم عیسی . لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ . تا بهرهیزید از طعام و شراب و مباحضعت .

آیه ۱۸۴ آيَا مَعْدُودَاتٍ . روزگارهای شمرده ، سی روز به قول مقاتل . و بوسهل انماری گفت : فریضه کرد خدای عز و جل فر شما چنانکه فریضه کرد فر آنکه پیش از شما بودند به معنی فریضگی نه به عدد ایام . فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا . او هر که از شما بیمار بود . أَوْ عَلَى سَفَرٍ . یا به سفر بود ، روزه بگشاید به ماه رمضان . فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ . فرو واجب بود به عدد آن روزگار که بگشاده باشد روزه ، روزه بدارد . وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ . و فران کسهایی که مر ایشان را توانایی روزه داشتن بود به ماه رمضان ، بیمار و مسافر نبوند و روزه بگشایند . فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ . فر ایشان صدقه دادن مسکین مر هر روزی را که بگشاده باشند ، طعام دهند مر مسکینی را نیم صاع گندم . دومن به قول کوفیان . فَمَنْ قَطَّوعَ خَيْرًا . و هر که زیادت کند فر دومن و بیشتر دهد . فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ . آن مرو را به از آن بود که یکی مسکینی را دهد دومن ، به قول کلبی و مقاتل .

و خواجه بومنصور گفت : فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ . آن ثوابی بود مرو را که پیش فرستد . وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ . و اگر روزه بدارید چو

درست باشید و به سفر نباشید به مر شما را از آن که بگشایید و
 و مر درویش را طعام دهید. [۵۴] إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . اگر بدانید که چه
 ثواب است مر روزه داران را . ابن عباس گفت و قتاده و مقاتل : این
 آیت منسوخ شد ، بدان گفت : فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ .

- آیه ۱۸۵ ۵ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ . ماه رمضان آن ماهی است
 کاندرو فرو فرستادند قرآن از لوح المحفوظ به آسمان نخستین
 بیست شب اندر بیست سال ، و جبریل بیاورد سوی پیغامبر علیه السلام
 بیست سال . هُدًى لِلنَّاسِ . ره نمای است قرآن مران را که بدو بگردد و
 کار کند بدانچه اندروست . وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ . و اندرو
 آیتهایی است پدید کرده از حلال و حرام او مخرج است اندر دین
 ۱۰ بدو از شبهتها و گم بودگیها . فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ . و هران
 کسی کاز شما حاضر باشد به ماه رمضان و درست باشد به تن و به
 خرد ، و نه حیض باشد و نه زجه ، روزه بدارد ماه رمضان . وَمَنْ كَانَ
 مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ . و هر که از شما بیمار باشد و روزه داشت نتواند
 یا به سفر باشد ، روزه بگشاید . فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ . فرو به عدد آن
 ۱۵ روزگار که بگشاده بود روزگار دیگر بدارد . يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ .
 خدای عزوجل بدان رخصتی که بداد شما را از گشادن روزه به حال
 سفر و بیماری ، آسانی خواست فر شما . وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ . و
 نخواست دشواری فر شما . وَ لِتَتِمَّلُوا الْعِدَّةَ . تا تمام کنید عدد
 ۲۰ روزگار ماه . وَ لِتَعْبَرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ . و تا بزرگ دارید مرورا
 بدان که شناسا کرد مر شما را به دین خویش و سنتهای پیغامبر

خویش . [۵۵] وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . تا بگزارید شکر این نعمت خدای را عزوجل و فی فرمانی نکنید مرو را .

و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ . آیه ۱۸۶

ابن عباس گوید : چو آن آیت بیامد : وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ . یاران گفتند یا پیغامبر خدای ، بفرمودمان خدای به دعا ، و وعده کردمان به اجابت ، خبر ده ما را از خدای که نزدیک است او تا فا او راز گوئیم ، یا دورست تا به آواز بلندش بخوانیم . این آیت بیامد : وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ . چو پرسند ترا که محمدی بندگان من از من ، بگوی که من نزدیکم به بندگان . أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ . پاسخ کنم خواندن خواننده را چو بخواند مرا . ۵
و کلبی گفت : جهودان گفتند چگونه شنود خدای دعا های ما و ته که محمدی ، چنین گویی همی که میان ما و آن آسمان نخستین پانصد ساله راهست ؟ این آیت بیامد .

مقاتل گوید : این به شأن عمر آمد ، و آن آن بود که عمر فا زن شبی از شبهای ماه رمضان گرد آمده بود بدان وقتی که حرام بود گرد آمدن فا زن به شب . پس پشیمان شد فران . سوی پیغامبر آمد علیه السلام ، گریان ، و گفت : هلاک شدم یا رسول الله ، و هلاک کردم کس دیگر را . گفت : چه کردی یا عمر ؟ قصه بکرد فا پیغامبر . این آیت بیامد : وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ . چو پرسند ترا بندگان روزه داران من از پاسخ من و عفو من ۱۵
۲۰

بدان جنایتی که بکردند فر تنهای خویش ، بگوی که من نزدیکم به پاسخ کردن و به گنه عفو کردن . فَلَيْسَ تَجِيبُوا لِي . پاسخ کنید شما که بندگانید مرا بدانچه بخواندم شما را بدو از دین من و طاعت . وَ لِيُؤْمِنُوا بِي . و استوار دارید مرا بدان که وعده کردم به اجابت مران را که بخواند مرا به اخلاص . گفتند : مقرر باشید بدان که من ۵ قادرم به پاسخ خوانندگان . [۵۶] لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ . تا راه یابند ایشان بدان چیزی که صلاح ایشان بود اندران بدین جهان و بدان جهان .

آیه ۱۸۷

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّقْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ . به شأن عمر آمد این آیت و به شأن صرمه بن انس ، کنیتش بود بوقیس . به اول مسلمانی چو روزه بگشادی مرد ، حلال بودی مرو را طعام و شراب و جماع ۱۰ تا نماز خفتن نکردی ، یا پیش از نماز خفتن نخفتی ، آن هنگام فرو حرام شدی طعام خوردن و مجامعت کردن تا دیگر شب . شبانگاهی این بوقیس پیامد سوی پیغامبر علیه السلام ضعیف گشته ، پیامبر پرسید مرو را : یا باقیس ، چه بودست که شبانگاه چنین ضعیفی ؟ گفت یا رسول الله ، دی همه روز اندر خرماستان دولا ب کشیدم . شبانگاه به خانه آمدم . زنم خواست که مرا طعامی گرم بدهد . تا او طعام آورد ، مرا خواب برده بود ، و طعام و شراب فر من حرام گشته بود . و عمر را نیز بیوفتاد فا زن آنچه گفتیم . و کسهایی نیز مقرر آمدند پیش پیغامبر علیه السلام بدانچه رفته بود از ایشان فرایشان . این آیت پیامد : ۱۵
أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّقْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ . حلال گردید مر شما را ای مومنان گرد آمدن فا زنان تا شبانگاهان ماه رمضان پیش از خواب ۲۰

و سپس از خواب. هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ.

ابن عباس گفت و مجاهد و سعید بن جبیر: زنان آرام شما اند، و شما آرام ایشان. پس بگفت عمر را و یاران او را. عَلِمَ اللَّهُ أَنْتُمْ كُنْتُمْ قَخْتَادُونَ أَنْفُسَكُمْ. بدانست خدای که شما فر تنهای خویش ستم کنید بدانکه به نهی خدای فراز نشوید. فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ. ۵ توبه داد شما را و عفو کرد گناهان تان را. فَأَلَانَ بَاشِرُوهُنَّ. [۵۷] اکنون که مباح کرد مر شما را خدای عزوجل گرد آید فا زنان. وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ. و بجوید آنچه قضا کردست خدای عزوجل مر شما را از فرزندان.

و بوسهل گفت: ای نیت کنید به وقت مجامعت فا زنان، اگر ۱۰ قضا کند مرا خدای فرزندی، تا او را یاد کند و بستاید. و به شأن بوقیس بیامد. وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ كُمْ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ. مباح کرد مر شما را طعام و شراب بخورید تا پیدا نیاید مر شما را اسپیده دم فاز پسین از اسپیده دم نخستین. وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ. ۱۵ کلبی گفت: جماعتی از یاران معتکف نشستند اندر مزکت، چو یکی را از ایشان حاجت او فتادی به زنان، بیرون آمدی از مزکت و گرد آمدی فا عیال. پس سر بشتی و فاز مزکت فاز آمدی. این آیت بیامد: و فا زنان گرد میاید نه به شب و نه به روز. همیشه که معتکف باشید اندر مزکتها. قَلِيلٌ حُدُودُ اللَّهِ.

۲۰

سدی گفت: آن شرطهای خدای است. و ضحاک و مقاتل

گفتند و کلبی: آن معصیت‌های خدای است مجامعت فازنان به حال اعتکاف. فَلَا تَقْرَبُوهَا. فراز مشوید. كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ. چنین پیدا کند خدای عزوجل مردمان را نشانی‌های خویش. کلبی گفت: ای نهی کردن از مجامعت اندر اعتکاف. لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ. تا بهره‌یزید ازو.

۵

آیه ۱۸۸

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ. ابن عباس گفت و سعید بن جبیر: این آیت به شأن [۵۸] امرؤ القیس بن عابس الکنندی آمدست و عبدان بن اشوع الحضرمی. خصومت کردند پیش پیغامبر علیه السلام اندر زمینی که بود میان ایشان؛ و عبدان دعوی کرد فر امرؤ القیس، و گوا نداشت. امرؤ القیس خواست که سوگند خورد، این آیت بیامد: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ. و بهری از شما خواسته‌ی بدادر مسلمان مخورید. وَقَدْ دُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكْمِ. و خواسته‌های مسلمانان به حاکمان مفکنید تا شما را حکم کنند به باطل، و شما دانید که ستم‌کارید، به قول حسن بصری و قتاده. لِتَأْكُلُوا فَرْدَقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ. تا بخورید بهری از خواسته‌ی مردمان به جور. وَأَنتُمْ قَعْلَمُونَ. و شما دانید که فر ناحق‌اید.

۱۰

۱۵

آیه ۱۸۹

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْهَلَكَاتِ. ابن عباس گفت: به شأن معاذ بن جبل آمد و ثعلبة بن عنمه، و هر دو انصاری بودند. گفتند: یا پیغامبر خدای، چه سبب است مر ماه را پیدا آید باریک چو رشته‌ای، پس فاز زیادت همی شود تا گردد بیستد، پس فاز به نقصان او فتد تا فاز گردد

۲۰

هم فر آن حال که به ابتدا بودست ؟ این آیت بیامد : يَسْتَلُوْكَ عَنِ الْاٰهِلِيَّةِ . الْاَيَّة . ترا همی پرسند یا محمد علیه السلام از باریکی ماه وز پرتی اوی ، و هلالش از بهر آن خوانند چو مردمان مرو را به وقت نو شدن ببینند بگویند : لاله الا الله . قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ . بگوی مر پرسندگان را که بیافرید خدای ماه از بهر منفعت مردمان را مر ۵ وقت روزه گرفتن و گشادن را ، وعدت زنان را . وَالْحَجَّ . و بگوی وقت است مرجح را ، بدو بشناسند ایام حج را . وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْكُلُوا الْبَيْوْتَ مِنْ ظُهُورِهَا . [۵۹]

- ابن عباس گفت : مردمان اندر جاهلیت و به اول مسلمانی چو ۱۰ حرم گرفتندی پیش از ایام حج ، هر که از اهل خانه ی کلوخین بودی ، از ره در اندر نیامدی به سرای ، سوی پشت خانه سوراخی بکردی و بدان ره اندر آمدی و بیرون شدی ؛ و اگر از اهل خیمه بودی ، از پس پشت خیمه اندر آمدی ، مگر آن کسی که حرم گرفته بودی از قریش وز کنانه وز خزاعه بودی ، تا يك روز پیغامبر علیه السلام از در بوستانی اندر آمد و محرم بود . مردی بدید مرو را که نه از ۱۵ قریش بود ، او را قطبة بن عامر خواندندی ، از راه در اندر آمد از پس پیغامبر . اوی محرم بود بدیدش پیغامبر مرو را گفت : از من دور باش که ته از ره در اندر آمدی ، و ته اندر حرم بودی و نه از قریش بودی . و قریش را حمس خواندندی . قطبه پیغامبر را گفت : اگر ته حمسی من حمسم ، دین ترا پسندیدستم و فرست ته ۲۰ همی روم . این آیت بیامد و مران حال را منسوخ کرد و گفت :

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا. طاعت اندر حرم نه آن است
 کاندر خانه هاتان از ره پشت اندر آید^۱. وَلَيَنَّ الْبِرَّ مَنْ أَقْبَى. جز که
 طاعت داشتن به وقت حرم گرفتن طاعت آن کس بود که بهره‌یزد
 از جماع، وز دشنام، وز ستیدن^۲ فا یار اندر طریق حج. وَأَقْبُوا الْبُيُوتَ
 مِنْ أَدْوَابِهَا. و از راه درها اندر آید به خانه هاتان. اکنون رخصت
 مر شما را. وَأَقْبُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ. بهره‌یزید و صید مگیرید به
 حرم اندر، تا رستگاری یابید به ثواب خدای عزوجل، و نجات یابید
 از عذاب دردناک.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُوكُمْ.

آیه ۱۹۰

ابن عباس گفت: چو پیغامبر علیه السلام فا یاران [۶۰] عمره
 برد به مکه، چو به حدیبیه رسید، کافران فاز داشتند پیغامبر را از
 عمره بردن به مکه، و صلح نامه نبشتند فا پیغامبر علیه السلام فران که
 امسال فاز گردد، و دیگر سال هم اندرین مه عمره آرد به مکه، و خالی
 کنند مکه مروراسه روز. دیگر سال پیغامبر فا یاران بیامد تا آن عمره
 را قضا کند؛ همی ترسید که کافران فا او وفا نکنند. این آیت بیامد:
 وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُوكُمْ. و کار زار کنید اندر
 طاعت خدای به حرم اندر، و به حرم اندر فا آن کسها که فاشما ابتدای
 کار زار کنند: وَلَا تَعْتَدُوا.

و کلبی گفت: و شما ابتدای کار زار مکنید تا ایشان ابتدای نکنند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. که خدای دوست ندارد مران کسها را

- کازحد بگذرند ، و بهری گفتند : **وَلَا تَعْتَدُوا** . ای فی داد مکنید به
 کشتن زنان و کودکان و پیران که خدای نپسندد فی داد فی دادگران .
وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ قَفَقْتُمُوهُمْ . و بکشید شان هر کجا بیابیدشان . آیه ۱۹۱
وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ . و برون کنید شان از آنجا که برون
 کرده بودند تان ، ای از مکه . **وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ** . وان شرک ۵
 کایشان اندرواند بزرگ تر و هول ناک تر و سخت تر از کشتن شما مر
 ایشان را اندر حرم و اندر حرم . **وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ**
حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ . و کارزار مکنید فا ایشان اندر حرم تا ایشان
 ابتدا نکنند به کارزار شما اندرو . **فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ [۶۱]**
فَأَقْتُلُوهُمْ . اگر ایشان کارزار کنند فا شما بکشیدشان . **كَذَلِكَ جَزَاءُ ۱۰**
الْمُكَافِرِينَ . چنین است پاداش بت پرستان .
فَإِنْ اِذْتَبَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . و اگر فاز باشند از کارزار
 شما و توبه کنند ، خدای آمرزگارست و بخشاینده مر ایشان را .
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ . و کارزار کنید فا ایشان ۱۵
 اگر ابتدا کنند به کارزارتان ، تا نمااند اندر زمین شرک . **وَيَكُونَ**
الدِّينُ لِلَّهِ . و تا دین مرخدای را بود اندر جزیره عرب . **فَإِنْ اِذْتَبَهَوْا** .
 اگر فاز باشند از کارزار شما . **فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ** .
 دستوری نی مر شما را به کارزار مگر فرستم گاران و ابتدا کنندگان
 به کارزار .
الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ . این ماه حرم ماه ذوالقعدة که ۲۰
 ۱- درحاشیه آمده است : یعنی اگر شما ما [ه] حرام جنگ کنید مانیز کنیم

اندر شدی اندرو به مکه بدل ماه حرم ماه ذوالقعدة پارینه که ترا فازداشته بودند از مزکت مکه. وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ. و حرم امسالینه بدل حرم پارینه ، ای قصاص کردم مر ترا از ایشان امسال برون کردم ایشان را از مکه ، چنانکه فاز داشته بودند پار مر ترا از عمره آوردن به مکه . فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ . و هر که فر شما فیداد کند به کارزار اندر مکه . فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ . قصاص کنید مر ایشان را همچنان که فیداد کردند فر شما. وَ اتَّقُوا اللَّهَ . و بپرهیزید از خدای به همه چیزی که بفرمود مر شما را اندرو ، و به همه چیزی که نهی کرد ازو . [۶۲] وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ . و بدانید که خدای یاری ده پرهیزگاران است به نصرت دادن مر ایشان را .

۱۰

وَاَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ . آیه ۱۹۵
ضحاك گفت : نفقه کنید شما که توانگران اید فر درویشان اندر طریق غزو به حدیبیه .

۱۵

و ابن عباس گفت : چو پیغامبر یاران را بفرمود که فاو بروند به حج ، کسهایی از درویشان گفتند چگونه کنیم ما را زاد نیست . این آیت بیامد و بفرمود مر توانگران را تا هزینه کنند فر درویشان اندر راه حج . و به دست خویش خویشتن را هلاک مکنید . حسن بصری و جماعتی از مفسران گفتند : گرفتی مکنید که نفقه از درویشان فاز دارید ، که هلاک شوند .

۲۰

و بوایوب انصاری گفت : این آیت به شأن ما آمد ، خویشتن را هلاک کردن ، تخلف کردن بود از غزو کردن فا پیغامبر علیه السلام ،

و نشستن بود به مدینه فاعیال و فرزند .

وبراء ابن عازب گفت : **وَلَا تَقْلَقُوا بِإِيَادِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ** .
تفسیرش آن بود که بنده گنه کند ، از رحمت خدای عزوجل نومید
شود و گوید مرا تسویه نیست . **وَاحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ**
الْمُحْسِنِينَ . سفیان ثوری گفت : گمان نیکو برید به خدای که ما را
بیمارزد که خدای نیکو گمانان را دوست دارد .

و مقاتل گفت : نفقه‌ی نیکو کنید اندر طاعت خدای و به حسب
کنید که خدای مر نیکو کاران را دوست دارد . [۶۳]

وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ . و تمام کنید حج را و عمره را از بهر
خدای را عزوجل ، چنانکه ابتدا کرده باشید . آیه ۱۹۶

مفسران گفتند : تمامی حج آن بود کاندرا راه حج زنا
نکنید ، و دشنام ندهید ، و معصیت نکنید ، و فایساران خویش
نستیهید .

و بهری گفتند : کافران حج کردند به تلبیه اندرون مرخدای

را عزوجل همباز گرفتندی . خدای مومنان را بفرمود ، چو حج
بکنید ، خالص مرا کنید ، و مر تلبیه‌ی شما را فاشرك میامیزید .
فَإِنْ أَخْضَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ . و اگر شما را به راه حج اندرون
فاز دارد از حج بیماری یا دشمن یا علتی که شد نتوانید ، فر شما
آنچه آسان آید از قربان با اشتر یا گاو یا گوسپند ، بفرستید به مکه .

وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ . و شما کاندرا حرمید از
حاجیان ، مویها مسترید وز حرم بیرون مایید تا قربانها تان به مکه

نرسد؛ چو قربان به مکه رسد، فران میعادى که نهاده باشید، سر
 بستريد، و آن هنگام دگر سال آن حج را قضا كنيد. فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ
 مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّنْ رَّأْسِهِ . و هر آن كسى كاز شما بیمار بود، يا
 اندر سر او كزنده بود كه مرو را برنجانَد، و شكيبايى كرد نتواند،
 تا قربان او به مكه برسد سر بسترد. فَفِدْيَتُهُ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ ۵
 أَوْ نُسْكَ . فرو واجب بود كفارت آن را كه روزه دارد سه روز، يا
 صدقه دهد گندم مرشش درویش را سه صاع، هر درویشى دو من، يا
 هر درویشى را [۶۴] چهار من جو، يا چهار من خرما، يا چهار من
 میویز، يا قربانى بفرستد به مكه، يا آنجا قربان كنند و گوشت او به
 درویشان مكه بدهند، و زانجا نخورد ازین سه كفارت، هر کدام ۱۰
 خواهد بكنند اختیار او را. فَإِذَا أَمِنْتُمْ . چو بیم دشمن از شما بشود،
 و ز بیماری عافیت یابید و هنوز ایام حج مانده باشد، بگزارید مران
 را كه مه قصد كرده باشید به حج یا عمره. فَمَنْ قَتَمَعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى
 الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ .

كلى گفت: و هر كه او حرم كرد به عمره ی اندر ماه شوال و ۱۵
 ذوالقعدة، و بیايد به مكه مر حج را هم اندران سال، این كس متمتع
 بود فرو آنچه آسان شود از قربان اشتر یا گاو یا گوسپند، قربان
 كندش به مكه، و گوشت او به درویشان دهد.

و بوسهل گفت: و هر ان كسى كه منفعت گیرد به زنان و به
 بوى خوش به مكه به بیرون آمدن از عمره كه گرفته اندر ماه حج یا ۲۰
 وقت حرم گرفتن حج فرو آنچه آسان آید از قربان. فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ

فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ . و هر که او قربان نیابد یا بهای قربان که بکندی به مکه ، واجب شود فرو که روزه دارد سه روز اندر ایام حج ، پیش از روزه عرفه . وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ . و فرو هفت روز دیگر که روزه بدارد چو فاز خانه فاز آید ؛ و اگر خواهد به راه اندر بدارد . قِيلَ لَكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ . آن ده روز باشد تمام کفارت آن را که ۵ نیافت قربان .

ابن عباس گفت : آن ده روز تمامی مر حج او را و تمام نباشد حج و عمره جز بدو . ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . این حکم مران کسی را که نه مقیم باشد به مکه ، وز مسافران باشد ؛ و هر که اهل او اندر حرم باشد ، فرو قربان واجب نشود و نه روزه . ۱۰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ . [۶۵] بترسید از خدای ، و حلال مدارید اندر حج و عمره آنچه نشاید مر شما را . وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ . و بدانید که عقوبت خدای سخت است مران کس را که عقوبت کندش .

الْحَجُّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ . عبدالله بن مسعود گفت و ابن عباس و ۱۹۷
ابن عمر : وقت حرم گرفتن مر حج را ماه شوال است و ذوالقعدة و ۱۵
ده روز ذوالحجه . هران کسی که برون این ماهها حرم گیرد ، سنت را خطا کرده باشد . فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ . و هر که حرم گیرد و فر خویشتن واجب کند اندرین ایام حجی . فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ . فضول نی و دشنام نی و سستیهدن نی فایار ، ای نام زنا مبراد . ۲۰

و بهری گفتند : زنا مکناد و دشنام مدهاد و فاعدیل به راه

مستیهاد^۱. وَمَا قَفَعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ. وهر نیکوی که کنید اندر راه حج خدای آن را بداند و فران ثواب دهد اندران جهان. وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى. ضحاک گفت: اهل یمن چو مسلمان شدند، به حج آمدندی فی زاد، و گفتندی که خدای مان روزی بدهد. این آیت بیامد، گفت: زاد فر دارید مر راه حج را، و فر مردمان ۵
تکیه مکنید.

ابن عباس گفت: زاد فر دارید بدان مقداری که خویشان را از روی خلق فی نیاز دارید؛ و از نی فر خدای تو کل کنید، که بهترین راههای زاد این جهان پرهیز است. وَاتَّقُوا دِيَا أُولَى الْأَبْطَابِ. وز من ۱۰
بترسید یا خردمندان، و به کسی میل مکنید جز به من.
و مکحول گفت: معنی آنکه زاد فر دارید، ای یار نیک طلب کنید مر سفر را.

نَیْسَ عَلَیْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ. کلبی گفت: چو ۱۹۸
دهی گوسپند کشان اندر آمدی، دست از بیع وز شری فاز گرفتندی، و پیش از روز ترویبه به یک روز، و روز ترویبه ۱۵
و روز عرفه [۶۶] بازارها فر داشتندی، این آیت بیامد: نَیْسَ عَلَیْكُمْ جُنَاحٌ. فر شما مومنان اید بزه نی. أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ. کاز خدای طلب کنید روزی اندر روزگار حج. فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ. پس چو فاز گشتید روز عرفه از کوه عرفات از پس ۲۰
فرو شدن آفتاب. فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ. یاد کنید خدای

را به تسبیح و تهلیل آن شب اندران مکان کان مشعر الحرام خوانند ،
و آن جایگاه کوهی است مردمان فرو بیستند به دعا . وَ اذْكُرُوهُ كَمَا
هَدَيْكُمْ . و چو بامداد فرخیزید به مزدلفه یاد کنید مر خدای را
چنانکه ره نمودتان به مسلمانی ، و توفیق تان داد مر حج و عمره را .
وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ . و شما پیش ازان کتان ره نمود
از گمبودگان بودید .

آیه ۱۹۹ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ . کلبی گفت : همهٔ عرب که
حج کردند به عرفات ایستادندی و ز آنجا فاز گشتندی جز حمس ،
و حمس قریش بودی ، و کنانه و خزاعه و فرزندان عامر بن صعصعه .
ایشان تا به مزدلفه بیش نشدندی و ز آنجا فاز گشتندی ، این آیت
بیامد : ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ . از آنجا فاز گردید از حج
که مردمان فاز گردند .

مفسران گفتند : بدین ناس اهل یمن خواست . وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . و آمرزش خواهید از خدای مر گناهان تان را به
موقف ، که خدای آمرزگار گناهان استغفار کنندگان است از
مومنان ، و بخشایندهی تایبان است .

ابن عباس گفت : بهر سیدند پیغامبر را علیه السلم از همه اهل
عرفات گناه که بزرگ تر ؟ گفتا : گناه آن کس که حج نکند و از
عرفات فاز گردد . و چنان گمان [برد] خدای مرو را نیامرزدست .

آیه ۲۰۰ فَإِذَا قُضِيَتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ . ابن
عباس گفت : عرب چو حج بکردندی اندر جاهلیت به نزدیک مزکت

- خیف به منا بیستادندی و پدران را به نیکو کاری یاد کردند، پس از خدای خواسته خواستندی و زان جهان یاد نکردندی، از ایراک بدان جهان نگرویدندی. چو خدای مـر مسلمانان را به دین خویش کرامت کرد، مومنان هم این جهان خواستندی و هم آن جهان، این آیت بیامد: **فَإِذَا قُضِيَتْ مَنَاسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ**. ۵
- چو فارغ شدید از سنتهای حج، یسار کنید مر خدای را عزوجل به منا اندر مسلمانی به نیکو کاری، چنانکه یاد کردیدی پدران تان را اندر جاهلی پیش از مسلمانی. **أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا**. و بیش از آن یسار کنید مر خدای را اندر مسلمانی که پدران تان را یاد کردیدی اندر جاهلی. پس بگفت که کسافران سپس حج کردن چه خواستندی، و مومنان چه خواهند همی. **فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا**. گفتا از آدمیان کسهایی اند که گویند بار خدایا، بدهمان اندرین جهان. ازین اشتر خواستندی و گسار و گوسپند و زن و فرزند؛ و آن جهان نخواستندی. **وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ**. و مر ایشان را اندران جهان نصیب نیست از دهشت او ۱۵ کرامت خدای.

وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً. وز مردمان کسهانند بدل ایشان دعا کنند و گویند: بار خدایا، بدهمان اندرین جهان نیکوی. **وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً**. و اندران [جهان] نیکوی.

- حسن بصری گفت: حسنه‌ی این جهان علم است و عبادت؛ [۶۸] ۲۰ و حسنه‌ی آن جهان بهشت است.

و ضحاک گفت: حسنه‌ی این جهان روزی حلال است و کار
نیکوست، و حسنه‌ی آن جهان رستگاری از آتش است.
و قتاده گفت: حسنه‌ی این جهان عافیت است، و حسنه‌ی آن
جهان عاقبت است؛ و سدی گفت: حسنه‌ی این جهان خواسته است،
و حسنه‌ی آن جهان بهشت است.

۵

و سهل تستری گفت: حسنه‌ی این جهان علم و عبادت است. مر
خدای را عزوجل به اخلاص، و حسنه‌ی آن جهان خشنودی خدای است.
و قِنَا عَذَابِ النَّارِ. برهان ما را از آتش دوزخ. این دعای
مومنان است، خدای گفت عزوجل.

آیه ۲۰۲ ۱۰ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا. ایشان که اهل این صفت اند مر
ایشان را اندران جهان نصیبی بود تمام بدانچه بکردند از طاعت و از
حج و ز دعا. وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ. و خدای عز و جل زود رساند مر
ایشان را بدین پاداش از پس شمار.

انس بن مالک گفت که پیغامبر گفت: گروهی از امتان من
فرود آیند اندر مسکنهای خویش اندر بهشت، نرسد مر ایشان را از
۱۵ بلویهای این جهان چیزی بدان کار خدای عافیت خواستند اندرین
جهان و اندران جهان. بگفتندی: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
[وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً] وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و اذْكُرُوا اللَّهَ [فِي] اَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ. ابن عباس گفت و جماعتی
آیه ۲۰۳ از مفسران: ايام معدودات روزگار تشریق است از روز عرفه بامداد تا
۲۰ روز پنجم نماز دیگر؛ و ايام معلومات روزگارهای دهه است .. دهه‌ی

- گوسپند کشان . خدای گفت عز و جل : یاد کنید مرا شما که
 موحدان اید ، و مرا ثنا کنید اندرین روزگار^۱ شمرده سپس هر نمازی .
 فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ . پس هر آن کسی که شتاب کند
 به فاز گشتن فاز اهل خویش از منا اندر روز دوم از روزگار تشریق ،
 پیش از آفتاب فرو شدن ، [۶۹] فرو بزه نی به اشتافتن . وَمَنْ تَأَخَّرَ ۵
 فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى . و هر که بیاید تا روز سدیگر فاز گردد فرو
 گنه نی به تا خیر کردن به قول بیشتر از مفسران ، و عبدالله بن عمر
 گفت و ضحاک : اگر شتاب کند به فاز گشتن فی گنه باز گردد ،
 گناهش آمرزیده ؛ و گر بیاید گناهش آمرزیده . لِمَنِ اتَّقَى .
- ۱۰ ابراهیم نخعی گفت و مقاتل : این آیت براءت [است] به آموزش
 مران کسها را که بهره‌یزند از صید کردن به حرم و حرم اندر .
 وَ اتَّقُوا اللَّهَ . بترسید از خدای ای بندگان حلال مدارید صید
 کردن به حرم اندر ، و دست فازدارید دشنام و جدال . وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ
 تُحْشَرُونَ . و بدانید که شما را فرانگیزانند اندران جهان خدای ، و
 پاداش‌تان دهد بدانچه کرده باشید .
- ۱۵ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا . از مردمان
 کس است که مر ترا که محمدی سخن او خوشتر آید اندرین جهان .
 ابن عباس گفت : این آیت به شأن مردی آمدست که مرورا
 اخنس بن شریق گفتندی ، شیرین سخن بسود و پیغامبر را دوستی
 نمودی و بستودی به زبان ، و به دل فاجر بود و سوگند خورودی به
- ۲۰

خدای که من ترا دوست دارم .

وَيُشْهِدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قُلُوبِهِ . و گفتی که خدای همی داند و
 گواست که نه اندر دل من همچنین است که به زبان همی گویم .
 وَهُوَ الَّذِي خَصَّامٍ . خدای گفت تبارك و تعالی : او خصومت گزتر
 همه خصممان است به باطل . و بهری گفتند : او سخت
 ۵ خصومت کن است .

آیه ۲۰۵ و إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا . چو از پیش ته فاز گردد
 ای محمد ، معصیت کند اندر زمین خدای . وَيُهْدِكَ الْحَرْثَ وَ
 النَّسْلَ . و خرمن بسوزد و نژاد را [۷۰] بریده کند .

۱۰ مفسران گفتند ، ازیشان مقاتل : و آن آن بود که خرمن مسلمانی
 را به ناحیت طایف بسوخته بود به شب ، و ماده خری را بکشته بود
 و نسل او بریده بود .
 وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ . خدای مصیب دوست ندارد و تباهی
 نپسندد از کس .

آیه ۲۰۶ و إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ . و چو بگفتندی مرو را بترس از خدای و
 ۱۵ فساد مکن . أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ . بزرگی کردی و خشم گرفتی و حق
 نپذیرفتی . فَحَسَبَهُ جَهَنَّمَ . پس بود مرو را دوزخ اندران جهان
 مکافات فعل بد او . وَ لَيْسَ الْمِهَادُ . و بد آرام جایا که مرو را بود
 دوزخ .

آیه ۲۰۷ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ اجْتِنَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ . این آیت به
 ۲۰ شأن صهیب بن سنان آمدست ، چو پیغامبر هجرت کرد به مدینه ، کافران

بگرفتند مرو را به مکه و گفتند که: فیزار شو از دین محمد. مر ایشان را گفت: من مردی پیرم، شما را زیان ندارد اگر فاشما باشم یا فاشما محمد. و من پیمان کردستم فاشما محمد، نخوام کان را بشکنم؛ و من آن خواسته‌ای که دارم شما را دهم، مرا فادین من یله کنید. خواسته مر ایشان را داد، و چنگک ازو فاز داشتند. روی سوی مدینه نهاد، پیش از آنکه به مدینه اندر آمد، این آیت آمده بود فر پیغامبر علیه السلام. بوبکر پیش آمدش فر در مدینه، [وگفت] سودمند بازرگانیا که ته کردی یا صهیب! صهیب گفت: و بازرگانی ته سودمند باشاد یا بابکر، چه خبرست؟ بوبکر خبر دادش بدین آیت که بیامده بود به شأن او. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ. گفت از ۱۰ مردمان کس است و گویند کسهایی اند که بخرند [۷۱] مر تنهای خویش را از کافران بدان خواسته‌ای که داشتند از بهر جستار خشنودی خدای را عزوجل. محمد بن اسحق گفت: از مردمان کسهایی اند که خویشان را بفروشد به جهاد کردن اندر طاعت خدای و ایستادن به حقهای خدای و طلب کردن رضای خدای. وَاللَّهُ رَؤُفٌ ۱۵ بِالْعِبَادِ. خدای مهربان است فرین گروه از بندگان، خشنود شود ازیشان و ببخشدشان.

آیه ۲۰۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً. ابن عباس گفت: این آیت به شأن مومنان اهل توریت آمدست.

۲۰ عبدالله بن سلام و یاران او دستوری خواسته بودند از پیغامبر علیه السلام روز بدان که روز شنبه کار نکنند بدو، و گوشت اشتر

فرخوشتن حرام کنند ، و بهری از شریعت اهل توریت کار بندند .
این آیت بیامد ، گفت : یا آن کسها که بگرویدید به پیغامبر علیه السلام ،
کسار کنید به شرایع مسلمانی همه . *وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ* .
و متابع فرمان دیو مباشید و آرایش او ، به کسار بستن شریعت اهل
توریت .

۵

و قتاده گفت : خطوات الشیطان همه آن چیزی بود که خدای
از وی نهی کردست . *إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ* . که دیو مر شما را دشمن
است پیدای .

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ . بصوالح گفت : آیه ۲۰۹

اگر بتابید از شریعت مسلمانی و کار کنید به شریعت پیشینیان ، از
پس از آنکه آورده بود محمد به شما مسلمانی و قرآن .

و مقاتل گفت : بینات آن است که بفرستاد خدای عز وجل فر
پیغامبر از حلال او حرام . *فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ* . بدانید و
فی گمان باشید که خدای قوی است به عقوبت کردن آن کسی [۷۲]

که مخالف شود فرمان او را ، و حکم کرد فر ایشان به عذاب .

۱۵

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ . آیه ۲۱۰

نیابند همی ، او چه چشم دارند همی جهودان مدینه و کافران مکه
اندر کافری و منکری مر نبوت پیغامبر را علیه السلام ، آمدن حکم
خدای را عز وجل و مر فرمان او را به خاستن روز راستخیز ، و پاداش
دادن ایشان فر کفرشان . ای همی نگروند تا فر کافری بمرند ، و مر
عقوبت خدای را مستوجب شوند . *وَالْمَلَائِكَةُ* .

۲۰

قتاده گفت: و نیابند همی مگر آمدن ملك الموت را به جان ستمدن ایشان.

و بهری گفتند: اندر آیت تقدیم و تأخیرست. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ [الله] الْمَلَائِكَةُ فِي ظُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَيَأْتِيَهُمُ اللهُ كَيْفَ يَشَاءُ. همی نیابند اندر کافری مگر آمدن فریشتگان را از آسمان اندر میان غمام روز راستخیز.

مفسران گویند: کاین غمام ابری بود سپید فراز هفت آسمان. فریشتگان اندر میان او به زمین آیند. چنانکه یاد کرد به جای دیگر: وَ يَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ كَنَزٍ بَالٍ.

و قَضِيَ الْأَمْرُ. و بگزارند کار را، ای که فارغ شوند از شمار، و رانده شود حکم خدای فر ایشان به ثواب و عسقاب و به بهشت و دوزخ. وَ إِلَى اللهِ تَرْجَعُ الْأُمُورُ. و حکم و قضا مر خدای راست روز راستخیز.

زجاج گفت: اگر کسی گوید نه فاز گشت کارها فاز خدای است اندرین جهان؛ گوئیم معنی این آیت آن است فاز گشت بندگان سوی اوست به حکم کردن فر ایشان، [۷۳] عذاب کند مران را کاو خواهد و ببخشاید مران را کاو خواهد.

سَلَّ بَنِي إِسْرَءِئِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ. مجاهد گفت:

بگویی مر جهودان را یا محمد چند نشانیها پیدا کردیم مر ایشان را اندر قرآن، و ایشان همی نگروند.

و قتاده گفت، و ربیع بن انس: پرس مر فرزندان یعقوب را از جهودان اهل مدینه چند علامتهایی که ما بداده بودیم مر موسی را از عصا وز دست و جزان. از پس ازان ایشان گوساله را بپرستیدند. وَمَنْ يُبَدِّلْ دِيعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ. و هر که او منت خدای را نپذیرد سپس از آنکه بدو رسد و این نعمت پیغامبر بود ۵ علیه السلام که خدای بفرستاد مرو را به خلق، و هر که مرین نعمت را بدل گیرد به کافری. فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. مستوجب شد مر عقوبت سخت خدای را عزوجل.

- آیه ۲۱۲ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا. کلبی گفت: این آیت به شأن مهتران مکه فرود آمد، بوجهل و یاران او. گفت که دوست کردند ۱۰ اندر دل کافران مکه دوستی کامها و نعمتهای این جهان.
- بهری گفتند: که دیو شیرین کرد اندر دل ایشان. و بهری گفتند: خدای دوست کرد نزد ایشان، و به طاعت داشتن بفرمودشان از پس از آن. وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا. و ایشان فسوس همی کنند فر درویشان مومنان، عبدالله بن مسعود و عمار و صهیب و خباب. ۱۵ و مقاتل گفت: این آیت به شأن منافقان آمد عبدالله بن ابی و یاران او. فسوس کردند فر درویشان مومنان. [۷۴] وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. و آن کسها کایشان موحدان اند و پرهیزگاران و فرمان برداران پیغامبر علیه السلام از درویشان فراز شرکان و منافقان باشند روز راستحیز، ای مومنان اندر بهشت باشند، و ۲۰ کافران و منافقان اندر دوزخ باشند و نو کام. وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ

حِسَابٍ . و خدای عزوجل روزی کند مران را که خواهد از بندگان بهشت جاودان فی شماری که باشد فر ایشان .

و کلبی گفت : روزی کند مران را که خواهد بسیار فی اندازه .

و مقاتل گفت : خدای گفت روزی دهم مران را که من خواهم فی آنکه

از کسی بترسم که فا من شمار کند . و زجاج گفت : معنی بِغَيْرِ ۵

حِسَابٍ . آن بود مومن را نه فر مقدار ایمان او روزی دهد ، و کافر را نه فر مقدار کفرش روزی دهد .

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً . اختلاف کردند مفسران اندر معنی

آیه ۲۱۳

این آیت . ابی بن کعب گفت : خلق همه يك اُمت بودند ، چو عرضه

کردندشان فر آدم علیه السلام بدان وقت کایشان را بسرون آورد از ۱۰

پشت آدم چو ذره ی آفتاب بیافریدشان آن روز خدای ، فر مسلمانی

مقرآمدند مرو را به بندگی ، پس مختلف شدند اسپس مرگ آدم .

بهری کافر گشتند پس بفرستاد خدای عزوجل پیغامبران را به خلق ،

اسپس اختلاف .

محمد بن کعب گفت ، و مجاهد و عطا از ابن عباس : خلق ۱۵

همه فر دین گمبودگی بودند ، بفرستاد خدای عز و جل به ایشان

پیغامبران را ره نمایان و معلمان . و سدی گفت : خلق همه فر ملت

مسلمانی بودند به اول ؛ و بوروق گفت : اهل کشتی نوح آنکه بگرویده

بودند فر ملت مسلمانی بودند . فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ

مُنذِرِينَ . بفرستاد خدای عزوجل پیغامبران به خلق اسپس اختلاف ، ۲۰

مژده دهندگان به بهشت مرمومنان را ، و ترسانندگان از آتش

مر کافران را . وَ أَزَلَّ مَعَهُمُ الْكِتَابَ [۷۵] بِالْحَقِّ . و فرو فرستاد فر
پیغامبران کتابهایی به راستی ، و بداد از بهر ره یافتن خلق را و به
پای کردن حجت فر خلق . لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيهِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ .
تا داور باشد کتاب میان خلق اندران اختلافی که بکنند ، ای پیدا کند
میان ایشان مر ایشان را حق از باطل . وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ
أَوْدَوْهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ . و اختلاف بکردند جهودان اندر
کتاب خدای عز وجل ، توریت ؛ و اندر بیان نعت پیغامبر علیه السلام ،
مگر آن کسها که داده بودندشان علم توریت اسپس از آنکه آمد به
ایشان علامتهای پیدای از خدای عز وجل ، وز نبوت پیغامبر علیه
السلام . بَغِيًّا بَيْنَهُمْ . حسد مر پیغامبران را که بکردند میان ایشان .
فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ . ره نمود خدای
عز وجل مر مومنان را به هر زمانی و وقتی ، تا پای داشتند فرانچه
بیاوردند به ایشان پیغامبران از اخلاص به شناخت خدای عز وجل و
پرستش او از ان اختلافی و دو گروهی که بکردند اندر حق کافران .
جَا ذِيهِ . به قضای خدای و اختیار او . وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ . و خدای عز وجل ره نماید و توفیق دهد به دین و طاعت
خویش مران کس را کاو خواهد از بندگان خویش راه راست ، راه
مسلمانی . پس تعزیت کرد مر مومنان را ، و خرسندی داد مر ایشان
را بدان مصیبتهایی که برسدشان اندرین جهان ، گفت :

۲۰ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا
مِنْ قَبْلِكُمْ . و گمان بردید کامرزدگان و گزیدگان باشید ، [۷۶] از

اهل بهشت باشید فی آنکه مبتلا کنند مر شما را به مصیبتها و بیماریها، و پنداشتید که بترسد به شما همچنان حالهایی که بگذشت فر پیشینیان. پس بگفت که چه رسید به ایشان . مَسْتَبِهِمُ الْبِأَسَاءُ وَالضَّرَاءُ . برسید به ایشان درویشی و بیماری . وَ زَلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ .

۵

مقاتل گفت : بترسانیدشان خدای عز و جل از دشمنان ، تا گفت آن پیغامبر که نام او بود الیسع علیه السلام ، و آن مومنان که فا او بودند اندر کارزار دشمنان کی بود ما را ظفر خدای عز و جل فر دشمنان .

۱۰ ضحاک گفت : این آیت روز خندق آمد که کنده کنده بود پیغامبر علیه السلام به ناحیت مدینه بگفت یاران را که چه رسید به پیغامبران و امتان ایشان پیش از پیغامبر ما علیه السلام ، حتی يقول الرسول تا نوح گفت ، و آن مومنان که فا او بودند ، و ابراهیم و موسی علیهم السلام متی نصرا همی کی رسد به ما ظفر خدای فر دشمنان آن هنگام بگفت مر یاران را . أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ . بدانید شما که مومنان اید که ظفر من به شما نزدیک است . ظفر دهمتان فر دشمنان ، چنانکه ظفر دادیم مر پیغامبران را پیش از محمد علیه السلام . يَسْتَلِدُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ . کلبی و مقاتل گفتند : این آیت به

آیه ۲۱۵

شان عمرو و پسر جموح انصاری آمد، چو خدای عز و جل بفرمود به نفقه کردن پیش از آیت صدقات اندر سوره ی براءت. این عمرو بن الجموح ۲۰ گفت: یا رسول الله ، چند نفقه کنیم و فر که نفقه کنیم؟ این آیت بیامد :

يَسْأَلُوكَ مَآذِيَ يُنْفِقُونَ . ترا همی پرسند یا محمد چه مقدار صدقه دهند و اهل صدقه که اند ؟ قُلْ مَا آتَقَعْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلْيَدُلُوا إِلَيْهِنَ وَالْأَقْرَبِينَ . بگوی مر ایشان را آن صدقه‌ای که بدهید از خواسته و آن نفقه‌ای [۷۷] که بکنید فر مادر و پدر کنید ، و فر خویشان نزدیک‌تر . وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ . پس فر فی پسران و درویشان نفقه کنید . ۵ وَابْنِ السَّبِيلِ . و فر غریبان از مسافران که زاد اسپری شده باشندشان . وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ . و هر هزینه‌ای که بکنید فرین کسها ، خدای عزوجل بدان هزینه‌های شما داناست .

آیه ۲۱۶

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ . سعید بن جبیر گفت :

این آیت به شأن سعد بن ابی وقاص آمد و مقدار اسود و یاران‌شان . ۱۰ گفت : فریضه کردند فر شما کارزار فاشمنان از بهر دین خدای را ؛ و کارزار همی دشوار آید فر شما . وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ . و بود وقتی که نوکام دارید چیزی را ، و آن به بود مر شما را . وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ . و بود که دوست دارید چیزی را ، و آن بتر بود مر شما را . ۱۵ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . و خدای بدانند که کارزار کردن اندر طریق او بهتر مر شما را ، و شما بدانید که کارزار نا کردن فاشمنان به مر شما را .

آیه ۲۱۷

يَسْأَلُوكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ . زهری گفت : پیغمبر

علیه‌السلام از پس هجرت چهارده مه کارزار نکرد فاشمنان ، پس بفرستاد پسر عم خویش را ، عبدالله بن جحش را فامقدار دوازده ۲۰ تن از یاران ، و نامه‌ای بنبشت او را و مهر کرد و بگفتش : بسرو به

نام خدای عزوجل، و کاروان قسریش را بگیر کاز شام آیند همی، مگر چیزی بود ما را اندر آن، و به جبر مبر یاران را فاخویشتن به کارزار، مگر آن کسی که به خوش منشی بیاید.

چون از مدینه بیرون شد، نسامه پیغامبر علیه السلام بخواند.

۵ اندرو نبشته بیافت آنچه فرموده بود. گفت: فرمان بردارم [۷۸] خدای را عزوجل و پیغامبر او را و یاران را. گفت هر که را نشاط آید فامن بروید، و آنکه نخواهد فاز گردید. دو تن فاز گشتند: یکی سعد بن مالک و دیگر عتبه بن غزوان. و دیگران برفتند فاو. کاروانی همی آمد از طایف، و ادیم داشتند و میویز. وین کارزار پیش از حرب بدر بود به دو ماه.

۱۰

چون کاروانیان را بدیدند از دور، یک تن از یاران او، که نامش بود عکاشه پسر محصن، سر بسترد و فر سرکوهی آمد. چو اهل کاروان او را بدیدند از دور، گفتند: کایشان مردمانی اند همی به عمره شوند به مکه، ما را نیازارند. چو ایمن گشتند ازیشان،

۱۵

یک تن از یاران او که نامش واقد بن عبدالله بسود تیری بینداخت، بدان تیر یکی کافری را بکشت که نامش بود عمرو بن الحضرمی؛ و دو تن را اسیر گرفتند: نام یکی عثمان بن عبدالله بن مغیره بود، و آن دیگر حکم بن کیسان نام بود. حکم مسلمان شد، و عثمان بن عبدالله را فاز خریدند، به مکه فاز شد. و آن کاروان بشکستند. و آن

۲۰

آخر روزی بود از جمادی الاخره به گمان یاران، و مه یکی کم آمده بود. نخستین روز بود از رجب این کارزار به ماه حرم اندر اوفتاد.

و خدای حلال نکرده بود هنوز کارزار اندر ماه حرم . و يك تن از ایشان بگریخت . نام او نوفل بن عبدالله بود، و به مکه شد و خبر داد مکیان را . و مکیان ملامت کردند پیغامبر را و یاران را ؛ گفتند : محمد غدر کرد اندر ماه حرم ما را بکشت و خواسته‌ی ما ببرد .

- ۵ آن کسهایی که مسلمان بودند پنهان به مکه نامه کردند سوی عبدالله بن جحش . ایشان نپرسیدند پیغامبر را تا چه گوید . و پیغامبر علیه‌السلام آن غنیمت را فاز داشته بود و یاران را ملامت کرده بود که چرا کارزار کردید اندر ماه حرم . و چشم همی داشت [۷۹] تا چه فرمان آید از خدای عزوجل . این آیت بیامد : **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ .** گفت : ترا همی پرسند یا محمد یارانت از کارزار کردن اندر ماه حرم روا هست یا نی؟ **قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ .** بگوی مر ایشان را که کار زار اندر ماه حرم بزه‌ای بزرگ است . **وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ .** و فاز داشت کافران مر مومنان را اندر دین خدای عزوجل و ز طواف کردن به خانه‌ی کعبه ، و کافر شدن به خدای ، و بیرون کردن اهل خانه از خانه‌ی خدای ، یعنی بیرون کردن یاران از مکه ، بزه‌ی آن بزرگ تر نزد خدای عزوجل از کشتن پسر حضرمی اندر ماه حرم . **وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ .** و آن کفر کایشان اندرواند نزد خدای بزرگ تر از کشتن شما مر کافران را اندر ماه حرم . پس بیاگاهانید که مراد دل کافران چیست . گفت : **وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا .** و همیشه همی کارزار کنند فا شما
- ۲۰

کافران مکه ، تا شما را مگر مرتد کنند از مسلمانی ار بتوانند . وَ عَنْ
 يَرْقُدُ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ . و هر کسه از شما بگردد از
 مسلمانی از پس مقر آمدن به یگانگی خدای عزوجل ، و بمیرد فر
 کفر . فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . ایشانند آن کسها
 که ناچیز شود ثواب گروش ایشان اندرین جهان و اندران جهان . ۵
 وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . و ایشان اند اهل دوزخ [۸۰]
 اندرو جاودان .

ابن عباس گفت : چون قرآن فرود آمد به رخصت مر ایشان را
 به کارزار کافران اندر ماه حرم ، پیغامبر علیه السلام این غنیمت را
 بپذرفت . و این نخستین غنیمتی بسود ، و نخستین پنجیکی بود ، و ۱۰
 نخستین کشتنی بود از کافران ، و نخستین اسیریی بود که بگرفتند
 مسلمانان از کافران . آن هنگام فر پسای ایستادند پیش پیغامبر علیه
 السلام ، عبدالله بن جحش و یاران او ، و گفتند که یا رسول الله ، اومید
 داری مر ما را کاین غزو بپذیرد از ما خدای عزوجل ؟ این آیت
 بیامد :

۱۵

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . آن
 کسهایی که بگرویدند به یگانگی خدای عزوجل و هجرت کردند از مکه
 به مدینه و کار زار کردند فا کافران اندر طاعت خدای عزوجل . أُولَئِكَ
 يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ . آن مردمان همی امید دارند آمرزش خدای و
 بهشت او . وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . و خدای عزوجل آمرزگارست مر ایشان ۲۰
 را بدان کار زار که کردند فا کافران اندر ماه حرم . و مهربان است

- فرایشان بدان که رخصت داد مر ایشان را به قسمت غنیمت ایشان.
- نخستین غزوی این بود مر مومنان را اندر مسلمانی . و از پس او غزو بدر بود . مهتر کافران به حرب بدر عتبه بن ربیعہ بود . و سپس او غزو بنی نضیر بود اسپس حرب بدر به يك سال . و مهتر کافران آنروز بوسفیان بود . و اسپس از آن بدر صغری بود ، وز پس از آن ۵ حرب احزاب بود ، و اسپس از آن حرب احد به دو سال ، کنده کنده بود پیغامبر علیه السلام گرد مدینه ، و مهتر کافران بوسفیان بود . وز پس از آن حرب حدیبیه بود فا اهل مکه صلح کرد پیغامبر علیه السلام . پس غزو خیبر بود ، سپس از آن پس پیغامبر علیه السلام دیگر سال عمره برد به مکه اندر ماه ذی القعدة ؛ آن را عمره القضا خواندند . ۱۰ و سپس از آن فتح مکه بود [۸۱] اسپس هجرت به هشت سال و نیم فا پیغامبرده هزار مرد بود . وز پس از او غزو طایف بود پس غزو تبوک بود . پس پیغامبر علیه السلام حج کرد ، و آن حج را حجة الوداع خواندند . و سپس از آن فاز گشت به مدینه آمد و دو ماه بزیست . پس مرو را وفات آمد علیه السلام اندر حجرده عایشه ، روز دوشنبه ماه ۱۵ ربیع الاول . و هم اندران مکان فرو نماز کردند و هم آنجا مرو را به گور کردند ، صلی الله علیه .

يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ . این آیت به شأن عمر آمد رضی الله عنه . می خوردن اندران وقت حلال بود . عمر دعا کرد و

آیه ۲۱۹

- گفت : یارب ، مراد خویش بنمای مر ما را اندر می . ۲۰ و مردی بیامد به سوی پیغامبر علیه السلام و گفت : یا رسول الله،

می هلاک کننده است مر خواسته و برنده است مر عقل را . دعا کن تا خدای بیان کند مراد خویش اندرو ما را . این آیت بیامد ، گفت : ترا همی پرسند ای محمد از می خوردن و از مقامری کردن . قُلْ فَبِیْهِنَا اِئْتِمُ کَیْمِرْ . بگویی مر ایشان را کاندرو می خوردن و مقامری کردن بزه‌ی بزرگ است.

۵

ابن عباس گفت : بزه می دست فاز داشتن نمازست از مستی و بزه می حلال داشتن آن است که بیافتندی فرمقامری . وَ مَنَافِعُ لِدَنَاسِ . و اندر می و مقامری منفعت است مر مردمان را . منفعت می و مقامری آن بودی که لذت یافتندی به می خوردن و سود کردندی به فروختن می و مقامری کردن پیش از حرامی می و مقامری . وَ اِئْتِمُهَا اَکْبَرُ مِنْ نَفْعِیْهَا . ۱۰

مقاتل سلیمان گفت : بزه می خوردن و مقامری کردن سپس حرامی بیش از منفعتی که بودی پیش از حرامی .

و بوسهل انماری گفت : بزه می خوردن و مقامری کردن بدان وقت که حرام بود بیش از آن منفعت کشان بود [۸۰] به وقت حلالی ، این آیت بیامد ، اندرین آیت خدای عیب می یاد کرد و ۱۵

حرامیش پیدا نکرد . و یاران دو گروه شدند : یکی گروه گفتند : خیر نیست اندر چیزی که ما را از نماز خدای فاز دارد . و دیگر گروه گفتند : بخوریم از بهر آن منفعتی را کاندروی است . تا آن هنگام شبی مهمان بودند بهری از یاران پیغامبر علیه السلام به خانه‌ی عبدالرحمن بن عوف ، و می همی خوردند تا وقت نماز شام فراز آمد . و می مر ۲۰

ایشان را اندر یافته بود . یکی از ایشان امامی کرد مر ایشان را . وَ قُلْ

يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ^۱ . بخوانند . فر زبانش چنان رفت : قُلْ يَا
 أَيُّهَا الْكَافِرُونَ اعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ^۲ . آن آیت بیامد : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى^۳ . ای مومنان ، به نماز میایید
 و شما مست باشید . حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ^۴ . تا بدانید که چه
 خوانید . یاران دو گروه شدند . گروهی گفتند: بخوریم و اندر خانه
 بنشینیم و به جماعت ناییم ؛ و بهری گفتند: هیچ خیری نیست اندران
 چیزی که ما را از جماعت فاز دارد . اندرین آیت مستی حرام بود .
 پس بیامد اسپس حرب احزاب : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ
 وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ^۵ . آن
 هنگام خدای حرام کرد می را ، اندکی و بسیاری او را ، و آنچه مست
 کند و آنچه نکند از او . وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ^{۱۰}

ابن عباس گفت : چو خدای عزوجل حریص کرد مر مومنان
 را فر صدقه دادن پیش از آیت زکات بپرسیدند یاران پیغامبر علیه
 السلام و گفتند : یا رسول الله ، چه مقدار نفقه کنیم فر درویشان ؟
 قُلِ الْعَفْوَ . بگویی مر ایشان را نفقه کنید آنچه بیشی آید از قوت
 شما .

مفسران گفتند : چو مردی بودی که مرو را خواسته بودی از
 زر و سیم یا گندم یا جو یا خرما فاز داشتی بدان مقدار که بسنده بودی

۱ - سورة کافرون ، آیه ۱ ۲ - سورة کافرون ، آیه ۲

۳ - سورة نسا ، آیه ۴ ۴ - سورة نسا ، آیه ۶ ۵ - سورة مائده ،

او را ، اوعیال او را سالی ، و بیشی صدقه کردی فر درویشان . [۸۳]
پس منسوخ است این آیت به آیت زکات . كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ الْاٰیٰتِ
لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ .

آیه ۲۳۰

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . چنین پیدا کند خدای عزوجل مر شما را

- ۵ امرها و نهیهای خویش ، و از حلال این جهان و آن جهان ، تا شما
بیندیشید اندر کار این جهان و آن جهان ، تا بدانید کاین جهان سرای
بلاست و سرای فناست ؛ و آن جهان سرای بقاست و سرای لقاست .
تا کار کنید اندر سرای فنا مر سرای بقا را . وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامٰى
قُلْ اِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ .

- ۱۰ مقاتل گفت : چو آن آیت بیامد : اَلَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتَامٰى
ظُلْمًا ۱ . مسلمانان خویشتن از نگاه داشت خواسته ی یتیمان بکشیدند .
یتیمان را اندران زیان اوفتاد . ثابت بن رفاعه بیامد سوی پیغامبر
علیه السلام . مرو را پرسید یا پیغامبر خدای ، روا بود ما را فا یتیمان
به يك جای آمیختن به طعام و به مسكن ، و ما هیچیزی نقصان نکنیم از
آن ایشان که نه بیش از آن نفقه کنیم فر ایشان . این آیت بیامد ،
۱۵ گفت : ترا همی پرسند از حال یتیمان و از آمیختن به طعام و شراب
و به مسكن فا ایشان . قُلْ اِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ . بگوی مر ایشان را آنچه
اندر و زیادت بود مر خواسته ی یتیم را آن به بود ایشان [را] . وَ اِنْ
تَخَالَطَوْهُمْ فَاَوْفُواكُم . و اگر بیامیزید فا ایشان به طعام و به شراب
ایشان بدادران شما اند به مسلمانی . فَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمَقْصِدَ مِنَ الْمَصْلَحِ .

۲۰

و خدای بداند مران را که تبه کند خواسته‌ی یتیم را به سبب آمیختن
فا او از ان کسی کاو به صلاح آرنده‌ی خواسته‌ی او بود . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ
لَاعْنَتَكُمْ . و ر خدای بخواستی عز وجل که مر شما را بزه کار کندی
به آمیختن فا یتیمان ، [۸۴] حرام کردی فر شما آمیختن فا ایشان .
۵ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . و خدای قوی است به عقوبت آن کس که تبه کند
خواسته‌ی یتیم را . و حکم کرد به نگه داشت خواسته‌ی یتیم .

وَلَا تَنْسُوا الْأَمْشِرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِرَ . ابن عباس گفت : این آیت
۲۲۱ آیه
به شأن مردی آمد که نام او مرثد پسر بو مرثد بود از یاران پیغامبر
علیه السلام . دستوری خواست از پیغامبر به زنی کردن زنی از کافران
مکه . این آیت بیامد و گفت : به زنی مکنید مر زنان کافران را تا
۱۰ نگروند به خدای . وَلَا تَمْنُوا مَوَدَّةَ خَيْرٍ مِّنْ مُّشْرِكٍ . و نکاح پرستاری
که زشت باشد و مسلمان باشد به مر شما را از به زنی کردن کافری
کان آزاد باشد . وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ . و ر چند شما را خوش آید زن کافر .
وَلَا تَنْسُوا الْأَمْشِرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا . و زنان شما که مومنان اید کس
را به مردان کافران مدهید تا مقرر نایند به یگانگی خدای . وَلَعَبْدٌ
۱۵ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ . و نکاح بنده‌ای که مومن بود از مسلمانان او
را به زنی دهید به زنی به از کافری . وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ . و ر چند مر
شما را خوش آید آزادی از کافران . أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ .
ایشان ای کافران از مردان و زنان شما را به آتش همی خوانند ، ای
شما را به کفر همی فرمایند ، و کفر مر شما را به آتش برد . وَاللَّهُ
۲۰ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ . و خدای مر شما را همی به

توحید خواند تا مستوجب شوید مر آمرزش او را به فرمان او و به حکم او .

و زجاج گفت : خدای مر شما را همی فرماید به آمیختن فامومنان و جدا بودن [۸۵] از کافران و ز نکاح ایشان . کان مر شما را برساند به بهشت اندران جهان . وَ يَجْبِيَنَّ آيَاتِهِ لِبَشَرٍ لِّعَدَّتِهِمْ ۝ ۵
يَتَذَكَّرُونَ . و پیدا کند همی خدای عزوجل مر مومنان را امر خویش و نهی خویش تا پند گیرند و رغبت کنند به اهل دیانت نه به اهل خیانت از کافران .

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ . مقاتل گفت : به شأن مردی آمد آیه ۲۲۲

این آیت ، نام او بسود عمرو بن الدحداح الانصاری . سوی پیغامبر آمد ۱۰
و گفت : یا رسول الله ، چه حکم کنیم فامومنان چو حیض شوند . دست فراز ایشان کنیم یا نی ؟ این آیت بیامد . گفت : ترا همی پرسند یا محمد از دست فراز کردن به زنان اندر حال حیض . قُلْ هُوَ أَذَى .

کلبی گفت : بگویی آن خون است و جزو گفت : بگویی شان

آن ناخوشی است و حرام است گرد آمدن فامومنان به وقت حیضی . ۱۵
فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ . جدا شوید از مجامعت کردن زنان به حال حیض . وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ . فراز ایشان مشوید تا خون از ایشان بریده نشود ، چوسبک خوانی یطهرن ؛ و چویطهرن خوانی دست فراز ایشان مکنید تا سرنشویند . فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأَمُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ . چو سر بشویند فراز ایشان شوید بدان جایگه که بفرمود ۲۰
خدای تان . إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ . که خدای

دوست دارد تایبان از گناهان، و دوست دارد مر پاکان را .

آیه ۲۲۳

نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَقْدُوا حَرْثَكُمْ آتَىٰ شَيْئَكُمْ . ابن عباس گفت:

جهودان مر مومنان را گفتند : ما اندر توریت چنین یافتیم کسه هر که

دست فراز زن کند جز فر يك، حال ، آن همه حرام است [۸۶] نزد

خدای ، وزو باشد کلیکی و مخبلی . یاد کردند مومنان این خبر ۵

پیغامبر را علیه السلام. این آیت بیامد . نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ . ای فرجهای

زنان تان کشت زارهای شماست . فَأَقْدُوا حَرْثَكُمْ آتَىٰ شَيْئَكُمْ . فراز

کشت زار شوید هر گونه ای که خواهید . خواهید ایستاده و خواهید

نشسته و خواهید به پهلوی و خواهید ستان خفته از پس ازان که گرد

آمدن اندر فرج بود . وَقَدْ مَوَا لَافْسِكُمْ . ۱۰

ابن عباس گفت و مجاهد : نام خدای برید به وقت مجامعت .

و مقاتل گفت : اوستا می کنید مر تن خویش را از فرزند . و بوسهل

گفت : نیت نیکو کنید به وقت مجامعت که اگر خدای قضا کند ما

را فرزندی ، تا او را ببرستد .

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاقُوهُ . و بترسید از خدای تان و ۱۵

حذر کنید از عقوبت او ، و دور باشید از ادبار زفان ، و بدانید که

شما را زنده شدن بود اندران جهان ، و پاداشن کارهاتان بدهد

خدای . وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ . و مؤده ده مر استوار دارندگان مر خدای

را بدان امری که بفرمود و نهی که بکرد ؛ و بدان که استوار داشتند

مر خدای را به زنده شدن اسپس مرگی به بهشت جاودان . ۲۰

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ . ابن عباس گفت : به شأن

آیه ۲۲۴

عبدالله بن رواحه آمد این آیت . سو گند خورده بود که سوی داماد خویش اندر شود بشیر پسر نعمان ، و فا او سخن نگوید . این آیت بیامد ، گفت : سو گند به خدای را بهانه مسازید . *أَنْ تَبْرُوا وَ تَتَّقُوا* . که خویشی نپیوندید و از خویشی بریدن نپرهیزید . *وَقَصِّدُوا بَيْنَ النَّاسِ* . و آشتی ندهید مردمان را میان يك دیگر .

۵

و خواجه بوسهل گفت : معنی این آیت آن است سبک مدارید سو گند خوردن را به خدای عز وجل تا به هر کاری سو گند خورید . *وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* . و خدای شنواست مر سو گندان شما را ، و داناست به مرادهای دلهاتان .

۱۰ *لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ* . نگیردتان خدای بدان سو گندانی که برود فر زبانهای شما فی عقد دل شما .

عایشه گفت : سو گند لغو آن بود که مرد گوید : لا والله و بلی والله اندر میان سخن برود .

۱۵ ابن عباس و شعبی و قتاده گفتند : سو گند لغو آن بود که کسی فر چیزی سو گند [خورد] و چنان پندارد کان چنان است ، و آن نه چنان بود . *وَلَيْنَ يُؤَاخِذُكُمُ دِيمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ* . جز که تان خدای بدان سو گندانی گیرد و عقوبت کند که عقد دل فران ببسته باشید و قصد آن کرده باشید . *وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ* . و خدای آمرزگارست مران کسی را که توبه کند از سو گند دروغ ، و حلیم است که شتاب نکند به عقوبت او .

۲۰

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ دِيسَانِهِمْ قَرِصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ . آن کسهایی

کایشان سوگند خورند که فراز زنان نشوند، ای که فا ایشان گردد نیابند
 مر ایشان را و سوگند ایشان را مدت چهار مه ازان روز که
 سوگند خورده باشند تا تمامی چهار مه ؛ و هر که سوگند کمتر از
 از چهار مه خورده باشد او مولی نباشد . فَإِنْ فَأَوْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ . اگر ازان سوگند فاز گردند و دست فراز زنان کنند پیش از ۵
 چهار مه ، خدای آمرزگارست مرین سوگند خواره را کاین سوگند
 را دروغ کرد ، و بخشاینده است مرو را کاو را بفرمود به کفارت
 این سوگند ، اگر این سوگند به خدای بود ؛ و اگر این سوگند به
 آزادی بنده باشد ، یا به طلاق زن بود یا به حج باشد وفای آن فرو
 همی واجب بود .

۱۰

وَأِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ . وَاَنْ فَرَّانِ سَوَكَنْدِ بَرُونْدِ تَا آن مدت ۲۲۷ آیه
 بگذرد يَكْ طَلَّاقْ بَاين ميان زن و آن او بیوفتد . [۸۸] فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ . و اگر فران سوگند برونند تا آن مدت بگذرد ، او خدای
 شنواست مر سوگند این مولی را ، و داناست به مراد .

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَدَّدْنَ بَأْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ . ابن عباس گفت ۲۲۸ آیه
 و مجاهد و قتاده : و آن زنان دست فاز داشتگان شویانشان فاز دارند
 تنهای خود را اندر عدت آن شویان نگه دارند سه حیض ، اگر از
 اهل آن باشند که حیض شوند . وَلَا يَحِلُّ لهنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ
 فِي أَرْحَامِهِنَّ . و شاید مران زنان را که طلاق او فتاده شان که پنهان
 کنند ازان شویان آنچه خدای عزوجل بیافریده باشد اندر رحمهاشان از ۲۰
 فرزند و از حیض . إِنْ كُنَّ يَدْعُونَ بِلَالِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . اگر ایشان

گرویده باشند به یگانگی خدای عز و جل و به روز راستخیز .
وَبَعُوْلَتَهُنَّ اَحَقُّ بِِرِدَّهِنَّ فِيْ ذٰلِكَ . و شویمان ایشان حقمندتر باشند به
فاز گردانیدن ایشان که به عدت اندرون باشند . پس منسوخ گشت این
آیت بدان آیت : الطَّلَاقُ عَرَّتَانِ^۱ .

مقاتل گفت : این آیت به شأن مردی آمده بود کاو را اسمعیل
غفاری گفتندی . طلاق داده بود زنش را سه طلاق ، و آگه نبود که
بار دارد . چو پیدا آمد او را که بار دارد ، فاز گردانیدش ، آن وقت
روا بودی . اِنْ اَرَادُوا اِصْلَاحًا وَّ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَّ بِاَلْمَعْرُوفِ .
و مر زنان را فر شویمان از حق و حرمت ، همچنان که مر شویمان را
فر زنان . وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ . و مر شویمان را فر زنان مرتبتی
است و پایگاهی به نفقه کردن و کابین دادن ، و بدان [۸۹] که عقل
ایشان و میراث ایشان و گواهی ایشان بیش است . وَاَللّٰهُ عَزِیْزٌ حَكِیْمٌ .
و خدای تبارک و تعالی قوی است اندر مملکت خویش به عقوبت آن
کسی که عاصی شود اندرو ، و حکیم است او . حکم کرد فر شویمان
به نیکو داشت زنان .

۱۵

و بهری گفتند : حکیم است ، حکم کرد فضیلت مردان فر زنان .
و بهری گفتند : حکیم است ، حکم کرد فر زنان که شوی نکنند مگر از
پس گذشت عدت .

و عکرمه گفت اندر تفسیر این آیت : وَ بَعُوْلَتَهُنَّ اَحَقُّ بِِرِدَّهِنَّ

فِیْ ذٰلِكَ^۱ . آن باشد که زنی را طلاق دهد شویش یکی یا دو پس

۲۰

این زن پنهان کند بار خویش از شوی، تا ازو برهد .

- آلْطَّلَاقُ مَرَقَانِ فَمَا مَسَاكَ بِمَعْرُوفِي أَوْ قَسْرِيحٍ يَا حَسَنَ . دست فاز
 داشتی که بتواند شوی که فاز گرداند اندرو مر زن را دو طلاق است،
 دو بار. يك بار دست فاز دارد پس فاز گرداند ، و دیگر بار دست فاز
 دارد پس فاز دارد از پس ازان نگه داشت ، او مران زن را واجب ۵
 بود به نیکوی فی زیانی که بنماید مران زن را ، یا دست فاز دارد
 سدیگر بار به نیکوی . وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَاْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُ
 شَيْئًا . و نشاید مر شما را که مردانید که چیزی بستانید ازان کابین
 که بداده باشید مر زنان تان را . إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ .
 مگر که بترسند این زنان و این شویان که پای کرد نتوانند میان يك دیگری
 ۱۰ فریضه های [۹۰] خدای را عزوجل . فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ .
 پس اگر شما که حاکمانید بترسید یا بدانید کایشان حق يك
 دیگر گزارد نتوانند . فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ . فر
 ایشان بزه نه اندر آنچه فدا دهد زن از بهر تن خویش مر شوی را ،
 و خویشتن ازو بخرد . قَلِيلَ حُدُودُ اللَّهِ . این فریضه های خدای است
 ۱۵ عزوجل، بیان کرد مر زنان را و شویان را . فَلَا تَعْتَدُوها . مگذرید
 ازین حدها . وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . و هر کسی
 کاز حد خدای بگذرد و فرمان خدای دست فاز دارد ، ایشان اند
 زبان کاران تن خویش .

- فَإِنْ طَلَّقَهَا . اگر دست فاز داردش شوی سدیگر بار. فَلَا حِلَّ
 ۲۰ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ . حلال نباشد مران شوی را تا

آیه ۲۲۹

آیه ۲۳۰

شوی دیگر نکند و فا او گردد نیاید. فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا . اگر طلاقش دهد شوی دوم فر ایشان بزه‌ای نی ، ای فر این زن که فاز شوی اول فاز گردد . إِنْ ظَنَّا أَنْ يَحْكُمَ اللَّهُ . اگر بدانید که احکام خدای را به پای توانید داشتن میان يك دیگر و انصاف بتوانید دادن مر يك دیگر را . وَ قَدْ حَدَّ اللَّهُ يَبَيِّنْهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . و این احکامهای خدای است عزوجل از نکاح و از طلاق وز عدت و از مراجعت پیدا کندش همی مران کسها را [۹۱] که امر او را ندانند و فرمان او را نگه دارند .

و إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . و چون دست فاز دارید زنان را به يك طلاق یا به دو طلاق . فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ . و نزدیک آید که عدت‌شان به پایان شود . فَأَبْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ . فاز گردانید مر ایشان را به نیکو صحبت کردن فا ایشان . أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ . یا دست فاز داریدشان تا سر از عدت بشویند وز عدت بیرون آیند . وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا . و عدت را فر زنان دراز مگر دانید تا فر ایشان بدان ستم کنید .

حسن بصری و مجاهد و قتاده گفتند : آن زبان بود که مردی زن را طلاق دهد ، یکی تا سه حیض فرو بگذرد پیش از آن که سر از حیض سدیگر بشوید فازش گرداند ، فازش طلاق دوم بدهد ، پس یله کندش تا عدتش به پایان آید ، پیش از آن که سر از عدت دوم بشوید فازش گرداند ، پیش از آن کاز حیض سدیگر سر بشوید تا سه حیض را نه گرداند . وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ . او هر که او چنان کند ، فر خویشتن ستم کند بدان مستوجب عذاب خدای گردد . وَ لَوْ

تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا . و امر خدای را دست فاز مدارید و بدانچه
بفرمود کار کنید .

ابن جریر [گوید] مردی سوی پیغامبر آمد علیه السلام ، و گفت :
یا رسول الله ، من زن را طلاق دادم به مزاح . این آیت بیامد : وَ لَا
تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا . پیغامبر گفت علیه السلم : سه کار راستی او
راست است و مزاح او راست است : نکاح و طلاق و آزادی . و اذْکُرُوا
نِعْمَةَ اللَّهِ [۹۲] عَلَیْكُمْ . و یاد دارید نعمت و منت خدای فر شما .
وَمَا أَنْزَلَ عَلَیْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ . و بدانچه فرو
قرستاد خدای عزوجل از قرآن ، و بدانچه بیان کرد اندرو از حلال
وز حرام وز امر و نهی ، پند همی دهدتان بدو . وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . و بترسید از خدای عزوجل و بدانید که خدای
به همه چیزی از کار های شما که بکنید ، او نیکی و بدی ، داناست ،
پاداش آن بدهدتان .

وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضِلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ
أَزْوَاجَهُنَّ . مقاتل گفت : این آیت به شان مردی آمدهست که کنیت او
بود حداح ، و نام زنش حمل دختر یسار . به یك طلاقش دست فاز
داشته بود ، پس خواستش فاز گرداند . بدادرش معقل بن یسار فاز
داشتش و یله نکرد تا فاز آن شوی فاز گرددی . این آیت بیامدگفت :
چون زنان را طلاق دهید یکی یا دو تا عدت شان نگذرد ، فَلَا
تَعْضِلُوهُنَّ ، الایه . شما که اولیاید فازمدارید شان از فازگشتن فازشویان
شان به نکاح نو . إِذَا قَرَأْتُمْ بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ . چون به خشنودی

زن بود و آن مرد به کابین او به گوا . ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ
يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . آنچه یاد کند خدای عزوجل از نهی، پند
همی دهد [۹۳] . . .

... فَإِذَا بَلَغَ الْإِحْلَافَ . چون عدت شان بگذرد . فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
فِيمَا فَعَلْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ بِالْمَعْرُوفِ . فر شما که اولیاء مرده اید بزه
نی بدانچه زنان خویش را بیاراید و شویان طلب کنید . وَاللهُ يَمَّا
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . و خدای عزوجل بدانچه بکنید از نیکی و بدی داناست
پاداشن بدهد .

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطَابَةِ النِّسَاءِ . و

آیه ۲۳۵

فر شما بزه نی بدانچه به کنایت بگویید مرزنان را اندر عدت
شویان شان .

مفسران گفتند : تعریض آن بود که مردی را مراد بود که زنی
را که به عدت شوی اندرون بود ، مرو را گوید : ته مرا خوش آیی^۲ و

۱- در متن ظاهراً يك دو برگ افتاده است :

(۲۳۲) ذَلِكَمُذَكِّرٌ لَكُمْ وَاطْهَرٌ وَاللهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ... (۲۳۳) وَالْوَالِدَاتُ
يَرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَرْضَعَهُنَّ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ
وَكَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وَسْعَهَا لَا تَضَارُّ الْوَلَدَ بَوْلُهَا وَلَا مَوْلُودٌ
لَهُ بَوْلُهُ وَلَا عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ إِفْصَالًا عَنْ تَرَاثُصٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ
بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ... (۲۳۴) وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ
مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا... [۹۴]

۲- متن : آایی

کس دیگر را فر ته نگزینم . و اگر میان ما خدای عز وجل حکمی کردست ترا از من نیکوی بود ، این روا باشد . و گر گوید عدت ته بگذرد ترا به زنی کنم ، نه روا بود . **أَوْ أَكَنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ** . و فر شما بزه نی اگر مر آن حدیث را به دل اندر بدارید ، و مر ایشان را تا عدت نگذرد نگویند . **عَلِمَ اللَّهُ أَنْكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ** . خدای بدانست ۵ عزوجل که شما مر زنان را این سخنان اندر عدت شویان شان بگویند . **وَلَعِنَ لَأَقْوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا** . و لکن فا ایشان میعاد منهد به پنهان که عدت تان بگذرد به زنی کنیم . **إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا** . مگر که بگویند مر ایشان را اندر عدت شان گفتاری به کنایت نه به ایضاح که ته نیکوی و مرا به ته رغبت است . [۹۵] **وَلَا تَغْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ** . قصد نکاح تان مکنید اندر عدت شان تا عدت شان نگذرد . **وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ** . و بدانید که خدای عزوجل همی داند آنچه اندر دلها تان است از وفا وز غدر فا زنان حذر کنید و مخالف مشوید^۱ مرا مر خدای را عزوجل . **وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ** . و بدانید که خداوند تعالی آمرزگارست ۱۵ مران وعده ها را که شما نهادید مر زنانی را اندر عدت شویان شان که عقوبت نکنند تان اگر توبه کنید ، حلیم است به شتاب نا کردن عقوبت شما بدانچه چنگک فاز دارید از ادب .

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ . اگر طلاق آیه ۲۴۶

دهید مر زنانی را پیش از آن که فا ایشان گرد آمده باشید . **أَوْ** ۲۰

تَفَرِّضُوا لِهِنَّ فَرِيضَةً . و پیدا نکرده باشید کابین هاشان . وَ مَتَّعُوهُنَّ .
 نفقه عدت بدهید مر زنان را . عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ
 قَدْرُهُ مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُحْسِنِينَ . فر توانگر به مقدار
 توانگری و فر درویش به مقدار درویشی .

۵ ابن عباس گفت : هر کسی کاو زنی به زنی کند و کابین نکرده
 باشد و نادیده دست فاز دارد ، فرو متعه طلاق واجب شود . متعه
 طلاق چهار جامه باشد : شبی بود و مقنعه بود و چادر بود و ازار
 بود به مقدار طاقت مرد .

آیه ۲۳۷

وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ [۹۶] وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لِهِنَّ
 ۱۰ فَرِيضَةً . و اگر دست فاز دارید زنان را پیش ازان که فا ایشان گرد
 آید ، و کابین واجب کرده باشید مر ایشان را . فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ .
 فر شما [ست] [نیمی] از آنچه پیدا کرده باشید مر ایشان را از کابین . إِلَّا أَنْ
 يَدْعُوهُنَّ . مگر که ایشان خود آن حق را دست فاز دارند . أَوْ يَدْعُوا
 إِلَيْهِنَّ بِعَهْدِ الْعَجَاحِ . و یا همه کابین فرو دست فاز دارد شوی
 ازو چی^۱ فاز نستانند به قول ابن عباس و مجاهد . وَ أَنْ تَدْعُوا أَقْرَبَ
 ۱۵ لِمَتَّقُوا . و اگر بهری از شما دست فاز دارد فر بهری ، مرد فر زن
 و زن فر مرد ، آن اولی تر باشد و نزدیک تر باشد به عدل . وَلَا تَنْسُوا
 الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ . و دست فاز مدارید نیکو کاری میان یک دیگر . إِنَّ اللَّهَ
 بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . که خدای عز و جل بدانچه بکنید از نیکو کاری
 وز استد و داد داناست .

۲۰

آیه ۲۳۸

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ وَ

نگه دار باشید مر پنج نماز را که بگزارید به وقت ، و به خاصه
مر نماز میانگی را .

ابن مسعود و ابن عباس گفتند : صلاة وسطی نماز دیگرست ؛

و زید بن ثابت گفت : صلاة وسطی نماز پیشین است ؛ و ابن عمر ۵
و عطا و مجاهد گفتند : نماز بامدادین است ؛ و مختار قول ابن
مسعودست .

پیغامبر گفت : مشغول کردند ما را کافران ، روزی که کنده

کنده بود گرد مدینه ؛ از نماز وسطی . خدای تبارک و تعالی گورهاشان

پر آتش کناد و دلهاشان پر آتش کناد . و آن نماز دیگر بود . ۱۰

آیه ۲۳۹

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا . اگر بترسید [۹۷] از کافران که

غلبه کنند فر شما وقت شمشیر زخم نماز کنید ایستاده یا فر پشت

ستوران هرسوی که رویهاتان باشد . فَإِذَا أَمِنْتُمْ . چون دشمن غایب

شود و بیم از شما بشود . فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ . نماز کنید مر خدای

را چنان که بیاموخت تان به حضر چهار و به سفر دو . مَا لَكُمْ تَكُونُوا ۱۵
تَعْلَمُونَ . آنچه شما ندانسته بودید پیش از آمدن قرآن .

آیه ۲۴۰

وَالَّذِينَ يَتَتَفَعُونَ مِنْكُمْ وَيَتَرَوْنَ أَرْوَاجًا . و آن کسها کاز شما

مر گک آیدشان و زنان دست فاز دارند اسپس مر گک . وَصِيَّةٌ لِأَزْوَاجِهِمْ .

وصیت کنید امر زنان را . مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ . نفقه عدت تا سر سال

از آن روز که بمرده باشد شوی . غَيْرَ إِخْرَاجٍ . فی آنکه بیرون کنیدشان ۲۰

از مسکن شویان . فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ . اگر به خودی خویش

بیرون شوند از خانه‌ی شویان شان ، یا شوی کنند پیش از تمامی سال . فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا فَعَلْتُمْ فِی آنْفُسِیْنَ مِنْ مَّعْرُوفٍ . فر شما بزه نی بدانچه خویشتن بیارایید مر شوی کردن [را] . وَ اللَّهُ عَزِیزٌ حَكِیمٌ . و خدای قوی است به عقوبت آنکه مخالف شود امر او را و حکیم است . حکم کرد فر شویان نفقه‌ی زنان تا سالی ، پس منسوخ گشت این حرف بدان آیت : یَتَرَبَّصْنَ یَاْأَنفُسُہُنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَعَشْرًا . وَ لِدُمُتْلَفَاتٍ مَّتَاعٌ بِاَلْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلٰی الْمُتَّقِیْنَ . واجب است فر پرهیزگاران از مومنان این فریضه بیست فر مومنان .

آیہ ۲۴۱

کَذٰلِکَ یُحِبُّنُ اللّٰهُ لَکُمْ اَیَّاتِہٖ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُوْنَ . چنین پیدا کند

آیہ ۲۴۲

خدای عزوجل مر شما را [۹۸] امر و نهی خویش و احکام و حدود خویش . لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُوْنَ . تا شما اندر یابید آنچه نفرموده باشد تان .

اَلَمْ تَرَ اِلٰی الَّذِیْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِیَارِہِمُ وَ هُمْ اُلُوفٌ حٰذِرَا الْمَوْتِ . قصه‌ی این آن بود نژادی از بنی اسرایل حریص کردشان پیغامبری از پیغامبران شان به کار زار دشمنان ، که نام او حزقاییل بود . فرمان

آیہ ۲۴۳

نکردند مرو را و بهانه کردند که بدان زمین که ما را آنجا فرستی همی طاعون است . خدای عزوجل مرگ فر ایشان فر افگند . از آن شهر همی گریختند از بیم مرگ .

چو حزقاییل بدید آن حال ، دعا کرد کہ : یارب یعقوب و موسی ، همی بینی معصیت بندگان ته نشانی بنمای اندر تنها شان

تا بدانند کہ مر ایشان را طاقت گریختن نیست از ته . خدای دعای او را مستجاب کرد . هشت هزار مرد بودند به یک ساعت به یک جای

بمیرانید و ستوران‌شان را نیز، هشت روز مرده بودند. زنان و فرزندان‌شان بگریستند فر ایشان و عاجز شدند از به‌گور کردن ایشان. حصیره‌ای بکردند گرد ایشان تا گنده شد کالبدهای ایشان. پس این پیغامبر بگریست و دعا کرد که: یا خدای یعقوب و موسی، فا ایشان به سزای ایشان کار مکن. خدای دعای او را مستجاب کرد از پس ۵ مرگی‌شان زنده کرد از پس هشت روز.

و ضحاک گوید: نام آن پیغامبر شمعون بود. معنی آیت چنان بود که عجب نباید ترا یا محمد از آن کسها کایشان برون آمدند از مسکنهایشان. وَهُمْ أَلُوفٌ حَتَرَ الْمَوْتِ. و ایشان هزاران ۱۰ بودند.

سدی گوید: سی و اند هزار بودند. و ضحاک گوید: هفت هزار بودند، از بیم مرگ گریخته بودند. فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا كَمَا أَحْيَاهُمْ. خدای شان بمیرانید، پس به دعای پیغامبرشان زنده کرد. [۹۹] إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ. خدای عز و جل خداوند منت است فر ۱۵ بندگان خویش، فر بنی‌اسرائیل و جز از ایشان که زنده کردشان از پس مرگ. وَلَئِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. و جز بیشتر از خلق شکر نکنند نعمتهای خدای را.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. خدای گفت مر ایشان را از پس از آن ۲۴۴ ت که زنده کردشان، کارزار کنید اندر طاعت من خدای فا دشمنان خدای. ۲۰

و بهری گویند: مر یاران پیغامبر را گفت شما کارزار کنید

اندر طاعت خدای ، ای چنان مکنید که بنی اسرائیل کردند . **وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** . و بدانید که خدای شنواست مر گفتار هاتان را و داناست به نیتهای تان .

آیه ۲۴۵ **مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً** . هر که

او وام دهد فام نیکو مر خدای را ، هر که او صدقه دهد مر درویشان را به منش خوش ، و فر درویش بدان سپاس نهد و مرو را نرنجاند و سخره نگیرد ، وز حلال الفقهه باشد و ان را فر خدای عزوجل بام گیرد . **فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً** . خدای بیفزاید مران نفقه و صدقه او را افزودن بسیار .

۱۰ بو عثمان نهدی گفت : بو هریره دو انگشت خویش را به دو گوش خویش اندر کرد ، پس گفت کـر بادا هر دو گوش من اگر نشنودم از پیغامبر که گفت خدای بیفزاید نیکی مومن را ، هر یکی را دو هزار هزار نیکی گرداند . **وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ** .

ابن عباس گفت : خدای تنگ کند فر آنکه بخواهد و فراخ

۱۵ کند فر آنکه بخواهد از خلق خویش .

و زجاج گفت : خدای بپذیرد صدقات مومنان و هم او خلف دهد

شان . و بهری گفتند که خدای توفیق دهد مران را [۱۰۰] که خواهد تا

فام دهد از خواستهی خویش مر خداوند را ، و محروم کند آن را که

خواهد . **وَالَيْهِ تُرْجَعُونَ** . و باز گشت شمازی خدای بود اندران جهان

و پاداش کار هاتان بدهد .

آیه ۲۴۶

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِبَنِي نَٰهِشٍ لَّهُمْ اذْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . خبر نیافتی از آن جماعتی از فرزندان یعقوب علیه السلام از پس مرگ موسی چو گفتند مران پیغامبر شان را ، که نام او بود اسمعیل بن هلقانا ، بفرست فا ما پادشایی به کارزار دشمنان . نَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . تا کارزار کنیم فا ایشان اندر طاعت خدای عزوجل . قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ . گفت مر ایشان را پیغامبرشان بود که اگر . إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَا تُقَاتِلُوا . فریضه کند خدای فر شما کارزار دشمنان، شما کارزار نکنید. قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . گفتند مران پیغامبر را چه بود ما را که ما کارزار نکنیم اندر طاعت خدای. وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا . و ما را بیرون کردند دشمنان مان از سرایهامان ، و جدا کردندمان از فرزندان ما . فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ . پس چو فریضه کردند فر ایشان کارزار . قَالُوا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ . فاز ایستادند از کارزار مگر اندکی از ایشان ، وان سیزده و سیزده تن بودند فا جالوت کافر حرب کردند . وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْغُلَامِيَّةِ . و خدای داناست به عقوبت فیدادگران که نوکام داشتند کارزار کافران را . [۱۰۱]

۱۵

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ . و گفت مر ایشان را پیغامبرشان . إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعَدَّ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا .

آیه ۲۴۷

قتاده گوید : پیغامبرشان یوشع بن نون بود ، مرایشان را گفت

۲۰

خدای پادشا کرد فر شما طالوت را . قَالُوا آتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ

عَلَيْنَا . گفتند مرو را چون بود مرو را پادشایی فرما ، و او نه از نژاد نبوت است و نه از نژاد مملکت است . و نبوت اندر نژاد لاوی بن یعقوب بود . وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِإِلْمَدِكَ مِنْهُ . و ما حقومند تریم به پادشایی ازو که ما از نژاد مملکتیم . وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةَ مِنَ الْإِمَالِ . و نیز مر طالوت را توانگری نیست که نفقه کند فرما . قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْنَا . جواب کردشان که خدای برگزید مرو را فر شما به پادشایی . وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ . و خدای زیادت داد مرو را نیز فر شما به دانش و به تن ، به دانش بیش از شما و به تن قوی تر از شما ؛ دراز ترین مردی اندر بنی اسرائیل به بر او رسیدی . وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ . و خدای پادشایی خویش مران [را] دهد کاو خواهد از ۱۰ بندگان خویش . وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . و خدای فراخ کننده‌ی روزی است فر آن که خواهد ، و داناست بدان کسی کاو را پادشایی دهد و بداند که سزاوارتر آن است .

آیة ۲۴۸

وَ قَالَ لَهُمْ خُذُوا مِنْ آيَةِ مَلَكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ . گفت مر ایشان [را] اسمعیل ، و گویند [۱۰۲] یوشع ، نشانی پادشایی او که آن از خدای است ، آن بود که بیارد فاز شما تابوت موسی که بسته بودند از شما دشمنان خدای . فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ .

ضحاك گفت : اندر و رحمت است از خدای فر شما . و مقاتل گفت سکینه جنبنده‌ای بود اندران تابوت سر او چون سر گربه بود ، و مرو را دو پر بود . چون بانگ کردی بدانستندی بنو اسرائیل که ۲۰ ظفر ایشان را خواهد بودن .

وهب بن منبه گفت : سکینه بادی بود از خدای عزوجل ، اندرو سخن گفتی ، چو اختلاف کردند اندر چیزی ، خبر دادی مر ایشان را به صواب^۱ آنچه بخواستندی . وَ بَقِيَهُ مِمَّا قَرَأَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ . و اندران تابوت باقی بود از ترک موسی و هرون .

- ۵ ابن عباس گفت : يك پیمانه از آن ترنگبین بود که فر ایشان باریده بود ، او کتاب سنت بود ، موسی بدان کار کردی پس از توریت ، و عصای موسی بود ، و عمامه‌ی هارون بود ، و ردای او . و تابوت از چوب شمشاد بود ، چو به کارزار دشمنان حاضر شدند ، تابوت را پیش لشکر داشتندی . چو سکینه بانگ کردی اندر تابوت ، تابوت سوی دشمن همی رفتی ، و ایشان از پس همی رفتندی . چو ۱۰ قرارگرفتی فر مکانی ، اسپس او بیستاندی . چو بنی اسراییل بی فرمان شدند پیغامبران شان را ، فر گماشت فر ایشان دشمنان شان را تا آن تابوت بستند از ایشان و اندر سرگین دانی پنهان کردند مران را . خدای عزوجل مبتلا کرد مر ایشان را به باسور . تدبیر کردند میان ۱۵ يك دیگر که چه کنیم تا این تابوت فاز ایشان فاز رسانیم ، و از این علت عافیت یابیم . دو ماده گاو^۲ را بیاوردند ، او گردون فر ایشان فر نهادند و گوسالگان شان را فاز داشتند ، او تابوت را فرین گردون فر بیستند ، پس گاوان را [۱۰۳] بزدند تا روی سوی بنی اسراییلیان کردند و برفتند . خدای عزوجل فر یشتگان بگماشت تا آن گاوان را همی آوردند تا زمین اسراییلیان . و مرایشان [را] گفته بود پیغامبران علامت ۲۰

مملکت طالوت آن باشد کان تابوت فاز شما فاز رساند . این آن است که خدای گفت : **تَحْمِلُهُ اَثْمَلُكَةً** . چو بدیدند مر تابوت را ، مقرر آمدند مر پادشاهی طالوت را . **اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ** . اندر فاز آوردن تابوت زی شما نشانی است مر شما را که مملکت طالوت بر شما از خدای است ، اگر شما استوار دارید .

آیه ۲۴۹

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ . چون طالوت ملك لشکر بکشید اندر بیابان به گرمای گرم ، هفتاد هزار مرد بودند تشنه شدند اندران بیابان . **قَالَ اِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيْكُمْ بِنَهَرٍ** . طالوت مر ایشان را گفت : خدای آزمایش کرد خواهد همی تان که میان اردن و فلسطین است به آبی روان . **فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّيْ** . هر که ازان جوی آب خورد نه ازان کسهاست که یاری ده من بود به کارزار دشمن من بد دل گردد . **وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَاِنَّهُ مِنِّيْ** . و هر که ازو نخورد او از من باشد، ای ازان کسها بود که مرا یاری ده بود . **اِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهٖ** . مگر آن کسی که او يك کف از آن آب به دست فر دارد ، آن مرورا و مر ستور او را بسنده بود . چو غرغه خوانی به نصب غین ، و چو غرغه خوانی به رفع غین ، مگر آن کسی کاو به کف دست فر دارد بدان مقداری کسه خواهد . تشنه گشتند سخت چو آب را بدیدند . خویشتن اندرو فگندند و ازو فر داشتند [۱۰۴] و نخوردند . همه بد دل گشتند . خدای گفت عزوجل : **فَشَرِبُوْا مِنْهُ اِلَّا قَلِيْلًا مِنْهُمْ** . همه بخوردند ازان آب مگر اندکی ازیشان ، و آن سیصد و سیزده تن بودند . **فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهُ** . چو از آن جوی

بگذشتند طالوت و مومنان فا او .

مقاتل گفت : همه به جملگی از جوی بگذشتند آن هنگام فی فرمانان ، گفتند : قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ . امروز ما را طاقت نیست به کارزار جالوت و لشکر او .

و کلبی گفت : مر عاصیان را طالوت فاز گردانید سیصد و ۵ سیزده تن . گفتند : امروز ما را طاقت نیست به کارزار جالوت و قوم او . قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ . گفتند : آن کسها کایشان فی گمان بودند به شمار و به روز پاداش از مومنان قوم طالوت . كَمْ مِنْ فِئْتَةٍ قَبْلِهِ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرَةً بِلَاذِنِ اللَّهِ . بسا لشکر اندکی که بودند از مومنان ، غلبه کردند مر جماعتی بسیار را از ۱۰ کافران به خواست خدای عزوجل . وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ . ای ما صبر کنیم تا ظفر یابیم ، خدای عزوجل یار صابران است .

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ . و چون به کارزار جالوت و لشکر او برون شدند . قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا . دعا کردند و ۲۵۰ آیه

گفتند : ای بار خدای ما ، ما را شکیبایی اندر حرب به ارزانی دار . ۱۵ وَحَبَّتْ أَقْدَامُنَا . و پایهای ما را فر جایگاه [۱۰۵] کارزار نگاه دار ، تا هزیمت نشویم . وَ انْصَرَفْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ . و ما را ظفر ده فر گروه کافران جالوت و قوم اوی .

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ . خدای عزوجل دعایهاشان مستجاب کرد ، ۲۵۱ آیه

و بشکستندشان به فضل و خواست خدای . وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ . و ۲۰ بکشت داود پیغامبر علیه السلام جالوت کافر را . وَ أَنشَأَ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ

الْحَمْدَ . و خدای عزوجل داود را پادشایی داد از پس ازان فر همه بنی اسرائیل . وَ عَلَّمَهُ بِمَا يَشَاءُ . و پیاموخت مرو را ازان علمی که خدای خواست .

مفسران گویند : آهن را نرم گردانید خدای عزوجل اندر دست

- ۵ داود پیغامبر علیه السلام تا فی آتش ازو درعها کردی مر کارزار را .
وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ . و گر فاز داشت خدای نیستی
مر بهری را از کافران به بهری از غازیان ، چونانکه فاز داشت سر
جالوت از مومنان به داود پیغامبر علیه السلام . لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ . ورنی
خراب کردند کافران مزکتهای مومنان را و کنشت های جهودان و
کلیساهای ترساآن و صومعه های رهبانان را . وَلَئِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى
۱۰ الْعَالَمِينَ . جز که خدای عز و جل خداوند منت است و سپاس فر
مومنان .

و بهری گفتند: فر طالوت و فر لشکر او از مومنان بدانکه ظفر

داد مرو را فر جالوت و لشکر او .

- ۱۵ قِيلَ لَكَ آيَاتُ اللَّهِ ذَاتُهَا عَلَيْكَ بِإِحْقَاقٍ . این آیت های قرآن است
و دلایل خدای است عز وجل ، [۱۰۶] جبریل بخواند همی فر ته به
راستی . وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . و ته پیغامبری امی از پیغامبران
گذشتگان .

قِيلَ لَكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ . آن پیغامبران که خبر

- ۲۰ ایشان بدادیم مر ترا ، فزونی دادیم بهری را ازیشان فر بهری به مناقب
اندر این جهان ، و به درجات اندران جهان . مِنْهُمْ عَنْ كَلَّمَ اللَّهِ .

- از ایشان کس بود که خدای فا او سخن گفت از پس حجاب آدم و موسی علیهما السلام . وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ . و بهری را از ایشان مرتبت بلند داد . چو ابراهیم ، خلیلش گرفت ؛ و چو موسی فا او مناجات کرد ؛ و چو سلیمان باد را و دیو را مسخر او کرد و زبان مرغانش بیاموخت ؛ و چون محمد علیه السلام مرو را حبیب گرفت . ۵
- وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ . و بدادیم مر عیسی پسر مریم را نشانیهای پیغامبری ، از مرده زنده کردن وز نابینا بینا کردن وز پیس پیسی بردن . وَ آتَيْنَاهُ دُرُوحَ الْقُدُسِ . و قوی کردیم مر عیسی را علیه السلام به جبریل پاك ، آن هنگام که خواستند جهودان که بکشند مرو را تا به آسمان بردش . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۱۰
- مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَعِنَ اخْتَلَفُوا . و اگر بخواستی خدای عزوجل که يك مر دیگر را بکشتندی ، آن کسها که از پس پیغامبران بماندند از پس از آنکه نشانیها آمده بود نزد ایشان [۱۰۷] نکشتندی جز که به خواست خدای عزوجل که کارزار کنند تا کارزار سبب اختلاف ایشان بود . فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ . از ایشان کس ۱۵
- بود که بگروید به همه کتابها و به همه پیغامبران ، و ایشان کس بود که نگروید به بهری از کتابها و به بهری از پیغامبران . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلُوا . و اگر خدای خواستی که کارزار نکنندی ، نکردندی . وَ لَعِنَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ . جز که خدای عزوجل آن کند که خواهد بر موافقت بندگان وز اختلاف ایشان . ۲۰

به خدای نفقه کنید فر درویشان از آنچه روزی کردستیم‌تان از خواسته.
 مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ. پیش از آن که بیاید روزی. لَا يَجْعَلُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ.
 کاندران روز خرید و فروخت نبود و دوستیها بریده باشد. وَلَا
 شَفَاعَةً. و اندران روز شفیع نباشد مگر کافران را چنانکه بباشد مگر
 مومنان را. وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

۵

ضحاک گوید: معنی این کافران جهودان خواسته‌است، ای آن
 کسها که نوسپاس شدند مگر نعمتهای خدای را عزوجل، و منکر شدند
 مگر نبوت پیغامبر را علیه‌السلام؛ ایشانند فیدادگران فر تنهای خویش.
 پس خود را بستود خدای عزوجل به صفات بزرگی، پس گفت:

آيَةُ ۳۵۵ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. خدای آن خداست که جز او خدای دیگر
 نیست مگر بندگان را که حاجت بدو فردارند، یا امید به رحمت او
 دارند. أَلْحَيُّ الْقَيُّومُ. زنده است که مرگ فرو کار نکند، که
 ملکش را زوال آید؛ و نگاه دارندهی مملکت خویش است
 فی‌یاری کس.

و بهری گفتند: دایم است به روزی دادن بندگان و پاداش دادن
 ایشان [۱۰۸] ... آجال ایشان. لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ. [نه غلودنی]
 مرو را و نه خواب.

زجاج گفت رحمه‌الله: ای غافل نباشد از نگه داشت مملکت
 خویش چنانکه غافل شوند مملکت داران. لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا
 فِي الْأَرْضِ. مرو راست همه آفریدگان کاندرا آسمانها و زمیها اند.
 مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ. کیست آن کس که ازو

۲۰

شفاعت خواست تواند مر کسی را اندران جهان از فریشتگان یا از پیغامبران ، مگر آن کسی که دستوری بود مر او را از خدای به شفاعت خواستن .

- این جواب گفتار کافران است ، کایشان گفتند: ما بتان را از بهر آن پرستیم تا ما را شفاعت خواهند از خدای عزوجل ، تا ما را ۵ بیمارزد. يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ . مقاتل گفت: بداند خدای همه چیزی را که پیش از آفرینش فریشتگان بود ، و هرچه آفرید خواهد از پس آفرینش ایشان . وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ . و ندانند فریشتگان چیزی از علم خدای و نه از غیب او مگر آن مقداری که بخواهد که بدانند . وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ . ۱۰
- و ابن عباس گفت : علم خدای بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین است . وَ ضِحَاكُ وَ مقاتل گفتند : کرسی است خدای را عزوجل فرود عرش ، بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین است . هر پایه ای ازو به درازی هفت آسمان است و هفت زمی است ، و هفت آسمان و هفت زمی اندر زیر کرسی به خردی چنان است چو حلقه ای ۱۵ اندر بیابانی . وَلَا يَوَدُّهُ حِفْظُهُمَا . و گران ناید فر خدای عز و جل نگه داشت آسمانها و زمیها ، و نه نگه داشت کرسی او عرش . [۱۰۹]
- وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . فرتری و بزرگ تری و بسیاری پادشایسی و قادری و توانایی مر خدای راست عزوجل .

- لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ . جبر نکنند مریکی را از جهودان و ترسا آن ۲۰

و مغان فر مسلمانی اسپس ازان که مسلمان شد عرب . قَدَتَبَيْنَ
الرُّشْدَيْنِ الْغَيَّ . و به هم پیدا آمد صواب از خطا ، او حق از باطل ،
او توحید از کفر . فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ . او هر که او
فرمان دیو نکند و به یگانگی خدای بگردد . فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى .

۵

مجاهد و ضحاک گفتند : عروء و ثقی گفتار لا اله الا الله است .
و انس گفت : عروء و ثقی قرآن است . ای چنگ اندر گوشه ی
استوارتر زده باشد آن بنده . لَا انْقِصَامَ لَهَا . مران گوشه را بریدن
نباشد تا آن کس به بهشت نرسد . وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . و خدای
شنواست مر توحید موحدان را و کفر کافران را ، و داناست به
ثواب موحدان و به عقوبت کافران .

۱۰

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ . این
آیت به شأن مومنان اهل توریت آمدست . گفت : خدای عز و جل
حافظ و ناصر مومنان است ، برون آورد مر ایشان را از تاریکیهای
کافری و جهودی به نور مسلمانی . وَالَّذِينَ كَفَرُوا . و آن کسهایی
که جهود گشتند و نعت پیغامبر را منکر شدند . أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ .
قرینان ایشان دیوان اند . يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ . مر
ایشان را همی فریبند و فاز آموزند [۱۱۰] ... ۱۰۰

آیه ۲۵۷

۱- از متن ظاهراً يك دو برگ افتاده است:

اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون... (۲۵۸) الم تر الى الذي حاج
ابراهيم في ربه ان اتيه الله الملك اذ قال ابراهيم ربي الذي يحيى ويميت قال-

... قَالَ كَمْ لَبِثْتُ. گفت: یا عزیز، چند درنگ بود اندرین مکان.
 جواب کرد عزیز. قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا. گفت: درنگ کردم، خفته
 بودم يك روز. پس به آفتاب نگریست، هنوز فرو نشده بود، به
 شك شد گفت: أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ. یا بهری از روز. ندا آمد مرو را
 قَالَ جَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ. بلکه مرده بودی صد سال فرین مکان. ۵
 فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ. بنگر یا عزیز اندرین انجیر
 تو و میوه‌ی تو و شراب تو مزه نگردانیدیست از پس صد سال.
 وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ. و بنگر اندرین استخوانهای خرت. همی تابد.
 وَلَنَجْجِعَنَّكَ آيَةً لِلنَّاسِ. زنده کردیم مر ترا تا نشانی نماییم مر بنی
 اسراییل را اندر ته. و آن آن بود که چو زنده شد عزیز، سر و ۱۰
 ریشش سیه بود، و ریش فرزندان فرزندان او سپید بود. وَأَنْظُرْ إِلَى
 الْعِظَامِ كَيْفَ دُنَشْنَاهَا. و بنگر به استخوانهای خر تو که چگونه شان
 به يك جای فراز آریم و زنده کنیم. ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا. پس به
 گوشت مران استخوانها را بپوشیم.

مقاتل گوید: خدای عزوجل بادی بفرستاد تا آن استخوانها را ۱۵
 گرد کرد و به يك جای فراز آورد تا خری گشت از استخوان، فرو
 گوشت نی. پس خدای عزوجل گوشت فرو بیا فرید. پس خدای عزوجل
 فریشته‌ای را بفرستاد تا بدمید اندر بینی چپ خر عزیز. و عزیز همی

— انا احیی و امیت قال ابرهیم فان الله یاتی بالشمس من المشرق فأت بهامن المغرب
 فبهت الذی کفرو الله لایهدی القوم الظالمین.... (۲۵۹) او کالذی مرعلی قریه
 و هی خاویه علی عروشها قال انی یحیی هذہ الله بعد موتها فاما ته اللہم ائمه عام ثم
 بعثه [۱۱۱]

نگریست چو به بانگِ او فتاد . فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ . چو معاینه شد مرو
را . قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . گفت : بدان یا عزیر [۱۱۲]
که خدای عزوجل فر همه چیزی قادرست .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْحَنِي كَيْفَ تَحْيِي الْمَوْتَى . وچو ابراهیم
گفت علیه السلام : ای بار خدای من ، بنمای مر مرا که مردگان را
۵ چگونه زنده کنی . قَالَ أَوْلَمَ تَقُولُ .

سعید بن جبیر گفت : به یقین نیستی یا ابراهیم ، بدان که من
مرده را زنده کنم . قَالَ بَلَىٰ وَلَئِنْ لَيُتِلَمَّ مِنْ قَلْبِي . گفت ابراهیم :
بلی ای بار خدای من ، من فسی گمانم بدان خر تا دلم بیارامد چو به
چشم خویش ببینم .

۱۰ و مجاهد گفت : و قتاده : تا یقین فر یقین بفزایم . ابن عباس
گفت و سعید بن جبیر : تا دلم بیارامد که مرا خلیل خویش گرفتستی
و دعای مرا اجابت کردی .

حسن بصری گفت : ابراهیم علیه السلام بگذشت فسر کناردی
دریایی . مرداری دید فر لب دریا . چو دریا موج زدی ، ماهیان
۱۵ دریا ازو شکم پر کردند ، فاز فاز دریا شدند ؛ و چو دریا فزاز
گشتی ، مرغان بیابان و سیاح بیابان بیامدندی و شکم پر کردند و
فاز بیابان شدند ؛ و مرغان هوا فرود آمدندی و زاغها از وی پر
کردندی و به هوا باز شدند . عجب آمد ابراهیم را از آن حال . آن
هنگام سؤال کرد از خدای عزوجل . خدای بدو وحی کرد . قَالَ فَخُذْ
۲۰ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ . گفت : چهار مرغ را بگیر یا ابراهیم .

- مجاهد گفت: خروسی و بطی و طاووسی و زاغی. و حسن بصری گفت: ابراهیم مرغابی بگیرفت سبز و زاغی سیاه و کبوتری سپید و مرغی سرخ. فَصَرُّهُمْ إِلَيْكَ. فراز خویش آر مرغان را. او بوبکر هذلی گفت: سرهاشان را ببرید و خونهاشان به يك جای بیامیخت و گوشتهاشان و پرهاشان؛ پس چهار بهر کردشان. [۱۱۳] ۵
- و فرسر چهار کوه بنهادشان. و ابراهیم میان کوهها بیستاد. و وحی کرد خدای بدیشان: ای استخوانهای شکسته و گوشتهای پاره شده و رگهای بریده، فاز گردید بدانکه خدای جانهاشان فاز کالبدهاشان فاز فرستد. استخوان فاز استخوان همی آمد، و گوشت فاز گوشت، و خون فاز خون، و پر فاز پر، تا خدای عز و جل ۱۰
- کالبدها بیافرید، و سرهاشان به دست ابراهیم بود علیه السلام. مرغان فی سر همی آمدند و سرهاشان به کالبدهاشان همی پیوست. خدای وحی کرد به ابراهیم: من این زمی را بیافریدم، و خانه‌ی کعبه را اندر میان زمین بنهادم، و مر زمین را چهار بیغوله بیافریدم هر رگی از وی سوی بیغوله‌ای از بیغوله‌های زمین. و چهار باد بفرستادم از ۱۵
- آسمان: باد شمال و جنوب، او دبور او صبا. چو روز راستخیز بباشد، کالبدهای کشتگان و مردگان از چهار کناره‌ی جهان گرد آیند به چهار کناره‌ی خانه، چنانکه گرد آمدند این چهار مرغ پراکنده از چهار کناره‌ی کوه. این آن است که خدای گفت عز و جل.
- ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْأً. پس بنه فر هر کوهی ازین چهار ۲۰
- کوه ازین چهار مرغ بهری. ثُمَّ ادْعُهُنْ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا. پس

بخوان‌شان تا بیايند زى ته پويان . وَ اَعْلَمَ اَنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . و بدان
يا ابراهيم كه خداى عز و جل قوى است اندر پادشايى خویش ،
و تواناست فر هر چه خواهد از حكم خویش . و عقوبت كننده است
مران كسها را كه مرو را استوار ندارند به يگانگى او ، و حكيم
است ، حكم كرد زنده كردن خلق سپس مرگى و الله اعلم . [۱۱۴] ۵
مَثَلُ الْبَازِغِ يَنْفَقُونَ اَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اُتْبِتَتْ
۲۶۱ ۴۲ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ .

ابن عباس [گفت] : اين آيت به شأن عثمان آمد و عبدالرحمن بن
عوف . عثمان گفت : به غزو تبوك هر كه را ساز و نفقه‌ى جهاد نيست
آن همه فر من . و عبدالرحمن بن عوف چهار هزار درم بياورد سوى
۱۰ پيغامبر عليه‌السلام و گفت : يا رسول الله ، مرا هشت هزار درم بود .
چهار از وى فاز داشتم مر خويشتن را و عيالن را ، و چهار هزار
خداى را قام دادم . پيغامبر گفت مرو را : خداى عزوجل بر كت كناد
فر آنچه بدادى و فر آنچه بماند . اين آيت بيامد ، گفت : صفت آن
كسهاى كايشان خواسته‌ى خویش را به كار بردند فر درويشان از
۱۵ بهر جستار خشنودى خداى را عزوجل و جستن ثواب او را ، چو
صفت دانه‌ها كه بكاشته باشند اندر زمين ، برو ياند از خويشتن هفت
خوشه ، اندر هر خوشه‌اى از آن هفت خوشه صد دانه . همچنين خداى
عزوجل بفرزايد ثواب آن كسى كه او نفقه به‌روى او كند ، مر هريكى
۲۰ را هفتصد مكافات دهد . وَ اللّٰهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَّشَاءُ . و خداى بفرزايد نفقه
آن را كاو خواهد تا به دو هزار هزار و افزونى مران كسى را كه

صدقه‌ی او بپذیرد . وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . و خدای عزوجل تواناست به افزودن آن او داناست به نفقات بندگان او به نیتهایشان ، پس به شأن ایشان بیامد نیز .

- آیه ۲۶۲ ۵ ۱۰
- اَلَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . اَنْ كَسَها كِه هَرَبَنَه كَنَنَد
خواستۀ هاشان به طاعت خدای عزوجل . ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ
مِمَّا اَنْفَقُوا مِمَّا [۱۱۵] وَ لَا اَذَى . پس بدان نفقات که بکرده باشند فر
درویشان سپاس نهند و سخره شان نگیرند . لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ .
مر ایشان را [است] ثواب نفقات شان اندر بهشت نزد خدای شان . وَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ . و بیم نی فر ایشان از عذاب آن
جهان ، و نه اندوه خورند ایشان از مرگ .

- آیه ۲۶۳ ۱۵
- قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا اَذَى . مقاتل
گفت : دعای آن توانگر مر درویش را چو ازو سؤال کند ، بگوید
خدایت بدهاد و خدایت بیامرزاد . و اگر آذایی نماید مرو را ، سایل
عفو کند فاضل‌تر نزد خدای عزوجل از صدقه‌ای که بدهد درویش
را ، پس مرو را برنجاند بدان که فرو سپاس [نهد] و یا سرزنش کند
یا سخره گیردش . وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ . و خدای فی نیازست از صدقه‌ی
سپاس نهنده فر درویش ، و حلیم است ، شتاب نکند به عقوبت او .

- آیه ۲۶۴ ۲۰
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْاَذَى .
گفت : یا آن کسهایی که بگرویدید به یگانگی من خدای ، ثواب آن
نفقاتی که بکرده باشید فر درویشان، مران را باطل مکنید به سپاس نهادن

فر ایشان و سخره گرفتن مر ایشان را . كَالَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ .
چو باطلی صدقه‌ی آن کسی کاو به روی مردمان داده باشند . وَلَا يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ . و به خدای نگرویده باشد . وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ . و به روز فازپسین .
پس مثلی بزد مسران را و گفت : فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ [۱۱۶] صَفْوَانَ

- ۵ عَلَيْهِ قُرَابٌ . مثل نفقه‌ی منافق و مراپسی چو مثل سنگی فرو خاك و
گرد بود . فَاصَابَهَا وَاجِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا . بارانی به نیرو بیابد مران
سنگ را و خاك از وی ببرد . لَا يُقَدِّرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا . که
کسی فر سنگ خاره کشت کرده باشد ، ازو چیزی ندرود ، و
باران به نیرو مرو را اندر جهان ببرد ، همچنین آن کسی کاو نفقه
به‌ریا کند و فر درویشان سپاس نهد و اذا نماید مرو را اندران جهان فر
۱۰ ثواب آن قادری نباشد . وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ . و خدای
ره ننماید مر منافقان را و مرائبان را به اندر یافتن مثل قرآن .

آیه ۶۲۵

- وَمَثَلِ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ . پس مثل
نفقه‌ی مومن مخلص را یاد کرد و گفت : مانند نفقه‌ی آن کسهایی که
نفقه کنند مر جستار خشنودی خدای را . وَ كَثَبَهِمْ مِّنْ أَكْفُسِهِمْ .
۱۵ به اخلاص از یقین دل . كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ . چون مانده‌ی بوستانی
که بود فر مکانی بلند . أَصَابَهَا وَاجِلٌ . بیابد مرو را باران سخت .
فَنَاقَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ . بردوچندان دهد که زمینی دهد کاندرا پستی بود .
فَإِنَّ لَهَا دُصْبَهَا وَاجِلٌ فَطُلُ . پس اگر مرین بوستان را باران سخت
۲۰ نیابد ، باران خردش بیابد ، وز بر هیچ کم نکند به باران خرد

چنانکه به باران بزرگت .

این مثل است. همچنین نفقه‌ی آن کسی کاو نه به ریا کند و نه به سپاس کند، [۱۱۷] و چند اندکی باشد، خدای مران را بیفزاید، چنانکه نفقه‌ی بسیار را افزاید. وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. و خدای بدان نفقات شما که به اخلاص باشد یا به ریا پاداشن تان بدهد. ۵
پس مثل زد دیگر مران کسی را که سست کاری کرده باشد اندر کار آن جهان، گفت :

آيَةُ ۲۶۶
أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ دَجِيلٍ وَ أَعْنَابٍ . ارخواهد یکی از شما که مرو را باشدی بوستانی از خرماستان و رزان . تَجَرِّي مِّنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ . به زیر درختان او آبهای روان . لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ . مرو را اندران بوستان از همه میوه‌های زمستانی و تابستانی . وَ أَصَابَهُ الْجِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضَعَفَاءُ . و پیرگردد و خرف شود ، و مرو را فرزندان خرد باشند . فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ . بیابد مران بوستان او را اندر حال پیری و خردی فرزندان بادی سوزان ، و بسوزاند مران بوستان را و خشک گرداند مران درختان او را ، ۱۵
و فرو شود آب او به زمین و فی چاره بماند ، مرو را قوت جوانی نباشد که نهال دیگر نشاند. و فرزندان قوی نباشند که مرو را یاری دهند . این چنین حال دوست ندارد . همچنین کافر و منافق و مرایی پیش خدای شوند . مگر ایشان را منفعت نکند نیکی‌هایشان ، چنانکه منفعت نکند مر خداوند بوستان را فرزندان خرد . و همچنان [۱۱۸] ۲۰
که مر خداوند این بوستان را قوت نباشد و جوانی نباشد تا بوستانی

دیگر نشانند ، همچنین دستوری نباشد مر کسافر را به فاز آمدن فاز این جهان، تا توبه کند و طاعت کند و عذر خواهد. كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ الْآيٰتِ . چنین پیدا کند خدای مر شما را نشانها و عبرتها . لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ . تا شما بیندیشید اندر مثلهای قرآن ، و عبرت گیرید به گفتار خدای عز و جل.

۵

ابن عباس گفت : عمر بهرسید مر مرا از تفسیر این آیت :

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَتَّقُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَآ كَسَبْتُمْ . یسا آن آیه ۲۶۷ کسهایی که بگرویدید به یگانگی خدای ، نفقه کنید فر درویشان از حلالهایی که الفغده باشید .

ابن عباس گفت : یعنی زکات خواسته به درویشان دهید . ۱۰

وضحاك گفت : صدقه دهید مر درویشان را از حلالهایی که گردد

آورده باشید .

وَمِمَّا اَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ . و ده یك آنچه برون آورده

باشیم از زمی ، از گندم وز جو وز گاورس و جز از او ، و چو عدد

او به پنج وسق برسد ، و هر وسقی ازو شست صاع بود ، به درویشان ۱۵

دهید . وَلَا تَقِمَّمُوْا الْخَبِيْثَ مِنْهُ تَنْفِقُوْنَ . و قصد مکنید به درم بتر و

به طعام نفایه تر کارو نفقه کنید فر درویشان . وَ لَسْتُمْ بِبٰخِحِيْهِ اِلَّا اَنْ

تُعْمِضُوْا فِيْهِ .

ضحاك گفت : و اگر آن شما را فایدی ستدن از مخلوقی همه

چو شما آن حق نستاندی مگر به شرم . و مقاتل گفت : [۱۱۹] ۲۰

وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ...

آیه ۲۶۸ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً
مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ...

آیه ۲۶۹ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا
كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ...

آیه ۲۷۰ وَمَا آتَفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذْرَةٍ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا
لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ...

آیه ۲۷۱ إِنَّ تَبَسُّوًا لَ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخَفُّوهَا وَتَوَوُّتُوهَا الْفُقَرَاءُ
فَبِهِمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَكْفُر عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۰۰۰
[۱۲۱] و خدای عز و جل بدان نفقه ای که شما کنید به پنهان و

آشکاره ، و نیت های شما داناست .

آیه ۲۷۲ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ . ای ته که محمدی ره نمود نتوانی به حق
مر کافران را . وَلَئِنْ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُغْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ
فَلْيَأْذَنَّاكُمْ . جز که خدای ره نماید و توفیق دهد به مسلمانی مر ان را
که سزاوار تر مسلمانی بود .

ضحاک گفت: پیش پیغمبر علیه السلام صدقه بود آن درویشان . ۱۵
جهودی بیامد و گفت : یا با القسم ، مرا از این صدقه بده . پیغمبر
گفت : یا جهود ، ترا از صدقه ی مسلمانان چیزی نیست تا اندر دین
مسلمانی نایی، غایب شو . جهود روی بگردانید . این آیت بیامد فر
پیغمبر علیه السلام . پیغمبر گفتا جهود را بیارید . از ان صدقه اش
بداد ، تا این آیت فاز بیامد : إِذَا مَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ ۲ . این آیت

۲۰
۱- ظاهر آ بین برگهای ۱۱۹ و ۱۲۱ يك دو برگ افتاده است .

۲- سورة توبه ، آیه ۶۰

بدان منسوخ شد : وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلْيَأْتِكُمْ وَهَرِ صَدَقَهِای که بدهید - مر درویشان را ، ثواب آن مر شما راست . وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ . و شما که یاران پیغامبرید صدقه بدهید مر درویشان را ، مگر از بهر روی خدای را و جستار خشنودی او را . وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ . و هر نفقه ای که بکنید از ۵ خواسته ، ثواب آن بدهد مر شما را تمام . و فر شما فیداد نکنید .

آیه ۲۷۳

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . پس پیدا کرد که اهل صدقه [۱۲۲] که اند . گفت : صدقات مر ان درویشان دهید کاندز طاعت خدای فاز داشته اند از اهل صغه از مهاجریان .

۱۰ و ضحاک گفت : آن کسهایی کایشان فاز مانده اند اندر مزکت مدینه از کار زار کافران . نزد پیغامبر مال نبود که مر ایشان را دادی ، تا فا او غزو کردند ؛ و ایشان به مقدار چهار صد تن بودند . لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ . مایه ندارند که بازرگانی کنند و برونندی اندر زمین . يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَاقُفِ . آن که شناسد مر ایشان را توانگر پنداردشان از نهفتگی شان . ۱۵ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ . ته که محمد [ی] بشناسی شان به خشوع . لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِعْجَافًا . از مردمان صدقه نخواهند به الحاح . وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ . و هر چه نفقه کنید از خواسته فر اهل صغه . فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلَيْكُمْ . خدای عزوجل بدو داناست .

۲۰ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً . آن کسها کایشان هزینه کنند فر درویشان خواسته هاشان به شب و به روز

آیه ۲۷۴

و نهان و آشکاره. فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ. مر ایشان را [است] ثواب ایشان نزد خدای شان. وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. و نه بیم فرایشان و نه انده خورند ایشان.

ابن عباس و ضحاک و مقاتل گفتند: این آیت به شأن امیرالمؤمنین علی آمدست. چهار درم داشت، درمی نفقه کرد به روز. و درمی به شب، و درمی به نهان، و درمی به آشکاره. [۱۲۳]

-۲-

بخشی از ترجمه‌ای کهن

از

آیه‌های قرآنی

.

۷۸- و از ایشان نا نویسند گانند ندانند کتاب مگر سو گندها و باطلها ، و نیستند ایشان مگر به گمانان .

۷۹- وای باد آن کسانی را که همی نویسند کتاب را به دستهایشان ، پس گویند این از نزدیک خدای است تا بخرند بدان بهای اندك . ویل باد ایشان را از آنچه بنوشت دستهای ایشان ، و ویل باد ایشان را از آنچه سازند کسب .

۸۰- و گفتند که هر گز [نرسد] ما را آتش مگر روزهای

شمرده ...

۱۰ ۱۰

۸۳- و چون بگرفتیم عهد فرزندان یعقوب که نپرستید مگر خدای را ، و به مادر و پدر نیکویی کردن و با خداوند خویشی و با یتیمان و با درویشان ، و گویند با مردمان نیکو ، و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را ؛ پس برگشتید مگر اندکی از شما ، و شما بید

۱- برگی افتاده است و ترجمه قسمتی از آیه ۸۰ و آیه های ۸۱ و ۸۲

نیامده است .

روی گردانندگان .

۸۴ - و چون بگرفتیم پیمان شما که نه ریزید خون یکدیگر ،
و نه بیرون کنید یکدیگر را از سرا های شما ، پس مقرر شدید . و شما
بودید حاضران .

۵ ۸۵ - پس شما بودید ایشان همی کشته اید یکدیگر را ، و
بیرون همی کردید گروهی را از شما از سراهاشان . غلبه همی کردید
بر ایشان به بزه و از حد در گذشتن ؛ و اگر بیامدندی شما اسیران ،
فدا خواستی ایشان ، و آن حرام است بر شما بیرون کردن ایشان .
۱۰ ای می بگروید به برخی از کتاب و کافر شوید به برخی . چه باشد
پاداش آن کس که کند آن چنان از شما مگر خواری اندر زندگانی
این جهان ؛ و روز رستخیز باز برنندشان سوی سختترین عذاب . و
نیست خدای بی آگاهی از آنچه شما همی کنید .

۸۶ - ایشانند آن کسانی که بخریدند زندگانی این جهان
بدان جهان ، نشود سبک از ایشان عذاب و نه ایشان را یاری دهند .

۱۵ ۸۷ - و به درستی که بدادیم موسی را کتاب و بیاوردیم از پس
او پیغامبران ، و بدادیم عیسی پسر مریم [را] حجتها ، و نیرومند کردیم
او را به جبرایل پاك . ای هران وقت که بیايد به شما پیغامبری بدانچه
ندارد دوست تنهای شما ، بزرگی جستید شما . گروهی را به دروغ
گرفتید و گروهی را بکشتید .

۲۰ ۸۸ - و گفتند دلهای ما به غلاف اندرست نه که^۱ نفرین

کردشان خدای به کفر ایشان ، و اندکی اند آنچه می‌گروند .

۸۹- و چون بیامد به ایشان کتاب از نزد خدای، راست دارند

آنچه به ایشان است ؛ و بودند از پیش همی عرضه کردند بر آن کسانی که کافر شدند . چون بیامد بدیشان آنچه بشناختند ، کافر شدند بدان . پس نفرین خدای بر کافران .

۵

۹۰- بد است آنچه خریدند بدو تنهای خود را که کافر شوند بدانچه فرو فرستاد خدای افزون جستن که فرو فرستاد خدای از فضل او بر آنکه خواهد از بندگان خود . سزاوار آمد خشمی را بر خشمی . و مر کافران راست^۱ عذابی خوار کننده^۲ .

۹۱- و چون گویند ایشان را بگروید بدانچه فرو فرستاد خدای ، گویند : بگرویم بدانچه فرو فرستادید بر ما ؛ و کافر می شوند بدانچه از پس آن است . و آن محمد و کتاب حق است و راست دارند است آنچه به ایشان است . بگو : پس چرا همی کشدید پیغامبران خدای را از پیش ، اگر هستید گرویدگان ؟

۹۲- و به درستی که آورد به شما موسی به حجتها ؛ پس بگرفتید گوساله را از پس او . و شما بودید ستمگاران .

۹۳- و چون بگرفتیم پیمان شما، و برداشتیم از زبر شما^۳ کوه را ، بگیریید آنچه بدادیم شما را به نیرو و بشنوید . گفتند : شنیدیم و فرمان نبردیم . و اندر کردند دلهاشان گوساله به کافری شان . بگو : بد [است] آنکه می فرماید شما را بدان گرویدن ، اگر هستید

۲۰

گرویدگان .

۹۴- بگوی: اگر هست شما را سرای باز پسین نزدخدای یکتا کرده از بیرون مردمان، آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان.
۹۵- و هرگز آرزو نکنند آن را هرگز بدانچه پیش فرستاد دستهایشان ؛ و خدای داننده است به ستمگاران .

۵

۹۶- و بیابی ایشان را حریص تر مردمان بر زندگانی؛ و از آن کسانی [که] انباز گرفتند دوست دارد یکی از ایشان اگر بزید هزار سال ، و نباشد او رسته شده از عذاب که بسیار زید. و خدای بیناست بدانچه همی کنند .

۹۷- بگوی هر که باشد دشمنی جبرایل را که او فرود آرد او را بر دل تو به فرمان خدای راست دارنده بدانچه پیش ازان بود و راه نمای و مژده ده مومنان را .

۱۰

۹۸- هر که باشد دشمن خدای را و فرشتگان او و پیغامبران او را و جبرایل را و میکایل را ، به درستی [که] خدای دشمن است کافران را .

۱۵

۹۹- و به درستی که فرو فرستادیم سوی تو حجت های پیدا ، و نشود کافر بدان مگر فاسقان .

۱۰۰- هران وقت که عهد کردند پیمانی ، بینداخت آن را گروهی از ایشان ، بلکه بیشترشان نگرویدند .

۱۰۱- و چون پیامدشان پیغامبر از نزد خدای راست دارنده بدانچه به ایشان است ، بینداخت گروهی ازان کسانی [که] بدادندشان

۲۰

نامه ، نامهٔ خدای را از پس پشتشان ؛ چنانکه ایشان ندانند .

۱۰۲ - و متابعت کردند آنچه برخوانند دیوان بر پادشاهی

سلیمان ، و نه بود که کافر شد سلیمان ولیکن دیوان کافر شدند .

می آموزانند مردمان را جادوی و آنچه فرو فرستادند بر دو فرشته به بابل ،

هاروت و ماروت . و نیاموزند آن دو از هیچ کس تا گویند آن دو

فرشته به درستی که ما آزموده ایم ، نه کافر شو . و همی آموزند از آن دو

آنچه جدا کنند بدان میان مرد وزن او ، و نیستند ایشان گزند کنندگان

بدان کس را مگر به فرمان خدای ؛ و همی آموزند آنچه زیان است

ایشان را و نه سود کند ایشان را . و به درستی دانستند که آن کس بخزند

آن را ، نباشد او را اندران جهان از نصیب . و چون بد است آنچه

بخزیند بدان تنهای شان ؛ اگر ایشان دانند .

۱۰۳ - و اگر ایشان بگرویدند [ی] و بپرهیزندی ، پاداش باشد

از نزد خدای ، بهتر بود اگر باشند بدانند .

۱۰۴ - ای شما که بگرویدید ، مگویید لفظ راعنا ، و بگویید

بنگر به ما ، و بشنوید مرنا گرویدگان را [است] عذاب سخت دردناک .

۱۰۵ - نه دوست دارید و نه خواهید آن کسانی که نگرویدند

از اهل کتاب ، و نه کافران مکه ، که فرود آید بر شما از نیکی از

خداوند شما ، و خدای خاصه کند به رحمت او آن را که خواهد . و

خدای خداوند فضل بزرگ است .

۱۰۶ - ما منسوخ نکنیم از آیتی یا فراموش دهیم کردن آن را

بیاریم بهتر از آن یا مانند آن . همی ندانی تو که خدای بر هر چیزی

تواناست .

۱۰۷ - همی ندانی تو که خدای او راست پادشاهی آسمانها و زمین، نیست شما را از بیرون خدای هیچ دوستی و نه یاری کننده [ای].

۱۰۸ - یا همی خواهید که بخواهید از پیغامبر شما چنانکه خواسته شد موسی از پیش . و هر که بدل کند کفر را به ایمان ، ۵ به درستی که گم شد از راه راست .

۱۰۹ - دوست داشت و آرزو کرد بسیاری از اهل کتاب و نامه که باز گردانید شما را از پس ایمان شما کافران. حسدی است از نزد تنهای ایشان از پس آنکه پدیدشان شد راستی. اندر گذرید و عفو کنید تا بیارد خدای به فرمان خود ، که خدای بر هر چیزی تواناست . ۱۰

۱۱۰ - و به پای دارید نماز را و بد [هید] زکوة را ، و آنچه پیش فرستید تنهای شما را از نیکی بیابید آن را نزد خدای ، به درستی که خدای بدانچه همی کنید بیناست .

۱۱۱ - و گفتند اندر نشود به بهشت مگر آنکه باشد جهود یا ترسا . این است آرزو هاشان . بگو ببایید حجت شما را ، اگر هستید ۱۵ از راست گویان .

۱۱۲ - آری ، هر که سپارد رویش را خدای را . و او نیکو کارست، او را بود مزد او نزد خدای او، و نیست ترس بریشان و نباشند ^۱ [تیمار دار] .

۱۱۳ - و گفتند جهودان : نیستند ترسایان بر چیزی . و گفتند ۲۰

ترسایان : نیستند جهودان بر چیزی . و ایشان همی خوانند کتاب .
همچنین گفتند کسانی که ندانند مانند قولشان . و خدای داوری کند
میان‌شان روز رستخیز اندر آنچه بودند اندر او خلاف می‌کردند .

۱۱۴ - و هر که ستمگارتر از آنچه بازداشت مزکتهای خدای

- که یاد کردند اندران نام او ، و بشتافت اندر خراب کردن آن .
ایشانند که نباشد ایشان را که اندر شوند [بدان] مگر ترسکاران .
ایشان را [است] اندر جهان خواری ، و ایشان راست در آخرت
عذابی بزرگ .

۱۱۵ - و خدای راست مشرق و مغرب ، هر کجا روی گیرند ،

- آنجاست خشنود خدای . به درستی که خدای فراخ عطا و داناست .
۱۰ ۱۱۶ - و گفتند : بگرفت خدای فرزندی . پا کا خدایا ! بل که
او راست آنچه در آسمانهاست و زمین همه او را فرمان برداران .

۱۱۷ - فریدگار آسمانها و زمین ، و چون باز آرد فرمان ،

آن بود که گوید او را : بباش ، باشد .

- ۱۱۸ - و گفت آن کسانی که ندانند اگر نه سخون نگوید ما

را خدای ، یا بیاری تو به ما حجتی . همچنین گفت آن کسانی که پیش
از ایشان بودند مانند قول ایشان مانده شد دلهای ایشان ، به درستی
پدید کردیم حجتها گروهی را که یقین دارند .

۱۱۹ - ما فرستادیم ترا به راستی بشارت دهنده و بیم کننده ، و

- نه پرسند ترا از یاران دوزخ .
۲۰

۱۲۰ - و نه خشنود باشند از تو جهودان و نه ترسایان ، تا

متابعت نکنی ملت ایشان . بگویی به درستی راه خدای ، آن است راه راست . و اگر پیروی کنی آرزوهایشان ، پس آنکه آمد به تو از دانش ، نباشد ترا از خدای از دوستی و نه یاری کننده [ای] .

۱۲۱ - آن کسانی که فرستادیم ایشان را نامه همی خوانند او را سزای خواندن آن ، ایشانند که می گروند بدان ؛ و هر که نگرود بدان ، ایشان باشند که ایشان از زیان کارانند . ۵

۱۲۲ - ای فرزندان یعقوب ، یاد کنید نعمت من آنکه منت نهادم بر شما و من فضل دادم شما را بر جهانیان .

۱۲۳ - و بترسید از روزی که نه جزا دهند تنی را از تنی چیزی ، و نه پذیرند از آن داوری ، و نه سود کند آن را شفاعتی ، و نه ایشان را یاری دهند . ۱۰

۱۲۴ - و چون آزمون کرد ابراهیم را خدای او به سخنانی ، تمام کرد آن را . گفت که : من کردم ترا مردمان را پیش رو . گفت : و از فرزندان من . گفت : نه رسید امامی دادن ستمگاران را .

۱۲۵ - و چون بکردیم خانه کعبه را ثواب گاهی مردمان را و ایمنگاهی ؛ و بگیری از جایگاه ایستادن ابراهیم نماز گاهی ؛ و عهد گرفتیم با ابراهیم و اسماعیل [که] پاک کنید شما دو خانه من طواف کنندگان را و پرستندگان را و رکوع و سجود کنندگان را . ۱۵

۱۲۶ - و چون گفت ابراهیم : یارب ، بکن این مکه را شهری ایمن ، و روزی ده اهل او را از میوه ها ، هر که آن را بگروید از ایشان به خدای و به روز آخرت . گفت خدای : و هر که کافر شود ، ۲۰

برخوررداری دهم او را اندک . پس بیچاره کنم او را سوی عذاب آتش
و بد جای باز شدن است .

۱۲۷ - و چون برداشت ابراهیم بنیانها از خانه ، و اسماعیل ،
خدای ما بپذیر از ما که توی تو شنوای و دانای .

۱۲۸ - خدای ما ، بکن ما را دو گرویده ترا ، و از فرزندان ما
گروهانی گرویده ترا ، و بنمای به [ما] عبادتگاه ما ، و توبه ده
بر ما ، که توی تو توبه دهند بخشاینده .

۱۲۹ - خدای ما ، بفرست اندر ایشان پیغامبری از ایشان .
برخواند برایشان حجت‌های تو ، و اندر آموزد ایشان را کتاب و
حکمت ، و پاکیزه کند ایشان را . به درستی که تو ، توی بی همتا
و دانا .

۱۳۰ - و که باشد که برگردد از دین ابراهیم ، مگر آنکه نادان
شود تن او . و به درستی که بگزیدیم او را اندرین جهان ، و به
درستی که او [است] اندر آخرت از نیکان .

۱۳۱ - چون گفت او را خدای او که : گردن نه . گفت : گردن
نهادم به خدای جهانیان .

۱۳۲ - اندرز کرد بدان ابراهیم فرزندان خود را و یعقوب :
ای فرزندان من که خدای بگزید شما را مسلمانی ، مه میرید مگر که
باشید شما را گرویدگان .

۱۳۳ - یا بودید شما حاضران ، چون حاضر شد یعقوب را
مرگ ، چون گفت فرزندان را : چه پرستید از پس من ؟ گفتند :

می بپرستیم خدای ترا و خدای پدران ترا ، ابراهیم و اسماعیل [و اسحق] ، خدای یکتا ، و ما او را گردن نهادیم .

۱۳۴ - این است گروهی که بگذشت او را آنچه [کسب] کرد ، و شما را آنچه کسب کردید . و نه پرسند شما را از آنچه بودند می کردند . ۵

۱۳۵ - و گفتند بباشید جهودان یا ترسایان ، راه یابید . بگوی دین ابراهیم پاکیزه تر و نه بود ابراهیم از مشرکان .

۱۳۶ - بگویید بگرویدیم به خدای و آنچه فرو فرستاده شد سوی ما و آنچه فرو فرستاده شد سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او ، و آنچه داده شد موسی را و عیسی ، و آنچه داده شد پیغامبران را از خدای ایشان . نکنیم جدا میان یکی از ایشان ، و ما او را گردن نهادند گانیم . ۱۰

۱۳۷ - اگر بگروند چنانکه بگرویدید شما بدان ، به درستی راه یافتند ؛ و اگر برگردند ، ایشانند اندر بد بختی . بسنده است به جزایشان خدای ، و اوست شنوا و دانا . ۱۵

۱۳۸ - دین خدای ، و کی نیکوتر از خدای به دین ؟ و ما او را پرستند گانیم .

۱۳۹ - بگو : همی حجت آرید به ما اندر خدای ، و اوست خدای ما [و خدای شما] ؛ و ما راست کردارهای ما ، و شما راست کردارهای شما . و ما او را پرستند گانیم خالص . ۲۰

۱۴۰ - یا همی گویند: به درستی که ابراهیم و اسماعیل و اسحق

و یعقوب و فرزندان او بودند جهودان یا ترسایان ؛ بگوی آیا شما داناترید یا خدای ؟ و کیست ستمگارتر از آن کس که ببوشاند گواایی که نزد او بود از خدای. و نیست خدای بی آگاهی از آنچه همی کنید. ۱۴۱ - اینست گروهی که به درستی بگذشت . او راست آنچه

کسب کرد ، و شما راست آنچه کسب کردید . و نی پرسند شما را ۵
از آنچه بودند عمل کردند .

۱۴۲ - زود بود که گویند نادانان از مردمان چه بگردانید ایشان را ازان قبله شان ، آنکه بودند بر ان قبله . بگو : خدای راست مشرق و مغرب ، راه نماید آن را که خواهد سوی راه راست .

۱۴۳ - و همچنانکه کردیم شما را گروهی عدل، تاباشید گواهان ۱۰
بر مردمان^۱ ، و باشد پیغامبر بر شما گواه به تزکیت . و نه کردیم قبله آنکه بودی تو برش الا تا ظاهر شود آن کس که متابع رسول باشد از آن کس که بر گردد بر وی . و اگر تحویل قبله بزرگ آمد و دشوار مگر بر آنها که هدایت داده است خدای ایشان را ، و نه سزد که خدای ضایع کند ایمانتان و به قول نمازتان . به درستی که خدای ۱۵
به مردمان^۲ مهربان رحمت کننده است .

۱۴۴ - به درستی که می بینیم گردانیدن روی تو وز جانب آسمان. باز گردانیم ترا با قبله که ساکن شوی. بگردان رویت را جانب مزکت شکهمند ، و آنجا که باشید بگردانید روهایتان به جانب آن .

۱ - درحاشیه : یعنی در قیامت گواهی دهید که پیغامبران رسالت گزاردند

۲ - در حاشیه : + مومنان

به درستی آنها که داده‌اند ایشان را کتاب ، دانند که آن حق است از خداوند شان ؛ و نیست خدای غافل از آنچه ایشان می کنند .

۱۴۵ - واگر بیاری بدین جهودان داده شد کتاب و حجت ، ایمه

آیت و نشان ، بران که کعبه قبله حق است آیت ، پس روی نکنند و متابعت نکنند قبله ترا ، و نه تو پس رو قبله ایشان ، و نه بهره‌ای ایشان تابع باشند قبله بهری را . و اگر پس روی کنی هواهای ایشان را از پس آن که آمد به تو از دانش ، تو آنکه نه کار حکیمان کرده باشی .

۱۴۶ - آنها را که [فرستادیم] مرایشان را کتاب توریت ،

می شناسند کعبه را محراب ابراهیم ، هم چنانکه می شناسند پسران خود را . و به درستی گروهی از ایشان می بپوشند حق را ، و ایشان دانند که می بپوشند .

۱۴۷ - روی به کعبه آوردن حق است از خدای تو ، مباش از

گمان مندان .

۱۴۸ - و هر کسی را قبله‌ای باشد که او بپذیرد آن را ، بشتابید

به نیکی هرجا که باشید ، بیاورد شما را خدای همه را یعنی به قیامت ، به درستی خدای بر همه چیز تواناست .

۱۴۹ - و از هر جانب بیرون شوی بگردان رویت را به جانب

مزکت شکمهند . که او قبله حق است از خدای تو . و نیست خدای بی آگاهی از آنچه می کنند .

۱۵۰ - و از هر جانب بیرون شوی بگردان رویت را به جانب

مزکت شکوه‌مند ؛ و هرجا که باشید بگردانید رویهای شما سوی او

یعنی قبله، تا نباشد مردمان را بر شما حجتی، مگر آنها را که ستم‌گارانند از ایشان. مه ترسید از ایشان و بترسید از من، تا تمام کنم نعمت من بر شما، و باشد شما بر راه راست باشید.

۵ ۱۵۱ - چنانکه فرستادیم در [میان] شما پیغامبری از شما، بخواند بر شما حجت‌های ما، و بستاید شما را، و در آموزد شما را قرآن را و علم شریعت، و بیاموزاند شما را، آنچه نبودید بدان دانایان. ۱۵۲ - یاد کنید مرا به دعا، یاد کنم شما را؛ و شکر کنید مرا و ناشکری نکنید.

۱۰ ۱۵۳ - ای آنها که بگرویده‌اید، یاری خواهید بر شکیبایی و نماز، که خدای با شکیبایا [آن]^۲ است. ۱۵۴ - و مگوئید آن را که کشته شود در راه خدای مردگان، بل که زندگانند، ولیکن نمی‌دانید شما.

۱۵۵ - و می‌آزمائیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستن از خواسته‌ها و تنها و میوه‌ها، و مزده ده شکیبایان را. ۱۵۶ - آنان که چون برسد به ایشان فرا رسیده‌ای، گفتند ما ۱۵ خدای راییم و ما سوی او گردندگانیم.

۱۵۷ - ایشانند که بر ایشان است ثنا از خدای ایشان و رحمتی، و ایشان‌اند که ایشان راه یافتگانند.

۱۵۸ - به درستی که کوه صفا و کوه مروه از نشانه‌های خداوند. هر که حج کند و زیارت کند خانه را یا عمره کند، نیست ۲۰

بزه براو که طواف کند به صفا و مروه . و هر که نافله کند و تقرب کند به نیکی، به درستی خدا اندر پذیرد بسیار ده است و دانا .
 ۱۵۹ - به درستی آنانکه می‌پوشند آنچه فرو فرستادیم ما از حجتها و راه راست از پس آنکه بیان کردیم بر مردمان اندر کتاب ، یعنی توریة ، ایشانند [که] نفرین کند ایشان را خدای ، و نفرین کند ایشان را نفرین کنندگان .

۱۶۰ - مگر آنانکه توبه کردند و به صلاح شدند و بیان کردند، ایشانند که توبه دهم مرایشان را، و من توبه دهنده‌ام و رحمت کننده .
 ۱۶۱ - به درستی آنها که کافر شدند و بمردند ، و ایشان کافرانند، ایشانند . برایشان است نفرین خدای و فرشتگان و مردمان همه .
 ۱۶۲ - جاوید باشند در آن لعنت و دوزخ ، سبک نکنند ازیشان عذاب ، و نه ایشان را مهلت دهند .

۱۶۳ - و خدای شما خدایی است یکی ، نیست خدای مگر او ، روزی دهنده و رحمت کننده .

۱۶۴ - به درستی اندر آفریدن آسمانها و زمین ، و اختلاف شب و روز ، و آفریدن کشتی ، آنکه می‌برود اندر دریا ، بدانچه منفعت کند مردمان را ، و آنچه فرو فرستاد خدای از آسمان از آب، زنده کرد بدان آب زمین را پس مرگش و بپراگند در آن زمین از هر گونه جنبده‌ای ، و گردانیدن بادها ، و ابر روان کرده میان آسمان و زمین ، حجتها و نشانه هاست قومی را که عقل دارند .

۱۶۵ - و از مردمان که بگیرد از جز خدای انباز خدا، و دوست

دارند ایشان را چون دوستی خدا، و آنانکه بگرویدند سخت‌تر دوست دارند خدای را، و اگر بدانند آنانکه ستم‌گارانند که چون ببینند عذاب را که قوت خدای راست همه و به درستی خدای است سخت عذاب. ۱۶۶ - چون بیزار شدند آنانکه متابعت کردند از آنانکه

متابعت کردند و ببینند عذاب را، و بریده شود به ایشان پیوستگی [ها]. ۵

۱۶۷ - و گفتند آنانکه متابعت کردند اگر ما را باز گشت باشد به دنیا، بیزار شویم از ایشان چنانکه بیزار شدند از ما همچنان بنماید ایشان را خدای عملهای ایشان، حسرت‌ها باشد برایشان، و نباشند ایشان بیرون آینده از آتش.

۱۶۸ - ای مردمان بخورید از آنچه اندر زمین است حلالی پاک، و پس روی مکنید گامهای دیو را که اوست شما را دشمن آشکارا. ۱۶۹ - به درستی می فرماید شما را به بدی و زشتی ۱؛ و آنکه گویند بر خدای آنچه نمی دانید.

۱۷۰ - و چون گویند ایشان را متابعت کنید آنچه فرو فرستاد خدای، گفتند بل که پس روی کنیم آنچه یافتیم بروی پدران ما را، ۱۵ اگر چه بود پدران شان نه دانستند چیزی و نه راه راست یافتند.

۱۷۱ - و مثال آنانکه منکر شدند چون مثل آنانکه بانگ کنند به آنکه نشنود مگر خواندنی و آوازی. کر اند، گنگ اند، کورند؛ ایشان بی خردانند.

۱۷۲ - ای آنانکه بگرویده اید بخورید از پاکیزه‌ها، آنچه ۲۰

روزی کردیم شما [را] ، و شکر کنید خدای را ، اگر هستید او را پرستندگان .

۱۷۳ - به درستی حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت^۱ خوك و آنچه که ذبح کنند به غیر نام خدای، هر کرا ضرورت باشد بی آنکه [افزونی جوید] ، و نه از حد درگذرد ؛ نیست بزه بر وی ، که خدای آمرزگارست و رحمت کننده .

۵

۱۷۴ - به درستی آنانکه که می بپوشند آنچه فرو فرستاد خدای از کتاب و نامه ، و می خرند به آن بهای اندك ، ایشان نمی خورند اندر شکمهای شان مگر آتش^۲ ، و نه سخون گوید ایشان را خدای روز رستخیز ، و نه عفو کند ایشان را ، و ایشان را [است] عذابی دردناك .

۱۷۵ - ایشان اند آنانکه بخریدند گمراهی را به راه راست و عذاب را به آمرزش ، چه دلیر کرد ایشان را بر آتش .

۱۰

۱۷۶ - آن ، بدان است که خدای فرو فرستاد کتاب ، یعنی قرآن به حق ، به درستی آنانکه خلاف کردند اندر کتاب ، درمنازعت اند دور و دراز .

۱۵

۱۷۷ - نیست نیکی که تا کنید رویهای شما را سوی مشرق و مغرب ، ولیکن نیکی آن [است] که ایمان آورد به خدای و روز آخر ، یعنی قیامت و فرشتگان و کتاب و پیغامبران ، و بداد خواسته بر دوستی خدای او به خویشاوندان نزدیک و بی پدران و درویشان و مسکینان

۱ - متن : گشت ۲ - در حاشیه آمده است : یعنی رشوت

می ستانند و صفت محمد در کتاب می پوشانند .

و راه گذریان و خواهندگان و اندر بندگان ، که خود را باز خریده باشند ؛ و به پای داشت نماز را و بداد زکوة را ؛ و به جای آرندگان عهدهای ایشان ، چون عهد کردند ؛ و شکیبایان اندر درویشی و بیماری و گاه سختیها و محنتها ؛ ایشان اند آنانکه راست گفتند ، و ایشان اند که ایشان پرهیزگاران اند .

۵

۱۷۸- ای آنانکه بگرویدید، نوشته شد، یعنی واجب شد بر شما برابری اندر کشتگان، آزاد به آزاد ؛ و بنده با بنده ؛ و ماده به ماده ؛ هر که عفو کرده شد او را از خون برادرش چیزی ، پس روی کند به معروف، یعنی تقاضا کند به مسامحه، به آهستگی، و به يك بار نخواهد، و ادا کند سوی او به نیکوتر وجهی، آن سبکی است از پروردگار شما ۱۰ و آمرزشی و رحمتی . هر که ظلم کند و از حد در گذراند ، پس از آن او را بود عذابی درد ناك .

۱۷۹- و شما راست اندر قصاص و برابری زندگانی ای خداوندان عقل ، تا بو که شما پرهیز کنید از کشتن .

۱۸۰- نوشته شد ، یعنی فریضه شد بر شما چون نزدیک آید یکی شمارا مرگ، اگر بگذارد مالی که وصیت کند از بهر مادر و پدر و خویشاوندان به قدر انصاف، حق است بر ترسکاران و پرهیزگاران . ۱۸۱- هر که بدل کند آن را ، یعنی فرمان خدا را ، پس آنکه شنیده باشد آن را ، به درستی که بزه آن بر آنها باشد که بدل کند آن را ؛ به درستی خدای شنواست به گفته وی ، و داناست به نیت وی . ۲۰ ۱۸۲- هر که ترسد از وصیت کننده که میل کند یا گناه ،

اصلاح کند میان ایشان ، یعنی ورثه ، و نیست گناه بر او ، به درستی
خداى آمرزگارست رحمت کننده .

۱۸۳- ای آنانکه بگرویده اید ، نوشته شد ، فریضه شد بر شما
روزه ، چنانکه نوشته شد بر آنها که از پیش شما بودند ، تا مگر
شما رستگار باشید . ۵

۱۸۴ - روزهای شمرده هر که باشد از شما بیمار یا بر سفر ،
باز داشتن باید از روزهای دیگر ، و بر ایشان که توانند فدا و نتوانند
روزه ، فدا کنند به هر روزی طعام درویشی ، هر که زیادت فدا دهد از
خواستہ ، آن به باشد او را ، و اگر روزه دارید به باشد شما را ،
اگر هستید دانا یان . ۱۰

۱۸۵ - ماه رمضان آنکه فرو فرستاده شد اندرو قرآن ، راه
راست است مردمان را ، و حجتها از راه راست ، و جدا کننده میان
حق و باطل ، هر که در یافت و حاضر شد از شما ماه رمضان ، روزه
دارد او را ؛ و هر که باشد بیمار یا بر سفر ، باز داشتن باید از روزهای
دیگر . می خواهد خداى به شما آسانی ، و نه خواهد به شما دشواری ؛ ۱۵
و تمام گردانید روزها آن را ؛ و تکبیر گوید خداى را بر آنچه راه
راست نمود شما را ؛ و تا مگر شما شکر بکنید و از شاکران باشید .

۱۸۶ - و چون پرسند ترا یا محمد بندگان من از من ، من
نزدیکم ، اجابت کنم دعای خوانندگان چون خواند مرا ، تا پاسخ
کنند مرا ، و ایمان آرند به من ، تا مگر ایشان راه راست یابند . ۲۰

۱۸۷ - حلال کرده شد شما را شب روزه صحبت سوى زنان

شما . ایشان پوشش اند شما [را] ، و شما پوشش اید ایشان را از حرام .
 داند خدای که شما باشید خیانت کنان تنهای شما را . توبه داد بر شما
 و در گذشت از شما . اکنون مباشرت کنید به ایشان ، و بجوید آنچه
 نبشت خدای شما را . و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که پیدا شود شما
 را رشته سپید از رشته سیاه ، یعنی روز از شب ، از بامداد ، پس تمام
 ۵ کنید روزه را تا شب ، و نه کنید مباشرت زنان را و شما معتکف باشید
 اندر مزکته‌ها . آن همه حدهای خداست ، مشوید نزدیک آن حدها .
 همچنین پدید می‌کند خدای احکام خود و حجت‌های خود مردمان را ،
 مگر که ایشان پرهیزگار باشند .

۱۸۸ - و نه خورید خواسته‌های شما را میان شما به باطل ، [و
 ۱۰ اندر آویزید بدان] سوی حاکمان ، تا بخورید گروهی از مال‌های مردمان
 به بزه ، و شما می‌دانید .

۱۸۹ - می‌پرسند ترا از هلال‌ها^۱ . بگو آن وقت‌هاست مردمان را
 و حج را ، و نه نیکی در آن است که بیاید خانه‌ها را از پس پشت آن ،
 یعنی خانه‌ها . ولیکن نیکی [آنست] هر که بترسد و پرهیز کند ؛ و بیاید
 ۱۵ خانه‌ها را از درهای آن ، و بترسید از خدای ، تا مگر شما رستگار باشید .
 ۱۹۰ - و کار زار کنید اندر راه خدای ، آنانکه کار زار کنند

با شما ، و ستم مکنید . به درستی که خدای ندارد دوست ستم‌گاران را .
 ۱۹۱ - و بکشید ایشان را یعنی کافران را ، آنجا که یابید ایشان را ،

و بیرون کنید ایشان را از آنجا [که] بیرون کردند شما را . و کفر و فتنه
 بدتر باشد از کشتن ، و مه کنید^۲ کارزار به ایشان نزد مزکت حرام ،

یعنی کعبه ، تا کارزار کنند به شما اندرو . اگر کارزار کنند به شما ، بکشید ایشان را . چنین باشد جزای کافران .

۱۹۲- اگر باز ایستند از جنگ، به درستی خدای آمرزگارست رحمت کننده .

۵- ۱۹۳- و کارزار کنید به ایشان تا نباشد کفر فتنه ، و باشد دین

خدای اگر باز ایستند نیست ستمی مگر بر ستمگاران ، یعنی مکافات .

۱۹۴- ماه حرام به بدل ماه حرام است^۱ ، و حرمتها را برابر

است . هر که ستم کرد بر شما ، مکافات کنید بر او مانند آنکه ظلم

کردند بر شما ، و ترسید از خدای ، و بدانید که خدای با پرهیزگاران

۱۰- است .

۱۹۵- و هزینه کنید اندر راه خدای و میفکنید^۲ با دستهای خود

را سوی هلاکت ، و نیکویی کنید ؛ به درستی که خدای دوست

می دارد نیکو کاران را .

۱۹۶- و تمام کنید حج را و عمره را ، خدای را . اگر در راه باز

۱۵- داشته شوید شما آنچه آسان شود از هدی بفرستید ، و بمستريد سرهای

شمارا تا برسد هدی جایگاهش را . هر که باشد از شما بیمار یا بود او را

رنجوری از سرش ، فدیهای [باید] ، یعنی کفارت از روزه سه روز ، یا صدقه

شش درویش ، یا گوسفندی که بکشد . چون ایمن شدید ، هر که تمتع

گرفت به عمره از بهر حج ، آنچه آسان شود از هدی بکشد . هر که نیابد ،

۱- در حاشیه آمده است : یعنی اگر شما ما [ه] حرام جنگ کنید ما

نیز کنیم . ۲- متن : میکنید

روزه دارد سه روز در حج ، یعنی روزهای حج . و هفت روز ، چون باز گردید شما . آن ده روز باشد تمام . آن آن را لازم شود ، که نه باشد اهل آن حاضر مزکت حرام^۱ ، و بترسید از خدای ، و بدانید به درستی خدای سخت عقوبت است .

۵ ۱۹۷ - وقت حج ماههای معلوم است . هر که واجب کند بر خویشتن اندران ماهها حج . نیست صحبت کردن با زن ، و نکند فسق^۲ و نه خصومت با کسی اندر حج ، یعنی چون احرام بندد . و آنچه می کنید از نیکی ، می داند آن را خدای . و توشه بردارید که به درستی بهترین توشه‌ها پرهیزگاری و ترسکاری [است] ، و بترسید از من ای خداوندان عقل .

۱۰ ۱۹۸ - نیست بر شما بزه که بجوید افزونی از پروردگار شما . چون باز گردید شما [از] عرفات به مزدلفه آید ، یاد کنید خدای را نزد شعارکان^۳ (؟) حرام ؛ و یاد کنید او را چنانکه راه راست نمود شما را . و اگر بودید از پیش او از گمراهان .

۱۵ ۱۹۹ - پس باز گردید از آنجا که باز گشت ابراهیم پیغامبر ، و آمرزش خواهید از خدای ، به درستی خدای آمرزگارست رحمت کننده .

۲۰۰ - چون بگذارید شما نسکهای شما ، یعنی حج ، یاد کنید

خدای را چنانکه ذکر می کنید شما پدران شما را ، یا سختتر ، یعنی

۱ - در حاشیه چنین آمده : یعنی از اهل مکه نباشد ۲ - در حاشیه :

یعنی صید نکند و بقول دشنام ندهد ۳ - در متن چنین است . در ترجمه

تفسیر طبری : مشعر حرام ، المسجد الحرام ؛ و در ترجمه و قصه‌های قرآن : شبنگاه شکمند .

نیکوتر یاد کردن . از مردمان کس هست می گوید : خداوند ما بده ما را اندر این جهان ، و نبود او را در آن جهان از نصیب .

۲۰۱ - و از ایشان کس می گوید خداوند ما ، بده ما را در این جهان نیکی طاعت ، و در آن جهان نیکی ثواب . و نگاه دار ما را از عذاب آتش .

۵

۲۰۲ - آنانکه ایشان را [است] نصیب و بخش از آنچه کسب کردند خیرات ، و خدای زود کننده شمار است .

۲۰۳ - و یاد کنید خدای را روزهای شمرده ، یعنی ایام تشریق . هر که زود باز گردد در دو روز تشریق نیست بزه برو ؛ و هر که تأخیر کند تا سوم روز ، نیست بزه بر او ، هر که ترسکار بود . و بترسید از خدای ، و بدانید که به درستی شما سوی او حشر کرده شوید .

۱۰

۲۰۴ - و کسی است از مردمان که عجب می دارد ترا گفت او اندر زندگانی این جهان ، و گواهی می دهد خدای بر آنچه اندر دل او ، [است] ^۱ و او سخت خصومت است .

۲۰۵ - و چون باز گردد ، برود اندر زمین تا فساد کند در آن ، و هلاک کند کشت را و نسل حیوان را ، و خدای ندارد دوست فساد را .

۱۵

۲۰۶ - و چون گفته شود او را بترس از خدای ، بگیرد او را تکبرش به بزه ، بسنده است او را دوزخ ، و بد است او را آرام گاه .

۲۰۷ - و از مردمان کسی است که بدل کند تن خود را جستن

۲ . رضای خدای . و خدای مهربان است به بندگان .

- ۲۰۸ - ای آنانکه ایمان آورده‌اید ، در آید در آشتی همه ، و
مکنید پس روی گامهای دیو را که او [است] شما را دشمن هویدا .
- ۲۰۹ - اگر بلغزد از پس آنچه آمد به شما حجتها ، بدانید به
درستی خدای ارجمند است حکیم .
- ۲۱۰ - چه چشم دارند ، مگر آنکه بیاید ایشان را خدای در
پاره‌هایی از میغ سهمناک و فرشتگان ؟ و گزارده شد کار دنیا ، و سوی
خدای باز گردیده شود کارها .
- ۲۱۱ - بیرس فرزندان یعقوب را چند دادیم ایشان را حجتهای
روشن . و هر که بدل کند نعمت خدای را از پس آنکه آمد به او . به
درستی خدای سخت عقوبت است .
- ۲۱۲ - آراسته شد آنان را که کافر شدند ، زندگانی دنیا . و
تسخر می‌کنند از آنانکه ایمان آورده‌اند ، و آنانکه پرهیزگاران اند ،
بالای ایشان روز رستخیز . و خدای روزی بدهد هر که را که خواهد
بی حساب .
- ۲۱۳ - بودند مردمان گروهی يك ملت . فرستاد خدای پیغامبران
مژده دهنده و ترسانندگان ، و فرو فرستاد به ایشان کتاب به راستی ،
تا حکم کند در میان مردمان بدانچه اختلاف کردند اندر او . و نه کردند
خلاف اندرو مگر آنانکه داده بودند ایشان را پس آنکه آمد ایشان
را حجتها ، حسد میان ایشان . راه نمود خدای آنان را که ایمان
آوردند بدانچه اختلاف کردند اندرو از حق به فرمان خدای . و
خدای راه نماید هر که را که خواهد سوی راه راست .

۲۱۴ - یا می‌پندارید که درآیید [اندر] بهشت چون بیایید مثل آن کسان که گذشتند پیش شما . رسید ایشان را درویشی و بیماری و رنج و محنت ، و زلزله کرده شد تا بگویند رسول و آنانکه ایمان آوردند به او ، کی باشد نصرت خدای . بدان به درستی نصرت خدای نزدیک است .

۵

۲۱۵ - می‌پرسند ترا که چه نفقه می‌کنند ؟ بگو : آنچه هزینه کردید از نیکی ، مادر و پدر [راست] و خویشاوندان و بی‌پدران را و درویشان را و ره‌گذریان را ؛ و آنچه می‌کنید از نیکی به درستی خدای به آن داناست .

۲۱۶ - نوشته شد بر شما کارزار کردن ، و آن کراهیت است شما را . و بود که کراهیت دارید چیزی را ، و آن خود نیکی باشد شما را ، و بود که دوست دارید شما [چیزی] را ، و آن خود بد باشد شما را . و خدای می‌داند و شما نمی‌دانید .

۱۰

۲۱۷ - می‌پرسند ترا از ماه حرام ، کارزار کردن اندرو . [بگو] : کارزار اندرو بزرگ گناهی است . و برگشت است از راه خدای و کفرست خدای را ، و باز داشتن مردم از مزکت حرام و بیرون کردن اهل او را از او بزرگ تراست نزد خدای . و کفر و فتنه بزرگتر است از کشتن . و همیشه زایل نباشند کارزار کنند با شما ، بازدارند شما را از دین شما اگر توانند ایشان . و هر که برگردد از شما از دین خویش و بمیرد و او کافر باشد ، ایشان را که نیست شد کردارهای ایشان اندر این جهان و آن جهان . و ایشان اند اهل

۱۵

۲۰

آتش، ایشان [اند] اندر آنجا جاویدان .

۲۱۸ - به درستی آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد و غزا کردند اندر راه خدای ، ایشان اند که امید دارند رحمت خدای را ، و خدای آمرزنده^۱ است و رحمت کننده .

۲۱۹ - می‌پرسند ترا از سیکمی^۲ و قمار . بگو : اندران هردو بژه‌ای است بزرگ تراست و منفعتها ست مردمان را ؛ و بژه‌ی ایشان دو بزرگ‌تر است از منفعت ایشان دو . و می‌پرسند ترا چه نفقه کنند ؟ بگو : آنچه از قدر حاجت زیادت بود ، همچنان بیان می‌کند خدای شما را حجتها و احکام شرع ، باشد که شما اندیشه کنید .

۲۲۰ - اندر این جهان و آن جهان، و می‌پرسند ترا از بی‌پدران . بگو : به صلاح آوردن ایشان را به، و اگر بیامیزید مال ایشان، برادران شما اند ، روا باشد . و خدای می‌داند مفسد را از صلاح آرنده . و اگر خواهد خدای ، تنگ و دشوار گرفتنی شما را . به درستی خدای قادر است به عقوبت خائنان . حکم کننده است به اصلاح حال یتیمان .

۲۲۱ - و مکنید به زنی زنان بت پرست را تا ایمان آرند . و پرستار گرویده بهتر از بت پرست ، و اگر چه خوش آید شما را . و به زنی مدهید به بت پرستان تا ایمان آرند . و بنده گرویده به از بت پرست ، و اگر چه خوش آید شما را . ایشان اند باز می‌خوانند به سوی آتش . و خدای می‌خواند سوی بهشت و آمرزش به فرمان او ، و بیان می‌کند حجت‌های خود مردمان را ، مگر ایشان پند گیرند .

۲۲۲ - و می‌پرسند ترا از حیض زنان . بگو : آن والايش رنج است . جدا شوید از صحبت زنان اندر حالت حیض ، و نه نزدیکی کنید ایشان را ، تا پاک شوند . چون پاک شوند بیایید به ایشان از آنجا که فرمود شما را خدای ؛ که خدای دوست دارد توبه کاران را و دوست دارد پاکیزگان را . ۵

۲۲۳ - زنان شما کشت زار است شما را ، بیایید به کشت زار تان چنانکه خواهید ، و پیش فرستید طاعت مرتنهای شما را ، و بترسید از خدای ، و بدانید به درستی که شما خواهید رسیدن و دیدن او را ، و مشده ده مومنان را .

۲۲۴ - و مه کنید^۱ خدای را بهانه^۲ سوگندان شما را که نیکی بکنید و پرهیزگار [ی] کنید ، و اصلاح کنید میان مردمان . و خدای شنواست ، داناست . ۱۰

۲۲۵ - نه گیرد شما را خدای به لغو در سوگندان شما ، ولیکن بگیرد شما را به آنچه کسب کند دلهای شما . و خدای آمرزگارست با پس دارنده^۳ عقوبت .

۲۲۶ - آن کسان را که سوگند خورند که با زن نزدیکی نکنند چهار ماه از زنان ایشان ، روا باشد اما کفارت واجب شود . انتظار کنید چهار ماه ، اگر باز گردند پیش از چهار ماه ، که خدای آمرزگارست و رحمت کننده است . ۱۵

۲۲۷ - و اگر قصد طلاق کنند^۴ ، به درستی خدای شنواست ۲۰ و داناست .

۱- در متن: می‌کنید ۲- در حاشیه: + سنتی بگذارند تا چهار ماه بگذرد طلاق را

۲۲۸- و زنان طلاق داده درنگ کنند باتنهای ایشان سه‌حیض،

و نیست حلال ایشان را که بپوشند آنچه آفرید خدای اندر رحمهای
حیض با فرزندشان، اگر هستند ایمان آرنده به خدای و روز قیامت.

و شوهران ایشان اولی‌ترند به آن رد کردن ایشان در آن، اگر خواهند

که صلح باشد. و زنان راست بر شوهران مثل آنکه شوهران راست

برایشان به وجه نیکو. و مردان راست بر زنان درجه‌ای، و خدای

ارجمندست و حکیم.

۲۲۹- پای گشادگی دوبارست، پس از آن یا نگاه داشتن و

گرفتن به نیکی، یا رها کردن به نیکویی. و نباشد حلال شما را که

بگیرید از آنچه داده باشد ایشان را چیزی، مگر که ترسند هر دو که

ندارند به پای حکم‌ها و فرمانهای خدای. اگر ترسید شما که ندارید

به پای حکمهای و حدهای خدای. نیست بزه‌ای بر هر دو در آنچه

فدا کنند زن خویشان را بخرد به آن. آن است حکمها و اندازه‌ها و امرهای

خدای. و مگذرید از آن، و هر که درگذرد از حکمهای خدای،

ایشان‌اند که ایشان ستمگاران‌اند.

۱۵

۲۳۰- پس اگر طلاق دهد سوم بار، نباشد حلال مرو را آن

زن از پس آن تا نکاح کند شوهری دیگر غیر او. اگر طلاق دهد وی

را شوهر دوم، نباشد بزه بر ایشان دو که رجوع کنند به نکاح. اگر

یقین‌دانند که بایستند بر حکمها و امرهای خدای، و آن است حکمهای

خدای. بیان می‌کند آن را گروهی را که می‌دانند که حق است.

۲۰

۲۳۱- و چون طلاق دهید زنان را، برسند عدت ایشان را،

پس نگاهشان دارید به وجهی نیکو ، یارهایشان کنید به نیکوی ، و
مگیرید ایشان را به رنج زحمت تا ستمگار باشید . و هر که بکند آن
را ، یعنی رنج ، به درستی ظلم کرده باشد تن خود را . و مگیرید
حجتها و فرمانهای خدای افسوس ، و یاد کنید نعمت خدای را بر
شما ، و آنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب و قرآن و بیان شریعت ،
پند می‌دهد شما را به آن ، یعنی قرآن . و بترسید از خدای ، و بدانید که
خدای به همه چیز داناست .

۵

۲۳۲- و چون طلاق دادید زنان را و برسند به مهلتشان یعنی
عدت ، باز مدارید ایشان را که نکاح کنند به شوهران دیگر . چون راضی
شوند میان ایشان به کابینی موافق . این فران پند دهنده به آن فران هر
که باشد از شما بگرونده به خدای و روز قیامت . . . ۱۰

۲۳۴- . . . پس چون برسیدند به مهلتشان ، نیست بزه بر شما
در آنچه کردند در تنهای خویشتن از زینت به وجهی نیکو ، و خدای
به آنچه می‌کنید شما آگاه است .

۲۳۵- و نه بزه بر شما در آنچه تعریض کنید به آن از
خواستن زنان ، یا پوشیده دارید در خویشتن . می‌داند خدای به درستی
شما ایشان را یاد می‌کنید در دل ، ولیکن نکنید وعده با یکدیگر در
نهان ، مگر که بگویید گفتار نیکو . و آهنگ مکنید عقد نکاح را
تا برسد عدت نوشته . و بدانید به درستی خدای می‌داند آنچه در
تنهای شماست ، بر حذر باشید ازو . و بدانید که خدای آمرزگارست ، ۲۰

تأخیر کننده عقوبت .

۲۳۶ - نیست بزه بر شما اگر طلاق بدهید زنان را که نرسیده باشید به ایشان ، یا کابین فریضه نکرده باشید ایشان را تسمیه ، متعه دهید ایشان را ، بر توانگر به قدرش ، و بردرویش به قدرش . متاعی و برخورداری به وجه معروف ، حق است بر نیکو کاران . ۵

۲۳۷ - و اگر طلاق دهید ایشان را از پیش که کنید ایشان را ، و به درستی مسمی کرده باشید ایشان را مهری ، نیمی آنچه تسمیه کرده باشید ، مگر که مسامحت کنید و عفو . یا مسامحت کند آنکه او به دست او باشد بستن نکاح . و اگر مسامحت کنید نزدیک تر بود به پرهیزگاری . و مکنید فراموش فضل کردن را میان شما ، که ۱۰
خدای به آنچه می کنید بیناست .

۲۳۸ - نگاه دارید و باشید بر نمازها جمله ، و خاصه نماز میانگین ، یعنی نماز دیگر ، و بایستید شما خدای را مطیعان .

۲۳۹ - پس اگر ترسید از دشمن پیاده روید یا برنشسته نماز کنید ؛ پس چون ایمن شدید یاد کنید خدای را چنانکه بیاموخت شما ۱۵
را ، نبودید شما دانایان .

۲۴۰ - و آنانکه بمیرند از شما و بگذرند زنان ، وصیت کنید زنان شان را برخورداری تا يك سال بی آنکه به در کنیدشان از خانه . اگر بیرون شوند زنان ، نیست بزه بر شما در آنچه کردند در خویشتن آن زنان از معروف ، زینت با شوهر ، و خدای ارجمند است ۲۰
کارکننده به حکمت .

۲۴۱ - و زنان هشته را بر خور داری به وجه نیکو یعنی نفقه و سکنی در حال عدت حق است بر ترسکاران و پرهیز گاران .

۲۴۲ - همچنین بیان می کند خدای شما را نشانه ها و حجت هاش ، مگر شما به عقل کار کنید .

۵ ۲۴۳ - آیا نه دیدی آنان را که بیرون شدند از سراها شان ، و ایشان هزاران بودند ، پرهیز از مرگگ . پس گفت ایشان را خدای بمیرید ، پس زنده کردشان . به درستی که خدای خداوند فضل است بر مردمان ، و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند .

۲۴۴ - و کارزار کنید در راه خدای ، و بدانید به درستی خدای شنواست دانا . ۱۰

۲۴۵ - کیست آنکه وام دهد به خدای وامی نیکو تا دو چندان باز دهد او را و همچنینهای بسیار . و خدای تنگگ کند روزی و فراخ کند ؛ و سوی او گردانند شما را به قیامت .

۲۴۶ - آیا نمی خبر آن از فرزندان یعقوب از پس موسی ، چون گفتند پیغامبری را ایشان را بفرست و بر انگیز ما را ملکی تا ۱۵ کارزار کنیم در راه خدای . گفت هیچ باشد اگر نوشته شود بر شما کارزار که نکنید کارزار . گفتند : و چه بودست ما را که نکنیم کارزار در راه خدای ، به درستی بیرون کرده شدیم از سراهای ما و فرزندان ما . پس چون نوشته شد بر ایشان کارزار ، برگشتند مگر اندکی از ایشان . ۲۰ و خدای دانا است به حال ظالمان .

۲۴۷ - و گفت ایشان را پیغامبرشان که خدای به درستی بفرستاد

شما را طالوت به پادشاهی . گفتند از کجا باشد مرورا پادشاهی بر ما ،
و ما اولیتریم به پادشاهی از او . و نه دادند او را فراخ دستی از مال .
گفت که خدای بر گزید او را بر شما و بیفزود او را گشودگی و فضل
در علم و بدن ؛ و خدای بدهد ملکیت خویش هر که را خواهد ؛ و
خدای فراخ عطاست دانا .

۵

۲۴۸ - و گفت ایشان را پیغامبر ایشان به درستی نشان پادشاهی
او که بیاید به شما تابوت ، اندرو باشد آرامشی از خداوند شما ؛ و
باقی از آنچه بگذاشت قوم موسی و قوم هرون ، بردارند او را
فرشتگان . به درستی که در آن تابوت نشانی است و حجتی شما را ،
اگر هستید باور دارندگان .

۱۰

۲۴۹ - پس چون جدا شد طالوت با لشکر ، گفت به درستی که
خدای آزمون می کند شما را به جویی ، هر که بیاشامد از او ، نیست
از من ؛ و هر که نخورد از او که او از من است ، مگر آنکه بردارد کفی
آب برداشتنی به دستش آب ، بخوردند از آن جوی مگر اندکی از ایشان .
پس چون بگذشت او و آنانکه ایمان آوردند با او ، گفتند نیست طاقت ما
را امروز به جالوت و لشکر او . گفت : آنانکه ^۲ به یقین بودند که
ایشان باز رسند به خدای به قیامت . چند از گروه اندك غلبه کرد گروه
بسیار را به دستوری و نصرت خدای . و خدای با شکیمیایان است .

۱۵

۲۵۰ - و چون بیرون آمدند برای جالوت و لشکر او ، گفتند :

خداوند ما ، بریز بر ما شکیمیایی ، و به جای دار قدمهای ما . و

۳۰

نصرت ده ما را بر گروه ناگرویدگان .

۲۵۱ - بشکستند ایشان را به دستوری خدای ، و بکشت داود پیغامبر جالوت را ، و بداد او را خدای پادشاهی و نبوت ، و در آموخت او را از آنچه خواست ^۱ . و اگر نه بازداشتن خدای بودی مردمان را ، برخی ایشان به برخی ، تباه شدی زمین ؛ ولیکن خدای ، خداوند ۵ فضل است بر جهانیان .

۲۵۲ - آنکه رفت نشانه‌های خداست ، می خوانیم آن را بر تو به سزا و راستی ، و تو از پیغامبرانی .

۲۵۳ - آن پیغامبران که افزونی دادیم برخی ایشان بر برخی ، از ایشان کسی بود که سخن گفت خدای با او ، و برداشت بهر [ی] ۱۰ از ایشان [را] منزلتها ؛ و دادیم عیسی پسر مریم را حجتها ، و به نیرومند کردیم او را به جبرایل پاک . و اگر خواستی خدای ، و نه کارزار کردند آنانکه از پس ایشان بودند از پس آنچه آمد بدیشان حجتها ، و لیکن اختلاف کردند ، و از ایشان کس بگروید ، و از ایشان کس نگروید . و اگر خواستی خدای ، نکردندی کارزار ؛ و لیکن خدای ۱۵ می کند آنچه می خواهد .

۲۵۴ - ای آنانکه بگرویده‌اید ، هزینه کنید آنچه روزی کرده‌ایم شما را از پیش از آنکه ^۲ آید روزی ، که نیست خرید و فروخت درو ، و نیست دوستی و نه شفاعت . و ناگرویدگان اند که ایشان ۲۰ ستمگاران اند .

۲۵۵ - خدای نیست خدای مگر او ، زنده پاینده ، نه گیرد او
 را خواب آسایش و نه خواب بازن. مر آنچه اندر آسمانهاست و آنچه
 اندر زمین ، کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر به دستوری او ،
 به می داند آنچه پیش ایشان است ، و آنچه پس ایشان است . و نهرسند
 به چیزی از علم او مگر بدانچه خواهد . فراخ شد کرسی او آسمانها و
 زمین ؛ و گران و دشوار نیاید برو نگاه داشت ایشان دو ، و اوست
 بلندتر [و بزرگوارتر]^۱.

۲۵۶ - نیست اگر اه در دین ، به درستی پیدا کند راه راست از
 گمراه. هر که ناسپاسی کند و کافر شود بدون خدای، طاغوت نام بتی
 است ، و بگروود خدای را ، به درستی که دست در زد به گوشه محکم
 یعنی ایمان، که نباشد بریدنش ثواب آن را . و خدای شنواست گفتارها
 را و داناست کردارها را .

۲۵۷ - خدای یار و دوست آنان است که بگرویدند ، بیرون
 آرد ایشان را از تاریکیهای ضلالت سوی روشنایی هدایت، و آنانکه
 نگرویدند ، دوست و یار ایشان بت است و شیطان ؛ بیرون آرند ایشان
 را از روشنایی سوی تاریکیها^۲.

۲۵۹ - . . . گفت : چند درنگ کردی ، گفت : درنگ کردم
 روزی یا بهره‌ای [از] روز . گفت : بلکه درنگ کردی صد سال .
 نگه کن سوی طعام تو و شراب تو بنه گردیده است ، و نگه کن
 سوی خرتو، و تا کنیم ترا نشانی مردمان را . و نگه کن سوی استخوانها
 ۲۰

چگونه با هم بریم آن را . پس بپوشیم بران گوشت ، چون پیدا شد او را ، گفت : می دانم که خدای بر همه چیزی تواناست .

۲۶۰ - و چون گفت ابراهیم : خداوند من ، بنمای چگونه زنده

می کنی مردگان را ؟ گفت : انگر وید [ی] ، ایمان نداری ؟ گفت : آری ، ولیکن تا آرام گیرد دل من . گفت : پس بگیر چهار از مرغ و پاره پاره کن به نزد خود ، پس بکن بر هر کوهی ازیشان بهره ای ، پس بخوانشان تا ببایند به تو دوان دوان ؛ و بدان به درستی خدای قادرست ، هر چه کند به حکمت کند .

۲۶۱ - مثل است آنانکه هزینه کنند خواسته های ایشان در راه

خدای ، چون آنکس که دانه افکند ، برویاند هفت خوشه ، اندر هر خوشه صد دانه ؛ و خدای مضاعف و زیاده گرداند هر کرا خواهد . و خدای فراخ عطاست ، دانااست .

۲۶۲ - آنانکه هزینه کنند خواسته های ایشان در راه خدای ،

پس نکنند پیروی آنچه هزینه کردند منتی و نه رنجی . ایشان را [است] مزدشان نزد خدای شان ، و نیست ترسی برایشان ، و نیست ایشان را اندوهگین شدن .

۲۶۳ - سخن نیکو به درویش و آمرزش بهتر از صدقه که

[باشد] در پی آن رنجشی ، و خدای بی نیازست تأخیر کننده عقوبت .

۲۶۴ - ای آن کسان که ایمان آورده اید ، باطل مکنید صدقه های

شمارا به منت نهادن و نه به رنجانیدن ، چنانکه کسی هزینه کند

خواسته خود را به نمایش مردمان ، و ایمان نیاورد به خدای و روز

قیامت، مثل او چون مثل سنگی است برو خاك بود، پس رسد به او بارانی تیز، بگذارد او را خشك. نتوانند ایشان بر چیزی از آنچه کرده باشند، و خدای ننماید راه گروه نا گرویدگان را.

۲۶۵- و مثل آنانکه هزینه کنند خواسته‌های ایشان را بهتر

جستن خشنودی خدای و ثابت گردانیدن، یعنی به اعتقاد و نیت ۵ درست از خویشتن شان، چون مثل بوستانی است بر بالایی که برسد آن را باران بزرگ قطره، بدهد برش را دو چندان که بوستانهای دیگر. پس اگر نه رسد او را باران تیز و بزرگ قطره، برسد خرد قطره. و خدای بدانچه می‌کنید شما بیناست.

۲۶۶- ای دوست دارد یکی از شما که باشد او را بوستانی از ۱۰ خرماستان و انگورها. می‌رود از زیر آن جوئیهای آب، و او را بود در آنجا از همه میوه‌ها. و برسد او را پیری، و او را باشد فرزندان ضعیف و خردا. پس برسد آن باغ را بادی که اندرو باشد آتش، پس سوخته شود بوستان، همچنان بیان می‌کند خدای شما را نشانه‌ها و حجتها، تا مگر شما اندیشه کنید در صلاح کار خویش. ۱۵

۲۶۷- ای آنانکه بگرویده‌اید، ز کسوة دهید و نفقه کنید از حلالهای از آنچه کسب کرده باشید، و از آنچه بیرون آوردیم ما شما را از زمین. و قصد مکنید بدترین، و حرام ندهید از و [که] هزینه می‌کنید. و نیستید شما گیرنده مال رذاله، مگر که چشم بر هم نهید اندر او. . . ۲۰

۲۷۲- نیست بر تو هدایت ایشان ، ولیکن خدای راه نماید هر کرا که خواهد ، و آنچه هزینه کنید از نیکی تسن شما راست . و نکنید نفقه مگر جستن رضای خدای ؛ و آنچه نفقه کنید از نیکی ، داده شود تمام سوی شما ، و شما نباشید ظلم کردگان ، یعنی بر شما ظلم نکنید . ۵

۲۷۳- مر درویشان ، آنانکه باز داشته شده اند اندر راه خدای ، نتوانند رفتن اندر زمین ، پندارند ایشان را نادان ، توانگران اند از خویشتن داری ، بشناسی ایشان را به سیمای روی ایشان . نمی خواهند ایشان از مردمان به الحاح ؛ و آنچه هزینه کنید شما از نیکی ، پس به درستی که خدای داناست . ۱۰

۲۷۴- آنانکه هزینه می کنند خواسته هاشان به شب و روز پنهان و آشکارا ، پس ایشان راست مزد ایشان نزد خداوندشان . و نه ترسی بر ایشان و نه ایشان انده گین شوند . ۲۷۵ - ۲۰۰

۱- در حاشیه : + یعنی به طاعت مشغول باشید و گوشه گرفته و کسب

و تجارت گذاشته . ۲ - متن در اینجا ناتمام می ماند .

فہرست ہا

پارده‌ای از لغات و ترکیبات فارسی متن

آرادی : ۹۹	«آ»
آزمایش کردن : ۲۷ ، ۴۳	آب روان : ۱۱۰
آسان آمدن : ۶۷	آبادان کردن : ۲۳
آسان کردن : ۷	آب به بینی فرکشیدن : ۲۸
آسانی : ۱۹ ، ۵۵	آبهای روان : ۱۲۳
آسانی خواستن : ۵۸	آتش جاودانه : ۲۴
آسمان نخستین : ۵۸ ، ۵۹	آتش دوئخ : ۳۰
آسمانها : ۱۹ ، ۴۶	آجال : ۱۱۴
آسودن : ۴۶	آخر زمان : ۱۵
آشتی دادن : ۹۴	آخر الزمان : ۸
آشکاره : ۱۲۲ ، ۱۲۷	آدمیان : ۱۶ ، ۴۷ ، ۷۲
آفتاب فرآمدن : ۲۴ ، ۷۴	آذا نمودن : ۲۱ ، ۱۲۱
آفریدگار : ۱۱ ، ۴۶	آرام : ۶۱
آفریدگار خلاق : ۳۲	آرام جا : ۷۵
آفریدگان : ۱۱۴	آرامیدن دل : ۱۱۸
آفرینش : ۴۶ ، ۱۵۵	آرایش : ۷۷
آگاهانیدن : ۲۴ ، ۴۰ ، ۸۵	آرزو کردن : ۱۲ ، ۲۲
آگه : ۹۶	آرزوها : ۲۱
آمد شد : ۴۷	آزاد : ۹۱
آمرزش : ۴۲ ، ۹۲	آزاد کردن : ۶

آمرزش خدای : ۸۶

آمرزگار : ۵۲ ، ۷۱ ، ۱۰۱

آمرزیدگان : ۸۱

آمرزش خواستن : ۷۱

آموزنده : ۱۶

آن : ۱۲

آن جهان : ۹ ، ۷۲ ، ۱۲۱

آواز بلند : ۵۹

آیت آمدن : ۲۰ ، ۶۲ ، ۹۲

آیت برامت : ۷۴

آیت شمشیر : ۲۱

آیتها : ۸ ، ۱۴ ، ۱۱۲

«الف»

۱ (بدجای فازگشتا) : ۳۰

(بدگروشا) : ۱۱

(بدآرام جایا) : ۷۵

(سودمند بازرگانیا) : ۷۶

گفتا : ۷۱

ابتدا کردن : ۶۴ ، ۶۷

ابرناک : ۲۴

اجابت کردن : ۱۱۸

احکامهای خدای : ۹۸

اختلاف کردن : ۱۱ ، ۸۰ ، ۱۰۹

اختیار کردن : ۲۰

ادبازرفان : ۹۳

ادیم : ۸۴

ار : ۷۰ ، ۱۲۳

ازار : ۱۰۲

از ایراک : ۱۳ ، ۳۸ ، ۷۲

از بهر ... را : ۱۲۶

از پس ازان : ۱۰ ، ۹۷

از پس پشت : ۶۳

ازحد گذشتن : ۵۵ ، ۶۵

از خانومان بیرون کردن : ۶ ، ۲۱

ازسوگند فازگشتن : ۹۴

از عدت بیرون آمدن : ۹۸

اسپری شدن زاد : ۸۳

اسپس : ۲۰ ، ۸۱ ، ۱۱۶

اسپس از آن : ۲۱

اسپس روان : ۴۹

اسپیده دم فازپسین : ۶۱

استد و داد : ۱۰۲

استردن : ۲۸

استغفارکنندگان : ۷۱

استوار دارندگان : ۹۳

استوار دارنده : ۱۵

استوار داشتن کسی یا چیزی را : ۹ ، ۹۳ ،

۱۲۰

اسیران اندر بند : ۶

اسیر اوفتادن : ۵

اسیر کردن : ۲۳

اسیر گرفتن : ۸۴

اسیری : ۶ ، ۸۶

اشتاقتن : ۷۴

اشتر : ۶۷ ، ۷۶

افزونی : ۱۲۰

اقتدی کردن : ۲۹

انده خوردن : ۲۲ ، ۱۲۱	الفندن : ۱۰۶ ، ۱۲۴
انده خوردن : ۱۲۲ ، ۱۲۷	الفنجیدن (بلفنجد) : ۴
انده گین : ۱۲۲	امامان : ۲۹
انصاف دادن : ۹۸	امام خلق : ۲۹
انگشت : ۱۰۶	امامی کردن : ۸۸
انگورستان : ۲۰	امانتها : ۳۲
آو : ۳۶ ، ۴۶ ، ۱۱۹	امت : ۱۹ ، ۵۵ ، ۸۰
اوفتادن : ۶۰	امتان : ۲۹ ، ۴۱ ، ۸۲
اوفتادن زیان : ۹۰	امر خدای : ۱۰۱
اوفتادن کارزار : ۸۴	امر معروف فرمودن : ۵
اول مسلمانان : ۶۰	امر ها : ۱۴ ، ۹۰
اولی تر : ۱۰۲	امسال : ۶۴
اومید : ۳۸	امسالینه : ۶۶
اومید داشتن : ۸۶	امی : ۱۱۲
اهل (= زن) : ۷۴	امید داشتن : ۸۶ ، ۱۱۴
اهل آسمان و زمین : ۱۹	انبازان : ۴۷
اهل انجیل : ۵۵ ، ۵۷	اندر آمدن : ۴ ، ۶۳ ، ۷۶
اهل بهشت : ۴ ، ۸۲	اندر آمدن روز : ۱۳
اهل تفسیر : ۱۹	اندر بند : ۶
اهل توریت : ۲۷ ، ۷۶ ، ۱۱۶	اندر خورده شدن : ۱۱
اهل خانه : ۸۵	اندرز کردن : ۳۲
اهل خیانت : ۹۲	اندرز مرده : ۵۶
اهل دوخ : ۸۶	اندر شدن : ۶۶
اهل زمی : ۲۵	اندر کردن : ۱۰۶
اهل شریعت : ۴۰	اندرگشتن : ۱۳
اهل صفت : ۱۲۲ ، ۱۲۶	اندرن : ۷ ، ۱۴ ، ۲۹
اهل کتاب : ۳۹	اندر یافتن : ۱۵ ، ۵۰ ، ۱۰۴
اهل لغت : ۴۸	اندك : ۵۲ ، ۱۲۳
ای (تفسیری) : ۶۵ ، ۷۹	اندکی (مصدری) : ۸۹

باطلها : ۲۲	ای (ندا) : ۹ ، ۴۳
بام (=وام) : ۱۰۶	ایام حج : ۴۵ ، ۶۸
بامداد : ۷۱	ایام معدودات : ۷۳
بامدادین : ۱۰۳	ایام معلومات : ۷۳
بام گرفتن : ۱۰۶	ایستاده : ۹۳ ، ۱۰۳
بانگk فرزندن : ۵۰	ایمان آوردن : ۱۹
بانگk کردن : ۱۰۸ ، ۱۰۹	ایمن گشتن : ۸۴
باین : ۹۵	ایمنی : ۳۰
بتان : ۲۹ ، ۴۷ ، ۱۱۵	این جهان : ۶ ، ۷۲ ، ۱۲۴
بت پرستی : ۵۰	«ب»
بتر : ۸۳ ، ۱۲۴	باد (فعل) : ۱۳
بخشایش : ۴۴ ، ۵۵	بادا : ۱۰۶
بخشاینده : ۳۱ ، ۵۲ ، ۹۵	باد سوزان : ۱۲۳
بد آرام جایا : ۷۵	باران : ۱۹ ، ۴۷
بدادر : ۶ ، ۵۴ ، ۹۰	باران بزرگk : ۱۲۳
بدادران شیرخوردگان : ۳	باران بنیرو : ۱۲۲
بدجای فازگشتا : ۳۰	باران خرد : ۱۲۲
بدخواهان : ۲۰	باران سخت : ۱۲۲
بددل : ۱۱۰	بار خدای : ۳۱ ، ۱۱۸
بدگروشا : ۱۱	بار خدایا : ۳۰ ، ۷۲
بدل گرفتن : ۷۹۳	بار داشتن : ۹۶
برابر داشتن : ۴۷	باریکی ماه : ۶۳
بردادن : ۱۲۲	بازار فرداشتن : ۷۰
برکت کردن (کناد) : ۱۲۰	بازرگانی کردن : ۱۲۲ ، ۱۲۶
برنده : ۸۸	باز شدن : ۱۱۸
برون آمدن به شمشیر : ۵۱	باسور : ۱۰۹
برون شدن : ۱۱۱	باشاد (فعل) : ۷۶
برون کردن : ۶ ، ۶۵	باشدی (فعل) : ۱۰ ، ۱۲۳
بریده شدن خون ازکسی : ۹۲	باطل کردن : ۳۸ ، ۱۲۱

به آسمان بردن: ۷	بریده کردن نژاد: ۷۵
به آشکار: ۳	برینه گشتن: ۴۸
به آشکاره: ۱۲۷	بزرگ تری: ۱۱۵
به اخلاص: ۴۸، ۷۳، ۱۲۲	بزرگی کردن: ۷۵
به ارزانی داشتن: ۱۱۱	بزه: ۶، ۵۶، ۹۷
به الحاح: ۱۲۲	بزه بزرگ: ۸۸
بهانه ساختن: ۹۴	بزه کار: ۹۱
بهانه کردن: ۸، ۱۰۴	بزیانند (زیستن): ۱۳
بهانه یافتن: ۱۸	بسمل کردن: ۵۱
به باطل: ۶۲	بسنده: ۸۹، ۱۱۰
به بانگ افتادن: ۱۱۸	بسندیدن: ۵۵
به بدی فرمودن: ۴۹	بسیاری: ۲۰، ۸۹، ۱۱۵
به پایان آمدن: ۹۸	بلاها: ۲۰
به پایان شدن: ۹۸	بلویها: ۲۸، ۷۳
به پای داشتن احکام خدای: ۹۸	بناکردن نماز: ۳۹
به پای کردن حجت: ۸۱	بندگان: ۹، ۷۴، ۱۱۴
به پنهان: ۱۷، ۲۳، ۱۲۵	بندگان روزه داران: ۵۹
به پهلوی: ۹۳	بندگی: ۸۰
به تمامی: ۲۱	بندگی کردن: ۴، ۳۵
به جای: ۲۷	بنده: ۱۱، ۵۴، ۱۱۶
به جملگی: ۴۸	بنگاه: ۵۴
به چیزی گرفتن: ۹۴	بنگاهها: ۵۴
به حسد: ۲۰	بن یاد: ۳۰
به حقیقت: ۱۰	بودمین: ۲۵
به خاصه: ۱۰۳	بودیدی (فعل): ۱۱
به خودی خویش: ۱۰۳	بوستان: ۲۰، ۱۲۲
به دل: ۷۴	بوی خوش: ۶۸
به دل اندر داشتن: ۱۰۱	به آتش افگندن: ۲۸
به دوستی گرفتن: ۳۲	به آتش ... خواندن: ۹۱

بیرون آمدن از عدت : ۹۸	به راستی : ۵
بیرون آیندگان : ۴۹	به رحمت : ۲۶
بیرون شدن شب : ۱۳	به رغم : ۱۴
بیشی : ۹۰	به روز : ۱۲۲
بیشی آمدن : ۸۹	به زنی کردن : ۹۱ ، ۱۰۱
بی فرمان : ۱۰۹	به سبب آن را : ۴۱
بیم : ۱۲ ، ۵۵ ، ۱۲۱	به سر : ۳
بیم از کسی شدن : ۱۰۳	بهشت جاودان : ۸۰ ، ۹۳
«پ»	بهشت جاودانه : ۱۱
پاداش دادن : ۴۱ ، ۹۹ ، ۱۰۶	بهشت خالص : ۱۱
پاداشن : ۱۲۳	به شك افگندن : ۲۰
پادشا : ۱۰۷	به شك شدن : ۱۱۷
پادشایی : ۲۳ ، ۱۱۵	به شمشیر برون آمدن : ۵۱
پادشایی دادن : ۱۱۲	به صلاح آرنده : ۹۱
پاره شده : ۱۱۹	به عمدا : ۵۴
پارینه : ۶۶	به کار بردن : ۱۲۰
پاسخ کردن : ۵۹ ، ۶۰	به کام : ۲۵
پاکان : ۹۳	به گاه : ۲۳ ، ۳۲
پاك داشتن : ۲۹	به گمان : ۳
پاکی : ۱۶ ، ۲۴	به گور کردن : ۴۵ ، ۱۰۵
پاکیزه : ۴۲	به نقصان او فتادن : ۶۲
پانصد ساله راه : ۵۹	به نماز آمدن : ۸۹
پایان : ۴ ، ۲۱	به نهان : ۱۲۷
پای داشتن : ۵ ، ۸۱	به نیرو : ۱۱ ، ۱۲۲
پای کرد : ۹۷	به وقت : ۱۰ ، ۲۸ ، ۱۰۳
پایگه : ۸۹	بیان کردن : ۵ ، ۴۲ ، ۹۷
پایه : ۱۱۵	بیان گشتن : ۱۶
پدید کرده : ۵۸	بی جایگاه : ۱۲
پدران نیکان : ۳۲	بیرون آمدن از حرم : ۶۷

پیش دستی کردن : ۴۰	پذرقتن : ۴۱، ۸۶
پیشینیان : ۵، ۷۷، ۸۲	پذیرنده : ۳۱، ۴۵
پیغامبر : ۳، ۱۷، ۶۶	پر آتش : ۱۰۳
پیغامبران گذشتگان : ۱۱۲	پراگنده : ۱۱۹
پیغامبر خدای : ۱۶، ۱۸	پرستار : ۹۱
پیغامبری : ۷، ۳۷	پرستش : ۸۱
پیمان کردن : ۲۹، ۷۶	پرستندگان : ۱۵
پیمان گرفتن : ۴، ۱۵	پرسندگان : ۶۳
پیمانه : ۱۰۳، ۱۰۹	پر کردن شکم : ۱۱۸
پیوستگی ها : ۴۹	پرهیز گاران : ۵۴، ۱۰۴
پیوستن خویشی : ۴	پرهیز گاری : ۵۳
پیوسته کردن : ۷	پری (ماه) : ۶۳
«ت»	پریان : ۴۵
تاریکیها : ۱۱۶	پس پشت : ۶۳
تافتن از چیزی : ۷۷	پسر خدا : ۲۴
تایبان : ۴۶، ۷۱	پشت آدم : ۸۰
تباهی : ۷۵	پشیمانها : ۴۹
تبه کردن : ۱۵، ۹۱	پلیدی کفر : ۴۲
تجاوزکننده : ۴۶	پنج نماز : ۴۰، ۱۰۳
تحری کردن : ۲۲	پنج يك : ۸۶
تحویل قبله : ۴۵	پوشش : ۸
تحیت مغان : ۱۲	پوشیده : ۶، ۳۶
تخت سلیمان : ۱۵	پویان : ۱۲۰
ترسا : ۵، ۲۱	پیدا آمدن : ۲۱، ۹۶، ۱۱۶
ترسا آن : ۲۱، ۳۴، ۱۱۵	پیدا کرده : ۱۴
ترسانندگان : ۸۰	پیس : ۷، ۱۱۳
ترساننده : ۲۶	پیسی بردن : ۱۱۳
ترسایی : ۲۲	پیش آمدن : ۸، ۷۶
ترکت : ۱۰۹	پیش دست : ۴۱

جاهلیت : ۶۳، ۶۴، ۷۱	ترنگین : ۱۰۹
جایگاه : ۷۱، ۱۱۱، ۱۶	تشریق : ۷۳
جایگاه فازگشت : ۲۹	تعزیت کردن : ۸۱
جایگاههای عبادت : ۳۱	تقدیر کردن : ۱۷
جایگاه : ۹۲	تمامی : ۱۹، ۶۷، ۱۰۴
جدا افگندن : ۱۷، ۴۹	تن دوست : ۱۳
جدا شدن جانها : ۴۳	تنگ کردن : ۱۰۶
جدان : ۴، ۱۰، ۱۵	تنگ گرفتن : ۲۴
جزیره : ۶۵	تنگی : ۴۷
جستار : ۷۶، ۱۲۰، ۱۲۲	توانایی : ۵۷، ۱۱۵
جستن ثواب : ۱۲۰	توانگر : ۱۰۲، ۱۲۶
جملگی : ۴۸، ۱۱۱	توانگران : ۶۶
جنبنده : ۱۰۸	توانگری : ۱۰۲، ۱۰۸
جو : ۶۸، ۱۲۴	ته (... تو) : ۱۲، ۲۵، ۱۱۷
جواب کردن : ۱۱، ۳۳، ۱۱۷	ته خدای : ۳۰
جوانی : ۱۲۳	تهلیل : ۷۱
جوبهای روان : ۲۰	«ث»
جهانیان : ۵	ثنا کردن : ۳۲، ۷۴
جهودان نادانان : ۳	ثواب یافتن : ۲۱
جهودی : ۲۰، ۱۱۶	«ج»
«چ»	جادوان : ۱۵، ۱۷۰
چادر : ۱۰۲	جادوی : ۱۶، ۱۷۰
چپ : ۴۷، ۱۱۷	جادویها : ۱۵، ۱۶
چشم داشتن : ۷۷، ۸۵	جامه : ۱۰۲
چن : ۳۱، ۵۰	جان ستن : ۷۸
چنگ فازداشتن : ۷۶	جانوران : ۴۵
چهارپایان : ۵۱	جاودان : ۴، ۱۷، ۹۳
«ح»	جاودانه : ۴۶
حاجت افتادن : ۶۱	جاهلی : ۷۲

حقهای خدای : ۷۶	حاجت به کسی فرداشتن : ۱۱۴
حکایت کردن : ۲۴	حاجتها : ۳۰
حکم خدای : ۷۷	حاجیان : ۶۷
حکم راندن فر کسی : ۲۹	حاکمان : ۶۲، ۹۷
حکم کردن فر کسی : ۷۸	حالاها : ۸۲
حکماها : ۶	حایض شدن : ۹۲
حکیمی : ۳۱	حایضی : ۹۲
حلال خدای : ۵۰	حجتها : ۲۲
حلال داشتن : ۶، ۷۴	حج کردن : ۴۴، ۸۷
حلالها : ۵۱، ۱۲۴	حج گزاردن : ۷۱
«خ»	حدود : ۱۰۴
خارجی گشتن : ۵۱	حذر کردن : ۹۳، ۱۰۱
خاره (سنگ) : ۱۲۲	حرام خدای : ۵۰
خاستن روز راستخیز : ۷۷	حرام داشتن : ۲۷، ۴۹
خالک از چیزی بردن : ۱۲۲	حرام کردن : ۴۹، ۷۷
خالک و گرد : ۱۲۲	حرامی : ۸۸
خالص کردن دین : ۲۲	حرب اوفتادن : ۸
خالی کردن : ۶۴	حرب کردن : ۱۰۷
خامش شدن : ۸	حرم : ۶۷، ۷۴
خانمان : ۶، ۲۱	حرم کردن : ۶۸
خانهی خزینه : ۱۵	حرم گرفتن : ۶۳، ۶۸
خانهی کلوخین : ۶۳	حریص کردن : ۸۹، ۱۰۴
خبر آمدن : ۴	حریصی : ۱۲، ۱۳
خبر یافتن : ۱۰۶	حسدکنندگان : ۲۰
خخته کردن : ۲۸	حق دیدن : ۱۰
خداوند بوستان : ۱۲۳	حق ستاندن : ۱۲۴
خداوند منت : ۱۹، ۱۱۲	حق کسی شناختن : ۴
خدای آسمان : ۷، ۱۴	حقومند : ۱۰۸
	حقومندتر : ۹۶

خواب بردن : ۶۰	خدای منت : ۱۰۵
خواب کردن : ۱۰۸	خدایی : ۲۵
خواری : ۲۳	خردکار بستن : ۵۱
خواست : ۹	خرد و مندان : ۷۰ ، ۵۵
خواست خدای : ۱۱۱	خردی : ۱۲۳ ، ۱۱۵
خواسته : ۱۲۰ ، ۹۰ ، ۶۲	خرسندی دادن : ۸۱
خواستوها : ۱۲۱ ، ۵	خرف : ۱۲۳
خواندن (تلاوت) : ۱۵	خرماستان : ۱۲۳ ، ۶۰ ، ۲۰
خواندن (دعا) : ۵۰	خرمن سوختن : ۷۵
خواننده : ۵۹	خروس : ۱۱۹
خواهندگان : ۶۰ ، ۵۳	خروش : ۴۵
خودی خویش : ۴۵ ، ۲۰	خرید و فروخت : ۱۱۴
خوش آمدن : ۱۰۰ ، ۹۱	خزاین آسمان : ۱۹
خوشر : ۷۴	خزاین زمی : ۱۰
خوش منشی : ۸۴	خزی : ۶
خون از کسی بریده شدن : ۹۲	خزینه : ۱۵
خون روان : ۵۱	خشک گردانیدن : ۱۲۳
خون ریختن : ۵	خشم گرفتن : ۷۵ ، ۱۳
خونها : ۱۱۹	خشنودی خدای : ۱۲۰ ، ۷۳
خوی : ۵	خشوع : ۱۲۶ ، ۱۲۲
خویش : ۱۱۸ ، ۳۷ ، ۶	خصمان : ۷۵
خویشان : ۵۵	خصوصت کردن : ۶۲ ، ۳۵
خویشان نزدیکتر : ۸۳	خصوصت کن : ۷۵
خویشتن خویش : ۳۱	خصوصت گرتتر : ۷۵
خویشتن را از کاری کشیدن : ۹۰	خطا کردن : ۶۹
خویشی بریدن : ۹۴	خطاها : ۳۱
خویشی پیوستن : ۹۴ ، ۴	خفته : ۱۱۷ ، ۹۳
خیرها : ۴۲	خلیل گرفتن : ۱۱۸
	خواب : ۱۱۴ ، ۴۴

دشمن‌نازگی : ۱۷	داد : ۴۱
دشمن‌دار : ۳۴	داد و استد : ۱۰۲
دشمن‌داران : ۱۴	داماد : ۹۴
دشمن‌داری : ۵۳	دانا آن : ۳ ، ۳۹
دشنام : ۶۴ ، ۷۴	دانش : ۵۰ ، ۱۰۸
دشنام دادن : ۶۷ ، ۶۹	دانگ : ۵۴
دشوار : ۳۸ ، ۸۳	دانه‌ها : ۱۲۰
دشوار آمدن : ۳۶ ، ۸۳	داور : ۲۲ ، ۸۱
دشواری : ۵۸	دبور : ۱۱۹
دعاها : ۲۸ ، ۵۹	دراز : ۱۰۸
دعوت کردن : ۵۰	دراز گرداندن : ۹۸
دعوی کردن : ۱۲ ، ۶۲	درازی : ۱۱۵
دگر : ۶۸	درازی عمر : ۱۳
دل : ۷۵ ، ۱۲۲	دردناک : ۵۲ ، ۶۴
دل شاد شدن : ۱۳	درعها : ۱۱۲
دل کسی آرمیدن : ۱۱۸	درنگ کردن : ۱۱۷
دلها : ۴۹ ، ۱۰۳	دروغ زن : ۷
دلیر : ۵۲	دروغ زن تر : ۳۶
دو رخ : ۷ ، ۲۶ ، ۷۵	دروغ کردن سوگند : ۹۴
دو رخ جاودان : ۴۸ ، ۷۳	درویش : ۵۸ ، ۱۲۱
دوست تر داشتن : ۴۸	درویشی : ۸۲ ، ۱۰۲
دوست دارنده تر : ۴۷	درویشها : ۵۳
دوست کردن : ۷۹	دریاها : ۴۷
دوستی گاهها : ۷۹	دریغها : ۴۹
دوستی نمودن : ۷۴	دست فازداشت (طلاق) : ۹۷
دوستیها : ۴۹ ، ۱۱۴	دست فازداشتن : ۴۱ ، ۷۴ ، ۹۷
دو گروهی : ۵۳ ، ۸۱	دست فراز کسی کردن : ۹۲
دولاب کشیدن : ۶۰	دستوری : ۲۷ ، ۱۱۵ ، ۱۲۴
دهشت : ۷۲	دشمن : ۴۹ ، ۷۷

رسوایی : ۲۳	ده يك : ۱۲۴
رضای خدا : ۷۶	دهمی گوسپندکشان : ۷۰ ، ۷۳
رغبت کردن : ۹۲	دیت گزاردن : ۵۲
رفتن اندر زمین : ۱۲۶	دیدار خدای : ۲۰
رفتن فرزبان : ۹۴	دین خدای : ۲۱ ، ۸۳
رکوع کنندگان : ۲۹	دینها : ۳۲
رنجاندن : ۱۰۶	دیو : ۴۹ ، ۷۷ ، ۱۱۶
روا بودن : ۸۵ ، ۹۶	دیوان : ۱۵ ، ۱۷
رواکردن : ۳۰ ، ۳۸	
روز پاداش : ۱۱۱	«ذ»
روز راستخیز : ۶ ، ۷۸ ، ۱۱۹	ذبح کردن : ۲۸
روز فازپسین : ۵۳	زهری آفتاب : ۸۰
روزگار : ۵۸ ، ۷۰	
روزگار تشریق : ۷۳ ، ۷۴	«ز»
روزگار شمرده : ۷۲	رئيسان : ۲۰
روزگارهای دهه : ۷۳	راز گفتن : ۵۹
روزگارهای شمرده : ۵۷	راستخیز : ۳۷ ، ۷۷ ، ۱۱۹
روزن : ۷	راست راه : ۲۱
روز واپسین : ۱۲۱	راه راست : ۳۷ ، ۸۱
روزه داران : ۵۸ ، ۵۹	راه سپردن : ۳۲
روزه داشت : ۵۸	راه مسلمانی : ۸۱
روزه گرفتن : ۶۳	راه یافتن : ۶۰
روزه گشادن : ۵۷	رحمها : ۹۵
روزی : ۱۹ ، ۳۰ ، ۷۰	رخصت دادن : ۵۲ ، ۸۷
روزی کردن : ۵۱ ، ۱۱۴	ردای هارون : ۱۰۹
روی : ۴۱ ، ۱۲۲	رد کردن : ۸ ، ۲۴
روی خدا : ۱۲۶	رزان : ۱۲۳
روی کردن : ۳۷ ، ۱۰۹	رستگاران : ۳۲
روی گردانیدن : ۵ ، ۱۲۵	رستگاری یافتن : ۶۴

- روی نهادن : ۷۶
 روی‌ها : ۴۱ ، ۱۰۳
 ره : ۶۳
 رهبانان : ۱۲۲
 ره‌نمای : ۱۴ ، ۵۸
 ره‌نمایان : ۸۰
 ره نمود : ۱۲۵
 ره نمودن : ۴۱ ، ۷۱ ، ۱۲۲
 ره یافتگان : ۴۱
 ره یافتن : ۳۴ ، ۸۱
 ریا : ۱۲۲
 ریختن خون : ۵۵
 «ز»
 زاد اسپری شدن : ۸۳
 زاد فرداشتن : ۷۰
 زاغ : ۱۱۹
 زبان آموختن : ۱۱۳
 زجه : ۵۸
 زخم زدن : ۴۵
 زر : ۸۹
 زشت کاری : ۷
 زفان : ۹۳
 زکات دادن : ۲۱
 زلته‌ها : ۳۱
 زمان دادن : ۴۶
 زمانه : ۲۷
 زمستانی : ۱۲۳
 زمی : ۴۶ ، ۱۱۵ ، ۱۲۴
 زمین : ۴۷ ، ۱۲۲
 زمین خدای : ۷۵
 زنان دست فازداشتگان : ۹۵
 زنان کافران : ۹۱
 زندگان : ۴۳
 زندگانی : ۵۵
 زنده : ۱۱۴
 زنده کردن : ۴۷ ، ۱۱۷ ، ۱۲۰
 زهرگیا : ۵۰
 زی : ۱۱ ، ۱۰۶ ، ۱۲۰
 زیادت دادن : ۱۰۸
 زیادت کردن : ۵۶
 زیان : ۹۷
 زیان اوفتادن : ۹۰
 زیان داشتن : ۷۶
 زیان کاران : ۲۷ ، ۹۷
 زیان کردن : ۱۷ ، ۳۱
 زیستن (بزبانند) : ۱۳
 «ژ»
 ژاغر : ۱۱۸
 «س»
 ساز : ۱۲۰
 سایل : ۱۲۱
 سبک خواندن : ۹۲
 سبک داشتن : ۹۴
 سبک کردن : ۴۶
 سبک پیراستن : ۲۸
 سپاس‌دار : ۴۲
 سپاس‌داری کردن : ۵۱

سرای ها : ۱۰۷	سپاس نهادن فر کسی : ۱۰۶ ، ۱۲۱
سر بریدن : ۱۱۹	سپاس نهاده : ۱۲۱
سرستردن : ۸۴ ، ۶۸	سپس : ۷ ، ۴۷ ، ۱۲۰
سرشتن : ۹۳ ، ۶۱	سپس از : ۹
سرگزید : ۶	سپس پشت افگندن : ۱۵
سرگین دان : ۱۰۹	سپیده دم نخستین : ۶۱
سزا : ۲۷ ، ۱۰۵	ستان : ۹۳
سزاوار : ۱۰۸ ، ۱۲۵	ستم کردن : ۵۵ ، ۹۸
سست کاری کردن : ۱۲۳	ستمگار : ۵۱ ، ۶۲
سعی کردن : ۴۴	ستودن به زبان : ۷۴
سفر : ۲۴ ، ۷۰ ، ۱۰۳	ستور : ۱۱۰
سفیهان : ۳۷	ستیدن (ستیهیدن) : ۶۴
سفیه کردن : ۳۱	ستیهیدن : ۶۷ ، ۷۰
سلامت دل : ۲۹	سجود کردن : ۴۴
سلطان : ۵۱	سجود کنندگان : ۲۹
سنت : ۳۱ ، ۵۸	سخت خصومت کن : ۷۵
سنتها : ۷۲	سختر : ۶ ، ۶۵
سوال کردن : ۱۱۸ ، ۱۲۱	سخره کرده : ۴۷
سود : ۴۷	سخره گرفتن : ۱۰۶ ، ۱۲۱
سود زیان : ۳ ، ۵۲	سخن : ۱۷ ، ۹۴
سود کردن : ۸۸	سخنها : ۲۹
سودمند : ۷۶	سدیگر : ۲۸ ، ۷۴ ، ۹۷
سوزان : ۱۲۳	سراز عدت شستن : ۹۸
سوگندان : ۹۴	سرای فازپسین : ۱۱
سوگندخواره : ۹۵	سرای بقا : ۹۰
سوگند خوردن : ۶۲ ، ۹۴	سرای بلا : ۹۰
سوگند دروغ : ۹۴	سرای دنیا : ۴۵
سوگند لغو : ۹۴	سرای فنا : ۹۰
	سرای لقا : ۹۰

شکر کردن : ۱۰۵	سوی : ۷، ۷۶، ۱۲۰
شکر گزاردن : ۵۹	سیری : ۵۱
شکستن پیمان : ۷۶	سیک : ۵۶
شکستن کاروان : ۸۴	سیکی : ۵۴
شکسته : ۱۱۹	سیم : ۸۹
شکندگان عهد : ۱۴	سیه : ۱۱۷
شکیبا : ۵۳	«ش»
شکیبایی کرد : ۶۸	شارستان : ۲۳
شکیبایی کردن : ۴۳، ۵۳	شان : ۲۳، ۷۵، ۱۲۰
شکیبایی کنندگان : ۴۳	شب : ۴۷، ۷۱
شمار : ۷۳، ۱۱۱	شبان : ۵۰
شمار کردن : ۴۱، ۸۰	شبانگاه : ۶۰
شمشاد : ۱۰۹	شبانگاهان : ۶۰
شمشیر زخم : ۱۰۳	شب و روز : ۱۲۲
شناسا کردن : ۵۸	شبهتها : ۵۸
شنبد : ۷۶	شبی : ۱۰۲
شنا : ۳۰، ۹۴، ۱۱۷	شتاب کردن : ۷۴، ۱۲۱
شوی : ۹۷	شتاب ناکردن : ۱۰۱
شویان : ۹۵، ۹۷	شد : ۶۷
شوی کردن : ۹۶، ۱۰۴	شدن : ۶۸، ۸۵
شهادت یافتن : ۴۳	شراب : ۵۷، ۱۱۷
شیرین سخن : ۷۴	شرایطها : ۵
شیرین کردن : ۷۹	شرایع دین : ۴۲
«ص»	شرایع مسلمانی : ۷۷
صابران : ۱۱۱	شرطهای خدا : ۶۱
صاع : ۵۷، ۱۲۴	شرك : ۶۵، ۶۷
صبا : ۱۱۹	شرم : ۱۲۴
صبر کردن : ۱۱۱	شست : ۱۲۴
صدقات : ۸۲	شفاعت خواستن : ۱۱۵

طلاق باین : ۸۸ ، ۹۵
 طلاق دادن : ۹۸ ، ۹۹
 طلب کردن : ۵۴ ، ۷۶ ، ۱۰۰
 طواف کردن : ۴۵ ، ۸۵
 طواف کنندگان : ۲۹
 طهور کردن : ۲۸

« ظ »

ظفر دادن : ۸۲ ، ۱۱۱
 ظفر یافتگان : ۳۲
 ظفر یافتن : ۱۱۱

« ع »

عاجز شدن : ۱۰۵
 عاصی : ۹۶
 عاصیان : ۱۱۱
 عافیت خواستن : ۷۳
 عافیت یافتن : ۱۰۹
 عبادت : ۷۲
 عبرت گرفتن : ۱۲۴
 عبرتها : ۱۲۴
 عجایبها : ۷
 عجب آمدن : ۱۰۵ ، ۱۱۸
 عدت : ۹۸
 عدت زنان : ۶۳
 عدت گذشتن : ۱۰۱
 عدل : ۵۶ ، ۱۰۲
 عذاب دردناک : ۵۵ ، ۶۴
 عذاب کردن : ۷۸
 عذر خواستن : ۱۲۴
 عرش : ۱۱۵

صدقه : ۲۱ ، ۱۲۱
 صدقه خواستن : ۱۲۲
 صدقه دادن : ۶۸ ، ۱۰۶ ، ۱۲۴
 صفات بزرگ : ۱۱۴
 صفت کردن : ۱۶ ، ۴۳
 صفت گردانیده : ۳
 صنفه : ۱۲۲

صلاة وسطی : ۱۰۳
 صلح کردن : ۵۴ ، ۸۷
 صلح نامه : ۶۴
 صومعه ها : ۱۱۲
 صید کردن : ۷۴
 صید گرفتن : ۶۴

« ض »

ضایع کردن : ۳۸
 ضعیف گشته : ۶۰

« ط »

طاعت خدای : ۴۳
 طاعت داشت : ۴۲
 طاعت داشتن : ۲۵ ، ۷۹
 طاعت کردن : ۱۲۴
 طاعتها : ۳۳ ، ۴۱
 طاعون : ۱۰۴
 طاقت بودن : ۱۱۱
 طاووس : ۱۱۹
 طریق : ۶۶ ، ۸۳
 طریق حج : ۶۴
 طعام خوردن : ۶۰
 طلاق او فتادن : ۹۵

غزو کردن : ۱۲۶،۶۶	عرضه کردن : ۸۰
غلبه کردن : ۱۱۱،۱۰۳	عرفات : ۷۰
غنودن : ۱۱۴	عصای موسی : ۱۰۹
غنیمت : ۸۶،۸۵	عفو خواستن : ۱۲
« ف »	عفو کردن : ۱۲۱،۵۲
فا (با) : ۱۱۳،۴۰،۸	عقد دل فرجیزی بستن : ۹۴
فار غشدن : ۷۸	عقوبت : ۱۱۶،۹۶،۴۹
فاز ... : ۱۱۹،۹۸،۴۵	عقوبت خدای : ۷۷
فاز آمدن : ۱۲۴،۶۱،۳۷	عقوبت کردن : ۱۰۱،۷۷
فاز آموختن : ۱۱۶	عقوبت کننده : ۱۲۰
فاز ایستادن : ۱۰۷،۵۵	علامت کننده تر : ۳۵
فاز پسین : ۶۱،۵۳	علامتها : ۷۹،۴۴
فاز جایی شدن : ۱۱۸	علامتهای پیدا : ۸۱
فاز خریدن : ۸۴،۵	علم خدای : ۱۱۵
فاز دادن : ۳۲	عمامة هارون : ۱۰۹
فازدارنده : ۲۶،۷	عمره آوردن : ۶۶،۶۴
فازداشت : ۱۱۲،۱۷	عمره بردن : ۶۴
فازداشتن تن : ۹۵	عهد گرفتن : ۶
فازداشتن چنگ از کسی : ۷۶	عهدها : ۵
فازداشتن دست : ۱۰۲	عیال : ۹۰،۶۱
فازداشته : ۱۲۲	عیالان : ۱۲۰
فاز رساندن : ۱۱۰،۱۰۹	
فازستدن : ۱۰۲	« غ »
فار شدن : ۸۴	غازیان : ۱۱۲
فار فرستادن : ۱۱۹	غایب : ۱۲۵
فار گرداندن : ۹۸،۴۷	غایب شدن : ۱۰۳
فار گرفتن : ۷۰،۳۰	غدر کردن : ۸۵
فار گشت : ۱۰۶،۷۸،۴۴	غریبان : ۸۳،۵۳

فرا انگیز ناند : ۷۴	فراز گشتن : ۱۱۸، ۷۰، ۳۸
فر پای ایستادن : ۸۶	فراز گشتن از سو گند : ۹۵
فرتری : ۱۱۵	فازماندن : ۱۲۲
فرجها : ۹۳	فازمانده : ۱۲۲
فرحکمی رفتن : ۵۴	فاز یافتن : ۴۱
فرخاستن : ۷۱، ۴۶	فاضل تر : ۱۲۱
فرخواندن : ۱۶، ۸	فاکسی گرد آمدن : ۹۵
فرداشتن : ۱۱۴، ۳۵	فام (وام) : ۱۰۶
فرداشتن بازار : ۷۰	فام دادن : ۱۲۰، ۱۰۶
فرداشتن زاد : ۷۰	فام نیکو : ۱۰۶
فرداشتن قصه : ۵۴	فایدی ستدن : ۱۲۴
فرزبان کسی رفتن : ۸۹	فدا دادن : ۹۷، ۶
فرزدن : ۵۰	فر (بر) : ۱۱۴، ۷۷، ۱۴
فرزند : ۱۰۷، ۷۲، ۲۳	فراخ کننده روزی : ۱۰۸
فرزندان خرد : ۱۲۳	فراخی : ۴۸، ۴۷
فرسنت رفتن : ۶۳	فراز : ۹۳، ۷۹
فر سو گند رفتن : ۹۵	فراز آمدن : ۸۸، ۲۴
فرشدن به آسمان : ۲۰	فراز آوردن : ۱۱۷
فرکسی سپاس نهادن : ۱۲۱	فراز جایی شدن : ۹۳
فرگماشتن : ۱۰۹	فراز زنان شدن : ۹۵
فرمان : ۹۲، ۷۷، ۱۱	فراز شدن : ۶۱
فرمان آمدن : ۸۵	فراز کسی آوردن : ۱۱۹
فرمان بردار : ۸۴، ۳۴، ۱۱	فراز کسی شدن : ۹۲
فرمان برداری کردن : ۵۰، ۱۵	فرا گرفتن کسی را : ۴۱
فرمان خدا : ۹۷	فرامشت کار : ۳۹
فرمان دادن : ۳۸	فرامشت کردن : ۴۱
فرمان دیو : ۷۷	فران (بران) : ۷، ۵
فرمان کردن : ۱۱۶، ۴۷	فرانگیختن : ۴۱

فلک : ۱۳	فرمان کسی نگه داشتن : ۹۸
فنا : ۹۰	فرمانها : ۲۸، ۲۷
فهمها : ۸	فرمودن : ۴۹، ۱۱
فی (بی) : ۸۰، ۱۰۳، ۱۱۹	فرنهادن سرگزید بر کسی : ۶
فی آمیز : ۳۵	فرو (برو) : ۱۱۷، ۱۱
فی آنکه : ۲۰	فروود : ۱۱۵، ۴۷
فی اسراف : ۵۵	فروود آمدن : ۱۱۸، ۷۳، ۹
فی اندازه : ۸۰	فرو شدن : ۱۱۷، ۴
فی پدران : ۵۳، ۸۳	فرو شدن آب : ۱۲۳
فی تقاضا : ۵۵	فرو شدن آفتاب : ۷۰
فی تقصیر : ۲۸	فرو فرستادن : ۹۹، ۴۵، ۹
فی چاره : ۵۱	فریاد رسید : ۲۷
فی چاره ماندن : ۱۲۳	فریشتگان : ۱۱۵، ۴۵، ۱۳
فی خردان : ۵۰	فریشته : ۱۱۷، ۱۳
فیداد : ۶، ۶۵	فریضگی : ۵۷
فیداد کردن : ۶۵	قریضه : ۱۰۴، ۵
فیدادگران : ۱۲، ۴۸، ۱۲۶	قریضه کردن : ۱۰۷، ۵۴
فی راهان : ۵۰	قریضه ها : ۹۷، ۴۳، ۳۲
فی زاد : ۷۰	فرین (براین) : ۱۱۷
فیزار : ۷۸	فزودن : ۱۱۸، ۱۰۶
فیزار شدن : ۴۸، ۴۹، ۷۶	فزونى دادن : ۲۷
فیزار گشتن : ۴۹	فساد کردن : ۷۵
فی سر : ۱۱۹	فسوس کردن : ۷۹
فی عیبی : ۱۶	فضل : ۱۱۱، ۵۴
فی فرمان : ۱۱	فضول : ۶۹
فی فرمانان : ۱۱۱	فضیلت : ۹۶
فی فرمانی کردن : ۵۹	فعل بد : ۷۵، ۲۳
فیگانگان : ۴۰	فلان : ۴۳

کابین کردن : ۱۰۲
 کابینها : ۱۰۲
 کار بستن : ۷۷، ۲۹، ۱۷
 کارزار : ۱۰۷، ۵۳
 کارزار کردن : ۸۳، ۶۴ : ۱۱۳
 کار گزاردن : ۷۸
 کاروان : ۸۴
 کاروان شکستن : ۸۴
 کاروانیان : ۸۴
 کارها : ۷۸، ۱۹
 کافر : ۱۰۷، ۴۵، ۴
 کافران : ۱۱۴، ۶۷، ۸
 کافران گذشتگان : ۲۵
 کافری : ۱۱۶، ۷۷، ۲۰
 کالبدها : ۱۱۹، ۱۰۵
 کامها : ۷۹
 کبوتر : ۱۱۹
 کتاب خدای : ۵۰، ۱۵ : ۸۱
 کتاب سنت : ۱۰۹
 کرامت کردن : ۷۲، ۷
 کرامتها : ۲۷
 کردارها : ۴۳، ۲۱
 کرسی : ۱۱۵، ۱۶
 کش : ۲۸
 کشت زار : ۹۳
 کشت کردن : ۱۲۲
 کشتگان : ۱۱۹
 کشتمندها : ۴۷، ۴۹، ۵۱

فی گمان : ۷۷، ۱۱۱، ۱۱۸
 فی گمانان : ۲۶
 فی گنه : ۷۴
 فی نیاز : ۷۰، ۱۲۱

«ق»

قادری : ۱۹، ۱۱۵، ۱۲۲
 قبله خدای : ۲۴، ۲۶
 قرار گرفتن : ۱۰۹
 قربان کردن : ۶۸
 قربانها : ۶۷
 قربانی فرستادن : ۶۸
 قرینان : ۱۱۶
 قصاص کردن : ۵۴، ۶۶
 قصد کردن : ۶۸، ۱۲۴
 قصه فرداشتن : ۵۴
 قصه کردن : ۵۹
 قضا کردن : ۶۱، ۹۳
 قضای خدای : ۲۸، ۴۴
 قول خدای : ۲۱
 قوی : ۷۷، ۱۲۰
 قوی کردن : ۱۱۳
 قیامت : ۲۳، ۴۸
 قیام کردن : ۱۹

«ک»

کابین : ۹۷، ۱۰۰

گردون : ۱۰۹	کشندگان : ۵۴، ۱۰
گرفت کردن : ۶۶	کشنده : ۵۵
گرفتن به چیزی : ۹۴	کفارت : ۹۵، ۴۳
گرمای گرم : ۱۱۰	کفایت کردن : ۳۵
گروش : ۸۶	کفر : ۱۱۶، ۷۷
گرویدگان : ۱۱۳، ۵۴، ۱۸	کفر جویندگان : ۸
گزارد : ۹۷، ۳۷	کفرها : ۴۹
گزاردن دیت : ۵۴	کلمت اخلاص : ۳۲
گزاردن شکر : ۵۹	کلوخین : ۶۳
گزنده : ۶۸	کلیسا : ۱۱۲
گزیدگان : ۸۱	کلیکی : ۹۳
گزیده : ۳۷	کناره دریا : ۱۱۸
گشتن از مسلمانی : ۸۶	کنده : ۱۰۳، ۸۷
گفتار خدای : ۱۲۴، ۲۰	کنشت : ۱۱۲
گمان بردن : ۸۱، ۷۱، ۱۷	کنیت : ۹۹، ۶۰
گمان نیکو : ۶۷	کوه : ۱۱۹، ۷۱، ۱۰
گم بودگان : ۷۱، ۵۰	کهتران : ۴۸، ۳
گم بودگی : ۸۰	
گم بودگیها : ۵۸	«گم»
گناه از کسی نهادن : ۵۲	گاورس : ۱۲۴
گناهان : ۹۳، ۶۱، ۱۲	گذشت : ۹۶
گندم : ۱۲۴، ۵۷	گذشتگان : ۱۱۲
گنده شدن : ۱۰۵	گرد آمدن فازنان : ۹۲، ۶۱
گنگان : ۵۰	گرد آمدن فاکسی : ۹۵، ۶۱
گنه : ۷۴، ۳۳	گرد آوردن : ۱۲۴
گنه کردن : ۶۷	گرد ایستادن : ۶۲
گوا : ۱۰۰	گرد کردن : ۱۱۷
گوا آوردن : ۲۰	گردن برده تر : ۲۳

- گواداشتن : ۶۲
 گواپی : ۳۶، ۹۶
 گواپی دادن : ۳۱، ۳۳
 گور کردن : ۸۷
 گورها : ۱۰۳
 گوسالگان : ۱۰۹
 گوساله پرستیدن : ۱۰، ۷۹
 گوسپند : ۵۰، ۷۲
 گوسپند کشان : ۷۰، ۷۴
 گوش داشتن : ۱۷، ۱۸
 گوش کردن : ۵۰
 گوشه استوار : ۱۱۶
 گونه : ۹۳
 گیا : ۵۰
- « ل »
- لب دریا : ۱۱۸
 لذت یافتن : ۸۸
 لشکر : ۱۰۹، ۱۱۱
 لشکر کشیدن : ۱۱۰
 لعنت از کسی فرخواستن : ۴۶
 لعنت کنندگان : ۴۵
 لقا : ۹۰
 لوح المحفوظ : ۵۸
- « م »
- ماد (ه) خر : ۷۵
 ماد (ه) گاو : ۱۰۹
- مانیدگی : ۷
 ماه : ۵۸
 ماهیان : ۱۱۸
 مایه داشتن : ۱۲۲، ۱۲۶
 مباح کردن : ۵۵، ۶۱
 مبادا : ۳۲
 مبارزان : ۲۳، ۲۴
 مبتلا کردن : ۱۶، ۸۲، ۱۰۹
 متعه : ۱۰۲
 متمتع : ۶۸
 مثل زدن : ۱۲۲
 مثلهای قرآن : ۱۲۴
 مجامعت کردن : ۶۰، ۹۲
 محروم کردن : ۱۰۶
 محنتها : ۴۴
 مخالف شدن : ۱۰۱، ۱۰۴
 مخبلی : ۹۳
 مخلصان : ۳۸
 مخلوقان : ۴۷
 مخلوقی : ۲۵
 مدانیا (فعل) : ۴۵
 مدت گذاشتن : ۹۵
 مراد دل : ۹۴
 مراندن : ۱۲
 مرایی : ۱۲۲، ۱۲۳
 مرتبت دادن : ۱۱۳
 مرتد شدن : ۲۰، ۳۸
 مرتد کردن : ۸۶

معتکف نشستن : ۶۱	مردار : ۵۱، ۱۱۸
معصیت کردن : ۷۵، ۱۰	مردان کافران : ۹۱
معصیتها : ۶۲	مردگان : ۴۳، ۱۱۹
معلمان : ۸۰	مرده : ۵۶، ۱۱۷
مغان : ۱۲، ۳۷، ۱۱۶	مرغان هوا : ۱۱۸
مفسران : ۱۱، ۴۷، ۱۰۰	مرگ آمدن کسی را : ۳۳، ۱۰۳
مقامری کردن : ۸۸	مرگ بر کسی فرافگندن : ۱۰۴
مقرآمدن : ۳، ۸۰، ۱۱۰	مرگی : ۹۳، ۱۰۵، ۱۲۰
مقرشدن : ۱۳	مزکت : ۲۳، ۷۱، ۱۲۶
مقیمان : ۲۹	مزکتها : ۱۱۲
مکاتبان : ۵۳	مزکد : ۳۴، ۳۹
مکافات رسانیدن : ۳۶	مزه گردانیدن : ۱۱۷
مگر : ۳، ۹۶، ۱۰۷	مژده دادن : ۴۳، ۹۳
ملاحت کردن : ۸۵	مژده دهندگان : ۸۰
مملکت داران : ۱۱۴	مژده دهنده : ۱۴، ۲۶
من (وزن) : ۵۷، ۶۸	مسافران : ۶۹، ۸۳
مناجات کردن : ۱۱۳	مستجاب کردن دعا : ۱۰۴
منازلهای : ۴۹	مست کردن : ۸۹
مناققان : ۳۸، ۷۹، ۱۲۲	مستوجب شدن : ۹، ۷۷، ۹۲
مناقب : ۱۱۲	مسکنها : ۷۳، ۱۰۵
منت پذیرفتن : ۷۹	مسلمانان : ۱۶، ۵۱
منت خدای : ۹۹	مسلماننی : ۲۰، ۷۷، ۱۱۶
منت نهادن : ۱۹	مشركان : ۷۱، ۳۶، ۷۹
من خدای : ۷، ۱۰۵، ۱۲۱	مصدق داشتن : ۲۷
منسوخ شدن : ۵۸، ۱۲۶	مصیبتها : ۴۳، ۸۱
منسوخ کردن : ۱۹، ۶۳	مضمضه کردن : ۲۸
منسوخ گشتن : ۱۰۴	مطیعان : ۴
منش خوش : ۱۰۶	معاینه شدن مرکسی را : ۴۸، ۱۱۸

منفعت کردن : ۲۷، ۱۲۳

منفعت گرفتن : ۶۸

منفعت ناک تر : ۱۹

منکر شدن : ۸، ۱۴، ۳۳

منکری : ۷۷

مواعظ : ۴۲

موج زدن : ۱۱۸

موحدان : ۱۸، ۷۴، ۱۱۶

مومنان : ۸، ۴۵، ۱۱۶

مومنی : ۲۰

موی استردن : ۲۸

موی ستردن : ۶۷

موی زهار : ۲۸

موی زیر کش : ۲۸

مه (نفی) : ۸۳، ۸۴

مهاجریان : ۱۲۲، ۱۲۶

مهران : ۳، ۳۷، ۷۹

مهربان : ۴، ۷۶

مهر کردن : ۸۳

مهرگان : ۱۲

مهمان : ۸۸

می : ۸۸

میان : ۱۲، ۴۰، ۹۸

میانگی (نماز) : ۱۰۳

میراث خواران : ۵۶

میراث خواره : ۵۶

میراندن : ۱۰۵

میعاد نهادن : ۱۰۱

میخ گرفته : ۲۴

میل کردن : ۵۶، ۷۰

میوه : ۴۳، ۱۱۷، ۱۲۳

میویز : ۶۸، ۸۴

« ن »

نابینا آن : ۷

نابینایان : ۵۰

ناچار : ۳۰

ناچیز : ۸۶

ناحق : ۶۲

ناخن چدن : ۲۸

ناخوشی : ۹۲

نادانان : ۳، ۸

نادیده : ۴۸، ۱۰۲

ناز : ۱۲

ناس : ۷۱

ناسخ : ۱۹

ناسزاگویان : ۲۵

نام : ۸، ۸۴، ۱۰۷

نام بردن : ۵۱، ۹۳

نام کردن : ۳۵

نامه : ۲۰

نامه کردن : ۸۵

نامه نبشتن : ۸۳

نپسه : ۳۶

نپشتن : ۳، ۱۵

نقشه کردن : ۶۶، ۱۱۴	نبشته : ۸۴
نقصان کردن : ۹۰	نبی : ۳۱، ۵۰
نگاه دارنده : ۱۱۴	نجات یافتن : ۶۴
نگاه داشت : ۹۰	نخستین : ۶۱، ۸۴
نگرستن : ۳۸	ندا آمدن : ۱۱۷
نگوسار : ۴	نردبان نهادن : ۲۰
نگه داشت : ۹۱، ۱۱۴	نرم گردانیدن : ۱۱۲
نگه داشتن : ۲۶، ۹۵	نزد : ۸، ۳۶
نگه داشتن فرمان : ۹۸	نزدیک : ۵، ۷۱
نماز : ۲۴، ۷۴، ۱۰۳	نزدیک آمدن : ۵۵، ۹۸
نماز بامدادین : ۱۰۳	نزدیک کردن : ۲۶
نماز پیشین : ۱۰۳	نژاد : ۷۵، ۱۰۴
نماز خدای : ۸۸	نژاد مملکت : ۱۰۸
نماز خفتن : ۶۰	نژاد نبوت : ۱۰۸
نماز دیگر : ۷۳، ۱۰۳	نسل : ۷۵
نماز شام : ۸۸	نشاط آمدن : ۸۴
نماز شب کردن : ۳۹	نشانیدن بوستان : ۱۲۴
نماز کردن : ۲۴، ۴۱، ۱۰۳	نشانیدن گرسنگی : ۵۱
نمازکنندگان : ۲۹	نشانی نمودن : ۱۱۷
نمازگزاردن : ۲۱، ۵۳	نشانیها : ۷، ۴۷، ۱۲۴
نمازمیانگی : ۱۰۳	نشسته : ۹۳
نور : ۱۱۶	نصرت دادن : ۶۶
نوروز : ۱۲	نصیب دادن : ۳۹
نوروز خوردن : ۱۲	نعمتها : ۵۱، ۱۱۴
نوسپاس : ۴۳، ۱۱۴	نقایه : ۱۲۴
نوشدن (ماه) : ۶۳	نقعات : ۱۲۱
نوکام : ۲۵، ۷۹	نقعه : ۶۶، ۱۲۰
نوکام داشتن : ۸۳، ۱۰۷	نقعه دادن : ۱۰۲

وادی اندر دوزخ (ویل) : ۴	نوکننده : ۲۵
وحی آمدن : ۳۸	نومید شدن : ۶۷
وحی آوردن : ۱۳	نومید کردن : ۴۶
وحی کردن : ۱۱۸، ۲۹	نون : ۴۰
ورچاند : ۱۲۳	نهفتگی : ۱۲۶
وسق : ۱۲۴	نهی کردن : ۷۷، ۱۸
وصیان : ۵۶	نهیها : ۹۰، ۵۱، ۱۴
وصیت کردن : ۱۰۳، ۳۳	نی : ۱۲۱، ۹۲، ۲۲
وصیت کننده : ۵۶	نیت کردن : ۹۳، ۶۱
وعدهها : ۱۴	نیتها : ۱۲۵، ۱۰۶، ۲۴
وعده کردن : ۶۰، ۵۹	نیرنجها : ۱۵، ۱۶
وعده نهادن : ۱۰۱	نیکو : ۹۳، ۶۷
وعدهی خدا : ۱۴	نیکوتر نام نهنده تر : ۳۵
وعید کردن : ۳۹	نیکوداشت : ۹۶
وعیدها : ۱۴	نیکوکاران : ۶۷
وفا : ۱۰۱	نیکوکاری : ۱۰۲، ۷۲
وفات آمدن : ۸۷	نیکوگمانان : ۶۷
وفا کردن : ۶۴	نیکوی کردن : ۷۰، ۴

« ه »

هجرت کردن : ۸۶، ۷۵	نیکویی : ۱۰۱
هرآینه : ۱۲	نیکی : ۲۱، ۱۰۶
هرگز : ۱۲	نیکی کردن : ۴۵

« و »

هزیمت شدن : ۱۱۱	وا (با) : ۲۰
هزینه کردن : ۱۲۶، ۶۶	واپسین : ۱۲۱
هفت آسمان : ۱۱۵، ۷۸	واجب شدن : ۲۹
هفت زمی : ۱۱۵	واجب کردن : ۱۰۲، ۶۹، ۵۰
هفت زمین : ۱۱۵	

یادکرد : ۴۲، ۶۱	هلاک شدن : ۶۶
یادکردن : ۴، ۷۰، ۹۳	هلاک کردن : ۶۶
یاران پیغامبر : ۴۳	هلاکت کننده : ۸۸
یاری خواستن : ۴۳	هلال : ۶۳
یاری دادن : ۶، ۱۲۳	همباز گرفتن : ۶۷
یاری ده : ۲۶، ۱۱۰	همتا گرفتن : ۴۷
یتیمان : ۴، ۹۰	هنوز : ۸۵
یتیمان فی پدران : ۴	هو لئالك : ۶۵
یقین دل : ۱۲۲	هیچیز : ۲۲، ۹۰
یکی بودن : ۴۰	هیچیزی : ۲۱
یگانگی خدای : ۳۴، ۹۱، ۱۱۶	«ی»
یله کردن : ۵۴، ۷۶، ۹۸	یادداشتن : ۴۲، ۹۲

لغات و ترکیبات عربی به فارسی متن

«آ»

الآخرة - آن جهان : ۷، ۹۰

آمن - بگروید : ۱۱۳

آمنوا - استوار دارید : ۹

آمنوا - بگرویدید : ۵۱، ۷۷، ۱۲۱

الآیات - امرها و نهیها : ۹۰

الآیات - نشانیها و عبرتها : ۶۲، ۱۲۴

آیات بینات - آیتهای پیدا کرده : ۱۴

آیه - نشانی : ۱۱۰، ۱۱۷

«ا»

ابتغاء - جستار : ۱۲۶

ابتغوا - بجوید : ۶۱

ابتلی - آزمایش کرد : ۲۷

ابعث - بفرست : ۳۱

ابناء - فرزندان : ۱۰۷

ابن السیل - غریبان : ۵۳، ۸۳

ابواب - درها : ۶۴

اتبعوا - فرمان بردار باشید : ۵۰

اتقوا - بترسید : ۲۷، ۶۹

اتقوا - بپرهیزید : ۶۶

اثم - بزه : ۶، ۵۶، ۷۴

اثم - جور : ۵۶، ۶۲

اثم - خطا، عمد : ۵۶

اثم - گنه : ۷۴

اجعل - کن : ۳۰

اجعل - بنه : ۱۱۹

اجیب - پاسخ کنم : ۵۹

احسان - نیکوی فی تقاضا : ۵۵

احق - حقومندتر : ۹۶، ۱۰۸

اختلاف - آمد شد : ۴۷

اختلفوا - دو گروهی کردند : ۵۳

اخ - بدادر : ۵۴

ادعهن - بخوانشان : ۱۲۰

اخوان - بدادران : ۹۰

اذکروا - یاد دارید : ۹۹

اذن - فرمان : ۱۴، ۹۲

اذن - خواست : ۱۱۱

- اذن - دستوری : ۱۱۵
 اذی - ناخوشی : ۹۲
 اَرْزَق - روزی ده : ۳۰
 الارض - زمی : ۴۶، ۷۵، ۱۲۴
 ارنی - بنمای مرمر : ۱۱۸
 ازواجهن - شویان شان : ۹۹
 اساری - اسیران اندر بند : ۶
 الاسباب - پیوستگیها : ۴۹
 استعینوا - یاری خواهید : ۴۳
 استمسک - چنگ اندر... زده باشد : ۱۱۶
 اشد - سخت : ۶، ۶۵
 اشکروا - سپاس دار باشید : ۴۲
 اشکرو - سپاس داری کنید : ۵۱
 اصا به الکبر - پیر گردد و خرف شود : ۱۲۳
 اصحاب النار - اهل دوزخ : ۸۶
 اصطفیناه - مامور را بگزیدیم : ۳۲
 اصطفیه - بگزید مرورا : ۱۰۸
 اصفحوا - دست فاز دارید : ۲۱
 اظلم - ستمگارتر و گردن برده تر : ۲۳
 اعجبتکم - شما را خوش آید : ۹۱
 اعصار - بادسوزان : ۱۲۳
 اعناب - رزان : ۱۲۳
 افرغ - به ارزانی دار : ۱۱۱
 اقدامنا - پایهای ما : ۱۱۱
 اقرب - اولی تر، نزدیکتر : ۱۰۲
 الاقربین - خویشان : ۵۵
 الاقربین - خویشان نزدیکتر : ۸۳
 اقموا الصلوة - نماز... بگزارید : ۵، ۲۱
 الوف - هزاران : ۱۰۵
 الیم - دردناک : ۱۸، ۵۲
 امانی : آرزوها : ۲۱
 امنتم - بیم از شما بشود : ۱۰۳
 الاموال - خواستهها : ۴۳، ۱۲۱، ۱۲۶
 امیون - نادانان : ۳
 انالله - ما مرخدای راییم : ۴۴
 انتم لباس لهن - شما آرام ایشان (اید) : ۶۱
 انداد - همتا : ۴۷
 انزل - فرود آمد : ۳۴
 انزل - فرود فرستاد : ۹۹
 انفصام - بریدن : ۱۱۶
 الانهار - آبهای روان : ۱۲۳
 اولی الالباب - خردمندان : ۵۵
 ایام معدودات - روزگارهای شمرده : ۵۷
 ایام معلومات - روزگارهای دهه : ۷۳
 ایمان - گروهش : ۲۰، ۳۸
 ایمان - سوگندان : ۹۴
 «ب»
 الباسا - درویشها : ۵۳
 بش المصیر - بد جای فاز گشتا : ۳۰
 بش المهاد - بد آرام جایا : ۷۵
 باشروهن - گرد آید فازنان : ۶۱
 بدیع السموات والارض - نوکندهی آسمانها و
 زمیها : ۲۵
 برزوا - برون شدند : ۱۱۱
 بشر - مؤده ده : ۴۳، ۹۳
 بشری - مؤده دهنده : ۱۴

بشیر - مژده دهنده : ۲۶

بعید - دور از راه راست : ۵۳

بغیر حساب - فی شمار، فی اندازه : ۸۰

بلداآمنّا - جایگاه ایمنی : ۳۰

بیع : خرید و فروخت : ۱۱۴

البینات - نشانیها و برهانها : ۱۰، ۱۱۳

البیوت - خانهها : ۶۴

«ت»

تبروا - فیزار گشتند : ۴۹

تبیین - پیدا آمد : ۱۱۶

تخفیف - آسانی : ۵۵

تراب - خاك و گرد : ۱۲۲

تشابهت - ماننده گشت : ۲۵

تعفف : نهفتگی : ۱۲۶

تعفوا - دست فازدارد : ۱۰۲

تعقلون - اندر یابید : ۱۰۴

تفلحون - رستگاری یابید : ۶۴

تقطعت - برینه گردد : ۴۸

تهتدون - ره یافتگان باشید : ۴۲

«ث»

ثبت - نگاهدار : ۱۱۱

الثمرات - میوهها و برها : ۳۰، ۴۳

«ج»

جزاء - پاداش، پاداشن : ۶۵

جناح - بزه : ۴۴، ۹۷

جنود - لشکر، قوم : ۱۱۰، ۱۱۱

جنة - بوستان : ۱۲۲

جهنم - دوزخ : ۷۵

«ح»

حب - دوست داشت : ۵۳

حدود - فریضهها : ۹۷

حذر - بیم : ۱۰۴

الحر - آزاد : ۵۴

حرث - کشتزار : ۹۳

الحساب - شمار : ۷۳

حسرات - دریغها و پشیمانیها : ۴۹

حق - راستی : ۱۱۲

الحی - زنده : ۱۱۴

حيث - جایگاه : ۹۲

حیوة - زندگانی : ۱۲، ۵۵

«خ»

الخاسرون - زیانکاران : ۲۷

خزى - خواری و رسوایی : ۲۳

خلق - آفرینش : ۴۶

خوف - بیم : ۲۲

الخیطالایض - اسپیده دم فازپسین : ۶۱

الخیطالاسود - سپیده دم نخستین : ۶۱

الدارالآخرة - سرای فازپسین : ۱۱

الداع - خواننده : ۵۹

دفع - بازداشت : ۱۱۲

الدم - خون روان : ۵۱

الدنیا - این جهان : ۷، ۳۲

دیار - سرای‌ها : ۱۰۷

«ذ»

ذریه - فرزندان : ۲۹، ۱۲۳

ذو فضل - خداوندمنت : ۱۱۲

ذوی القربی - خویشان : ۵۳

«ر»

رب - خدای ، بارخدای : ۴۴، ۱۱۱، ۱۱۸

رحمت - آمرزش و بخشایش : ۴۴، ۵۵

رحیم - بخشاینده : ۴۶

الرحیم - بخشاینده : ۳۱، ۵۲

الرحیم - مهربان : ۴۶

رزقناکم - روزی کرد ستیمان : ۱۱۴

الرفث - گردآمدن : ۶۰

رکبان - فریشت ستوران : ۱۰۳

الریاح - بادها : ۴۷

«ز»

زوج - شوی : ۹۷

«س»

السائلین - خواهندگان : ۵۳

السحر - جادوی : ۱۶

سرا - به پنهان ، نهان : ۱۰۱، ۱۲۷

سعة - توانگری : ۱۰۸

السمیع - شنوای : ۳۰، ۹۴

«ش»

شقاق - دشمن داری : ۵۳

الشیاطین - دیوان : ۱۵

«ص»

الصابرین - شکیبایی کنندگان : ۴۳

الصالحین - نیکان : ۳۲

الصبر - شکیبایی کردن : ۴۳

صبر - شکیبایی : ۱۱۱

صراط مستقیم - راه راست، راه مسلمانی : ۸۱

صفوان - سنگ : ۱۶۵

صلاة وسطی - نمازپیشین : ۱۰۳

الصلوات - پنج نماز : ۱۰۳

الصلوة - نماز کردن : ۴۳

الصلوة الوسطی - نماز بامدادین ، نماز دیگر

نماز میانگی : ۱۰۳

صم - کر : ۵۰

الصیام - روزه : ۵۷

«ض»

الضالین - گم بودگان : ۷۱

الضرا - بیمارها : ۵۳

ضل - گم کرد : ۲۰

«ط»

طاغوت - دیو : ۱۱۶

طل - باران خرد : ۱۲۲

الطلاق - دست فزداشت : ۹۷

طلقتموهن - دست فز دارید زنان را : ۱۰۲

«ظ»

ظالمون - ستمگاران : ۱۰

الظالمون - زیان کاران : ۹۷

الظالمین - فیدادگران : ۱۲، ۲۹

الظلمات - تاریکی : ۱۱۶

«ع»

العالمین - اهل زمانه : ۲۷

عدو - دشمن دار، دشمن : ۱۴، ۷۷

عدومبین - دشمن پیدای : ۴۹

العروة الوثقی - گوشه‌ی استوار : ۱۱۶

العسر - دشواری : ۵۸

عصینا - عاصی شدید ، فی فرمان شدید : ۱۱

العظام - استخوانها : ۱۱۷

علائیة - آشکاره : ۱۲۷

علی - فا : ۵۳

علی - فر (بر) : ۱۱۲، ۱۱۹

علیک - فره : ۱۱۲

علیم - دانا : ۱۲، ۳۰

عند - زی : ۲۱

«غ»

غضب - خشم : ۹

غفور - آمرزگار : ۵۲ - ۸۶

غلف - پوشش : ۸

غمام - ابرسپید : ۷۸

غنی - فی نیاز : ۱۲۱

«ف»

فنته قلیل - لشکر اندک : ۱۱۱

فاستبقوا - پیش دستی کنید : ۴۰

الفاسقون - شکنندگان عهد : ۱۴

فحسبه - بس بود مرورا : ۷۵

الفحشا - زشتیها : ۴۹

الفساد - تباهی : ۷۵

الفضل - نیکو کاری : ۱۰۲

فצלنا - فزونی دادیم : ۱۱۲

فلاتموتن - مرگ مبادا شمارا : ۳۲

فمن اضطر - هر که فیچاره شود : ۵۱

فمن اعتدی - هر که فیداد کند : ۵۵، ۶۶

فوق - زبر، فراز : ۱۰، ۷۹

فهزموهم - بشکستندشان : ۱۱۱

فی الرقاب - مکاتبان : ۵۳

«ق»

قاتلوا - کارزار کنید : ۶۴، ۱۰۵

القتال - کارزار : ۸۳، ۱۰۷

قرض - فام : ۱۰۶

القواعد - بنیاد : ۳۰

قول - گفتار : ۱۰۱

القوم - گروه : ۱۱۱

القیامة - راستخیز : ۶

«ك»

کافرین - بت پرستان : ۶۵

کذبتهم - دروغ زن کردید : ۷

کلم الله - خدای فا اوسخن گفت : ۱۱۳

« ل »

لأنخلقوا - مسترید : ۶۷

لأنظلمون - فیداد مکنید : ۱۲۶

لأنعتدوا - فی داد مکنید : ۶۵

لأنقربوهن - فرازایشان مشوید : ۹۲

لأنكفرون - نوسپاس مشوید : ۴۳

لأننسوا - دست فاز مدارید : ۱۰۲

لأنتكبحوا - به زنی مکنید : ۹۱

لامة - پرستار : ۹۱

لايحل - نشاید : ۸۹، ۹۷

لايستطيعون - مایه ندارند : ۱۲۶

لباس لكم - آرام شمااند : ۶۱

ليطمئن قلبي - تادلم بیارامد : ۱۱۸

الليل - شب : ۴۷

المال - خواسته : ۵۳

« م »

مبشرين - مژده دهندگان : ۸۰

مبين - پیدای : ۴۹، ۷۷

المتطهرين - پاکان : ۹۳

المنقون - پرهیزگاران : ۵۴، ۶۶

مثابة - جایگاه : ۲۹

المحسنين - نیکوکاران ، نیکوگمانان : ۶۷

مخلصون - فی آمیز : ۳۵

المساجد - مزکنها : ۶۱

مساكين - درویشان : ۴، ۵۳

المسجد - مزکد : ۳۹

المشرق - آفتاب فرآمدن : ۵۳

المشرق - جایگاه آفتاب فرآمدن : ۲۴

مصدق - استوار دارنده : ۱۵

مصلی - جایگاه نماز : ۲۹

المطلقات - زنان دست فازداشتگان : ۹۵

المعتدين - فی دادگران : ۶۵

المعروف - کابین : ۱۰۰

المعروف - مقدار فی اسراف : ۵۵

المغرب - (جایگاه) آفتاب فروشدن : ۲۴

المغفرة - آمرزش : ۵۲، ۹۲

مقام - جایگاه : ۲۹

المقتر - درویش : ۱۰۲

ملئكة - فریشتگان : ۱۴

ملة - هرداهی را که سپرند : ۳۲

الملك - پادشایی : ۱۰۸، ۱۱۲

منذرين - ترسانندگان : ۸۰

منع - فازداشتن : ۲۳

الموت - مرگ : ۱۲، ۵۵

الموتى - مردگان : ۱۱۸

الموسع - توانگر : ۱۰۲

المومنين - استوار دارندگان مرخدای را : ۹۳

مهاده - آرام جا : ۷۵

المیته - مردار : ۵۱

میشاق - پیمان : ۴

« ن »

النار - دووخ جاودان، آتش : ۴۹، ۵۲

تتبع - ما فرمان بردار باشیم : ۵۰

نخیل - خرماستان : ۱۲۳

نذیر - ترساننده : ۲۶

نزل - فروفرستاد : ۵۲

نصیر - یاری ده : ۲۶

نکسوها - پیوشیم (مرآن استخوانها را) : ۱۱۷

نومن - ما استوارداریم : ۹

« ه »

هدی - ره‌نمای : ۱۴

هدیکم - شناسا کرد مر شمارا : ۵۸

هزموهم - بشکستندشان : ۱۱۱

« و »

وابل - باران سخت : ۱۲۲

وابل - بارانی بنیرو : ۱۲۲

واسع - فراخ کننده‌ی روزی : ۱۰۸

الوالدین - مادر و پدر : ۴، ۵۵

وجه‌الله - روی خدای : ۱۲۶

وصی - اندرز کرد : ۳۲

« ی »

یائینک - بیایند زی ته : ۱۲۰

ییدلونه - کش بگردانند : ۵۶

یبصط - فراخ کند : ۱۰۶

الیتامی - فی‌پدران : ۵۳، ۸۳

یسخرون - فسوس همی کنند : ۷۹

الیسر - آسانی : ۵۸

یوم الآخر - روزفازپسین : ۵۳، ۱۲۲

الیوم‌الآخر - روزراستخیز : ۹۶

یوم‌القیامة - آن جهان : ۵۲

یوم‌القیامة - روز راستخیز : ۶، ۲۲، ۷۹

لغات و ترکیبات فارسی بخش دوم

« آ »

آب : ۱۶۱، ۱۶۵

آتش : ۱۳۹، ۱۶۵

آراسته : ۱۵۳

آرامش : ۱۶۱

آرام گاه : ۱۵۲

آرزو کردن : ۱۳۴

آرزوها : ۱۳۶

آزمون کردن : ۱۳۸، ۱۶۱

آسانی : ۱۴۸

آسایش : ۱۶۳

آسمانها : ۱۶۳

آشتی : ۱۵۳

آشکارا : ۱۴۵

آفریدگار : ۱۳۷

آگاه : ۱۵۸

آمزش : ۱۴۶

آموزگار : ۱۴۶، ۱۴۸

آمرزنده : ۱۵۵

آمزش : ۱۶۴

آموزاندن : ۱۳۵، ۱۴۳

آنجهان : ۱۳۵، ۱۵۵

آهنگ کردن : ۱۵۸

« ا »

ایروان کرده : ۱۴۴

احرام بستن : ۱۵۱

اختلاف : ۱۴۴

اختلاف کردن : ۱۶۲

ادا کردن : ۱۴۷

ارجمند : ۱۵۳، ۱۵۷

از بیرون خدای : ۱۳۶

ازپس : ۱۳۳، ۱۳۹

از پس پشت : ۱۳۵، ۱۴۹

از پیش : ۱۶۲

ازحد درگذشتن : ۱۳۲، ۱۴۶

ازدون : ۱۳۴

ایشان : ۱۳۲	استخوانها : ۱۶۳
ایشان دو : ۱۵۵	اسیران : ۱۳۲
ایمان آورنده : ۱۵۷	اصلاح کردن : ۱۵۶
ایمان آوردن : ۱۴۶، ۱۵۵	افزون هستن : ۱۳۳، ۱۴۶
ایمن : ۱۳۸	افزونی دادن : ۱۶۲
ایمن گاه : ۱۳۸	افسوس : ۱۵۸
این جهان : ۱۳۲، ۱۵۲، ۱۵۵	امامی دادن : ۱۳۸
	امروز : ۱۶۱
«ب»	امرها : ۱۵۷
با پس دارنده عقوبت : ۱۵۶	امیدداشتن : ۱۵۵
باد : ۱۶۵	انبار گرفتن : ۱۳۴، ۱۴۴
بار : ۱۵۷	انتظار کردن : ۱۵۶
باران تیز : ۱۶۵	انداختن : ۱۳۴
باز آوردن : ۱۳۷	اندازه ها : ۱۵۷
باز بردن : ۱۳۲	اندر آموختن : ۱۳۹
بازدادن : ۱۶۰	اندر بند گان : ۱۴۷
بازداشتن : ۱۵۸، ۱۶۲	اندر پذیرفتن : ۱۴۴
بازداشتن از چیزی : ۱۵۲	اندرز کردن : ۱۳۹
بازداشته شدن : ۱۵۰، ۱۶۶	اندر شدن : ۱۳۶، ۱۳۷
باز رسیدن : ۱۶۱	اندر کردن : ۱۳۳
باز شدن : ۱۳۹	اندر گذشتن : ۱۳۶
باز گرداندن : ۱۴۱	اندك : ۱۳۱، ۱۳۹
باز گشت : ۱۴۵	انده گین شدن : ۱۶۴، ۱۶۶
باز گشتن : ۱۵۲، ۱۵۶	اندیشه کردن : ۱۵۵، ۱۶۵
باز خریدن : ۱۴۷	اولیتر : ۱۶۱
باطل کردن : ۱۶۴	اهل آتش : ۱۵۴
باطل ها : ۱۳۱	اهل کتاب : ۱۳۵
	ایام تشریق : ۱۵۲

بزرگی جستن : ۱۳۲	بالا : ۱۵۳
بزه : ۱۵۲، ۱۴۶، ۱۳۲	بالایی : ۱۶۵
بژه : ۱۵۵	بامداد : ۱۴۹
بستن نکاح : ۱۵۹	بانگ کردن : ۱۴۵
بسزا : ۱۶۲	باور دارندگان : ۱۶۱
بسنده : ۱۵۲	باهم بردن : ۱۶۴
بسیار ده : ۱۴۴	بت : ۱۶۳
بشارت دهنده : ۱۳۷	بت پرست : ۱۵۵
بگردیدن : ۱۶۳	بخش : ۱۵۲
بگرونده : ۱۵۸	بخشاینده : ۱۳۹
بلکه : ۱۶۳	بدل کردن : ۱۵۲، ۱۴۷، ۱۳۶
بلند : ۱۶۳	بدن : ۱۶۱
بندگان : ۱۳۳	برابری : ۱۴۷
بنده : ۱۵۵	برانگیختن : ۱۶۰
بنیان برداشتن : ۱۳۹	برحذر بودن : ۱۵۸
بنیرو : ۱۳۳	برخواندن : ۱۳۹
بوستان : ۱۶۵	برخورداري : ۱۵۹
بوکه : ۱۴۷	برخورداري دادن : ۱۳۹
بهانه : ۱۵۶	برخی : ۱۶۲
بهای : ۱۳۱	برداشتن : ۱۳۳
بهای اندك : ۱۴۶	برداشتن منزلت : ۱۶۲
به پای داشتن حکمها و حدها : ۱۵۷	برریختن : ۱۶۱
به پای داشتن نماز : ۱۳۶، ۱۳۱	برگزیدن : ۱۶۱
به جای آرندگان : ۱۴۷	برگشت : ۱۵۴
به جای داشتن : ۱۶۱	برگشتن : ۱۵۴
به حق : ۱۴۶	برنشسته : ۱۵۹
به در کردن : ۱۵۹	بزرگ قطره : ۱۶۵
به دروغ گفتن : ۱۳۲	بزرگ گناه : ۱۵۴

بینا : ۱۶۵، ۱۵۹	بهر : ۱۶۲
بی نیاز : ۱۶۴	به درستی : ۱۶۰، ۱۳۵
بی همتا : ۱۳۹	به راستی : ۱۵۳
«پ»	به زنی دادن : ۱۵۵
پاداش : ۱۳۵، ۱۳۲	به زنی کردن : ۱۵۵
پادشاهی : ۱۳۶	بهشت : ۱۵۵
پاره پاره کردن : ۱۶۴	به صلاح آوردن : ۱۵۵
پاسخ کردن : ۱۴۸	به صلاح شدن : ۱۴۴
پاك : ۱۶۲	به گمانان : ۱۳۱
پاك خدايا : ۱۳۷	به لغو : ۱۵۶
پاك شدن : ۱۵۶	به نیرومند کردن : ۱۶۲
پاك کردن : ۱۳۸	به یقین بودن : ۱۶۱
پاكیزگان : ۱۵۶	بی آگاهی : ۱۴۱، ۱۳۲
پاكیزه کردن : ۱۳۹	بیان : ۱۵۸
پای گشادگی : ۱۵۷	بیان کردن : ۱۵۷، ۱۴۴
پاینده : ۱۶۳	بی پدران : ۱۵۴، ۱۴۶
پدر : ۱۵۱	بیچاره کردن : ۱۳۹
پدید کردن : ۱۳۷	بی حساب : ۱۵۳
پرستار : ۱۵۵	بی خردان : ۱۴۵
پرستندگان : ۱۴۶، ۱۴۰، ۱۳۸	بیرون آمدن : ۱۶۱
پرهیز : ۱۶۰	بیرون آوردن : ۱۶۵، ۱۶۳
پرهیز کردن : ۱۴۷	بیرون آینده : ۱۴۵
پرهیز گاران : ۱۶۰، ۱۴۷	بیرون شدن : ۱۴۲
پرهیز گاری : ۱۵۹	بیرون کردن : ۱۳۲
پرهیز گاری کردن : ۱۵۶	بیشتر : ۱۶۰
پسر : ۱۶۲	بیماری : ۱۵۴
پس رو : ۱۴۱	بیم کننده : ۱۳۷

تشریق : ۱۵۲	پس روی کردن : ۱۴۵، ۱۴۱
تعریض کردن : ۱۵۸	پند دهنده : ۱۵۸
تقاضا کردن : ۱۴۷	پند گرفتن : ۱۵۵
تقرب کردن : ۱۴۴	پنهان : ۱۶۶
تکبیر گفتن : ۱۴۸	پوشش : ۱۴۸
تمام کردن : ۱۴۳، ۱۴۹	پوشیدن حق : ۱۴۲
تن : ۱۳۸	پیاده : ۱۵۹
تنگ کردن روزی : ۱۶۰	پیدا : ۱۳۴، ۱۶۴
تنگ و دشوار گرفتن : ۱۵۵	پیدا کردن : ۱۶۳
توانا : ۱۶۴	پیروی کردن : ۱۳۸
توانگر : ۱۵۹	پیری : ۱۶۵
توبه دادن : ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۹	پیش رو : ۱۳۸
توبه دهنده : ۳۹، ۱۴۴	پیغامبر : ۱۶۰
توبه کاران : ۱۵۶	پیمان گرفتن : ۱۳۲
توبه کردن : ۱۴۴	پیوستگی : ۱۴۵
تیز : ۱۶۵	

«ت»

«ث»

ثابت گردانیدن : ۱۶۵	تاخیر کردن :
ثواب گاه : ۱۳۸	تاخیر کننده عقوبت : ۱۵۸، ۱۶۴
	تاریکیهای ضلالت : ۱۶۳
	تباه شدن : ۱۶۲

«ج»

جادوی : ۱۳۵	توس : ۱۶۴
جاوید : ۱۴۴	ترسانندگان : ۱۵۳
جاویدان : ۱۵۵	ترسایان : ۱۳۶
جای باز شدن : ۱۳۹	ترسکار : ۱۵۲
جایگاه : ۱۳۸، ۱۴۹	ترسکاران : ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۶۰
	تزکیت : ۱۴۱
	تسخیر کردن : ۱۵۳

حکم کننده : ۱۵۵

حکما : ۱۵۷

حکیمان : ۱۴۱

حالاها : ۱۶۵

«خ»

خاصه کردن : ۱۳۵

خالص : ۱۴۰

خداوند خویشی : ۱۳۱

خداوند فضل : ۱۳۵، ۱۶۲

خدای یکتا : ۱۴۰

خراب کردن : ۱۳۷

خرد قطره : ۱۶۵

خرید و فروخت : ۱۶۲

خشك : ۱۶۵

خشم : ۱۳۳

خشنودی خدا : ۱۶۵

خلاف کردن : ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۵۳

خواب آسایش : ۱۶۳

خواب با زن : ۱۶۳

خوار کننده : ۱۳۳

خواری : ۱۳۲، ۱۳۷

خواسته : ۱۴۶

خواسته ها : ۱۴۳

خواهندگان : ۱۴۷

خود : ۱۵۴

خوش آمدن : ۱۵۵

خوشه : ۱۶۴

جدا کردن : ۱۳۵

جدا کننده : ۱۴۸

جزا دادن : ۱۳۸

جستن خشنودی : ۱۶۵

جستن رضا : ۱۶۶

جمله : ۱۵۹

جنبنده : ۱۴۴

جوی : ۱۶۱

جویهای آب : ۱۶۵

جهاد : ۱۵۵

جهانیان : ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۶۲

جهودان : ۱۳۶

چشم برهم نهادن : ۱۶۵

چشم داشتن : ۱۵۳

«ح»

حاضران : ۱۳۲، ۱۳۹

حاضر شدن مرگ : ۱۳۹

حجت آوردن : ۱۳۶، ۱۴۰

حجتها : ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۶۰

حجتهای پیدا : ۱۳۴

حجتهای روشن : ۱۵۳

حج کردن : ۱۴۳

حرام کردن : ۱۴۶

حسرتها : ۱۴۵

حشر کرده : ۱۵۲

حکمت : ۱۳۹

حکم کردن : ۱۵۳

دست در زدن : ۱۶۳	خون ریختن : ۱۳۲
دستوری : ۱۶۱	خویش : ۱۵۴، ۱۶۱
دشمن : ۱۵۳، ۱۵۹	خویشاوندان : ۱۵۴
دشوار : ۱۴۱	خویشاوندان نزدیک : ۱۴۶
دشوار آمدن : ۱۶۳	خویشتن : ۱۵۷، ۱۵۹
دشوار گرفتن : ۱۵۵	خویشتن داری : ۱۶۶
دشواری : ۱۴۸	خیانت کنان : ۱۴۹
دل : ۱۵۸، ۱۵۲	
دلیر کردن : ۱۴۶	« ۵ »
دنیا : ۱۵۳	دانا : ۱۵۴، ۱۵۶
دوان دوان : ۱۶۴	دانش : ۱۳۸
دوچندان : ۱۶۰، ۱۶۵	داننده : ۱۳۴
دوزخ : ۱۳۷، ۱۴۴	دانه افگندن : ۱۶۴
دوست : ۱۶۳	داوری : ۱۳۸
دوست داشتن : ۱۳۲، ۱۳۴	داوری کردن : ۱۳۷
دوستی خدا : ۱۴۵	در آمدن : ۱۵۳
دون : ۱۳۴	در آموختن : ۱۴۳، ۱۶۲
دیو : ۱۵۳	در حال : ۱۶۰
دیوان : ۱۳۵	دردناك : ۱۳۵
« ذ »	درست : ۱۶۵
ذبح کردن : ۱۴۶	در گذشتن از کسی : ۱۴۹
ذکر کردن : ۱۵۱	درنگ کردن : ۱۵۷، ۱۶۳
« ر »	در نهان : ۱۵۸
راست دارنده : ۱۳۳، ۱۳۴	درویش : ۱۵۹، ۱۶۴
راست گویان : ۱۳۴	درویشان : ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۵۴
راستی : ۱۶۲	درویشی : ۱۴۷
راه خدای : ۱۳۸	دریا : ۱۴۴

- راه راست : ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۵
 راه گذریان : ۱۴۷
 راه‌نمای : ۱۳۴
 راه نمودن : ۱۴۱، ۱۵۳
 راه یافتگان : ۱۴۳
 راه یافتن : ۱۴۰
 رجوع کردن : ۱۵۷
 رحمت کننده : ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶
 رذاله : ۱۶۵
 رستخیز : ۱۳۷، ۱۴۶
 رسته شده : ۱۳۴
 رشته سپید : ۱۴۹
 رشته سیاه : ۱۴۹
 رضای خدا : ۱۵۲، ۱۶۶
 رنج : ۱۵۸، ۱۶۴
 رنجش : ۱۶۴
 رنجوری : ۱۵۰
 روا : ۱۵۵
 روان کرده : ۱۴۴
 روز آخرت : ۱۳۸
 روز رستخیز : ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۶
 روز قیامت : ۱۵۸، ۱۶۴
 روزه : ۱۴۸
 روزهای شمرده : ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۲
 روزه داشتن : ۱۴۸
 روزی : ۱۶۰
 روزی دادن : ۱۳۸
 روزی دهنده : ۱۴۴
 روزی کردن : ۱۴۶
 روشن : ۱۵۳
 روشنایی هدایت : ۱۶۳
 روی سپاردن : ۱۳۶
 روی گردانندگان : ۱۳۷
 روی گرفتن : ۱۳۷
 رها کردن : ۱۵۷
 ره گذریان : ۱۵۴
 « ز »
 زشتی : ۱۴۵
 زکات دادن : ۱۶۵
 زلزله کرده : ۱۵۴
 زمین : ۱۵۲، ۱۶۲
 زن : ۱۵۶، ۱۵۷
 زنان بت پرست : ۱۵۵
 زنان طلاق داده : ۱۵۷
 زنان هشته (مطلقات) : ۱۶۰
 زندگان : ۱۴۳
 زندگانی : ۱۵۲
 زندگانی دنیا : ۱۵۲
 زنده پاینده : ۱۶۳
 زنده کردن : ۱۴۴
 زودکننده شمار : ۱۵۲
 زیادت کردن : ۱۴۳
 زیاده گرداندن : ۱۶۴
 زیان کاران : ۱۳۸
 زیر : ۱۶۵

« س »

ساکن : ۱۴۱

سال : ۱۵۹

سبک کردن عذاب : ۱۴۴

سبکی : ۱۴۷

ستردن سر : ۱۵۰

ستمگار : ۱۳۷، ۱۴۵

ستمگاران : ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۶۲

سجودکنندگان : ۱۳۸

سختر : ۱۴۵

سخترین : ۱۳۲

سخت خصومت : ۱۵۲

سخت عذاب : ۱۴۵

سخت عقوبت : ۱۵۱، ۱۵۳

سختیها : ۱۴۷

سخن : ۱۳۸

سخن گفتن : ۱۶۲

سخون : ۱۳۷

سخون گفتن : ۱۴۶

سرای بازپسین : ۱۳۴

سرایها : ۱۳۲، ۱۶۰

سزاوار آمدن : ۱۳۳

سنت گذاشتن : ۱۵۶

سنگ : ۱۶۵

سود کردن : ۱۳۵، ۱۳۸

سوگندان : ۱۵۶

سوگندها : ۱۳۱

سوی : ۱۵۳، ۱۶۰

سهمناک : ۱۵۳

سیکی : ۱۵۵

سیمای روی : ۱۶۶

« ش »

شاكران : ۱۴۸

شب و روز : ۱۶۶

شراب : ۱۶۳

شرع : ۱۵۵

شریعت : ۱۵۸

شفاعت : ۱۶۲

شفاعت کردن : ۱۶۳

شکر کردن : ۱۴۳، ۱۴۶

شکستن کسی را : ۱۶۲

شکوه مند : ۱۴۲

شکهمند : ۱۴۱

شکيباآن : ۱۴۳

شکيبایان : ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۱

شکيبایی : ۱۴۳

شمار : ۱۵۲

شمرده : ۱۳۱، ۱۴۸

شنا : ۱۳۹، ۱۶۳

شوهر : ۱۵۷، ۱۵۸

شیطان : ۱۶۳

« ص »

- صحبت زنان : ۱۵۶
 صحبت کردن با زن : ۱۵۱
 صدقه : ۱۶۴
 صلاح : ۱۶۵
 صلاح آرنده : ۱۵۵
 صالح : ۱۵۷
 « ض »
 ضایع کردن : ۱۴۱
 ضعیف : ۱۶۵
 ضلالت : ۱۶۳
 « ط »
 طاعت : ۱۵۲، ۱۶۶
 طاقیت بودن : ۱۶۱
 طعام : ۱۶۳
 طلاق : ۱۵۶
 طلاق دادن : ۱۵۷
 طلاق داده : ۱۵۷
 طواف کردن : ۱۴۴
 طواف کنندگان : ۱۳۸
 « ظ »
 ظالمان : ۱۶۰
 ظلم کردگان : ۱۶۶
 ظلم کردن : ۱۵۸
 « ع »
 « ف »
 فاسقان : ۱۳۴
 فتنه : ۱۵۴
 فدا خواستن : ۱۳۲
 عبادتگاه : ۱۳۹
 عجب داشتن : ۱۵۲
 عداوت : ۱۵۲
 عدت : ۱۵۷، ۱۶۰
 عدت نوشته : ۱۵۸
 عدل : ۱۴۱
 عذاب آتش : ۱۳۹
 عرضه کردن : ۱۳۳
 عطا : ۱۶۴
 عفو کردن : ۱۳۶، ۱۴۶
 عقد نکاح : ۱۵۸
 عقوبت : ۱۵۱، ۱۵۳
 علم : ۱۶۱
 عمره کردن : ۱۴۳
 عمل کردن : ۱۴۱
 عملها : ۱۴۵
 عهد کردن : ۱۳۴، ۱۴۷
 عهد گرفتن : ۱۳۱، ۱۳۸
 « غ »
 غزا کردن : ۱۵۵
 غلبه کردن : ۱۶۱
 « ق »
 قساوت : ۱۳۴
 قتنه : ۱۵۴
 قدا خواستن : ۱۳۲

قباة حق : ۱۴۱	فدا دادن : ۱۴۸
قدر : ۱۵۵، ۱۵۹	فدا کردن : ۱۴۸
قصد کردن : ۱۵۶	فدیه : ۱۵۰
قطره : ۱۶۵	فراخ : ۱۶۳
قمار : ۱۵۵	فراخ دستی : ۱۶۱
قول : ۱۳۷	فراخ شدن : ۱۶۳
قوم موسی : ۱۶۱	فراخ عطا : ۱۳۷، ۱۶۱
قیامت : ۱۵۸، ۱۶۵	فراخ کردن : ۱۶۰
	فرارسیده : ۱۴۳
«ك»	فراموش کردن : ۱۵۹
کاین : ۱۵۸، ۱۵۹	فرزند : ۱۵۷، ۱۶۵
کار : ۱۶۵	فرشتگان : ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۶۱
کاردنیا : ۱۵۳	فرمان : ۱۵۵
کارزار : ۱۶۰	فرمان برداران : ۱۳۷
کارزار کردن : ۱۶۲	فرمان بردن : ۱۳۳
کار کردن به عقل : ۱۶۰	فرمان خدای : ۱۳۴، ۱۳۵
کارکننده‌ی به حکمت : ۱۵۹	فرمانها : ۱۵۷
کافران : ۱۳۳	فرود آوردن : ۱۳۴
کتاب : ۱۵۳، ۱۵۸	فرورستاندن : ۱۳۳، ۱۴۵
کراهیت : ۱۵۴	فریضه کردن : ۱۵۹
کردارها : ۱۴۰، ۱۶۳	فساد کردن : ۱۵۲
کرسی : ۱۶۳	فضل دادن : ۱۳۸
کسب کردن : ۱۴۰	
کشت : ۱۵۲	«ق»
کشت زار : ۱۵۶	قادر : ۱۶۴
کشتگان : ۱۴۷	قادر به عقوبت : ۱۵۵
کشتی : ۱۴۴	

گمراهی: ۱۴۶	کف: ۱۶۱
گم شدن: ۱۳۶	کفارت: ۱۵۶
گناه: ۱۵۴	کفر: ۱۵۴
گواهان: ۱۴۱	کوه: ۱۶۴
گواهی دادن: ۱۵۲	
گواهی: ۱۴۱	« گ »
گوسفند: ۱۵۰	گامهای دیو: ۱۴۵
گوشت: ۱۶۴	گاه: ۱۴۷
گوشه گرفته: ۱۶۶	گذشتن از چیزی: ۱۵۷
گوشه‌ی محکم: ۱۶۳	گران و دشوار آمدن: ۱۶۳
گیرنده‌ی مال: ۱۶۵	گردانیدن بادها: ۱۴۴
	گردانیدن روی: ۱۴۱
« ل »	گردندگان: ۱۴۳
	گردن نهادن: ۱۳۹
لشکر: ۱۶۱	گردن نهادندگان: ۱۴۰
لغت: ۱۴۴	گردیدگان: ۱۳۹
	گرسنگی: ۱۴۳
« م »	گرفتن به چیزی: ۱۵۶
	گروه: ۱۶۱، ۱۳۷
مال: ۱۶۵	گروهان: ۱۳۹
ماننده: ۱۳۷	گرویدگان: ۱۳۳
ماه: ۱۵۶	گرویده: ۱۳۹، ۱۵۵
مباشرت کردن: ۱۴۹	گزند کنندگان: ۱۳۵
متابع: ۱۴۱	گشودگی: ۱۶۱
متابعت کردن: ۱۳۵، ۱۳۸	گفتار: ۱۵۸
متاع: ۱۵۹	گفتارها: ۱۶۳
مثل: ۱۵۴، ۱۶۵	گمان‌مندان: ۱۴۲
محراب: ۱۴۲	گمراه: ۱۶۳
محکم: ۱۶۳	

مومنان : ۱۵۶	محنت : ۱۵۴
مه (= نه) : ۱۳۹	مرغ : ۱۶۴
مهر : ۱۵۹	مردگان : ۱۴۳
مهربان : ۱۵۲	مردم : ۱۵۴
مهلت دادن : ۱۴۴	مردمان : ۱۶۶، ۱۵۲
میانگین : ۱۵۹	مرگ : ۱۴۴
میخ : ۱۵۳	مزگت : ۱۳۷
میل کردن : ۱۴۷	مزگت حرام : ۱۴۹
میوه‌ها : ۱۳۸	مزگت شکم‌مند : ۱۴۱، ۱۴۲
	مزگتها : ۱۴۹
« ن »	مژده دادن : ۱۴۳
نادانان : ۱۴۱	مژده ده : ۱۳۴
ناسپاسی کردن : ۱۶۳	مژده دهنده : ۱۵۳
ناشکری : ۱۴۳	مسامحت کردن : ۱۵۹
نافله کردن : ۱۴۴	مسکینان : ۱۴۶
ناگرویدگان : ۱۳۵، ۱۶۱	مسمی کردن : ۱۵۹
نامه : ۱۴۶	مشده دادن : ۱۵۶
نامهٔ خدای : ۱۳۵	مشرکان : ۱۴۰
نانویسندگان : ۱۳۱	مفسد : ۱۵۵
نبوت : ۱۶۲	مقرشدن : ۱۳۲
نزدیکی کردن : ۱۵۶	ملت : ۱۳۸
نسکها : ۱۵۱	ملك : ۱۶۰
نشان : ۱۴۱	ملکت : ۱۶۱
نشانه‌ها : ۱۶۰	منت نهادن : ۱۳۸
نشانه‌های خدا : ۱۴۳	منسوخ کردن : ۱۳۵
نصرت : ۱۵۴، ۱۶۱	منفعت کردن : ۱۴۴
نصرت دادن : ۱۶۲	منفعتها : ۱۵۵
نصیب : ۱۵۲	موافق : ۱۵۸

نعمت خدای: ۱۵۸، ۱۵۳

نفرین: ۱۳۳

نفرین خدای: ۱۴۴

نفرین کردن: ۱۳۲، ۱۴۴

نفرین کنندگان: ۱۴۴

نقعه: ۱۶۰

نقعه کردن: ۱۶۵

نکاح: ۱۵۹

نکاح کردن: ۱۵۷

نگاه داشت: ۱۶۳

نگاه داشتن: ۱۵۷

نگه کردن: ۱۶۳

نماز: ۱۵۹

نماز دیگر: ۱۵۹

نماز کردن: ۱۵۹

نمازگاه: ۱۳۸

نماز میانگین: ۱۵۹

نمازها: ۱۵۹

نمایش مردمان: ۱۶۴

نوشته: ۱۵۸

نهان: ۱۵۸

نیرومند کردن: ۱۳۲

نیست: ۱۶۵

نیست شدن: ۱۵۲

نیکان: ۱۳۹

نیکو: ۱۵۸

نیکوکار: ۱۳۶، ۱۵۹

نیکویی: ۱۵۷

نیکی: ۱۵۲، ۱۶۶

نیکی کردن: ۱۵۶

نیم: ۱۵۹

« و »

واجب شدن: ۱۵۶

والایش: ۱۵۶

وام دادن: ۱۶۰

وجه: ۱۵۸

وصیت کردن: ۱۵۹

وصیت کننده: ۱۴۷

وعده کردن: ۱۵۸

« ه »

هجرت کردن: ۱۵۵

هدایت دادن: ۱۴۱

هزینه کردن: ۱۵۰

هشتم: ۱۶۰

هلاک کردن: ۱۵۲

هویدا: ۱۵۳

« ی »

یاد کردن: ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۵۱

یاران دوزخ: ۱۳۷

یاری خواستن: ۱۴۳

یاری دادن: ۱۲۳، ۱۳۸

یاری کننده: ۱۳۶، ۱۳۸

یتیمان: ۱۳۱

یقین داشتن: ۱۳۷، ۱۵۷

یکتا کرده: ۱۳۴

یکی: ۱۴۴

لغات و ترکیبات عربی به فارسی بخش دوم

«ا»

- آباء - پدران : ۱۴۵
 الآخرة - آخرت : ۱۳۲، ۱۵۴
 آمنوا - بگرویده‌اید : ۱۴۵
 آیات بینات - حجت‌های پیدا : ۱۳۴
 آیه - نشانی : ۱۶۳

«ا»

- ابتغاء - جستن : ۱۵۲، ۱۶۵، ۱۶۶
 ابتغوا - بجوید : ۱۴۹
 ابتلى - آزمودن کرد : ۱۳۸
 ابدا - هرگز : ۱۳۴
 ابناء - فرزندان : ۱۶۰
 ابن السبيل - راه‌گذریان : ۱۴۷، ۱۵۴
 ابواب - درها : ۱۴۹
 اتباع - پس‌روی : ۱۴۷
 اتقوا - بترسید : ۱۵۱
 اثم - بزه ، گناه : ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۴۸
 اثم - بزه : ۱۵۵
 اجر - مزد : ۱۳۶، ۱۶۴
 اجعل - بکن : ۱۳۸
 احق - اولیتر : ۱۵۷، ۱۶۱
 اذكروا - یاد کنید : ۱۵۸
 اذن - دستور : ۱۶۳
 اذن - فرمان : ۱۳۴
 اذى - رنج : ۱۵۶، ۱۶۴
 الاذى - رنجوری : ۱۵۰
 الاذى - رنجانیدن : ۱۶۴
 ارزق - روزی ده : ۱۳۸
 ارنى - بنمای : ۱۶۴
 اسارى - اسیران : ۱۳۲
 الاسباب - پیوستگیها : ۱۴۵
 اسباط - فرزندان : ۱۴۱
 استعینوا - یاری خواهید : ۱۴۳
 استغفروا - آمرزش خواهید : ۱۵۱

امن - ایمنگاه : ۱۳۸
 اموال - خواسته‌ها : ۱۶۴
 امیون : نا نویسندگان : ۱۲۱
 انالله - خدای راییم : ۱۴۳
 انبثت - برویاند : ۱۶۴
 الانشی - ماده ، زن : ۱۴۷
 انداد - انباز : ۱۴۴
 انزل - فرو فرستاد : ۱۳۳
 الانفس - تن‌ها : ۱۳۲
 انفصام - بریدن : ۱۶۳
 انفقوا - هزینه کنید : ۱۵۰
 الانهار - جویهای آب : ۱۶۵
 اولم تو من - انگرویدی : ۱۶۴
 اولی الالباب - خداوندان عقل : ۱۵۱
 اهواء - آرزوها : ۱۳۸
 ایام معدودات - روزهای شمرده : ۱۴۸۰۱۳۱
 ۱۵۲
 ایمان - سوگنددان : ۱۵۶
 ایمان - گرویدن : ۱۳۳
 « ب »
 الباس - سختیها و محنتها : ۱۴۷
 الباسا - درویشی و بیماری : ۱۵۴ ، ۱۴۷
 بئس المصیر - بدجای باز شدن : ۱۳۹
 بئس المهاد - بد آرام گاه : ۱۵۲
 باذنه - به فرمان او : ۱۵۵
 بالحق - به سزا : ۱۶۲
 بدیع السموات والارض - آفریدگار آسمانها و

استکبر بر تم - بزرگی جستید : ۱۳۲
 استمسك - دست درزد : ۱۶۳
 اسلم - سپارد : ۱۳۶
 اسلم - گردن نه : ۱۳۹
 اشد - سختترین ، سختتر : ۱۳۲ ، ۱۴۵
 اشركوا - انباز گرفتند : ۱۳۴
 اصا به الکبر - برسد او را پیری : ۱۶۵
 اصحاب الجحیم - یاران دوزخ : ۱۲۷
 اصحاب النار - اهل آتش : ۱۵۴
 اصطفی - بگزید : ۱۳۹
 اصطفيه - برگزید او را : ۱۶۱
 اظلم - ستمگار تر : ۱۳۷
 اعترلوا - جداشوید : ۱۵۶
 اعجبکم - خوش آید شمارا : ۱۵۵
 اعصار - باد : ۱۶۵
 اعناب - انگورها : ۱۶۵
 اغنیا - توانگران : ۱۶۶
 افرغ - بریز : ۱۶۱
 اقام الصلوة - به پای داشت نماز را : ۱۴۷
 اقرب - نزدیکتر : ۱۵۹
 الاقر بین - بخویشاوندان : ۱۴۷ ، ۱۵۴
 اقیعوا - به پای دارید : ۱۳۱ ، ۱۳۶
 الوف - هزاران : ۱۶۰
 الیم - سخت دردناک : ۱۳۵
 امام - پیش رو : ۱۳۸
 امانیم - آرزوهاشان : ۱۳۶
 امة - گروهان ، گروه : ۱۳۹ ، ۱۴۰
 الامر - کار دنیا : ۱۵۳

زمین: ۱۳۷

البر - نیکی: ۱۴۶، ۱۴۹

برزوا - بیرون آمدند: ۱۶۱

بسطة فی العلم - گشودگی و فضل در علم: ۱۶۱

بشر - مشاهده: ۱۵۶

بشری - مؤده ده: ۱۳۴

بعض - برخی: ۱۳۲

بعض - بهر: ۱۴۲، ۱۶۳

بعید - دور و دراز: ۱۴۶

بغی - افزون جستن: ۱۳۳

بغیر حساب - بی حساب: ۱۵۳

بکم - گنگ: ۱۴۵

بیع - خرید و فروخت: ۱۶۲

البیوت - خانه‌ها: ۱۴۹

« ت »

تابع - پس رو: ۱۴۲

تبر - بیزار شدند: ۱۴۵

تبیین لهم - پدیدشان شد: ۱۳۶

تخفیف - سبکی: ۱۴۷

تسریع - رها کردن: ۱۵۷

تشابهت - مانده شد: ۱۳۷

تصریف الریاح - گردانیدن بادها: ۱۴۴

التمعف - خویشتن داری: ۱۶۶

تقبل - پذیر: ۱۳۹

التوابین - توبه کاران: ۱۵۶

« ث »

ثبت - به جای دار: ۱۶۱

الثمرات - میوه‌ها: ۱۳۸، ۱۴۳

« ج »

جزاء - پاداش: ۱۳۲

جناح - بزه: ۱۵۷، ۱۵۹

جنت - بوستان: ۱۶۵

الجنود - لشکر: ۱۶۱

الجوع - گرسنگی: ۱۴۳

جهنم - دوزخ: ۱۵۲

« ح »

حب - دوستی: ۱۴۶

حبة - دانه: ۱۶۴

حذر - پرهیز: ۱۶۰

الحر - آزاد: ۱۴۷

الحرث - کشت: ۱۵۲

حرث - کشتزار: ۱۵۶

الحساب - شمار: ۱۵۲

حسرات - حسرت‌ها: ۱۴۵

حفظهما - نگاه داشت ایشان دو: ۱۶۳

حق - سزا: ۱۳۸

حلیم - با پس دارنده عقوبت: ۱۵۶

حلیم - تأخیر کننده عقوبت: ۱۵۹، ۱۶۴

الحی القیوم - زنده پاینده: ۱۶۳

حیوة - زندگانی: ۱۳۴

« خ »

ذوی القربی - خویشاوندان نزدیک : ۱۴۶
ذی القربی - خداوند خویشی : ۱۳۱

« ر »

رئال الناس - به نمایش مردمان : ۱۶۴
راجعون - گرداندگانیم : ۱۴۳
رب - خدای : ۱۴۳
ربوة - بالائی : ۱۶۵
رحمة - آمرزش : ۱۴۷
الرحمن - روزی دهنده : ۱۴۴
الرحیم - بخشاینده : ۱۳۹
رحیم - رحمت کننده : ۱۴۰، ۱۵۰
الرشد - راه راست : ۱۶۳
رفت - صحبت (زنان) : ۱۴۸
رفع - برداشت : ۱۶۲
رفعنا - برداشتیم : ۱۳۳
رزقناکم - روزی کرده ایم شمارا : ۱۶۲
رکباننا - برنشته : ۱۵۹
رؤس - سرها : ۱۵۰
رؤف - مهربان : ۱۵۲
الرباح - بادها : ۱۴۴

« ز »

الزاد - توشه : ۱۵۱
زاده - بیفزود اورا : ۱۶۱
زین - آراسته شد : ۱۵۳

« س »

خائفین - ترسکاران : ۱۳۷
خارجین - بیرون آیندگان : ۱۴۵
خاسرون - زیان کاران : ۱۳۸
خالصة - یکتا کرده : ۱۳۴
الخبیث - بدترین : ۱۶۵
خبیر - آگاه : ۱۵۸
خزی - خواری : ۱۳۲، ۱۳۷
الخصام - سخت خصومت : ۱۵۲
خطبة النساء - خواستن زنان : ۱۵۸
خطوات الشیطان - گامهای دیو : ۱۴۵، ۱۵۳
خاق - آفریدن : ۱۴۴
خلعة - دوستی : ۱۶۲
الخمر - سکی (ظ: سیکی) : ۱۵۵
الخوف - ترس : ۱۳۶
الخیط الابيض - رشته ی سپید : ۱۴۹
الخیط الاسود - رشته ی سیاه : ۱۴۹
الدار الاخرة - سرای بازپسین : ۱۳۴
الداع - خوانندگان : ۱۴۸
دعا - خواندن : ۱۴۵
دفع - بازداشتن : ۱۶۲
الدنيا - این جهان : ۱۳۲، ۱۵۴
دون الله - بیرون خدای : ۱۳۶
دون الناس - بیرون مردمان : ۱۳۴
دیار - سرای ها : ۱۳۲، ۱۶۰

« ذ »

ذرية - فرزندان : ۱۶۵
ذو فضل - خداوند فضل : ۱۳۵

الساثلین - خواهندگان: ۱۴۷

سبیل الله - راه خدای: ۱۶۶

سحر - جادوی: ۱۳۵

سرا - درنهان، پنهان: ۱۵۸، ۱۶۶

سعة - فراخ دستی: ۱۶۱

سعی - بشتافت: ۱۳۷

سعی - دوان دوان: ۱۶۴

السفها - نادانان: ۱۴۱

سکینه - آرامش: ۱۶۱

السلم - آشتی: ۱۵۳

السمیع - شنوا: ۱۳۹، ۱۵۶

سنبلة - خوشه: ۱۶۴

سنه - خواب آسایش: ۱۶۳

سواء السبیل - راه راست: ۱۳۶

« ش »

شدیدا العقاب - سخت عقوبت: ۱۵۱

شقاق - بدبختی: ۱۴۰

شهادة - گواهی: ۱۴۱

شهدا - گواهان: ۱۴۱

الشیاطین - دیوان: ۱۳۵

الشیطان - دیو: ۱۴۵، ۱۵۳

« ص »

الصابرین - شکیبایان: ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۱

صادقین - راست گویان: ۱۳۴، ۱۳۶

الصالحین - نیکان: ۱۳۹

الصبر - شکیبایی: ۱۴۳

صراط مستقیم - راه راست: ۱۵۳

صفوان - سنگ: ۱۶۵

صلد - خشک: ۱۶۵

الصلوات - نمازها: ۱۵۹

الصلوة - نماز: ۱۲۳

الصلوة الوسطی - نماز میانگین، نماز دیگر:

۱۵۹

صم - کر: ۱۴۵

« ض »

ضارین - گزند کنندگان: ۱۳۵

الضالین - گمراهان: ۱۵۱

الضرا - بیماری، رنج و محنت: ۱۴۷، ۱۵۲

ضل - گم شد: ۱۳۶

الضلالة - گمراهی: ۱۴۶

« ط »

طل - باران خرد قطره: ۱۶۵

الطلاق - پای گشادگی: ۱۵۷

طیب - پاک: ۱۴۵

طبیات - پاکیزه ها: ۱۴۵

« ظ »

ظالمون - ستمگاران: ۱۳۳، ۱۵۷

الظالمین - ستمگاران: ۱۳۴، ۱۳۸

الظلمات - تاریکیها: ۱۶۳

« ع »

عابدون — پرستندگان : ۱۳۰
 العاکفین — پرستندگان : ۱۳۸
 العالمین — جهانیان : ۱۳۸، ۱۶۲
 عدل — داوری : ۱۳۸
 عدوان — از حد در گذشتن : ۱۳۲
 عدوان — ستم : ۱۵۰
 عدومبین — دشمن آشکارا : ۱۴۵
 عدومبین — دشمن هویدا : ۱۵۳
 العروة الوثقی — گوشه‌ی محکم : ۱۶۳
 العزیز — بی‌همتا : ۱۳۹
 عزیز — ارجسند : ۱۵۳، ۱۵۷
 العسر — دشواری — ۱۴۸
 عصینا — فرمان نبردییم : ۱۳۳
 العظام — استخوانها : ۱۶۳
 عقدة — بستن : ۱۵۹
 علانیة — آشکارا : ۱۶۶
 علیم — داننده ، دانا : ۱۳۴، ۱۳۹

« غ »

غافل — بی‌آگاهی : ۱۳۲، ۱۴۱
 غضب — خشم : ۱۳۳
 غفور — آمرزگار : ۱۴۶، ۱۵۶
 الغمام — میغ : ۱۵۳
 غنی — بی‌نیاز : ۱۶۴
 الغی — گمراه : ۱۶۳

« ف »

فئة قلبیه — گروه اندک : ۱۶۱

« ق »

قاتلوا — کارزار کنید : ۱۴۹
 القتال — کارزار کردن ، کارزار : ۱۵۴، ۱۶۰
 القتلی — کشته‌گان : ۱۴۷
 قدیر — توانا : ۱۳۵
 قرض — وام : ۱۶۰
 قصاص — برابری : ۱۴۷
 قليل — اندک : ۱۳۲
 القواعد — بنیانها : ۱۳۹
 قوة — نیرو : ۱۳۳
 قول — گفتار، سخن : ۱۵۸، ۱۶۴
 قوم — گروه : ۱۵۷
 القیوم — پاینده : ۱۶۳
 القيامة — رستخیز : ۱۳۲

« ك »

کافرین — ناکر ویدگان : ۱۳۵، ۱۶۲

البحرین - نیکوکاران : ۱۵۰، ۱۵۹
 محل - جایگاه : ۱۵۰
 مخلصون - پرستندگان خالص : ۱۴۰
 مزحزه - رسته شده : ۱۳۴
 مساجد - مزگنها : ۱۳۷، ۱۴۹
 المساکین - درویشان : ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۵۴
 المسجد - مزگت : ۱۴۱
 المسجد الحرام - مزگت شکهمند : ۱۴۱
 شکوهمند : ۱۴۲
 مسلم - گرویده : ۱۳۹
 مسلمون - گردن نهادندگان : ۱۴۰
 المشرکات - زنان بت پرست : ۱۵۵
 المشرکین - بت پرستان : ۱۵۵
 مصدق - راست دارنده : ۱۳۳
 مصلی - نمازگاه : ۱۳۸
 مصیبة - فرا رسیده : ۱۴۳
 المطلقات - زنان هشته : ۱۶۰
 المعتدین - ستمگاران : ۱۴۹
 معرضون - روی گردانندگان : ۱۳۲
 المغفرة - آمرزش : ۱۴۶، ۱۵۵
 المغفرة - آمرزش : ۱۶۴
 مقام - جایگاه : ۱۳۸
 المقتر - درویش : ۱۵۹
 الملائكة - فرشتهگان : ۱۳۴
 ملة - دین : ۱۳۹
 الملك - پادشاهی : ۱۳۶
 ممتربین - گمانمندان : ۱۴۲
 منذرین - ترسانندگان : ۱۵۳
 منع - بازداشتن : ۱۳۷
 المهاد - آرامگاه : ۱۵۲

الکبر - پیری : ۱۶۵
 کتاب - نامه : ۱۳۵، ۱۳۸
 کذبتم - به دروغ گرفتید : ۱۳۲
 کلام الله - سخن گفت خدای با او : ۱۶۲

« ل »

لا تتبعوا - پس روی مکنید : ۱۴۵
 تخلقوا - بمسیرید : ۱۵۰
 لاتعتدوا - ستم مکنید : ۱۴۹
 لاتعزموا - آهنگ مکنید : ۱۵۸
 لاتنکحوا - مکنید به زنی : ۱۵۵
 الملائعون - نفرین کنندگان : ۱۴۴
 لامة - پرستار : ۱۵۵
 لباس - پوشش : ۱۴۸
 لبث - درنگ کردی : ۱۶۳
 لعنت - نفرین : ۱۳۳
 لن یدخل - اندر نشود : ۱۳۶
 لویعمر - اگر بزید : ۱۳۴
 اللیل - شب : ۱۴۴

« م »

المال - خواسته : ۵۳
 مبرین - مژده دهنده : ۱۵۳
 مبین - آشکارا : ۱۴۵
 مبین - هویدا : ۱۵۳
 المتطهرین - پاکیزگان : ۱۵۶
 المتقون - پرهیزگاران : ۱۴۷
 المتقین - ترسکاران و پرهیزگاران : ۱۶۰
 مثابة - ثوابگاه : ۱۳۸
 مشوبة - پاداش : ۱۳۵

المهتدون - راه یافتگان : ۱۴۳

مهین - خوارکننده : ۱۳۳

الموت - مرگ : ۱۳۴

الموتی - مردگان : ۱۶۴

الموسع - توانگر : ۱۵۹

الموفون - بهجای آرندگان : ۱۴۷

مومن - گرویده : ۱۵۵

مومنه - گرویده : ۱۵۵

مومنین - گرویدگان : ۱۳۳

مومنین - باوردارندگان : ۱۶۱

المیته - مردار : ۱۴۶

میثاق - پیمان : ۱۳۲

المیسر - قمار : ۱۵۵

« ن »

نثبع - پس روی کنیم : ۱۴۵

نخیل - خرماسان : ۱۶۵

ندا - آواز : ۱۴۵

نذیر - بیم کننده : ۱۳۷

نزل - فرو فرستاد : ۱۴۶

نصاری - ترسایان : ۱۳۷

نصیب - بخش : ۱۵۲

نصیر - یاری کننده : ۱۳۶

نقص - کاستن : ۱۴۳

نهر - جوی : ۱۶۱

نوم - خواب بازن : ۳۶۱

« ه »

هدی - ره نمای : ۱۳۴

هدی - راه راشت : ۱۴۸

هزؤ - افسوس : ۱۵۸

« و »

واہل - باران بزرگ قطره : ۱۶۵

واہل - باران تیز : ۱۶۵

واسع - فراخ عطا : ۱۳۷، ۱۶۱

وصی - اندرز کرد : ۱۳۹

ولی - دوست : ۱۳۶

« ی »

الیتامی - بی پدران : ۱۵۴، ۱۴۶

یحکم - داوری کند : ۱۳۷

یختص - خاصه کند : ۱۳۵

الیسر - آسانی : ۱۴۸

یعلمون - می آموزانند : ۱۳۵

یکلمنا - سخون نگویما را : ۱۳۷

ینزل - فرو فرستندی : ۱۸۰

ینفقون - هزینه کنند : ۱۶۴

یوم القیامة - روز رستخیز : ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۵۳

نامهای کسان

و

فرق و قبایل

۱۰۹، ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۰۲، ۹۵، ۹۴، ۹۳	«آ»
۱۲۷، ۱۲۴، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۵	آدم (ع) : ۱۱۳
ابن عمر : ۶۹، ۱۰۳	
ابن مسعود : ۱۰۳	«ا»
ابو ایوب انصاری : ۶۶	ابراهیم (ع) : ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲
ابوبکر : ۷۶	۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۸۲، ۱۱۳، ۱۱۸
ابوبکر هذلی : ۱۱۹	۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲
ابوجعفر الرازی : ۴۹	۱۵۱، ۱۶۴
ابوجهل : ۷۹	ابراهیم نخعی : ۷۴
ابو دحداح : ۹۹	ابن جریج : ۱۸، ۹۹
ابو روق : ۸۰	ابن حضرمی : رك : عمرو بن الحضرمی
ابوسفیان : ۸۷	ابن عباس : ۶، ۷، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۵
ابوسهل انصاری : ۱۱، ۵۷، ۶۱، ۶۸، ۸۸	۳۷، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۵۸
۹۴، ۹۳	۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱
ابوصالح بن عباس : ۷۷، ۲۵	۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۰، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۱

ابو عثمان نهدی : ۱۰۶

ابوقیس : رك : صرمة بن انس

ابو مرثد : ۹۱

ابومنصور : ۵۷

ابوهریره : ۱۰۶

ابی بن كعب : ۸۰

اخنس بن شریق : ۷۴

اساف : ۴۴

اسحاق : ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۴۰

اسرایلیان : ۷

اسمعیل (ع) : ۱۵، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴

۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۰۸، ۳۶

اسمعیل بن هلقانا : ۱۰۷

اسمعیل غفاری : ۹۶

الیسع : ۸۲

امرؤ القیس بن عابس الكندی : ۶۲

انس بن مالك : ۷۳، ۱۱۶

ایوب : ۷

«ب»

بالقسم : رك : محمد(ص)

باقیس : رك : صرمة بن انس

بخت نصر : ۲۳

براء بن عازب : ۳۹، ۶۷

بشیر بن نعمان : ۹۴

بنو اسرایل : ۱۰۸

بنی اسرایل : ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹

۱۱۲، ۱۱۷

بنی اسرایلیان : ۱۰۹

بنی قریظه : ۵، ۶، ۲۱

بنی نضیر : ۶، ۲۱، ۸۷

بوایوب انصاری : رك : ابوایوب انصاری

بو بكر : رك : ابو بكر

بو بكر هذلی : رك : ابو بكر هذلی

بوجهل : رك : ابوجهل

بودحداح : رك : ابودحداح

بوروق : رك : ابوروق

بوسفیان : رك : ابوسفیان

بوسهل انماری : رك : ابوسهل انماری

بوصالح بن عباس : رك : ابوصالح بن عباس

بوعثمن نهدی : رك : ابوعثمان نهدی

بو قیس : رك : صرمة بن انس

بومرثد : رك : ابومرثد

بومنصور : رك : ابومنصور

بوهریره : رك : ابوهریره

«ت»

ترسا : ۵، ۳۶

ترسا آن : رك : ترسایان

ترسایان : ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۴، ۳۵، ۳۷

۵۳، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰

۱۴۱

«ث»

ثابت بن رفاعه : ۹۰

ثعلبة بن عنمه : ۶۲

«ج»

داود (ع) : ۷، ۱۱۱، ۱۱۲

«ر»

ربیع بن انس : ۷۹

رسول الله : رك : محمد (ص)

«ز»

زبیدی : ۴۷

زجاج : ۱۹، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۱، ۵۱

۷۸، ۸۰، ۹۲، ۱۰۶، ۱۱۴

زکریا (ع) : ۸

زهري : ۸۳

زید بن ثابت : ۱۰۳

«س»

سدى : ۴۹، ۵۱، ۵۶، ۶۱، ۷۳، ۸۰، ۱۰۵

سعد بن ابی وقاص : ۸۳

سعد بن مالك : ۸۴

سعد بن معاذ الانصارى : ۱۷، ۱۸

سعید بن جبیر : ۳۷، ۴۲، ۵۲، ۵۶، ۶۱، ۶۲

۸۳، ۱۱۸

سفیان ثوری : ۶۷

سلمان الفارسی : ۵

سليمان (ع) : ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۱۳، ۱۳۵

سهل تستری : ۷۳

«ش»

شمی : ۹۴

جالوت : ۷، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۶۱، ۱۶۲

جبرائیل : رك : جبریل

جبریل : ۷، ۱۳، ۱۴، ۳۸، ۳۹، ۵۸، ۱۱۳

۱۳۲، ۱۳۴، ۱۶۲

جموح : ۸۲

جهود : ۵، ۳۶

جهودان : ۳، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴

۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۳، ۳۴

۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۶، ۴۵

۵۳، ۵۹، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۱۱۲

۱۱۵

«ح»

حزقائیل : ۱۰۴

حسن بصری : ۵، ۲۳، ۲۸، ۳۶، ۴۲، ۵۱

۶۲، ۶۶، ۷۲، ۹۸، ۱۱۸، ۱۱۹

حکم بن کيسان : ۸۴

حمس : ۶۲، ۷۱

حمل : ۹۹

حبی بن اخطب : ۱۵

«خ»

خباب : ۷۹

خزاعه : ۶۳، ۷۱

خواجه بوسهل انمارى : رك : ابوسهل انمارى

خواجه بومنصور : رك : ابومنصور

«د»

شمعون : ١٠٥

عتبة بن ربیعہ : ٨٧

عتبة بن غزوان : ٨٤

عثمان : ١٢٠

عثمان بن عبدالله بن مغیره : ٨٤

عرب : ٢٢، ٧١، ١١٦

عزیز : ٤٧، ١١٧

عطا : ٤، ٨٠، ١٠٣

عكاشة بن محصن : ٨٤

عكرمه : ٩٦

علی (ع) : ١٢٧

علی بن الحسین (زین العابدین) : ٥

عمار : ٧٩

عمر : ١٣، ١٤، ٢٣، ٥٩، ٦٠، ٨٧، ١٢٤

عمرو بن الحضرمی : ٨٤، ٨٥

عمرو بن جموح انصاری : ٩٢

عمرو بن الدحداح الانصاری : ٨٢

عیسی (ع) : ٧، ١٤، ٢١، ٢٤، ٢٥، ٤٧، ١١٣

١٣٢، ١٤٠، ١٦٢

« ق »

قناده : ٢٣، ٣٥، ٣٧، ٥٢، ٥٦، ٥٨، ٦٢

٧٣، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٩٤، ٩٥، ٩٨، ١٠٧

١١٨

قتیبی : ٥١

قریش : ٢٠، ٦٣، ٧١، ٨٤

قطیة بن عامر : ٦٣

« ك »

کعب بن الاشرف : ١٥، ٣٧، ٣٩

« ص »

صرمة بن انس : ٦٠، ٦١

صهیب بن سنان : ٧٥، ٧٦، ٧٩

« ض »

ضحاک : ٤، ١٨، ٢٤، ٢٥، ٦١، ٦٦، ٧٠

٧٣، ٧٤، ٨٢، ١٠٥، ١٠٨، ١١٤، ١١٥

١١٦، ١٢٤، ١٢٥، ١٢٦، ١٢٧

« ط »

طاغوت : ١٦٣

طالوت : ١٠٧، ١٠٨، ١١٠، ١١١، ١٦١

ططوس بن اسپیانوس : ٢٣

« ع »

عامر بن صعصعه : ٧١

عایشه : ٨٧، ٩٤

عبدالله بن ابی امیة المخزومی : ٢٠

عبدالله بن ابی : ٧٩

عبدالله بن ابی نجیح : ١٨

عبدالله بن جحش : ٨٣، ٨٥، ٨٦

عبدالله بن رواحه : ٩٤

عبدالله بن سلام : ٥، ٢٧، ٧٦

عبدالله بن عمر : ٧٤

عبدالله بن مسعود : ٦٩، ٧٩

عبدالرحمن بن عوف : ٨٨، ١٢٠

عبدالله بن اشوع الحضرمی : ٦٢

مغان : ۱۲، ۱۳، ۳۷، ۱۱۶
مقاتل : ۳، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۲۸، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷

مقداد اسود : ۸۳

مكحول : ۷۰

ملك الموت : ۷۸

موسى (ع) : ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۷، ۷۹، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۶۱

ميكائيل : ۱۳، ۱۴، ۱۳۴

« ن »

نايله : ۴۴

نعمان : ۹۴

نمرود : ۲۸

نوح : ۸۲

نوفل بن عبدالله : ۸۵

« و »

واقدين عبدالله : ۸۴

وهب بن منبه : ۱۰۹

« ه »

هاروت : ۱۶، ۱۳۵

هارون : ۱۰۹، ۱۶۱

كليى : ۵، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۵، ۴۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۸، ۷۱، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۹۲، ۱۱۱
كنانه : ۶۳، ۷۱

« ل »

لاوى بن يعقوب : ۱۰۸

« م »

ماروت : ۱۶، ۱۳۵

مالك بن الضيف : ۱۵

مجاهد : ۷، ۲۴، ۳۷، ۴۵، ۵۲، ۵۶، ۷۸، ۸۰، ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۱۸

۱۱۹

محسن : ۸۴

محمد (ص) : ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۸، ۵۹، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۶

محمد بن اسحق : ۷۶

محمد بن كعب : ۸۰

مرشد بن بومرئد : ۹۱

مریم (ع) : ۷، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۶۲

معاذ بن جبل : ۶۲

معقل بن يسار : ۹۹

مخ : ۵

هرون : رك : هارون

«ی»

یحیی (ع) : ۸

یسار : ۹۹

یسع : رك : اليسع

يعقوب (ع) : ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۷۹، ۱۰۴

۱۰۷، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱

۱۵۳، ۱۶۰

يوشع بن نون : ۱۰۷، ۱۰۸

نامهای جایها

حذیبیه : ۶۶، ۶۷، ۸۷	«الف»
«خ»	احد : ۴۳، ۸۷
خیبر : ۸۷	اردن : ۱۱۰
خیف : ۷۲	«ب»
«ز»	بابل : ۱۶، ۱۳۵
روم : ۲۳	بدر : ۴۳، ۸۲، ۸۷
رومیه : ۲۴	بیت المقدس : ۲۳، ۲۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹،
«ش»	۵۳، ۴۱
شام : ۸۴	«ت»
«ص»	تبوك : ۸۷، ۱۲۰
صفا : ۴۴، ۱۴۳، ۱۴۴	«ج»
«ط»	جزیره عرب : ۶۵
طایف : ۷۵، ۸۴، ۸۷	«ح»

«م»

مدینه : ۱۰، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۷۵، ۷۶، ۷۹،

۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۱۰۳، ۱۲۶

مروه : ۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲

مزدلفه : ۷۱، ۱۵۱

مکه : ۸، ۱۲، ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۶، ۳۷

۳۹، ۴۴، ۴۶، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹

۷۶، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۳۸، ۱۵۱

منا : ۷۲، ۷۴

«ن»

نجران : ۲۴

«ی»

یمن : ۷۱

«ع»

عرفات : ۷۰، ۷۱، ۱۵۱

عموریه : ۲۲

«ف»

فلسطین : رك : فلسطین

فلسطین : ۱۰، ۱۱۰

«ق»

قسططنیه : ۲۳

«ك»

کعبه : ۲۶، ۲۹، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱

کوفه : ۱۶

نامهای کتابها

« ص »	انجیل: ۹، ۲۱، ۲۲، ۳۴، ۳۶، ۴۰، ۵۳، ۵۵
صحف: ۳۲	۵۷
« ف »	« ت »
فرقان: ۸	ترجمه تفسیر طبری: ۱۵۱
« ق »	ترجمه وقصه های قرآن: ۱۵۱
قرآن: ۵، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۴۲، ۴۵	توریت: ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۱
۱۵۸، ۱۴۸، ۵۸	۵۳، ۵۲، ۴۵، ۴۰، ۳۹، ۳۶، ۲۷، ۲۲
	۱۴۲، ۱۱۶، ۱۰۹، ۹۳، ۸۱، ۷۷، ۵۵
	۱۴۴

صوابنامه

ص ۵	س ۱۸	آیه ۸۵ (مربوط به سطر ۲۰ است)	ص ۸۸	س ۱۴	[۸۲]
ص ۶	س ۴	ان یا توکم	ص ۹۰	س ۲۰	والله
ص ۱۱	س ۳	قالوا	ص ۹۷	س ۱۱	الایقما
ص ۱۴	س ۱۱	مژده دهنده	ص ۹۸	س ۱۳	ضرارالتعتدوا
ص ۱۴	س ۱۹	ما یکفر	ص ۱۰۱	س ۱۰	ولاتعزموا
ص ۴۷	س ۲	اندر کشتی ها	ص ۱۰۶	س ۴	من ذا الذی
ص ۵۶	س ۴	خواسته است	ص ۱۰۷	س ۲	لنبی
ص ۵۹	س ۵	استجب لکم	ص ۱۱۷	س ۱	لبثت
ص ۶۶	س ۱۸	که زفتی مکنید	ص ۱۲۲	س ۱۳	آیه ۲۶۵
ص ۷۵	س ۱۷	بس بود	ص ۱۳۷	س ۱۳	آفریدگار
ص ۷۵	س ۱۸	و لبس	ص ۱۴۴	س ۲	اندر پذیر و بسیارده
ص ۸۳	س ۱	ماذا ینفقون	ص ۱۶۴	س ۱۶	اندهگین